تاریخ تشکیلات

در اسلام



دکتر محمدرضا شهیدی پاک

بسم الله الرحمن الرحیم

تاریخ تشکیلات در اسلام

نویسنده:

محمدرضا شهیدی پاک

ناشر چاپی:

جامعة المصطفی (صلی الله علیه وآله) العالمیة

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تاریخ تشکیلات در اسلام

مشخصات کتاب

سرشناسه:شهیدی پاک، محمدرضا، ۱۳۴۱-

عنوان و نام پدیدآور:تاریخ تشکیلات در اسلام [کتاب]/محمدرضا شهیدی پاک.

مشخصات نشر:قم : مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری:[۳۸۴] ص.: مصور، نمودار.

فروست:پژوهشگاه بین المللی المصطفی (ص)؛ ۱۶۹.

شابک:۱۲۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۶۶۷-۹ : ؛ ۱۸۰۰۰۰ ریال(چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی:فاپا

یادداشت:چاپ دوم: ۱۳۹۳(فیپا).

یادداشت:کتابنامه: ص. [۳۷۳] - ۳۸۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع:اسلام -- حکومت

موضوع:اسلام و سیاست -- تاریخ

موضوع:اسلام و دولت -- تاریخ

موضوع:اسلام و اقتصاد

رده بندی کنگره:BP۲۳۱/ش۹۴۵ت۲ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی:۲۹۷/۴۸۳۲

شماره کتابشناسی ملی:۳۰۴۰۹۳۸

ص:۱

اشاره

تاریخ تشکیلات در اسلام

دکتر محمدرضا شهیدی پاک

ص:۳

تاریخ تشکیلات در اسلام

ص:۴

سخن ناشر

تحوّلات اجتماعی و مقتضیات نوپدید دانش ها و پدیدآمدن دانش های نوین،نیازهایی را به وجود آورده که پاسخ گویی به آنها،ایجاد رشته های تحصیلی جدید و تربیت نیروهای متخصّص را ضروری می نماید.از این رو کتاب های آموزشی نیز باید با توجه به این دگرگونی ها تألیف شود.

جهانی شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه های فرهنگی و ارتباطی،اقتضا دارد که تمام دانش پژوهان و علاقه مندان به این مباحث, با اندیشه های بلند و ارزش های متعالی آشنا شوند, و این مهم با ایجاد رشته های تخصصی و تولید متون جدید و غنی،گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید.

بالندگی مراکز آموزشی, در گرو نظام آموزشی منسجم،قانونمند و پویاست.هم چنین بازنگری متن ها و شیوه های آموزشی و به روز کردن آنها موجب حفظ نشاط علمی مراکز آموزشی است.

حوزه های علوم دینی به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی،سالیانی است که در اندیشه اصلاح ساختار آموزشی و بازنگری متون درسی اند.

ص:۵

«جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه»به عنوان بخشی از این مجموعه که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد،تألیف متون درسی مناسب آموزشی را سرلوحه تلاش های خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی،حاصل این تلاش است.

«مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله»با تقدیر و تشکر از مؤلف محترم و تمام عزیزانی که در پیدایش این اثر،همکاری و همفکری کرده اند, آن را به جویندگان فرهنگ و اندیشه ناب اسلامی تقدیم می کند.

مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله

مقدمه پژوهشگاه بین المللی المصطفی صلی الله علیه و آله

حقیقت مداری اصیل ترین و زیباترین راز هستی و حقیقت طلبی ماندگارترین و برترین گرایش آدمی است.

داستان پر رمز و راز حقیقت جویی بشر،سرشار از هنرنمایی مؤمنان،مجاهدان و عالمانی است که با تمسک و پای بندی به حقیقت بی منتها،درمصاف بین حق و باطل،سربلندی و شرافت ذاتی حق را نمایان ساخته اند و در این میان،چه درخشندگی چشم نوازی در اسلام عزیز است که علم را،به ذات خود،شرافت مند و فخیم دانسته و از باب تا محراب کائنات را سراسر علم و عالم و معلوم می نمایاند و در مکتب آن،جز اولوالعلم و راسخان در مسیر طلب دانش،کسی را توان دست یابی به گنجینه های حکمت نیست.

علم برخاسته از وجدان پاک و عقل سلیم،در پرتو انوار آسمانی وحی،هم به فرد کمال انسانی،عظمت روحی و رشد معنوی می بخشد و فکر،اندیشه و خیال او را به پرواز درمی آورد و هم جامعه را سمت وسویی سعادت مندانه بخشیده و آن را به جامعه ای متمدن و پیشرو متحول می کند.بی توجهی و یا کوته فکری است اگر فرد و جامعه ای به دنبال عزت،استقلال،هویت،امنیت،سعادت و

سربلندی مادی و معنوی باشند اما آن را در صراطی غیر از حقیقت طلبی،علم اندوزی و حکمت مداری الهی طلب نمایند.

انقلاب سراسر نور اسلامی ایران که داعیه جهانی سازی کلمه الله و برپایی تمدن جهانی اسلام را داشته و فروپاشی و افول تمدن های پوشالی غرب و شرق را به نظاره نشسته است،با اندیشه فقاهتی در اداره حکومت و نظریه مترقی«ولایت فقیه»،طرازی از مسئولیت ها و مأموریت های حوزه های علمیه و روحانیت را عرضه نمود که امید و نشاط را نه تنها در شیعیان و مسلمانان،بلکه در دل تمامی آزادی خواهان و حق طلبان سراسر جهان زنده ساخت.در این راستا،رهبر فرزانه انقلاب(مدظله)با عزمی مصمم و با تمامی توان،همچون پیر و مراد خود خمینی کبیر رحمه الله،در صحنه حاضر شده و بر خطورت و فوریت حرکت فراگیر و بی وقفه همه توان مندی ها و اراده ها جهت تحقق جنبش نرم افزاری و نهضت تولید علم و تحول در علوم انسانی و نیز یافتن راه های میان بر و دانش فزا در این خصوص،تأکید ورزیده و پیشرفت این مهم را راهبری و رصد می کنند.

جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه،نمادی درخشان از این رسالت جهانی و همت بین المللی انقلاب اسلامی است که بار مسئولیت تربیت مجتهدان،عالمان،محققان،متخصصان،مدرسان،مبلغان،مترجمان،مربیان و مدیران پارسا،متعهد و زمان شناس را بر دوش داشته و با تبیین،تولید و تعمیق اندیشه دینی و قرآنی و گسترش مبانی و معارف اسلامی،به نشر و ترویج اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و معارف بلند و تابناک مکتب اهل بیت علیهما السلام جامه تحقق می پوشاند.

پژوهشگاه بین المللی المصطفی صلی الله علیه و آله نیز که مهم ترین و گسترده ترین مجموعه پژوهشی المصطفی صلی الله علیه و آله است،بومی سازی و بازتولید اندیشه دینی معاصرمتناسب با نیازها و اقتضائات عرصه بین الملل،تبیین،تولید و تعمیق اندیشه دینی،

گشودن افق هـای نوین فکری و معرفتی در دنیای معاصـر،پاسـخ گویی به مسائل و شـبهات فکری و معرفتی مخاطبان و تأمین و تـدوین متون و منـابع درسـی و کمک درسـی به ویژه با رویکرد اسـلامی سازی علوم و پشتیبانی علمی از فعالیت های سازمانی المصطفی صلی الله علیه و آله را از جمله مأموریت ها و تکالیف خود می داند.

اثر علمی پیش روی نیز که به همت مؤلف محترم جناب آقای دکتر محمدرضا شـهیدی پاک برای رشـته تمدن اسـلامی،مقطع کارشناسـی ارشـد تهیه و تـدوین شـده است،درچـارچوب همین اهـداف و برنـامه هـای پژوهشـگاه و مبتنی بر نیازسـنجی هـای صورت گرفته،تدوین و برای استفاده خوانندگان محترم تقدیم شده است.

در پایان لازم است ضمن ارج نهادن به تلاش های خالصانه مؤلف محترم،از کلیه دست اندرکاران محترم آماده سازی و انتشار این اثر ارزشـمند،به ویژه همکـاران محترم مرکز بین المللی نشـر و ترجمه المصـطفی صـلی الله علیه و آله و همه عزیزانی که به نحوی در تدوین و انتشار آن نقش داشته اند،قدردانی و تشکر نماییم و از خداوند متعال برای ایشان و همه خادمان عرصه تبلیغ و نشر مفاهیم و معارف دینی،آرزوی بهروزی،موفقیت و سعادت نماییم.

پژوهشگاه بین المللی المصطفی

ص:۹

فهرست

ص:۱۲

ص:۱۳

ص:۱۴

ص:۱۶

ص:۱۷

ص:۱۸

مقدمه مؤلف

ن وَ الْقَلَمِ وَ ما يَسْطُرُونَ

«اوصيكم بتقوى الله ونظم أمركم»

تاریخ تشکیلات،بخش اصلی تاریخ اجتماعی و سیاسی و مهم ترین نشانه تغییرات اجتماعی و حیات اجتماعی و سیاسی و پیشرفت ملت هاست.ظهور اسلام،علاوه بر پیدایش دین جدید در جهان،باعث تغییرات اساسی و بنیادین در نظام اداری و نهادها و سازمان ها دولتی در عرصه جهانی است.دیوان سالاری و دولت در سرزمین های اسلامی،دارای اصالت بومی و با بنیان دینی اسلامی است.توصیه به تنظیم دولتی امور و اهمیت دولت مرکزی،با تأسیس نخستین دولت شهر در جزیره العرب آغاز شد که در پی آن،تا قرن نهم میلادی حدود ۱۵۰۰ شهر با ویژگی ها و براساس الگوی آن شهر دولتی که مرکز اولین دولت اسلامی بود،به وجود آمد.شکل کلاسیک دیوان سالاری اسلامی بیش از هزار سال در نقاط مختلف سرزمین های اسلامی تجربه شد.این تجربه موفق که مبتنی بر نهاد خلافت و امامت و سلطنت و در یک مورد بر اساس جمهوری بود،میراثی از تجارب دیوان سالاری در قرون وسطا در جهان است که موجب شگفتی برخی

محققان اروپایی از جمله«فرانسیس بیکن انگلیسی»بوده است.

تأسیس حدود سیصد دولت مستقل و نیمه مستقل با شاخه ها و زیرمجموعه های گوناگون،به وسیله مسلمانان در دوره اسلامی در جزیره العرب،ایران،شبه قاره هند،آناتولی،ماوراءالنهر،غرب اسلامی،از دولت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله(۱-۱۱ه)تا آخرین دوره کلاسیک خلافت اسلامی به وسیله ترک های عثمانی(۶۸۰ه-۱۳۴۲ه)تولید حجم عظیمی از معارف اداری را در پی داشته است.

از آغاز قرن سوم هجری،تولید آثار کلاسیک در تشکیلات اسلامی آغاز شد.در منابع متأخر اسلامی،از دولت با عنوان مخزن و از«علم دولت»یاد شده است.

این دانش ها که بیانگر توانایی مسلمانان در اداره تحولات اقتصادی،نظامی،سیاسی،اجتماعی و دینی است،به صورت دیوان ها،سازمان ها،ادارات و نهادها و مناصب و مشاغل و حِرَفی است که آنها را اصطلاحاً«تشکیلات اسلامی»نامیده اند که با عنوان«النظم الاسلامیه و التراتیب الاداریه»نیز از آنها یاد شده است.در این زمینه درباره سازمان هایی که مسلمانان برای اداره جوامع بر پا کردند،نوشته ها و اسناد فراوانی وجود دارد که دارای ارزش تمدنی و فرهنگی بسیار بالایی است.

از جمله این میراث،فرامین و راهنمایی های خردمندانه در اداره امور است که به گونه ای اجمالی خطمشی کشورداری را بیان کرده است.در رأس آنها،فرمان اداری خلیفه چهارم مسلمین و رئیس نخستین دولت های اسلامی است که به و الی خود مالک اشتر نوشت.این فرمان معجزه آسای رئوس اساسی ادارات که در همه جوامع کاربرد دارد را به گونه ای آورده است که رعایت آن،مستلزم تأمین سعادت،عدالت،احساس مسئولیت و تکلیف برای حاکم و کارگزاران او در اداره جوامع می شود.این امور چهارگانه غایت سیاسی و اخلاقی همه دولت ها از زمان

ارسطو تاکنون بوده است.ازاین رو بررسی تاریخ تشکیلات اسلامی،از مواد اصلی درسی در گرایش تاریخ و تمدن ملل اسلامی قرار گرفته است.بسیاری از نهادهای فرهنگی و محققان بین المللی این پدیده تمدن اسلامی را مورد توجه قرار داده اند و آن را نقد و تحلیل کرده اند؛از جمله ماکس وِبِر آلمانی (۱)و کلود کوهن (۲)محقق فرانسوی دانشگاه سوربن پاریس در مورد تشکیلات اسلامی و اصالت آن نظر داده اند و کوهن به اهمیت تشکیلات تعاونی ها و تازگی آن در جهان اسلام توجه کرده است.

فرهنگ و تمدن اسلامی از ظرفیت بسیار بالایی در سیر تاریخی تغییرات تشکیلات اسلامی برخوردار است و فضای پژوهشی خوبی را در این زمینه فراهم نموده است.اثر حاضر به عنوان کتاب درسی در مقطع کارشناسی ارشد-مطابق سرفصل های مصوب وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری-تدوین گردیده است.در این کتاب مهم ترین نهادهای حکومتی و ادارات دولتی،دیوان های حوزه خلافت و سلطنت،دیوان های اقتصادی،نظامی،دینی،دیوان رسائل و دیوان برید و وزارت و حجابت،تا حد امکان معرفی شده و شیوه کار براساس مراجعه به منابع اصلی موجود در مورد دولت های بزرگ بوده است.

در این پژوهش،بررسی تشکیلات از نخستین دولت اسلامی(دولت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله)آغاز شده و سپس به تبیین استمرار قدرت اسلامی و شکل گیری هسته های اولیه دیوان ها و نهادهای اداری در عصر راشدین و نیز گسترش دیوان ها در عصر اموی-با حفظ سیر تاریخی-پرداخته شده است.مهم ترین تشکیلات اسلامی مربوط به خلافت های بزرگ امویان اندلس،فاطمیان قاهره و

۱- (۱) . ۱۸۶۴-۱۹۲۰(M.Weber).

۲- (۲) - ۱۹۰۶-۱۹۹۱.(CLaude.Cohen).

عباسیان بغداد است.در این کتاب ابتدا نهادهای اصلی دولت(دارالخلافه)در عصر بزرگ ترین خلافت اسلامی-یعنی عباسیان-و دولت های وابسته به آنها مانند سامانیان،آل بویه،غزنویان و سلجوقیان بررسی شده،سپس نهادهای اداری دولت های بزرگ پس از خلافت عباسی،مانند ایلخانان،ممالیک مصر،خلافت عثمانی و سلطنت صفویان-که به طور رقابتی،نهادهای اداری سنتی را با تحولات جدیدی تأسیس کردند-معرفی شده است.در ضمن به تشکیلات برخی از دولت های کوچک که هم عصر دولت های بزرگ بوده اند نیز اشاره شده است.

پس از فروپاشی خلافت عثمانی و حذف قدرت مرکزی دولت در ایران پس از سقوط دولت صفوی،نظام اداری صفوی با تغییراتی به وسیله سلسله های محلی و دولت های افشار و زند و قاجار استمرار یافت و تا عصر پهلوی دوم نظام اداری ایران همچنان در چارچوب قدرت سلطنت تنظیم می شد و دستاوردهای اداری غربی که براساس نظام جمهوری به وجود آمده بود،به شکل واقعی مجال ظهور در ایران و سایر کشورهای اسلامی که دارای نظام سلطنتی بودند،به دست نیاورد؛در حالی که بسیاری از دولت ها در عرصه بین المللی،تشکیلات جدید اداره کشور را با قدرت جمهوری که از دستاوردهای انقلاب کبیر فرانسه بود،آزموده بودند.

امید است کتاب حاضر که از نخستین کتاب ها به زبان فارسی درباره مدخل تشکیلات اسلامی است،درآمدی بر تحقیقات گسترده درباره این تشکیلات باشد.

محمدرضا شهیدی پاک

قم-۵ اسفند ۱۳۸۹

ص:۲۲

کلیات

تبیین موضوع تحقیق و منابع اصلی

از جمله مظاهر تمدن اسلامی،مناصب،سازمان ها و مقام های سیاسی،اداری،مالی،قضایی،نظامی و دینی است که به وسیله دولت های اسلامی-از زمان دولت رسول خدا صلی الله علیه و آله تا پایان خلافت عثمانی-تأسیس گردیده و در اداره امور جوامع اسلامی به کار گرفته شده است؛به طوری که می توان گفت شخصیت امت اسلامی،در تشکیلات اسلامی ظاهر شده است.حجم تجربه و میراث مسلمانان در عرصه تشکیلات به اندازه ای است که در طبقه بندی میراث مسلمانان در عرصه های مختلف تمدن اسلامی بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است؛«تجارب الدول الاسلامیه»در عرصه اداره امور،عنوانی است که می توان بر این تجربه ها نهاد.این امر باعث ایجاد تاریخ نگاری در زمینه تشکیلات دولت های اسلامی شد و موجب نگارش آثار متعددی به وسیله رجال مؤثر در سازمان ها و ادارات دولتی گردید.این نوشته ها از لحاظ کمی و کیفی به حدی است که می توان از طریق آنها تصویر کامل و واضحی از دستگاه خلافت اسلامی و دولت های اسلامی،سازمان ها،مناصب و مشاغل آنها ارائه کرد.منابع کتاب شناسی

ص:۲۳

اسلامی از جمله«کشف الظنون»به منابع و تألیفات زیادی در زمینه تشکیلات اسلامی اشاره کرده که درباره تشکیلات اسلامی تدوین شده است. (۱)تولید منابع رسمی تشکیلات اسلامی به دوره نخست خلافت عباسی باز می گردد.کتاب های مربوط به تقسیمات اداری و تنظیم مالیات و خراج،مانند کتاب الخراج و صنعه الکتابه،تألیف«قدامه بن جعفر»(م۳۳۷ه/د۹۴۸م)،در حوزه خاص فقه اسلامی و جزو نخستین منابع تشکیلات اسلامی است.بسیاری از این منابع نیز با عنوان ادب الکاتب و ادب الوزیر و الاحکام السلطانیه از«ابن الفراء»(م۴۵۸ه)و«ماوردی»(م۴۵۰ه)و الاموال و خراج موجود است.از مشهورترین این منابع کتاب الاموال«ابن سلام»(م۲۲۴ه)است که در ضمن آن اشاره ای به تقسیمات و مراکز اداری و برخی مناصب و ولاه وکارگزاران اداره امور مالی کرده است.کتاب الوزراء«جهشیاری»(م۳۳۴ه)و«صابی»(م۳۰۹ه)از منابع اصلی تشکیلات اسلامی دوره آل بویه و دوم عباسی است.در عصر فاطمیان نیز چند اثر گران قدر،از جمله کتاب«ابن مماتی»(م۶۰۶ه)و«مسبحی»(م۶۸۶ه)در وصف تشکیلات این دولت تألیف شد که از منابع خاص تشکیلات اسلامی عصر سامانی و آل بویه و بخشی از مفاتیح العلوم«خوارزمی»محسوب می شود.منبع عصر سامانی و غزنوی و سلجوقی نیز کتاب سیاست نامه مربوط به خواجه«نظام الملک»حاجب بزرگ دولت سلجوقی است که به معرفی اجمالی مناصب پرداخته است.این کار خواجه در راستای نگارش کتب سلوک الملوک و نصیحه الملوک است که در تاریخ نگاری تشکیلات اسلامی شمار زیادی از آنها پدید آمده است.

آثارالاول فی ترتیب الدّول از حسن بن عبدالله عباسی(م۷۱۰ه)در یک جلد

۱- (۱) .حاجی خلیفه،صفحات متعدد.

وصف جامعی از جزئیات مناصب،به ویژه در زمینه ادارات مربوط به تشریفات دربار و دارالاماره و احوال وزرا و کتّاب و دیوان جیش و مراسم عرض آن و در مورد لباس سلطان و کارگزاران او،این کتاب حاوی اخبار بسیاری در مورد حرب و آداب آن و انواع سلاح و امور و قوانین مربوط به شکار و تفریحات سلطان و کارگزاران او است.

در بین آثار ابن المقفع باید از کتاب الادب الصغیر والادب الکبیر او یاد کرد و رساله فی الصحابه که حاوی دستوراتی در خصوص رفتار سلطان با اقشار مختلف مردم است. (۱)رساله فی الصحابه از جمله آثار مهم حکومتی او است که برای منصور عباسی نوشت و شامل دستور العمل های کلی در مورد شناخت علما و کارگزاران و رفتار و سیره و ماهیت طبقات مردم عراق،شام،حجاز،یمن و سایر نقاط است. (۲)

جامع ترین و کامل ترین کار در این زمینه به وسیله«ابی العباس احمد بن عبدالله قلقشندی»(۸۲۱ ق)پدید آمد.او از علمای شافعی مصر،ادیب،فقیه،نسب شناس قرن هشتم و نهم هجری و معاصر دولت ممالیک مصر و دولت بنی حفص و بنی مرین در مغرب است.این دولت ها-به ویژه دولت بنی حفص-چهره کاملی از تشکیلات اسلامی را بر محور سازمان خلافت اسلامی ارائه کردند. (۳)قلقشندی در کتاب صبح الاعشی فی کتابه الانشاء،نمایه نسبتاً کاملی از تشکیلات اسلامی ارایه نموده است.پیش از او«شهاب الدین احمد بن یحیی بن فضل الله العمری»(۷۴۹ ق)در مسالک الابصار فی ممالک الامصار،به تفحص

۱- (۱) .ابن المقفع،ص ۲۹۴-۲۹۶.

۲- (۲) .ابن المقفع،ص ۳۰۹-۳۲۶.

۳- (۳) .شهیدی پاک،حفصیان،ص ۱۰۰.

تاریخی و جغرافیایی در ممالک اسلامی اقدام نموده و در هر سرزمین به تشریح آن دولت از نظر ساختار تشیکلاتی،سازمان ها و مناصب و ارباب وظایف پرداخته است.قلقشندی در مورد خلافت اسلامی نیز کتاب مستقلی تدوین کرده و موضوعات مطرح شده در خلافت از جمله القاب و جایگاه دینی خلیفه و خلفا را تشریح کرده است.این کتاب مآثر الاناقه فی معالم الخلافه نام دارد.عالم مصری معاصر وی«ابن اخوه»(م۷۲۹ق)که شکل دهنده یکی از شاخه های مهم تشکیلات در«حسبه»بود،اثری تخصصی به نام معالم القربه فی احکام الحسبه را خلق کرد.ابن خطیب کارگزار بلند پایه دولت غرناطه و حاجب اندلسی چند اثر ویژه تشکیلات اسلامی تدوین کرد. (۱)

در مورد تشکیلات دولت عثمانی،باید گفت که المنوفی(م۱۰۲۳ه)در کتاب لطائف اخبار الاول،در پایان گزارش هر خلیفه عثمانی،از صاحب منصبان او یاد کرده است.«اسماعیل حقی»و«اوزون چارشلی»در کتاب های خود گزارش هایی از ادارات عثمانی ارائه کرده اند.

در عصر صفوی نیز چند کتاب دستورالملوک مربوط به قوانین کشوری و لشکری و ساختار اداری وجود دارد؛از مهم ترین آنها که مورد توجه محققان نیز بوده است،کتاب دستورالملوک«میرزا رفیعا»نویسنده قرن دوازدهم هجری است.از کتاب سلوک الملوک،تألیف«فضل بن روزبهان خنجی»(۹۲۷ه(که معاصر صفویان است نیز می توان نمایه ای از موضوعات تشکیلات اسلامی در دولت های شرق جهان اسلام-به ویژه دولت های ماوراء النهر-در زمینه نظام قضایی و حسبه به دست آورد.

۱- (۱) .ابن خطیب،ج۱،ص۲۴.

«خزاعی تلمسانی»(م۷۸۶ه)و مقلد و محرر او«کتانی»(م۱۳۷۵ه(دو مغربی هستند که آثارشان به ترسیم چهره اداری حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص دارد؛چراکه مدعی هستند رسول خدا صلی الله علیه و آله،بنیان گذار تشکیلات اسلامی است.در بسیاری از منابع نیز تنظیمات اسلامی و مفاهیم مربوط به آن به طور استطرادی آمده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱.منابع رجالی؛الولاه وکتاب القضاه کندی(م۳۵۰ه)و اخبار القضاه وکیع(م۳۰۶ه)و نیز آثار الوزراء ابوالرجاء قمی(م۵۸۴ه)که کارگزاران دولت های اسلامی را معرفی کرده است.

۲.منابع مربوط به فتوحات؛مانند فتوح بلاذری،الفتوح ابن اعثم و فتوح ابن عبدالحکم(مربوط به مصر)و فتوح افریقیه.

۳.تألیفات جغرافیایی به ویژه البلدان یعقوبی که خود در رأس دیوان برید(مهم ترین اداره و ترتیب اداری خلافت اسلامی)بوده است،اهمیت ویژه ای در تاریخ تشکیلات دارند.الاعلاق النفیسه ابن رسته،احسن التقاسیم مقدسی و صوره الارض ابن حوقل نیز بیان کننده اخبار تشکیلاتی قابل توجهی است.

۴.در میان تاریخ های عمومی،تاریخ طبری و مسعودی،مهم ترین اعمال تشکیلاتی و مؤسسات و وظایف اداری مسلمانان و برخی حوادث مهم اداری،مانند تغییر زبان دیوان از فارسی به عربی و تأسیس دیوان های جدید مورد نیاز در دولت های اسلامی را گزارش کرده اند.

۵.از مهم ترین نوشته های تاریخی،کتاب های تاریخ محلی شهرها است؛مانند تاریخ قم که در نوع خود از بهترین گزارش ها درباره تشکیلات اداری،تقسیمات کشوری و وظایف دیوان های مالی خلافت عباسی،به ویژه در قم است.تاریخ مکه ازرقی و تاریخ مدینه ابن شُبَّه نیز به بسیاری از مناصب اداری اشاره کرده است.

۶.کتاب های فقه اسلامی که زیربنای مبانی نظری و ریشه تنظیمات و ادارات اسلامی است،بیش از منابع دیگر حاوی واژه های اداری و تشکیلاتی است.این کتاب ها شامل مسائل مختلف جامعه اسلامی در احوال فردی و روابط فقهی اجتماعی است؛همچنین در بردارنده اصطلاحات مربوط به نوع مالکیت اموال و اراضی،واژه های مربوط به آزادی بردگان،اصطلاحات حقوق جزایی خاص و عام،اصطلاحات مربوط به امور اراضی،امور خراج و مالیات و وزن و مقدار،مسئله ازدواج،طلاق و میراث می باشد که از موارد زیربنایی تشکیلات اسلامی هستند.

۷.در کتاب های ادبیات عمومی مانند البیان و التبیین جاحظ و سایر آثار او،عیون الاخبار دینوری،عقدالفرید ابن عبدربه،و الاغانی ابوالفرج اصفهانی و رسایل ابوبکر خوارزمی،مطالبی را مربوط به اداره و مؤسسات تشکیلاتی وجود دارد.

بنابراین می توان گفت که موضوع تحقیق،مناصب سازمان ها،تشکیلات خلافت،وزارت،امارت و نهادهای سیاسی،نظامی،اداری،قضایی،مالی،دینی و فرهنگی و نیز اصناف مؤثر در تشکیلات اسلامی در طول تاریخ اسلام از عهد پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله تا خلافت عثمانی است.

هدف و ضرورت تحقیق

هدف از این تحقیق آشنا ساختن دانشجویان با مناصب سیاسی و مالی و نیز سازمان ها و دیوان های حکومتی،اداری،قضایی،نظامی،انتظامی،امور حسبه دولت های اسلامی و چگونگی تکوین و تطور تاریخی آنها است؛چراکه توجه دانشجویان نسبت به میراث تاریخی تشکیلات ایران و اسلام باعث بیدار شدن حافظه تاریخی آنها درباره خودکفایی مسلمانان در مدیریت و اداره امور جامعه در دوره شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی خواهد شد.در دوره معاصر،جوامع

ص:۲۸

اسلامی با هجوم روزافزون دستاوردهای جدید علوم انسانی در زمینه حقوق جدید و علم مدیریت مواجه شده اند و در این میان،میراث تمدن اسلامی در عرصه سازمان و نظام اداری به فراموشی سپرده شده و توانایی مسلمانان در اداره کارآمد جوامع،مورد غفلت قرار گرفته است.این وضعیت به ویژه بعد از فروپاشی خلافت عثمانی نمود بیشتری داشته است؛ازاین رو برخی از محققان عرب در دهه های اخیر کوشیده اند تا با انتشار آثاری با عنوان«النظم الاسلامیه»حافظه امت اسلامی را نسبت به گذشته تشکیلات اسلامی بیدار و فعال نمایند و این باور را در مسلمانان زنده کنند که امکان برپایی مجدد تشکیلات اسلامی و اداره امور مسلمین در محدوده شریعت و فقه و قوانین اسلامی وجود دارد.

این سنت در گذشته میان برخی محققان وجود داشته که تلاش کرده اند با نگارش آثاری در این زمینه حکام وقت را متوجه میراث اداری گذشته مسلمانان ساخته و امکان تطبیق شریعت را به آنها گوشزد کنند؛از جمله این آثار کتاب سلوک الملوک خنجی(م۹۲۷ه)است که آن را برای عبیدالله خان،حاکم بخارا نوشت و او را در اقامه دولت اسلامی و تطبیق آن بر شریعت راهنمایی کرد؛هرچند که او هرگز به دستورات این کتاب عمل نکرد.در اوضاع کنونی که جمهوری اسلامی داعیه دار تطبیق امور بر شریعت است،آشنایی با تاریخ نظام تشکیلات اسلامی،ضرورت بیشتری یافته است.

ص:۲۹

تشکیلات در جزیره العرب پیش از اسلام

اشاره

مشهور منابع و مآخذ تاریخی حاکی از وجود دو دولت با نظام اداری پیشرفته در اطراف شبه جزیره عربستان است که تجربه تأسیس دولت و استفاده از قدرت برای ایجاد نظم اداری را در خود دارند. (۱)این منابع،شواهد تاریخی بسیاری در مورد نظم سیاسی و اداری دولت های ایران و روم و توان بسیار بالای این دو امپراتوری در اداره امور اقتصادی سیاسی،اجتماعی،فرهنگی،نظامی ارائه کرده اند.در مورد اصالت تشکیلات اسلامی نسبت به تمدن ایران و روم چهار نظریه وجود دارد:

۱-اصالت رومی تشکیلات اسلامی

برخی محققان تمایل دارند ریشه تشکیلات عربی اسلامی را به بیزانس و تشکیلات رومی برسانند (۲)و آن را متأثر از نظام اداری رومی و زیرمجموعه فرهنگ تشکیلاتی رومی-یونانی قلمداد نمایند.

ص:۳۱

۱- (۱) .صبحی صالح،ص۱۹،۲۴،۲۸،۳۰،۳۵،۳۷؛جواد علی،ج۱،ص۱۷۸،۱۹۶،۱۹۷،۲۰۷،۲۱۸؛زیدان،ص۱۱؛معاضیدی،ص۱۵۸، ۱۶۰؛مسعودی،مروج الذهب،ج۱،ص۲۴۰، ۳۲۰؛طبری،ج۱،ص۳۳۸،۴۱۷،۵۴۷،۲۶۶، ۲۹۱،ج۵،۱۹۹، ۱۱۴؛یعقوبی،ج۱،ص۱۶۳.

۲- (۲) .زیدان،ص۱۱؛حاج حسن،ص۳۴.

۲-اصالت ایرانی تشکیلات اسلامی

اشاره

گروهی از محققان،ریشه تشکیلات عربی-اسلامی را در قالب و محتوا به ایران رسانده اند (۱)و آن را جلوه توسعه و استمرار نظام دیوان سالاری ایرانی دانسته اند. (۲)این نظریه دارای شواهد بسیاری است که به بخشی از آن اشاره می کنیم:

در عهد ساسانیان تشکیلات گسترده اداری در ایران شکل گرفت و این تشکیلات به امپراتوری ساسانی که همواره از طرف دولت های غرب و شرق در حال تهدید بود (۳)اجازه داد به تدبیر خوب و معتدل کشور بپردازد.از نکات جالب توجه که مؤید نظریه دوم است انعکاس گسترده وصف تشکیلات ایرانی پیش از اسلام در منابع عربی است.برخی محققان عرب در قرن های نخستین تمدن اسلامی،بزرگ ترین خصلت شاهان ایران در عهد ساسانی را حسن سیادت و تدبیر نوشته اند. (۴)جاحظ از پیشوایان ادیب عرب،به انتقال و فراگیری مملکت داری و آیین کشورداری از ایران ساسانی به حوزه عربی اعتقاد راسخ دارد و تشکیلات ساسانی را سرمشق دولت ها و ممالك شرقی دانسته است. (۵)او در این پژوهش چند نمونه از عناصر اصلی تشکیلات را که از حوزه ایرانی به تشکیلات اسلامی-عربی وارد شده است مورد بررسی قرار می دهد:

الف)دیوان

از جمله عناصر اصیل سازمان اداری«دیوان»است.دیوان،کلمه ای پهلوی و

ص:۳۲

۱- (۱) .محمدی،تاریخ،ص۶۴.

۲- (۲) .ابن طقطقی،ص۳۴؛یعقوبی،ج۱،ص۱۶۵.

۳- (۳) .کریستین سن،ص۸۴،۸۷،۹۲،۹۵.

۴- (۴) .جاحظ،التاج،ص۱۰۴.

۵- (۵) .جاحظ،التاج،صفحات متعدد.

مترادف اداره است.وجوه مختلفی در وجه نـام گـذاری آن آورده انـد؛از جمله در منابع عربی،مفهوم ایرانی واژه دیوان،یکی از نـام هـای شـیاطین است،که به وسـیله کسـرا به دلیـل سـرعت و مهـارت کاتبـان و دامنه آگـاهی های آنها بر انواع امور،به محل جلوس و دفتر کار آنها گفته می شد. (۱)تاریخ نویسان،قدمت کاربرد واژه دیوان در مفهوم اداره و تنظیم امور را به خشایارشاه و داریـوش بزرگ(۴۸۰-۵۲۱ ق)رسانـده انـد؛ (۲)او از پادشاهـانی اسـت کـه در تنظیـم امـور و تجدیـد سازمـان اداری کشـور اقـدامات مهمی انجـام داد.پلوتارخ نیز از آرشـیو مخصوص و دبیران دربار خشایارشاه یاد کرده است. (۳)در منابع عربی،برخی دیـوان هــای عصــر کیانیــان،از«لهراسـب شـاه کیـانی»بـه عنـوان نخسـتین بنیانگــذار دیـوان سـپاه نـام برده انـد. (۴)به نوشـته مورخان،آخرین چیزی که اسکندر از هخامنشیان گرفت،دیوان های متعدد دولتی در کاخ های آنها بود. (۵)

ب)پیوستگی دین و سیاست

در جغرافیای اداری ایران باسـتان،شـهرها مرکز اداری و دینی است و ادارات دینی در کتاب مشاغل کشوری عملکرد پیوسـته و متـوازنی دارنـد.ویژگی اصـلی نظـام تشـکیلات ایرانی به ویژه عصـر ساسـانی که پیشـرفت کمی و کیفی آن در منـابع نخسـتین اسلامی منعکس شده است،تمرکز قدرت بر محور پیوستگی و اتحاد دین

ص:۳۳

۱- (۱) .ابن الفراء،۲۳۷،مقدمه ابن خلدون،ص ۴۳۱،مقریزی،خطط،ج ۱،ص ۲۶۲.

۲- (۲) .مسعودی،التنبیه؛ص ۷۸؛یعقوبی،ج ۱،ص ۱۶۵؛رجبی،ج ۳،ص ۸۱،۷۹؛کریستین سن،ص ۱۵۳،۱۸۹،۱۹۰.

۳- (۳) .محمدی،تاریخ،ص ۶۸.

۴- (۴) .حمزه،ص ۳۱-۴۳.

۵- (۵) .طبری،ج ۱،ص ۳۳۸.

و پادشاهی است. (۱)این ویژگی در دولت های اسلامی از راشدین تا صفویان حفظ شد؛به طوری که آنها خود را جامع قدرت پیوسته دین و دنیا می دانستند.

ج)خاتم

بلاذری در شمار دیوان های ساسانی از پنج مهر(خاتم)یاد کرده است (۲)که هر مهر،نماینده دیوان خاصی بود.این دیوان ها در حکم وزارتخانه های امروزی بود که در اختیار یک صاحب الزمام یا مهردار سلطنتی بوده است. (۳)البته در منابع از دیوان های ایرانی دیگری نیز نام برده شده است، (۴)مانند مهرهای انوشیروان که شامل مهر تذکرات،مهر نامه ها و فرمان ها،مهر برات ها،مهر بخشودگی گناهان،مهر انبارهای لباس و گنجینه ها و عطرهای شاهی،مهر فرمان قتل،مهر مالیات،مهر املاک،مهر اقطاع،مهر املاک و مهر چاپارخانه ها می شد.در نقاط دیگر ایران نیز دیوان های خاصی به نام هر شهر وجود داشته است؛مانند دیوان بخارا،دیوان اصفهان و دیوان مرو.

د)سکه

یکی از زمینه های مهم شکل گیری تشکیلات اسلامی بر اساس تشکیلات ایرانی،رواج مسکوکات ایرانی تا چندقرن پس از ظهور اسلام با علائم ایرانی است؛از جمله در مازندران که علاوه بر نام خلیفه اسلامی واژه های پهلوی هم در آن نقش بسته است. (۵)در سکه های عصر خلفا،تصویر شاهان ایرانی هنوز روی

ص:۳۴

۱- (۱) .مسعودی،التنبیه،ص ۹۰و۹۱.

۲- (۲) .بلاذری،ص ۴۲۴.

۳- (۳) .بلاذری،ص ۷.

۴- (۴) .مسعودی،التنبیه،ص ۹۴؛مروج الذهب،ج ۱،ص ۲۶۲.

۵- (۵) .محمدی،ص ۷۲و۷۳.

مسکوکات اسلامی وجود دارد؛مانند مسکوکات عصر راشدین که زیر تخت شاه ساسانی (۱)واژه«نوش خور»ضرب شده است. (۲)

ه)گاه شماری و تاریخ

قوانین و رسوم تشکیلات ایرانی در زمینه گاه شماری،در برخی از دیوان های عربی و اسلامی تا دوره عباسی-از جمله در دیوان قم-همچنان باقی بوده است. (۳)

و)منصب کتابت و کاتبان

این شغل از ارکان اصلی تشکیلات اسلامی (۴)و توسعه منصب دبیری و عهد ساسانی است.ابن ندیم از نوشتن نامه های اداری با خط خاص یاد کرده است (۵)و خوارزمی،دبیران دولت ساسانی را به هفت دسته تقسیم کرده (۶)که هر کدام عهده دار امری خاص بوده اند.طبقه دبیران از طبقات ممتاز تشکیلات سیاسی ساسانی است که مختص به اشراف و بزرگ زادگان بوده است.همچنین در رأس جماعت کاتبان ایران،دبیری به عنوان رئیس طبقه دبیران قرار داشت که آن را به«حافظ الکتّاب»ترجمه کرده اند؛آن هفت دسته عبارتند از:

۱.داد دبیهر؛دبیر احکام حقوقی و دادگستری.(داد دفَیرَه)

ص:۳۵

۱- (۱) .محمدی،ص۹۴.

۲- (۲) .بیهقی،ص۵۰۲.

۳- (۳) .تاریخ قم،صفحات متعدد.

۴- (۴) .جهشیاری،صفحات متعدد؛خوارزمی،ص۵۵؛ماوردی،ادب الکاتب،صفحات متعدد؛زیدان،ص۱۹۴،۱۹۵،۱۹۶.

۵- (۵) .ابن ندیم،ص۸۰.

۶- (۶) .خوارزمی،ص۱۱۳.

۲.شهر آمار(همار)،دبیهر یا دبیره الباب؛مسئول درآمد کشور و حساب های شهری.(شهرهمار دفیره)

۳.کذک آمار دبیهر؛دبیر خزانه و دبیر آمار ویژه شاه.(کده همار دفیره)

۴.آخور آمار دبیهر؛دبیر اصطبل شاهی.(آهر همار دفیره)

۵.کنز آمار دبیهر؛دبیر خزانه.(گنج همار دفیره)

۶.آتش آمار دبیهر؛دبیر امور آتش کده.(آتش همار دفیره)

۷.روانگان آمار دبیهر؛دبیر اوقاف و امور خیریه.(روانکان دفیره)

ابن ندیم به پیچیدگی و گسترش سازمان دبیران به عنوان روح و محور نظام تشکیلات ایرانی اشاره کرده است.او به نقل از ابن مقفّع آورده است که ایرانیان هفت خط برای امور مختلف داشته اند،از جمله خط«شاه دبیریه»که مخصوص مکاتبات شاهان بوده است و خط«کَستَج»که فقط عهود و اوقات پرداخت حقوق سپاهیان (۱)و اقطاعات و نقش و نگار انگشتر و سکه درهم فارسیان با این خط است. (۲)طبری و دینوری از دو ایرانی با نام«یزدک»به عنوان«کاتب سِر»و از رئیس دبیرخانه یا دیوان رسائل به نام«اسفاد جشنس»نام برده اند (۳)و چنان که خواهد آمد،منصب دبیری به وسیله قوانینی که کاتبان ایرانی تدوین کردند،در عصر اسلامی استمرار پیدا کرد.با ذکر این شواهد به نظر می رسد تشکیلات عربی،استمرار تشکیلات ایرانی است.

۳-اصالت عربی تشکیلات اسلامی

این دیدگاه بر ریشه های عربی تشکیلات دولت های اسلامی تأکید دارد.به عقیده

۱- (۱) .خوارزمی،ص۱۱۳.

۲- (۲) .ابن ندیم،ص۲۲و۲۳و۲۴.

۳- (۳) .طبری،ج۱،ص۴۸۶؛دینوری،ص۸۳.

پیروان این دیدگاه،با وجود وابستگی اعراب پیش از اسلام به حکومت ایران و روم و تأسیس دو دولت نیمه مستقل عربی،یعنی«دولت غسانی»در مرز شبه جزیره عربستان با روم و دولت«حیره»در مرز با ایران،باز هم اعراب در حجاز و نواحی مرکز و به دور از دو امپراتوری روم و ایران،نظام قبایلی سنتی خود را داشتند و در چارچوب همین نظام احساس استقلال می کردند و بسیاری از امور زندگی و قبیله ای را بر اساس رسوم ساده ای که داشتند،انجام می دادند.زیدان تصریح می کند که عرب ها استعداد کافی برای تشکیل هر نوع تمدن و فرهنگی را داشته اند.این اثر زیدان و نیز آثار متعدد جواد علی و تعداد زیادی از نویسندگان عرب برای اثبات اصالت تمدن(تشکیلات)عربی دلایل بسیاری ارائه نموده اند. (۱)در تأیید اصالت عربی تشکیلات اسلامی همین بس که پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بسیاری از تشکیلات عربی پیش از اسلام را امضا فرمود.

۴-اصالت اسلامی تشکیلات اسلامی

براساس این دیدگاه،ظهور اسلام انقلابی در تشکیلات اداری ایجاد کرد؛زیرا هنگام ظهور،وجه مشترک نظام پیشرفته اداری ایران و نظام اداری بیزانس و روم و شیوه های سنتی اداره در قبایل عرب،وجود روح بی عدالتی و ظلم حاکم بر آنها بود؛درحالی که آیین کشورداری اسلامی که به وسیله فقه و شریعت اسلامی ارائه شد،در پی عدالت و نجات انسان ها بود.فقه اسلامی،قانونی کامل و ابتکاری است و ریشه در آیین روم و ایران ندارد.این سیستم در قلمرو وسیع اسلام،موجب به بار نشستن نظم و عدالتی شد که قرن ها مجهول بود.اصالت تشکیلات اسلامی از پدیده های شگفت قرون وسطا بوده (۲)که مورد توجه محققان قرار گرفته است.

ص:۳۷

۱- (۱) .جواد علی،ج۵،ج۶،ج۷،ج۸،ج۹،ج۱۰،صفحات متعدد.

۲- (۲) .زیدان،۱۰،۸.

با وجود مذاهب گوناگون در فقه اسلامی،این فقه در همه نقاط امپراتوری اسلامی به یک اندازه ارزشمند و عامل مشروعیت حکومت بوده است،به طوری که بیشتر دولت های اسلامی مشاوران فقیه داشتند و فقه اسلام را اساس حکومت خود می دانستند؛تا جایی که در قرن هفدهم،«ولتر»فیلسوف و ادیب فرانسوی،بر اصالت و پویایی بسیاری از قوانین حقوقی اسلام در اداره آینده جوامع ایمان آورد (۱)اندیشمندان قرن نوزدهم و بیستم میلادی نیز در کنفرانس های متعددی بر اصالت و ابتکار نظام اداری اسلامی تصریح نموده اند. (۲)

برخی جزئیات تشکیلات اسلامی در جزیره العرب پیش از اسلام

اشاره

بررسی نظام اداری حجاز(مرکز تشکیل نخستین دولت اسلامی)اندکی پیش از اسلام نشان می دهد که شکل متمایزی از تنظیمات اداری در مکه و مدینه وجود داشته است.در سال ۴۰۰ میلادی،نخستین اقدامات مدنی شکل گرفت که آن را به«قصی بن کلاب»از اجداد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت داده اند. (۳)قصی،قبایل پراکنده را متحد کرد و زندگی شهری جدیدی را سامان داد به تعبیر یعقوبی او بیت و امر مکه و حکومت را به دست گرفت.او مشاغل سقایت،حجابت،سدانت و لواء را تأسیس کرد و«دارالندوه»را بنا نهاد که مانند دیوان مرکزی،محل طرح بسیاری از دعاوی بود و وجود آن محور نوعی نظم در مکه می گردید. (۴)با این حال می توان گفت که شهر مکه از زمان قصی تا هنگام ظهور و آغاز نظم حضرت محمد صلی الله علیه و آله در ۶۱۰ میلادی،

ص:۳۸

۱- (۱) .حدیدی،اسلام از دیدگاه ولتر،ص ۱۰۰.

۲- (۲) .النشمی،ص۲۳۷.

۳- (۳) .طبری،ج ۱،ص۵۰۶و۵۰۷.

۴- (۴) .یعقوبی،ج ۱،ص ۲۳۹، ۲۴۰،۲۴۱،۲۵۸.

دو قرن تلاش برای نزدیک شدن به رسوم و قوانین جوامع شهری را تجربه کرده است.اقدامات قصی نوعی ساماندهی شهری و تنظیم روابط بین قبایل بود و لذا از قصی با لقب مُجَمِّع یاد کردند.او دارالندوه را براساس الگوی دولت شهرهای بزرگ جنوب عربستان که دارای مجالس مشورتی(دارالندوه)یا مزود بوده اند دانسته اند. (۱)

مکه در بین راه یمن و شام،شهری بازرگانی و سیاسی و فرهنگی در مرکز ارتباطات جهانی بود.در آن دوره،زندگی مردم بر اساس سازمان قبایل بود که از چندین عشیره شکل گرفته بود،لکن با وجود حاکمیت روح جمعی بر افراد هر قبیله،آنها از حق مالکیت برخوردار بودند، (۲)و تجارت،جنبه فردی و اجتماعی خاصی داشت و برخی از مراکز ساده اداری در امور مختلف در مکه فعالیت داشتند.

اعراب در روزگار جاهلیت،نظم سیاسی کاملی نداشتند و اگر کسی مورد تعدی قرار می گرفت حق داشت شخصاً انتقام خود را بگیرد.در آن زمان،افراد قبیله به موجب رسوم جاری و عرف عمل می کردند و مؤسسات موجود در دوره جاهلیت قبیله ای عرب هنوز بعد اجتماعی وسیعی پیدا نکرده بود؛اما با این وجود،عرب در خصوص احوال شخصی افراد از سنت های ریشه داری برخوردار بود.آنها برای ازدواج نظام های معینی داشتند و اگر کسی می خواست با زنی ازدواج کند باید ابتدا رضایت اطرافیان(خویشان)وی را جلب می کرد. (۳)گزارش های مفصلی که به بررسی احوال شخصیه به ویژه در خصوص ازدواج عربی پرداخته اند حاکی از وجود مؤسسات و ادارات گسترده در این مورد است. (۴)

۱- (۱) .علی،ج۵،ص۲۲۶.

۲- (۲) .علی،ج۱،ص۱۸۳.

۳- (۳) .ابراهیم حسن،ص۳۵.

۴- (۴) .علی،ج۵،ص۵۸۶-۵۲۶.

در این جا به برخی از مهم ترین تشکیلات مالی،دینی،اداری،قضایی و نظامی عرب پیش از اسلام اشاره می کنیم:

-دربانی و پرده داری کعبه

وظیفه دربان و پرده دار آن بود که در کعبه را می گشود و می بست.عرب ها این رسم را از یهود آموختند؛چراکه آنان برای گشودن و بستن هیکل(معبد یهود)پرده دار و دربان مخصوص داشتند.برخی نیز پرده برداری و دربانی کعبه را دو منصب شمرده اند؛البته حجابت بیت با خزاعه بود. (۱)

-آب دادن حجاج

تقسیم آب در مکه در ایام حج مدیریت دقیقی لازم داشت؛سرپرست آب و میرآب های شهر مکه حوض های بزرگی از پوست و(چرم)ساخته و در حیاط مکه می گذاردند و با مشک از چاه های دور و نزدیک آب گوارا حمل کرده،در آن حوض ها می ریختند که با حفر چاه زمزم از آن جا آب می آوردند؛در هر صورت این کار در دست بنی هاشم بود. (۲)

-رفاده یا مهمان داری

طایفه قریش در مواقع معین مبالغی جمع می کردند و برای اطعام فقرا به متصدیان مهمان خانه(رفاده)می دادند.این رسم مهمان داری از ابتکارات قصی بن کلاب بود که ابتدا توسط بنی نوفل و سپس به وسیله بنی هاشم اداره می شد. (۳)

۱- (۱) .یعقوبی،ج۱،ص۲۳۸.

۲- (۲) .یعقوبی،ج۱،ص۲۴۲.

۳- (۳) .یعقوبی،ج۲،ص۲۴۱.

-پرچم داری و لواء

طایفه قریش پرچمی به نام«عقاب»داشتند که در موقع جنگ آن را بیرون آورده و به دست یکی از سران سپاه یا به خود پرچم دار تحویل می دادند (۱)لواء در دارالندوه آماده و بسته می شد؛از جمله آنها لوای قضاعه برای کعب است که به منزله حکم فرماندهی بود. (۲)

-دارالندوه

چنان که گذشت،قصی بن کلاب در نزدیکی کعبه خانه ای برای گرفتن حق مظلومان به نام دارالندوه بنا کرد که بزرگان قریش در مواقع مهم برای مشورت و قانون گذاری (۳)بدان جا می رفتند و افراد کم تر از چهل سال نمی توانستند به آن خانه راه یابند.دارالندوه علاوه بر جایگاه حکم در مورد خصومات و انصاف ستم دیدگان و دادخواهی محل بسیاری از امور سیاسی و عمومی و نظامی مانند آماده ساختن پرچم جنگ و بسیاری از امور اجتماعی مانند ازدواج در این محل انجام می گرفت و تشریفات خاص تملک جاریه های(کنیزان)قریش و نیز اجرای مراسم برای دختران قریش که به حد بلوغ می رسیدند،در این محل صورت می گرفت.از این مؤسسه مشورتی در عرب جنوبی با عنوان«مزواد»یاد می کردند. (۴)

گزارش هایی حاکی از وجود مؤسسه ای شبیه دارالندوه در مدینه که با نام«نوادی الملاء»از آن یاد شده باشد در دست نیست،ولی امور طائف به دست ملاء

ص:۴۱

۱- (۱) .علی،ج۵،ص۴۳۵.

۲- (۲) .علی،ج۵،ص۲۵۰.

۳- (۳) .علی،ج۵،ص۴۹۹.

۴- (۴) .یعقوبی،ج۱،ص۲۳۹-۲۴۱؛علی،ج۵،ص۲۴۱.

مدینه تعیین می شد (۱)و مدینه تا زمان ورود پیامبر دچار مشکل اداره امور بود و حکومت به نوبت میان اوس و خزرج دست به دست می شد.

-سرداری(قیاده)و عیر

صاحب این منصب،سرپرست کاروان های بازرگانی و یا سردار نیروهای جنگی بود. (۲)به طور خاص به مسئول کاروان ها و قافله های قریش(عیر قریش)رئیس القافله اطلاق شده است. (۳)

-مؤسسه پرداخت دیه و غرامت

«اشناق»این مؤسسه به دست تیره تیم اداره می شد و وظیفه آن پرداخت دیه ها و غرامت ها بود و اگر رئیس این مؤسسه پیشنهادی در همین زمینه به قریش می داد آن را می پذیرفتند. (۴)

-قبه یا اسلحه خانه

چادری بود که هنگام جنگ بر پا می گشت و مهمات و لوازم جنگی را در آن جمع می کردند. (۵)خانه عبدالله بن جدعان مخزن اسلحه قریش بود و مردم هنگام موسم اسلحه های خود را در خانه او به امانت می گذاشتند و هنگام جنگ او اسلحه ها را توزیع می کرد. (۶)

۱- (۱) .علی،ج۵،ص ۲۵۲.

۲- (۲) .یعقوبی،ج۲،ص ۲۴۰.

۳- (۳) .علی،ج۵،ص ۲۵۰.

۴- (۴) .علی،ج۵،ص ۲۴۸.

۵- (۵) .علی،ج۵،ص ۴۳۹.

۶- (۶) .علی،ج۵،ص ۴۵۰.

–اعنه

مسئولیتی که وظیفه آن اداره کردن ستوران قریش به هنگام جنگ بود.

–سفارت

مقصود از آن فرستادن نماینده برای انجام مذاکرات صلح و جنگ یا اظهار مفاخر قریش در برابر اقوام دیگر بوده است.از خالدبن ولید به عنوان یکی از متولیان،قبه،اعنه و سفارت اندکی پیش از ظهور اسلام یاد کرده اند. (۱)

–ایسار

نوعی مؤسسه قمار و فال گیری که آن را«ازلام»(جمع زلم)می نامیدند.به زبان عربی نوعی تیر را می گویند که پر ندارد.در آن زمان مردم قریش برای فال گرفتن ده تیر انتخاب می کردند.در یکی از آیات شریفه قرآن مجید نیز از قمار نهی شده است: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصابُ وَ الْأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۲)عرب به وسیله آن فال می گرفتند (۳)و یا چیزهایی را میان خود قسمت می کردند که تقریباً شبیه لاتاری و بخت آزمایی امروز بوده و اداره آن به دست تیره بنی جمح بوده است.در اهمیت ازلام همین بس که قریش و عرب هیچ کار عمومی را بدون انجام عملیات ازلام انجام نمی داد. (۴)

–دادرسی و قضا

به معنای رسیدگی به اختلافات و کشمکش ها است.یعقوبی ذیل واژه

ص:۴۳

۱- (۱) .علی،ج۵،ص۴۳۹.

۲- (۲) .سوره مائده،آیه۹۰.

۳- (۳) .یعقوبی،ج۱،ص۲۵۹.

۴- (۴) .علی،ج۵،ص۲۴۹.

«حکام العرب»می نویسد:اولین کسی که در عرب قضاوت کرد،جرهمی بود که در مورد میراث بنی نزار قضاوت کرد.او وظایف حکام عرب را در محدوده میراث،تخاصم و نزاع،مسئله آب ها و خونریزی دانسته است و شرایط حکام را سن،تجربه،شرف،امانت و صدق دانسته است. (1)

-اموال مصادره شده

اداره ای که جمع آوری و اداره کردن زر و زیورهای بت های کعبه را به عهده داشت و به دست تیره بنی سهم اداره می شد.

-نگاهبانی مسجدالحرام(عماره)

مراقبت از مسجدالحرام(عماره)تا کسی در آن محل مقدس یاوه سرایی و بدگویی نکند و فریاد نزنند و عمارت بیت،از مفاخر عرب در عصر جاهلی بود که در قرآن به آن اشاره شده است: أَ جَعَلْتُمْ سِقایَةَ الْحاجِّ وَ عِمارَةَ الْمَسْجِدِ ؛این منصب هنگام ظهور اسلام به دست عباس بن عبدالمطلب بود.

-القضاء العشایری و عقدالاحلاف

پیش از اسلام سازمان و اداره منظم قضایی وجود نداشت که بر سراسر جزیره العرب حکومت کند و رفع دشمنی ها طبق عرف قبایل و در شهرها به وسیله رؤسا و اشراف و ملاء بود و هیچ گونه فقه جاهلی یا مجموعه مدونی وجود نداشت. (2)یعقوبی از مجموعه ای با نام«حکام العرب»یاد کرده است که براساس نوعی عرف که به آن«القضاء العشایری»می گفتند،قضاوت می کردند،او نام چند

ص:44

1- (1) .یعقوبی،ج 1،ص 258.

2- (2) .علی،ج 5،ص 470.

تن از قضات(اول من استقضی الیه،فحکم...)را تا ظهور اسلام،از جمله عبدالمطلب و عبدالله بن جدعان،مسئول حلف الفضول آورده است. (۱)

از دیگر مراجع قضایی که مردم به آنها مراجعه می کردند،«احلاف»است که از آن به«عقدالاحلاف»یاد شده است. (۲)احلاف نوعی قرارداد عرفی بر مبنای تعهد برابر و دوجانبه است که در اماکن مقدس و با چیزهای ویژه،مانند خون،لبن،نار،رُبّ و عطر و آب و مِلح انجام می گرفت و با تشریفات ویژه ای رسمیت پیدا می کرد.به عبارتی احلاف،زمینه زندگی عرب جاهلی بود.این محالفه نوعی تعهد بود و در برابر آن«تخالع»بود که آن را اعلام و مکتوب می کردند. (۳)

احلاف از سویی تشکیلات ساده قضایی عرب پیش از اسلام را گویند. (۴)قبایل قریش در مسئله تصدی ادارات دارالندوه و لواء و رفاده و سقایت دچار اختلاف شدند و سرانجام منجر به تشکیل دو شکل متفاوت هم گرایی بین قبایل و افراد شد که با عنوان الاحلاف و«حلف المطیبین»و«حلف احابیش»و«لَعِقه الدم»از آن یاد کرده اند.در برابر آنها حلف الفضول به وسیله عبدالله بن جدعان شکل گرفت.احلاف مرجع قانونی و اعتبار قضایی پیدا کرد؛از جمله حلف الفضول که پیش از اسلام مبدأ نگارش تاریخ نامه ها بود. (۵)برخی از این تشکیلات ساده دوره جاهلی،هیبت و سلطه قضایی خود را تا عصر اموی حفظ کردند؛مانند حلف الفضول یا«پیمان جوانمردان»که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن شرکت کرد و عملکرد

۱- (۱) .یعقوبی،ج ۱،ص ۲۵۸،۲۴۰.

۲- (۲) .علی،ج۵،ص۵۱۹.

۳- (۳) .علی،ج۴،ص ۳۷۰- ۳۹۰.

۴- (۴) .علی،ج۵،ص۴۷۹.

۵- (۵) .مسعودی،التنبیه والاشراف،۱۷۹ و ۱۸۰.

آن را امضـا نمـود.برای نمـونه در داسـتان اختلاف امـام حسـین علیـه السـلام و معـاویه در مـورد یـک زمیـن،معـاویه در برابر حکم«حلف الفضول»تسلیم شد و از تصرف زمین امام حسین علیه السلام خودداری کرد؛زیرا امام علیه السلام معاویه را تهدید بـه مراجعه نزد مسئولان حلـف الفضـول و تصـمیمات سـران آن نمـود؛ (۱)پدیـده حلف مبین زنـدگی سیاسـی-اجتماعی دوره جاهلی است.

این سازمـان ها نوع ساده ای از ادارات دولتی امروز است؛گرچه پرده دار و نگاهبان کعبه و رئیس دارالنـدوه،نوعی ریاست عام نیز داشـتند.زیدان،این مؤسـسات پـانزده گانه را«مصـلحه»خوانـده است که در اصـطلاح اداری عرب امروز،مصـلحه همان اداره است.ترجمـه«مصـلحه البریـد»اداره پسـت اسـت،ولی چـون کلمه مصـلحه در حـال حاضـر به ادارات دولـتی اطلاـق می شـود و مؤسسات آن زمان قریش-چنان که خود مؤلف یادآور شده-مؤسسه دولتی نبوده اند،ازاین رو ما آن را به مؤسسه و بنگاه تعبیر کردیم؛چون به نظر می رسـد نـام مؤسـسه فـال گیری(ایسـار-ازلاـم)منـاسب تر از اداره فال گیری و قماربازی است. (۲)مطالب بسیاری در مورد تشـکیلات عربی پیش از اسـلام وجود دارد که به تفصیل آن در کتاب المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام تـألیف«جواد علی»آمـده است.در بررسـی اجمـالی این تشـکیلات در نهـایت می توان اظهـار داشت که تشـکیلات اداری قبایل عربی پیش از اسلام بر چهار محور اداره می شده است:

۱.محور تجاری-سیاسی،که به صورت اسواق العرب (۳)و حلف ها و قرادادها و گروه های پیرامون آن ماننـد المحلین و الذاده المحلین (۴)بود؛انواع

ص:۴۶

۱- (۱) .عاملی،ج ۱،ص ۵۰.

۲- (۲) .زیدان،ص ۱۷.

۳- (۳) .یعقوبی،ج ۱،ص ۲۷۰.

۴- (۴) .همان.

التزامات و احکام و اشتراط و قرع العصا و ایمان و قسم. (۱)

۲.محور سنن و عرف و عادات عرب در احوال شخصیه؛شکل های متعدد از ازدواج،قوانین ارث،وصیت،طلاق،صداق،نفقه. (۲)

۳.محور شعرالعرب که یعقوبی گزارشی کامل از آن آورده است و از شعرا به عنوان ارکان فرهنگی بازارهای عرب یاد نموده است.شعرا عامل تکوین،استمرار و انتشار فرهنگ عربی بودند.این کار همراه و با نوعی نظم اداری بود که در فرهنگ آنها ادامه پیدا می کرد. (۳)

۴.محور دینی که در مؤسسات پیرامون کعبه که در چارچوب شریعت ابراهیمی شکل گرفته بودند،آشکار است.

۱- (۱) .علی،ج۵،ص۴۹۹، ۵۰۰،۵۰۱،۵۱۷،۵۱۹.

۲- (۲) .علی،ج۵،ص ۵۴۰،۵۵۴.

۳- (۳) .یعقوبی،ج۱،ص۲۶۲.

حکومت پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله

۱-مبانی نظری تأسیس دولت به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله

تشکیل حکومت و تأسیس دولت،ریشه در مبانی نظری دین مبین اسلام دارد و در آموزه های فلسفه اسلامی امری ضروری محسوب می شود.فارابی و ابن سینا،مأموریت نبوت را اصلاح دین و دنیای مردم دانسته اند و نبوت در دیدگاه آن دو،بخش اصلی علم سیاست است.بر اساس اندیشه فیلسوفان مسلمان به ویژه فارابی که محور فلسفه سیاسی او شخص نبی اکرم صلی الله علیه و آله است،فقط انبیا قادر به تأسیس دولت آرمانی و مدینه فاضله هستند.در اندیشه فارابی و ابن سینا،درحوزه فلسفه اسلامی،آرمان شهر تنها برای یک بار در دولت شهر مدینه با تأسیس دولت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله،محقق شده است.ابن باجه و ابن طفیل و ابن رشد نیز که تحقق مقام فیلسوف را تأسیس مدینه فاضله دانسته اند،در چارچوب فلسفه سیاسی فارابی،چنین مقامی را برای پیامبر صلی الله علیه و آله قائل هستند؛ (۱)بر اساس این مبنای فلسفی،پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مدینه اقدام به تأسیس دولت نمود؛البته نسبت دادن امر

۱- (۱) .شهیدی پاک،مقایسه فلسفه سیاسی ملاصدرا با فارابی و ابن باجه و ابن طفیل و ابن رشد،ص۲۱۰.

سیاسی و نمایش پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان منتقد اخلاقی و اجتماعی،معلم،رهبر سیاسی و قانون گذار،تا حدودی خلاف دیدگاه عمومی در مورد نبوت است.

در ساحت فلسفی،نزاع دیرینه در خصوص تبیین نبوت به شیوه طبیعی یا فوق طبیعی وجود دارد.فارابی و موسی بن میمون،این نزاع را به شیوه طبیعی تفسیر می کنند؛ازاین رو توضیحات آنها در خصوص نبوت و فروع مترتب بر آن،نه تنها بر کارکردهای عقلی بلکه بر کارکردهای سیاسی،قانون گذاری و تربیتی نبوت نیز تأکید دارد.در دیدگاه فلاسفه قرون وسطا،نبوت در مسائلی جریان دارد که خداوند به طور مستقیم در آنها دخالت می کند و پیامبران به این وسیله می توانند جنبه هایی از حقایق را به توده ها تعلیم دهند.فارابی در استمرار دیدگاه افلاطون در خصوص مبانی نظری حکومت،به آمیزش فلسفه،قانون و سیاست براساس مدل فیلسوف-قانون گذار-که در جمهوری افلاطون بیان شده-پرداخته است.

فارابی و ابن سینا بر نقش سیاسی انبیا در تأسیس حکومت و اداره امور مردم تأکید نموده اند؛چراکه فقط پیامبران می توانند بین مردم الفت ایجاد کنند و وجود انبیای قانون گذار دارای غایت طبیعی است. (1)بر پایه این نظریه کلامی و فلسفی،نظریه فقهی-حقوقی،«حکومت،عطیه ای الهی است»شکل گرفت.غزالی و توماس آکوئیناس که از مخالفان این نظریه هستند،وظایف سیاسی پیامبران را انکار می کردند؛به عقیده آنها حاکم دینی حق حکومت را از خدا اخذ نمی کند و حکومت می تواند از راه انتخابات حاصل شود.این دیدگاه،مبنای نویسندگان سنی معاصر و گذشته در بررسی تصمیم شورای سقیفه در انتخاب خلیفه اول است.پذیرش این نظریه مقتضی طرد شیوه تعیین جانشین پیامبر به وسیله نص

۱- (۱) .ابن سینا،ص۱۲۷.

الهی است که حق حکومت را از آن خداوند دانسته است تا از طریق نص به شخص شایسته امامت انتقال پیدا کند.«جابری»از محققان معاصر عرب،تحقیقات بسیاری در این مورد انجام داده است.او تصمیم شورای سقیفه را نخستین تجربه حکومت دموکراتیک و مردمی مبتنی بر انتخاب و حق مردم دانسته است. (۱)پیرامون مبانی این دیدگاه مناقشات فراونی قابل طرح است که در این مجال تنها به بیان بنیان گذار فلسفه اسلامی(ابن سینا)اکتفا می کنیم که فرمود:«الاستخلاف بالنص اصوب فان ذلک لا یؤدی إلی الشعب و التشاغب والاختلاف؛جانشینی براساس نص بهتر است،زیرا منجر به تفرقه و هرج و مرج نخواهد شد». (۲)دیدگاه ابن سینا مبانی عقلانی،تاریخی و نقلی قرآنی دارد.

برای درک این دیدگاه،محققان عرب معاصر باید به حوادثی که بلافاصله پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله روی داد،از جمله دو حادثه رِدّه و متنبیان،توجه عمیق تری نشان دهند؛زیرا تشنج و شورش و هرج و مرج ناشی از وقوع حادثه پیامبران دروغین که از عصر حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دامنگیر جامعه اسلامی شد،و حادثه رِدّه که حکومت ابوبکر را تا مرز سقوط پیش برد،حاصل دوری سران جامعه عصر پیامبر صلی الله علیه و آله از نص بود.این هرج و مرج به صورت بیماری مزمنی در جامعه اسلامی ماندگار شد و از خسارات آن که ناشی از تصمیم سقیفه بود می توان به فاجعه طف و حره اشاره کرد.بحث مبانی نظری حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را با این جمله ملاصدرا خاتمه می دهیم که می فرماید:«واقعه کربلا و قتل امام حسین علیه السلام در سقیفه تدارک دیده شد.» (۳)

۱- (۱) .جابری،ص ۲۰۰.

۲- (۲) .ابن سینا،ص۴۵۲.

۳- (۳) .صدرالمتألهین،ص ۵۰.

۲-تشکیلات حکومتی عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

اشاره

در رفتارهـای سیاسـی و اجتمـاعی پیـامبر صـلی الله علیه و آله هنگـام ورود به مـدینه شواهـد بسـیاری وجود دارد که حـاکی از شخصیت اداری پیامبر صلی الله علیه و آله است که به برخی از مهم ترین آنها اشاره می کنیم:

الف)تأسیس و امضای ادارات

تشـکیلات عصـر پیامبر صـلی الله علیه و آله را به طور کلی به دو دسـته امضایی و تأسیسـی-نسبت به سازمان های اداری جزیره العرب و نظـام اداری اطراف آن-تقسـیم کرده انـد؛امّـا اصالت و اسـتقلال و ابتکار و ابـداع رسول خـدا صـلی الله علیه و آله در تأسـیس سازمان های اداری،نظامی،قضایی،دیپلماسی و روابط خارجی،شرطه و نهادهای مربوط به تأمین امنیت داخلی،در منابع بسـیاری به وسـیله محققان احراز شـده است؛از جمله تلمسانی در تخریـج الدلالات السـمعیه و کتانی در التراتیب الاداریه،نمای کلی سازمـان حکومتی پیـامبر صـلی الله علیه و آله را بـا ذکر موارد جزئی آن به تفصـیل آورده انـد که در مبـاحث بعـدی بیان خواهد شد.

ب)صدور نامه هایی به سیاق نامه های اداری

تلاش های سودمندی به وسـیله حمیدالله(نویسـنده کتاب اسـناد و مکاتبات پیامبر)و میانجی(نویسـنده کتاب مکاتیب الرسول)در نمایش نامه های پیامبر صـلی الله علیه و آله به عنوان نامه هایی با سیاق نامه های اداری دولتی و سیاسی صورت گرفته است که بیان خواهد شد.

ج)تبدیل مدینه به شهر سیاسی

نکته مهم در خصوص ابداع و ابتکار در سازمان تشـکیلات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تشکیل امت و تأسیس شهر سیاسی(city) است.رسول خدا صلی الله علیه و آله برای این کار

ص:۵۲

زمینه مـادی مناسبی را فراهم کرد که انتخاب مکانی از جزیره العرب بود که سابقه طولانی در تجمع شهری داشت.شهر«مدینه»قرن ها پیش از اسلام،به عنوان یک مرکز شهری،در متون تاریخی شناخته شده بود و در منابع از آن با عنوان« Ithritta »یاد شده است. (۱)پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از گزینش این منطقه شهری قابل توسعه،به تأسیس سازمان و تشکیلات دولتی در آن اقدام کرد.ایشان با انجام اقدامات اداری مانند پیمان عقبه و معاهده صلح مدینه و مؤاخاه، (۲)و سرشماری نخستین مسلمانان،هسته اولیه و نمونه کوچک جامعه سیاسی را بنیاد نهاد.

د)تخریب جامعه جاهلی

با تشکیل حکومت در مدینه،پیامبر صلی الله علیه و آله شکل جدیدی از مؤسسات سیاسی-اجتماعی مغایر با ارزش های عرب دوره جاهلیت به وجود آورد.ایشان با محکوم کردن تعداد مسلمانان در جامعه جاهلی،سرشماری مردم مسلمان مدینه را نخستین اقدام اداری و تشکیلاتی خویش برای تأسیس نخستین دولت-شهر اسلامی در مدینه قرار دادند.رسول خدا صلی الله علیه و آله از اصحاب خواست نام کسانی را که اسلام آورده اند برای او بنویسند؛بنا به نقل راوی،نام یک هزار و پانصد تن را برای وی نوشتند.پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:«هزار و پانصد نفر هستیم و می ترسیم؟»علت این ترس و نگرانی که تا روز حجه الوداع ادامه داشته است،مقاومت سنن جاهلی در برابر تشکیلات اداری پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ایشان در روز حجه الوداع به رئوس کلی سیاست اداری و تشکیلات نوین جزیره العرب اشاره فرموده و در آن اجتماع عظیم احکام و قوانین و سنن جاهلیت را مردود دانست. (۳)

۱- (۱) .العلی،ص۲۲.

۲- (۲) .حمید الله،ص۱۱۳.

۳- (۳) .ابن حزم،حجه الوداع،ص۱۰۰.

ه)مؤاخات و ارتباطات نوین اقتصادی-اجتماعی

بزرگ ترین اقدام اجتماعی پیامبر صلی الله علیه و آله برای نفی و تخریب بنیان روابط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دوره جاهلی،«مؤاخات»است.پیامبر صلی الله علیه و آله در مؤاخات به دنبال نفی احلاف(تشکیلات ساده دوره جاهلی)و مقتضیات ظالمانه آنها بود و فرمود:«لاحلف فی الاسلام؛هیچ پیمان جاهلی در اسلام جایی ندارد.»حضرت علی علیه السلام حمزه را مظهر این حرکت پیامبر علیه احلاف و نفی آنها دانسته و از حمزه به سبب عدم تعهد و وابستگی به احلاف،به نام«اسدالله»در برابر«اسدالاحلاف»یاد کرده است.حمزه در جاهلیت مردی بیدار و آزاد و غیر متعهد به همه پیمان های ظالمانه جاهلی بود. (۱)

مؤاخات آثار سیاسی نیز داشت و زیرساخت های شکل گیری مردم در قالب امت واحده را فراهم می ساخت.مؤاخات با پایان دادن به جنگ صد ساله بین اوس و خزرج و سایر رقابت های خونین اعراب،توانست یک اتحاد سیاسی میان اعراب مدینه و سایر گروه های ساکن در آن برقرار نماید؛ازاین رو علت سیاسی-اجتماعی مؤاخات مهم تر از علت اقتصادی این حرکت تشکیلاتی است.

و)طرد نظام قبیله ای و تأسیس دولت دینی

با اجرای برنامه مؤاخاه،روابط مسلمانان مدینه بر اساس وحدت مبتنی بر دین شکل گرفت و چینش جامعه از قالب نظام قبیله ای خارج شد و عصبیت قومی و قبیله ای کارایی خود را از دست داد.اگر چه آثار نظام مؤاخاه در عهد عثمان و حکمای اموی و پس از آن کم رنگ شد و تأثیر عصبیت و قبیله بار دیگر پررنگ گردید،با این حال،نظام عمومی سازماندهی جامعه عرب جزیره العرب از تقسیم قدرت براساس قدرت قبیله،به دسته بندی افراد براساس قدرت اسلام تبدیل گردید.در سازمان قبایل،

ص:۵۴

۱- (۱) .نهج البلاغه،نامه ۴۶۱؛ابن ابی الحدید،ج۱۵،ص۱۰۳.

مجالس به ریاست شیوخ قبایل تشکیل می شد،اما با تحقق نظام یکپارچه دولت دینی در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله و خلفای راشدین،این ریاست به پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان او رسید.وات (۱)در کتاب محمّد در مکه و محمّد در مدینه،عظمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را بینش سیاسی،اجتماعی و اداری او در تأسیس دولت دینی در جامعه ای با حاکمیت سنن قبایلی دانسته است.به نوشته وات،پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله،بینش خاصی در آینده نگری داشت و دولت مردی حکیم و آگاه و بصیر و متبحر در اداره امور بود؛ازاین رو قرآن از او خواست که تشکیلات اداری تأسیس کند و اداره امور را به عهده بگیرد.به عقیده وات اگر محمّد مرد دولت و اداره نبود،بخشی مهم از تاریخ بشر به وسیله او نوشته نمی شد.دولتی که او بنا نمود تبدیل به تشکیلاتی پویا شد که پس از مرگ او و در غیاب او با وضع موجود توافق پیدا کرد و با سرعت خارق العاده ای گسترش یافت. (۲)از وجوه اهمیت پیامبر در شکل گیری دولت-شهر مدینه که مورد توجه برخی محققان قرار گرفته، (۳)این است که مدینه با وجود سابقه کهن شهری،به سبب حضور یهود،همواره جامعه ای آشوب زده و همواره در وضعیت جنگی بود و یهود مدینه با استفاده از سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن(فَرّق،تسد)سال های بسیاری جریان های مختلف مدینه از جمله اوس و خزرج را درگیر ساخته بودند.حضور پیامبر در مدینه،نقطه پایان عملیات یهود در جزیره العرب و آغاز تأسیس شهری با سامانه های اداری جدیدی بود که بلافاصله پس از رحلت او در حدود ۱۵۰۰ نقطه از جهان باعث نهضت عظیم شهرسازی گردید. (۴)

۱- (۱) .وات،ص ۵۰۰.

۲- (۲) .وات،ص ۵۱۱.

۳- (۳) .علی،ج۵،ص۲۵۲.

۴- (۴) .نخستین همایش آرمان شهر اسلامی،پارادایم شهرسازی اسلامی،ص ۱۱۵.

۳-برخی جزئیات تشکیلات دولتی عصر پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

بازنگری در عناصر تشکیلات اسلامی براساس روایت های موجود در سیره نبوی،به ترسیم نموداری از تشکیلات یک دولت سازمان یافته منجر می شود.در این سازمان،مجموعه ای از افراد در رأس مناصب مختلف قرار دارند که در نمودار تشکیلاتی دولت های اسلامی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز همین مناصب با اصطلاحاتی شبیه به آنها وجود دارد؛خزاعی تلمسانی و پیرو او کتانی،با جست وجو در منابع روایی،تشکیلات دولت رسول خدا صلی الله علیه و آله در عرصه های مختلف مالی،قضایی،سیاسی،نظامی دینی استخراج و ارائه کرده اند.دراین جا به برخی از گزارش های فراوان خزاعی-با ذکر مهم ترین مناصب اداری مسلمانان که در همه دولت ها این مناصب وجود دارد-اشاره می کنیم:

-نقیب

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابتدا از منصب«نقیب»که جایگزین مناسب برای عالی ترین و شریف ترین مقام در بین قبایل بود،استفاده کرد.نقباء ارتباط منظم و سازمان یافته پیامبر صلی الله علیه و آله با قبایل مدینه را برقرار می ساختند.بر همین اساس جزئیات مربوط به نظم اسلامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در ایام ده سال حکومتشان در مدینه تأسیس نمودند و از آنها در اداره امور استفاده کردند،قابل پیگیری است.

-صاحب سِرّ

گروهی از صحابه که همواره نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله بوده اند تا امور شخصی ایشان را انجام دهند؛دربان و حاجب و صاحب سر،از«ابودرداء»به عنوان صاحب سر رسول خدا صلی الله علیه و آله یاد کرده اند.

ص:۵۶

-وزیر و کارگزاران عالی رتبه

این حوزه مربوط به مقامات خلافتی و ریاست عالیه در اطراف رسول خدا صلی الله علیه و آله می شود.در روایتی از پیامبر نقل شده است که فرمودند:«خدا مرا برگزید و اصحاب مرا برای من برگزید تا وزیران،یلان و خویشاوندان من باشند.» (1)همچنین روایتی دیگر از ایشان نقل شده که فرمودند:«هرگاه خداوند خیر امیری را بخواهد،وزیر درستکاری برای او قرار می دهد.»در روایات متعددی از حضرت علی علیه السلام با عنوان وزیر پیامبر صلی الله علیه و آله یاد شده است.در این روایات واژه«وزیر»در مورد کسی به کار رفته که سلطان در اموری که کار بر او دشوار می شود به او پناه می برد.

-کاتب

در اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله از کاتبان مختلفی،مانند:کاتب وحی،کاتب رسائل و نامه های اقطاع،کاتب عهود و صلح،کاتب و صاحب خاتم،سفیر،نامه بر پیامبر(حامل الکتاب)،مترجم،شاعر،خطیب پیامبر در غیر از مراسم نماز و کاتب سپاه،یعقوبی فصلی مستقل به«کُتَّاب النبی»اختصاص داده است و متن نامه های پیامبر صلی الله علیه و آله به سران قبایل،پادشاهان روم و ایران و حبشه را آورده است. (2)

-حَشَم و اطرافیان خاص

صاحب الکرسی،السقاء، (3)صاحب الطهور،صاحب الوساد،صاحب النعلین (4)صاحب السواک،صاحب العَنَزه و صاحب الخُمْرَه،از مناصب ملحق به مناصبی

1- (1) .تلمسانی،تخریج،ص38؛کتانی،تراتیب،ص27.

2- (2) .یعقوبی،ج2،ص76، 80،83.

3- (3) .تلمسانی، 140.

4- (4) .همان،ص38.

است که همواره در اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله حضور داشته اند و کارهای شخصی ایشان را انجام می داده اند. (۱)همچنین گروهی که خدمتکار سفره و ظروف غذای پیامبر صلی الله علیه و آله بوده اند نیز جزو همین دسته محسوب می شوند. (۲)

-مناصب دینی

الف)مسرح،مُجمِر؛که مسئول تطبیب مسجد بوده است؛یعنی شخصی که بوی خوش مانند عود برای مسجد تهیه می نمود.

ب)ناظم مسجد؛چند تن از اصحاب که از همهمه،سر و صدا و درگیری های لفظی در مسجد جلوگیری می کردند؛

ج)ناظر و مجری اقامه جماعت؛

د)مسئول نظافت مسجد؛

ه)مسرج و المو قد؛شخصی که نور مسجد را تأمین می نمود؛

و)صاحبان فتوا در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله؛

ز)مؤذن پیامبر صلی الله علیه و آله،(ابن المبرد،۱۹۹)؛

ح)پیش نماز جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد؛

ط)چراغ دار مسجد؛

ی)حامل عصای پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد؛

ک)حامل عُنزه،از عصا بلندتر و از نیزه کوتاه تر و آهنی در بن داشت که بر زمین فرو می کردند.این شخص هنگام نماز،عنزه را در سمت قبله نصب می نمود.در نماز عید قربان و فطر هم بر عنزه پارچه ای یا پرده ای می افکندند و

۱- (۱) .تلمسانی،ص ۱۲۰-۱۲۳.

۲- (۲) .تلمسانی،ص۱۰۹.

پیش روی حضرت نصب می کردند تا حایل بین نمازگزارها و کسانی که از روبه رو حرکت می کردند باشد.

ل)متصدی آب و وضو و شست وشوی پیامبر صلی الله علیه و آله؛

م)امیر حج؛پیامبر صلی الله علیه و آله،عتّاب بن أَسید را در سال هشتم،والی و امیرالحاج قرار داد؛ (۱)

ن)صاحب البُدن؛شخصی که مسئول تهیه و قربانی از شتر و گاو و گوسفند بود؛

س)عماره البیت،حجابه البیت؛مسئول پرده خانه خدا؛

ع)سقایه؛در روز فتح مکه پیامبر صلی الله علیه و آله (۲)هنگام نماز ظهر به بنی عبدالمطلب فرمود:به منصب سنتی خود بپردازید؛زیرا اگر تعلل کنید آن را از شما می گیرند؛

ف)معلمین و مبلغین قرآن.

-امور انتظامی و نظامی

۱-حارس

رسول خدا صلی الله علیه و آله در ابتدای ورود به مدینه به شب نشینی نشسته بود که به اصحاب فرمود:«ای کاش مردی ما را حراست می نمود.»ایشان با تعیین افرادی در صدد تأمین امنیت بود. (۳)

۲-امور نظامی

در خصوص آرایش سپاه و سلاح و رفتارهای نظامی و پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله و به طور کلی تشریفات نظامی،موارد بسیاری در منابع آمده است. (۴)افراد متصدی امور مختلف نظامی پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام جنگ یا وقتی از نیروها سان

۱- (۱) .تلمسانی،ص۱۴۴.

۲- (۲) .تلمسانی،ص ۱۵۰.

۳- (۳) .کتانی،ص۱۴۲.

۴- (۴) .کتانی،ص۱۵۷.

می دید (۱)همراه ایشان بودنـد.در تشـریفات جنگ،از شتربان و استربان پیامبر صـلی الله علیه و آله نیز نام برده انـد؛بلال،اسـب پیـامبر صـلی الله علیه و آله را زین می کرد و فرد دیگری رکاب و دهانه شتر ایشان را می گرفت.سـیاف پیامبر صـلی الله علیه و آلـه،متصـدی بـار و بنه و خیمه پیـامبر صـلی الله علیه و آله (۲)نیز از مـواردی است که در منـابع ذکر گردیـده است.در روایـتی آمده،پیامبر صلی الله علیه و آله روی منبر بود و بلال با شمشیر و همراه با پرچم های سیاه در مقابل او ایستاده بود. (۳)

-اداره امور مالی در تشکیلات دولت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

اشاره

انواع مختلف عملیات مالی که در دولت های اسـلامی پس از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله انجام می گرفت به دولت ایشان نسـبت داده اند؛چراکه یکی از وجوه مشـخصه دولت پیامبر صـلی الله علیه و آله امور مالی است.مؤسـسات مالی پیامبر صلی الله علیه و آله ریشه قرآنی دارد و در عین حال موجب استمرار نظام های مالی بشری است.

جلـد هفتم کتاب المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسـلام به تشـکیلات اقتصادی عرب پیش از اسـلام اختصاص دارد،و زندگی اقتصـادی عرب و بازرگـانی و بازارهـا و انواع بیع و معاملات و انواع مالیات قانونی و باج و نقود و اصـناف و مشاغل و اوزان و مقادیر را تا چند قرن پیش از اسلام بررسـی کرده است. (۴)از جمله بازارهـای عرب،بازار عُکاظ بود که پس از اسـلام تا سال ۱۲۸ هجری دایر بود (۵)و به تدریـج از بین رفت و انواعی از معاملـاتماننـد بیع الحصاه و بیع النجش و بیع مزابنه در جاهلیت در این بازارها رایج بود که اسلام آنها را باطل اعلام کرد

۱- (۱) .کتانی،ص۱۱۴.

۲- (۲) .کتانی،ص ۱۷۰.

۳- (۳) .خلیفه،طبقات،۱۲۴.

۴- (۴) .علی،ج۷،صفحات متعدد.

۵- (۵) .علی،ج۷،ص ۳۷۹.

و صفات بیع درست را براساس آیات قرآن اعلام کرد. (۱)

۱-مالیات

گرفتن جزیه،جمع آوری صدقات یا عشریه،تعیین متولی خراج زمین-متولی خراج زمین خیبر در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله،سواد بن عزیه انصاری بود-عامل زکات،کاتب صدقات-زبیر،کاتب صدقات بود و در غیاب او جهم بن صلت،-قیمت گذاری محصول خرما،موقوفات،مستوفی و تحویل گیرنده اموال از عامل برای پیامبر صلی الله علیه و آله،تحویل دار خمس،و تحویل دار فطریه ها و غنایم جنگی. (۲)

۲-پول و سکه

به معنای خزانه داری سکه است.تلمسانی و کتانی بحثی را درباره ضرب سکه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و راشدین به ویژه حضرت علی علیه السلام مطرح کرده اند و ضرب سکه در زمان آنها را مطرود دانسته اند؛زیرا در زمان پیامبر و راشدین از سکه های رومی و پهلوی در مورد مهر زنان و...استفاده می شده است. (۳)

۳-اوزان

اوزان و مقادیر خاصی در مدینه رایج بوده است؛از جمله مدّها و پیمانه های مدینه،اوزان عصر پیامبر صلی الله علیه و آله است که به اندازه چهار مُدّ از مدهای پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. (۴)پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله میان اصناف و صاحبان حرف و مشاغل در بازار حضور پیدا می کرد و با آنها در امور صنفی و مسائل مربوط به شغلشان گفت وگو می کرد که به موارد بسیاری از این ارتباطات اجتماعی و نظارت های مالی و اقتصادی پیامبر صلی الله علیه و آله بر بازارها و اصناف،در متون اشاره شده است.فهرستی از حرف و مشاغل عرب بیش از اسلام و استمرار آنها وجود دارد. (۵)

۱- (۱) .علی،ج۷،ص-۴۱۴.

۲- (۲) .کتانی،ص۱۹۶-۱۹۰.

۳- (۳) .علی،ج۷،ص۴۹۶،۵۰۰؛کتانی،ص ۲۰۰-۱۹۷.

۴- (۴) .علی،ج۷،ص ۶۲۰،۶۲۱،۶۲۲،۶۲۷؛کتانی،ص۲۰۲.

۵- (۵) .علی،ج۷،ص ۵۴۳-۶۱۹.

۴-کارمندان امور مالی

گروهی از اصحاب که در امور مالی به پیامبر صلی الله علیه و آله کمک می کردند و به عنوان وکیل او،این امور را انجام می دادند.و پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را برای انجام امور مالی خود تعیین کرده بود؛از جمله این افراد ابن مسعود(قاری)است که او را وکیل بر غنیمت های خیبر قرار داد.

-تعریف سیر و روابط و حقوق بین الملل در سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

«سیر»به مجموعه از ارتباطات خارجی پیامبر صلی الله علیه و آله اطلاق می شود که شاخصه بارز آن تبادل سفیر با دولت های کوچک و بزرگ اطراف جزیره العرب است و موارد بسیاری از آن در تاریخ ثبت شده است.برخی از محققان در بستر معادلات و الگوهای نخستین حقوق بین الملل،نگاهشان را معطوف به رفتارهای سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله در حوزه ارتباطات خارجی با قدرت های بزرگی همچون ایران و روم و تعیین رژیم قدرت در جزیره العرب کرده اند.حمید الله،سلوک بین المللی دولت اسلامی،صفحات متعدد.این محققان با تعریف حقوق بین الملل اسلامی و اصطلاحات معمول آن در صدر اسلام،به بررسی غایات و موضوع آن پرداخته اند و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را بانی این موضوع در چارچوب تشکیلات اسلامی دانسته اند و منابع قرآن،سنت و سیره و اجماع را به عنوان ریشه های مشروعیت حقوق بین الملل اسلامی مورد بررسی قرار داده. (۱)و جایگاه آن در فقه اسلامی را تبیین کرده اند. (۲)قواعد حقوق بین الملل به معنای کیفیت رفتار دولت در زمان جنگ و نیز در زمان صلح،از زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشته است،اما تعیین زمان تدوین آنها در قالب یک

۱- (۱) .حمیدالله،همان،ص۲۶.

۲- (۲) .حمیدالله،همان،ص۸۱.

علم آسان نیست؛ (۱)با این وجود،محققان اروپایی بسیاری بر تأثیر حقوق بین الملل اسلامی که ریشه در رفتار بین المللی پیامبر صلی الله علیه و آله دارد،بر حقوق بین الملل جدید غرب تأکید نموده اند. (۲)نهادهای مختلف تمدن اروپایی قرون وسطا نشانی نازدودنی بر پیشانی دارند که اگرچه از اصل و ریشه خاورزمینی نباشد،اما حداقل علامت وابستگی شدید آن به نهادهای نظامی اسلام در شرق است. (۳)به عقیده محققان،حقوق بین الملل،بخشی اصیل از تشکیلات اسلامی است که مبانی این قسمت از رفتار سیاسی دولت اسلامی در قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله تبیین شده است.نخستین نوشته های اروپایی در حقوق جنگ نیز متأثر از آثار عربی درباره جهاد و سِیَر(رفتار هنگام جنگ و صلح)است؛آثاری که به وسیله آیالا(la) و ویتوریا(Vitoria) ،جنتیلس(Gentiles) ،گروسیوس و سایرین نگاشته شده است و هیچ همتایی در آثار رومی و یونانی ندارد. (۴)از جمله این که بنیان گذار حقوق بین الملل،گروسیوس(Gritious) هلندی،زمانی که دریافت قاعده« Postliminum »در فقه اسلامی نیز بوده است،تعجب کرد.این واژه در حقوق بین الملل به معنای حقی است که به موجب آن هر آنچه در جنگ به وسیله دشمن گرفته شده است،در زمان حاکمیت مجدد ملتی که به آن تعلق داشته باید به وضعیت قبل برگردد و به آنها بازگردانده شود.مستند این قاعده در فقه اسلامی حدیث شریف«المسلم أحق بماله أینما وجده»است. (۵)

۱- (۱) .حمیدالله،همان،ص ۷۵.

۲- (۲) .حمیدالله،ص ۸۶-۸۵.

۳- (۳) .حمیدالله،ص ۸۷.

۴- (۴) .حمیدالله،ص ۸۸.

۵- (۵) .همان.

روابط سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله با دولت های اطراف جزیره العرب در اسناد متعدد تاریخی بررسی شده است.رسول خدا صلی الله علیه و آله در موضوعاتی همچون اعزام هیئت نمایندگی،پذیرش هیئت نمایندگی،اعزام سفیر و اعزام نماینده و رایزنی با سران خاندان ها و قبایل بزرگ و بزرگان شهرها و مناطق مهم جزیره العرب مانند یمن و بحرین،دیپلماسی فعالی داشته است.

-سبک اداری نامه های پیامبر

مجموعه بزرگی از نامه های پیامبر به سران قبایل و دولت های مجاور جزیره العرب ثبت گردیده که در منابع صدر اسلام به بسیاری از آنها اشاره شده است؛در دوره معاصر نیز محققان زیادی اقدام به جمع آوری این اسناد نموده اند که حاکی از روابط گسترده سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله با قدرت های دافع و قدرت های خارج جزیره العرب است،احمدی میانجی،این اسناد را تحت عنوان«مکاتیب الرسول»آورده است،محمد حمیدالله نیز آن را با عنوان«مجموعه وثائق سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله»جمع کرده است؛عون قاسم عالم سودانی هم آنها را با عنوان«دبلوماسیه محمد»مورد تحلیل قرار داده است.در سال ۱۸۵۰ میلادی،یکی از وثائق پیامبر صلی الله علیه و آله در یکی از دیرهای اخمیم مصر کشف شد. (۱)

یکی از وجوه اهمیت این نامه ها،سبک اداری آن است.واژه«سبک»از اوایل قرن سوم هجری،در معنای بافت و شیوه ای خاص از گفتار و نوشتار در زبان عربی به کار رفته است.نامه های پیامبر صلی الله علیه و آله گونه ای از نامه های خاص اداری و حکومتی است که از سایر منثورات عربی هم عصر خود متمایز است؛یعنی سبک خاصی در نگارش نامه های اداری پیامبر صلی الله علیه و آله به سران قبایل و دولت های مجاور

۱- (۱) .علی،ص۳۱۴.

و افراد وجود دارد که سبکی سیاسی-الهی است و حاکی از چهره سیاسی-الهی دولت ایشان است.

سبک اداری و اسلوب نامه ها،دو ویژگی خاص درونی و بیرونی نامه را نشان می دهند؛قالب بیرونی نامه های پیامبر با واژه های «بسم الله الرحمن الرحیم» شروع شده و نامه های بدون بسم الله،-زاییده آسیب های راویان و تلخیص های ایشان است. (۱)قلقشندی نیز سه شیوه اداری و سه اسلوب نگارش برای نامه های پیامبر صلی الله علیه و آله بیان کرده است[فی الکتب الصادره عن النبی وفیه ثلاثه اطراف]. (۲)

پس از بسم الله،عبارت«من محمد رسول الله إلی صاحب الروم»،«من محمد نبی الله إلی أهل هجر...»،«من محمد عبد الله ورسوله إلی المقوقش...».قلقشندی به نقل گروهی می نویسد ذکر نام گیرنده نامه پس از نامه فرستنده تقلیدی است از روش نامه نگاری پادشاهان ایران.... (۳)

بعد از این عبارت ها،جمله با«اما بعد»آغاز می شده که در خطبه ها و نوشته های پیش از اسلام میان اعراب رایج بوده است و پس از آن متن کوتاه و ساده نامه پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر می شده و منظور پیامبر صلی الله علیه و آله در قالب این جمله های کوتاه بیان می شده است.صفت مساوات و ایجاد،دارای شیوه ای هماهنگ و در عین حال سبک مستقل و جدیدی است.جنس نامه ها از پوست دباغی شده و پرورده بود و پایان نامه با مهر پیامبر صلی الله علیه و آله ختم می شد و سپس موم و گِلِ تر بر آن می نهادند که این مطلب در امور اداری مربوط به پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است.در پایان نامه نیز تاریخی به عنوان تاریخ نگارش نامه همراه با نام نویسنده وجود

۱- (۱) .حمیدالله،ص ۳۴.

۲- (۲) .قلقشندی،ج۶،ص ۳۶۵،۱۱.

۳- (۳) .قلقشندی،ج۴،ص ۳۷،۸۰.

داشت.از دیدگاه طبری این مطلب درست است که ثبت تاریخ در پایان نامه ها از عصر پیامبر صلی الله علیه و آله رایج بوده است؛زیرا طبری،آغازکننده استعمال و ثبت تاریخ هجری را پیامبر دانسته است. (۱)نقش مهرها در نامه های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله«محمدرسول الله»بود که در سه سطر قرار می گرفت؛در بالا واژه الله،در وسط واژه رسول و در پایان واژه محمد.

نامه های پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر در خصوص مسائل اداری مانند اقطاع و بخش ها،امان نامه ها،بیان احکام و مقررات اسلامی و پیمان صلح است.می توان گفت پیامبر صلی الله علیه و آله سبک جدید و مستقلی در نامه نگاری حکومتی ایجاد کرده که خاص دولت رسول خدا صلی الله علیه و آله است و این مطلب از یافته های ارزشمندی است که بسیاری از محققان رسائل و وثائق اداری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدان اعتراف کرده اند:«با درنظر گرفتن سبک نوشته های پیامبر صلی الله علیه و آله می توان نوشته های ساخته شده و منسوب به او را از نوشته های راستین بازشناخت و این خود از ارزشمندترین نتیجه های بررسی سبک نوشته های پیامبر صلی الله علیه و آله است». (۲)مهم ترین اثر به جا مانده از تشکیلات دولت رسول خدا صلی الله علیه و آله که بیانگر مهم ترین اقدامات اداری ایشان جهت تأسیس مدینه به عنوان شهر اسلامی با شهروندان اسلامی می باشد،متن صلح نامه با طبقات مردم مدینه است.

-سفرا و دیپلماسی دولت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

انتخاب سفیر به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله برای ارسال نامه به دربار خسرو پرویز(امپراتوری ایران)و هرقل(امپراتور روم)و دیگر صاحبان قدرت،حاکی از دیپلماسی قدرتمند پیامبر صلی الله علیه و آله است که به عنوان قدرتی جدید وارد میدان

۱- (۱) .طبری،ج۲،ص۳.

۲- (۲) .حمیدالله،ص۵۲.

سیاست جهانی شده است.اگرچه ارسال این نامه ها به وسیله سفرا جنبه دعوت به دین اسلام از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله را دارد،اما در حقیقت این سفرا نمایندگان سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله بودند که سایر ملل را به پیروی از سیاست مذهبی و قدرت در حال ظهور در شبه جزیزه عربستان دعوت می کردند.یعقوبی گزارشی از نامه پیامبر به سران قبایل جزیره العرب و دعوت آنها به اسلام و متن نامه پیامبر به اهل یمن و هَمْدان و نجران و هجر را آورده است. (۱)طبری نیز نامه های پیامبر به پادشاه ایران و روم و حبشه و متن آنها را آورده است. (۲)کتاب سفیران،تألیف ابن الفراء(م۵۱۶ه)از نخستین منابع تاریخ اسلام است که به طور مستقل اخبار سفرای پیامبر صلی الله علیه و آله و متن نامه آنها را بیان کرده است؛ازاین رو این انتقاد جدی به حمیدالله در مورد عدم ذکر نام ابن الفراء در اثرش وجود دارد!!.

رسول خدا صلی الله علیه و آله با ارسال نامه هایی به سبک نامه های اداری سیاسی-حکومتی به قدرت های محلی و قدرت های خارجی ایران،روم،حبشه و...،موجودیت سیاسی دولت خود را اعلام کرد و مردم را به وارد شدن در این دولت دعوت کرد.این فراخوان موجب روی آوردن بسیاری از مردم به سوی مدینه شد که نشانگر کارآمدی دولت و تشکیلات اداری پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است؛از این توجه سیاسی سراسر جزیره العرب،به سال هیئت های سیاسی یاد کرده اند.نهم هجرت«عام الوفود»سال توجه داخلی و جهانی به موجودیت سیاسی رسول خدا صلی الله علیه و آله است و حضور صدها هیئت نمایندگی در سال های هشتم تا سیزدهم هجری،اثبات کننده تعیین موجودیت مکانی،زمانی و اعلام موجودیت سیاسی دولت پیامبر صلی الله علیه و آله است. (۳)

۱- (۱) .یعقوبی،ج۲،ص ۸۱-۸۳.

۲- (۲) .طبری،ج۲،ص ۱۳۲.

۳- (۳) .مسعودی،التنبیه والاشراف،ص۲۳۸.

وفود عرب در اواخر سال نهم هجرت آغاز شد.به گزارش مسعودی صدهزار عرب به اسلام گرویدند.به گزارش یعقوبی قبایل عرب از هر قبیله یک رئیس در رأس یک هیئت نمایندگی به خدمت پیامبر رسیدند. (۱)او اسامی سی قبیل با نام رئیس و هیئت نمایندگی آنها را نوشته است.طبری ضمن گزارش حادثه وفود،از یازده قبیله وفد و رفتار آنها با پیامبر هنگام ورود به مدینه سخن آورده است؛ (۲)از جمله وفد بنی فزاره در هیئتی با ده نفر وارد مدینه شدند (۳)و رَکْب ثقیف همراه احلاف با هیئتی شش نفره وارد مدینه شدند و به طریق جاهلیت یعنی استفاده از احلاف،با پیامبر بیعت کردند و به صورت دوره جاهلی به پیامبر سلام و درود و تحیت دادند. (۴)پیامبر دستور داد برای آنها در گوشه ای از مسجد خیمه مخصوصی برپا کردند.واقدی وفود پیامبر را در کتابی جداگانه تدوین کرد؛امّا ابن سعد نخستین بار گزارشی منظم از وفود ارائه کرد.حدود صد وفد و هیئت نمایندگی سیاسی-اجتماعی با پیامبر ملاقات کردند.در منابع قرن ششم به بعد ابن جوزی و ابن کثیر نیز مطالبی در مورد وفود دارند.مرجع و مصدر ابن سعد کتاب محمد بن عمر واقدی و ابن هشام است.واقدی کتابی مستقل درباره وفود داشته است که در دسترس نیست.ابن سعد از هفتاد و دو وفد یاد کرده است (۵)و جزئیات بسیاری از آنها آورده که از روی آنها می توان مطالب اداری و تشکیلاتی زیر را پیرامون شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به دست آورد:

۱.ظهور پیامبر به عنوان عالی ترین مرجع اداری و قدرت در جزیره العرب؛

۱- (۱) .یعقوبی،ج۲،ص۷۹.

۲- (۲) .طبری،ج۲،ص۱۷۹-۱۸۱.

۳- (۳) .طبری،ج۲،ص۱۹۱.

۴- (۴) .طبری،ج۲،ص۱۸۰.

۵- (۵) .ابن سعد،ج۱،ص۱۴۱-۱۷۳.

۲.توافق و مذاکرات رسمی پیامبر با رؤسای عرب به عنوان رئیس دولت؛

۳.تعیین رژیم اقتصادی،فرهنگی،مذهبی و سیاسی مناطق مختلف جزیره العرب به وسیله پیامبر در مذاکرات وفود؛

۴.تعیین کارگزاران و رؤسای جدید برای قبایل و آماده کردن زمینه تغییرات اساسی در امارت و قدرت؛

۵.تعیین رژیم جدید مالکیت قُرُق و حمی و انجام اقطاعات بسیاری به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله؛

۶.برخی از اعراب پیامبر را هنگام ملاقات«یا مالک العرب»و تعابیر اداری معمول پیش از اسلام صدا زدند و برای پیامبر شأن اداری و جایگاه تشکیلاتی در حوزه قدرت سیاسی عرب قائل شدند،امّا برخی به طور عادی با ایشان برخورد کردند.قرآن به این حقیقت اشاره نموده است: إِنَّ الَّذِینَ یُنادُونَکَ مِنْ وَراءِ الْحُجُراتِ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْقِلُونَ ؛

۷.غلبه نظامی دولت پیامبر بر جزیره العرب و اعلام موجودیت یک قدرت نظامی در جهان؛

۸.مراسم بیعت و صلح؛

۹.استفاده پیامبر از تشریفات استقبال از وفود.

مهم ترین گروه از حیث کیفیت برخورد سیاسی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله،هیئت نمایندگی بنی سلیم است.بزرگ قبیله بنی سلیم«قیس بن شُبَه سلمی»است که در جاهلیت به دین حنیف اعتقاد داشت و با اخبار روم و ایران و عرب نیز آشنا بود.او قدرت سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله را نوع جدیدی از حاکمیت در جهان می دانست؛زیرا به قوم خود گفت:سخنان محمد و فرامین او به هیچ وجه مانند آنها نیست. (۱)

ص:۶۹

۱- (۱) .ابن حجر،ج۴،ص۴۲۴؛آیتی،ص ۶۶۰-۶۶۲.

۴-تشکیلات دولت اسلامی در عهد راشدین

اشاره

حدود سی سال از دوران خلافت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله با حوادث بزرگی چون جنگ های داخلی،از جمله جنگ های یک ساله«رِدّه»،پیامبران دروغین و تشنجات ناشی از اختلاف بر سر جانشینی و نیز تحرکات مربوط به فتوحات و توسعه قدرت عربی در مناطق مختلف در شرق و غرب و شمال و جنوب جزیره العرب سپری شد.با پیوستن ایران،فلسطین،شام و مصر به قلمرو اداری دولت اسلام و توسعه امپراتوری عرب،عمده ترین مسئله اداری عرب در عصر راشدین،مسائل اقتصادی،پیمان ها و قراردادهای ترک مخاصمه،صلح،حقوق اقلیت ها،مسئله غنائم و اعطای آنها به صحابه و تعیین عامل در مناطق مفتوحه بود.با این توصیف،محور اصلی تشکیلات اداری مسلمانان در عصر راشدین بیشتر منحصر به شکل گیری نهاد خلافت و استفاده از نظام اداری دیوان های سرزمین های مفتوحه جهت رفع حوایج اقتصادی دولت بزرگ و تازه تأسیس اسلامی می شد.براساس همین سیاست-که اعراب آن را در عرصه هـای مختلف اداری به کـار گرفتنـد-نخستین دولت اسلامی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله برپایه تشکیلات ایرانی اداره می شد.این دوره با پدیده سیاسی بازگشت به جاهلیت مواجه شد و این امر موجب تفاوت هایی بین دولت پیامبر صلی الله علیه و آله با دولت های پس از ایشان گردید.اما به هر شکل،با ظهور اسلام،تشکیلات و نظم نوینی در جزیره العرب بر محور اسلام شکل گرفت.

بررسی انتقادی واژه های دولت و ملک و حکومت در تاریخ اسلام و تحرک سیاسی بی سابقه پیامبر صلی الله علیه و آله در جزیره العرب،نشان می دهد که برنامه پیامبر صلی الله علیه و آله برای تأسیس دولت به مفهوم دستگاه ثابت،نزدیک به مفهوم سیاسی معاصر از دولت بوده است.

این اقدام رسول خدا صلی الله علیه و آله الگوی جوامع اسلامی عصر ایشان و پس از آن گردید؛چراکه اقدام پیامبر در به عهده گرفتن و اجرای امور مردم،قدرت طلبی

ص:۷۰

موقت نبوده است و این رفتارهای حکومتی نیز همانند رفتارهای خاص دینی ایشان در احکام(مانند نماز،روزه و حج)باید تبدیل به الگویی ثابت و قابل پیروی می شد.این پدیده سیاسی(دولت)در تاریخ عرب،با بازگشت عناصر جاهلیت در عصر سه خلیفه اول-از ۱۳ تا ۳۵ هجری-لوث گردید،اما از سال ۳۶ تا ۴۰ هجری بار دیگر سیره نبوی چهره خویش را در دولت نشان داد.ویژگی عصر امام علی علیه السلام تحقق دولت اسلامی به مفهوم دولت کلاسیک ثابت اسلامی به عنوان الگوی مسلمانان است. (۱)حجم زیاد خطبه های سیاسی و نامه های اداری که حضرت علی علیه السلام در مقام خلیفه چهارم و امام مسلمین در رهنمودهای سازنده به ولاه(کارگزاران)ارائه داد،تا حدود زیادی گویای این حقیقت است.

«حضرت علی علیه السلام نمونه ای از توجه حق به سیاست و دین و ضرورت استمرار حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله بود.در اسواق می رفت و مردم را ارشاد می نمود و در معاملات دنیوی آنها نظر می کرد.او در مسائل مالی با سیره عمر در توزیع اموال مخالفت کرد و بیت المال را پس از انجام هزینه ها و مرافق به مساوات بین مردم تقسیم نمود. (۲)و مهم ترین اصل حکومت اسلامی یعنی عدالت را برقرار کرد.حضرت علی علیه السلام در تعیین امرا در نظام تشکیلاتی خود،اصل ثابت دولت اسلامی،یعنی عدالت را رعایت کرد.او در پاسخ به نصیحت ابن عباس در مورد امارت معاویه بر شام فرمود:«والله لایبقینه امیراً علی الشام یومین وانه ظالم...». (۳)

در تشکیلات ساده دولت چهار ساله حضرت علی علیه السلام از قنبر به عنوان حاجب،از عبدالله بن عباس،مالك اشتر و سلمان فارسی و چند تن دیگر،به

۱- (۱) .المحامی،ص۱۵۰.

۲- (۲) .همان،ص۴۲.

۳- (۳) .المحامی،ص۱۵۳.

عنوان عمّال حضرت در کوفه،مدینه،بصره،مکه،مدائن،خراسان،فارس،آذربایجان و...یاد کرده اند.وجه اهمیت تشکیلات اداری حضرت علی علیه السلام عملکرد کیفی ایشان در افشاگری علیه ستم کاران از گروه کارگزاران دولتی است.در مجموع،نامه های حضرت علی علیه السلام از نوع نامه ها و مکاتبات اداری بوده و دارای بار اداری بسیار بالایی است که اصول اساسی سازمان برید،خراج،قضا،انشا،اوقاف،اصناف،نفقات،بیت المال،اهل ذمه،جیش،دیوان عرض،فتوا و...را در خود جای داده است.مجموعه ای از این فرامین در نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر گِرد آمده است و سند جاودان اداری برای دولت ها در طول تاریخ است.به گفته یکی از محققان معاصر،نامه عبدالله بن طاهر به کارگزارانش،تحریری از نامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر است که به حاکم سلسله طاهری منسوب شده است و منشور اداری این نخستین دولت ایرانی قرار گرفته است. (۱)

برخی از توصیه های اداری امام علیه السلام را به مالک اشتر که براساس تقسیم دیوان ها در صدر اسلام است،می توان به عنوان الگوی تشکیلاتی مورد توجه قرار داد.این توصیه ها که برخی جزئیات نیز در آنها مورد اشاره قرار گرفته،راه کارهایی است که نشان می دهد حضرت علی علیه السلام در طی چهار سال حکومت خویش،در صدد حفظ ماهیت اسلامی دولت،یعنی عدالت بوده است.از جهت کمیت نیز شیوه حضرت علی علیه السلام همانند پیامبر صلی الله علیه و آله استمرار یافته و توسعه برخی ادارات نیز تا حدودی به حسب نیازها صورت گرفته است.به کارگیری برخی شیوه های خاص در وقف و توسعه فوق العاده آن،دگرگونی در تخصیص عطا و پاداش،عمل به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در احیای اراضی موات و انتقال پایتخت خلافت از مدینه به کوفه جهت حفظ بیت المال و قدرت سیاسی از دستبرد اشراف قریش،از جمله موارد توسعه کمی

۱- (۱) .مقدمه ابن خلدون،ص۵۴۸.

است.به یقین می توان گفت که تشکیلات دوره راشدین قابل مقایسه با تشکیلات دولت های اسلامی پس از آنها مانند امویان،خلافت عباسی و فاطمیان و ممالیک مصر نیست؛زیرا تشکیلات همواره از لحاظ کمی در حال توسعه بوده و در هر زمان خدمات اداری جدیدی به مردم ارائه کرده است،بنابراین،وجه اهمیت تشکیلات حضرت علی علیه السلام پافشاری ایشان بر تطبیق شریعت در صحنه سیاست و اداره امور به وسیله کارگزاران عادل است و این پدیده ملاک ارزیابی دولت ها در دوره اسلامی است؛ازاین رو این توصیه ها را باید بنیان عدالت در دیوان های دولت نامید.اکنون به بیان برخی از فقرات نامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر می پردازیم:

الف)دیوان خراج

«جریان خراج را چنان وارسی کن که وضع خراج دهندگان سامان یابد؛زیرا که تمام مردم نان خور خراج و خراج دهندگانند.»امام علیه السلام طبق بخشنامه ای جزئیاتی را همچون برخورد با مردم و چگونگی جمع مالیات بیان کرده است.سیره حضرت علی علیه السلام در خراج،نمونه ای است که می تواند سرمشق توسعه متعادل در همه اعصار باشد؛چراکه آن حضرت رابطه ای مستقیم بین خراج و آبادانی برقرار کردند.برخی از رئوس سیاست مالی ایشان در خراج عبارت است از:

۱.رفق و مدارا با رعیت در اخذ خراج؛

۲.اقتصار بر محدوده مالیات قانونی و شرعی خراج.ایشان در ملاقات با دهقانان ایرانی،هدیه نوروزی را از آنان پذیرفت و آن را جزو خراج ایشان قرار داد؛ (۱)

۳.میزان خراج متناسب با آبادانی باشد.آن حضرت عمّال خود را به آبادانی و به ویژه اصلاح رودها امر فرمودند؛ (۲)

۱- (۱) .جاحظ،المحاسن و الاضداد،ص۲۱۵.

۲- (۲) .یعقوبی،ج۲،ص۱۹۰.

۴.منع عمّال خراج از مصرف شخصی مال خراج.

ب)دیوان جند شرطه و شرطه الخمیس

نیروی نظامی حضرت علی علیه السلام در آرایش شرطه الخمیس بود.ابن الخیاط. (۱)در کارگزاران ایشان در شرطه،دو گروه متفاوت آورده است و از معقل الریاحی و الیربوعی به شرطه و از المجاشعی به شرطه الخمیس (۲)یاد کرده است.این سپاه بزرگ جرار با آرایش کلاسیک،به امر صاحب شرطه و هنگام جنگ پیشگام بود.غنایم بین آن ها به خمیس تقسیم می شد.بسیج جان بر کفان شرطه الخمیس حضرت علی علیه السلام به چهل هزار تن رسید. (۳)این سازمان عربی در تشکیلات دولت علوی،امور نظامی،انتظامی،و تأمین امنیت اجتماعی و اقتصادی شهر را برعهده داشت.

«نیروهای نظامی لشکریان با رخصت حق،دژهای ملت،آرایه زمامداران و شکوه دین و راه های تحقق امنیت هستند.گزیده ترین سران لشکریانت در نزد تو کسی باشد که کمک و یاری خویش ارزانیشان دارد».

ج)دیوان قضا

«سپس برای داوری بین مردم افرادی را برگزین که نزد تو برترینانند».

د)گزینش و تعیین عاملان

«سپس در امور کارگزارانت ژرف بنگر و بر مبنای اهمیت درست به کارشان بگمار.»حضرت علی علیه السلام عاملان خود را از انصار که دارای شاخص های اخلاقی و سیاسی نزدیک به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله انتخاب کرد و شمار قابل توجهی از آنان را وارد صحنه اداری خلافت کرد؛ابوقتاده انصاری و الی مکه،ابوایوب انصاری و الی

۱- (۱) .خلیفه بن خیاط،۱۲۱.

۲- (۲) .اخمس،خمیس:جیش،جواد،۴۰۱/۵.

۳- (۳) .طبری،۱۲۷/۲،۱۲۶.

مدینه،ثابت بن قیس و الی مدائن؛ (۱)نعمان بن عجلان انصاری عامل در بحرین،قیس بن سعد انصاری عامل در مصر قرطه بن کعب انصاری به عنوان امیر و عامل در بهقُباذات و کوفه. (۲)

ه)عیون و بازرسی

حضرت علی علیه السلام در مورد نظام بازرسی و اطلاعات نیز توصیه فرمود:

«سپس چگونگی کارکردشان را نگران باش و از یاران راست کردار و وفادار میانشان بگمار که بازرس ناپیدای تو باشند».

و)دیوان رسایل و کاتبان

«در کار دبیران خویش بیندیش و سرنوشت جریان هایت را به بهترینشان بسپار و فرمان نامه های محرمانه ات را به جامعترینشان واگذار».

ز)بیت المال

از جمله عملکردهای مالی سازمان اداری حضرت علی علیه السلام تقسیم بیت المال به تساوی میان مردم است.عدالت در بیت المال از وجوه خاص چهره اداری حضرت علی علیه السلام است که مورد توجه مورخان بزرگ پدیده خلافت اسلامی قرار گرفته است.سیوطی و دیگران این روایت را آورده اند که علی علیه السلام بیت المال را جارو می کرد و در آن نماز می خواند تا مبادا حقی از مسلمین در آن تباه شده باشد. (۳)ایشان در سال سه بار بیت المال را تقسیم می کرد وقتی مال زیادی از اصفهان رسید،حضرت این کار را چهار بار انجام داد و فرمود:من خازن بیت المال نیستم. (۴)

۱- (۱) .یعقوبی،ج۲،ص۱۷۹.

۲- (۲) .طبری،ج۲،ص۳۶.

۳- (۳) .سیوطی،ص ۱۸۰.

۴- (۴) .ابن سلام،ص ۲۷۰.

ح)فنون جنگ و آرایش نظامی

از جمله مواردی که در آرایش نظامی اهمیت ویژه داشت،قرار گرفتن گروهی از جاسوسان و عیون در پیشاپیش و مقدمه و طلایه لشکرها و ستون های نظامی بود.

ابن خلدون ضمن گزارش بخشی ازخطبه های حضرت علی علیه السلام در صفین،از آنها به نام اصول«علم الحرب»و آموزش دانش جنگ یاد نموده است. (۱)

ط)دادرسی و بازرسی کارگزاران

نامه های زیادی درباره مؤاخذه کارگزاران و عمّال از جانب آن حضرت علیه السلام صادر شد از جمله نامه حضرت علی علیه السلام به قاضی شریح در تنظیم سند برای خانه ای بود که به هشتاد دینار خرید.نامه به اشعث بن قیس،والی امام در آذربایجان به علت خیانت در بیت المال،نامه به عبدالله بن عباس عامل حضرت در بصره و نامه به زیاد درباره خیانت او به اموال مسلمین از شمار این نامه هاست.از ویژگی های حضرت علی علیه السلام نفی عمّال عثمان است که از خانواده بنی امیه بودند.ایشان در آغاز خلافت،کارگزاران عثمان در شهرها را عزل کرد. (۲)در دوره چهار ساله خلافت،سیاست حضرت علی علیه السلام در نفی و طرد کسانی که از مسیر عدالت خارج شده بودند استمرار داشت و مارقین و ناکثین و قاسطین از حوزه حکومتی علوی خارج بودند.

ک)شهرگرایی حضرت علی علیه السلام و توصیه به مدنیت

دورکردن خوارج از حوزه امامت و خلافت و قدرت اسلامی به وسیله حضرت علی علیه السلام صورت گرفت؛زیرا با حاکمیت اندیشه سیاسی خوارج،قدرت سیاسی در مدینه و کوفه و مراکز قدرت تضعیف می شد و اصل خلافت اسلامی منحل می گردید؛ازاین رو حضرت علیه السلام از خوارج به فتنه تعبیر فرموده و کار خود را درآوردن چشم فتنه

۱- (۱) .مقدمه،ابن خلدون،ص ۴۸۷.

۲- (۲) .یعقوبی،ج ۲،ص ۱۸۰.

دانسته است.اگر ایشان خوارج را از حوزه قدرت دور نمی کرد،تشکیلات اسلامی در دوره های بعدی بر محور خلافت و امامت شکل نمی گرفت.برخی علمای اهل تسنن نیز به این نقش اساسی حضرت علیه السلام در نخستین حوزه قدرت اسلامی تأکید کرده اند؛زیرا دیدگاه سیاسی خوارج در تضاد با مدنیت اسلامی بود. (۱)

از عملکرد حضرت علی علیه السلام در دوره حکومتشان می توان به این نتیجه رسید که عدالت،نشانه سلامت تشکیلات دولت است.حکومت حضرت علی علیه السلام اگرچه از جهت کمی چهار سال بود،اما کیفیت عدالت در این دولت از زمان فراتر رفت و جاودانه گردید و تنها دولت عادل در تاریخ شناخته شد؛چراکه هدف از تشکیل دولت ها همواره تحقق عدالت بوده است.حضرت علی علیه السلام از آغاز خلافت،سیاست خلیفه اول و دوم و سوم را در مماشات با قریش و بنی امیه کنار گذاشت؛ایشان در این باره می گفت:«والله ان علیا لمستغن برأیه وأمره عنا ولانراه الاسیکون علی قریش اشد من غیره» (۲)در همین راستا،حضرت علیه السلام بسیاری از اقطاعات عثمان به قریش را بازگرداند. (۳)

خلاصه فصل،نتایج و منابع بیشتر برای مطالعه

وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان فردی مقدس و آسمانی،نخستین تصویری است که از ایشان در ذهن محققان نقش می بندد.شخصیت ماورایی آن حضرت و عظمت کارهای معنوی در کنار شکوه دنیایی پیامبر صلی الله علیه و آله معمایی است که خاورشناسان و محققان داخلی از حل آن فرومانده اند؛یعنی نمی توانند در میان کارهای انجام شده به دست ایشان،آن چه را دینی است از غیر دینی یا دنیوی تمییز دهند.

۱- (۱) .سلاوی،الاستقصاء،ج۱،ص۵۸.

۲- (۲) .طبری،ج۲،ص۷۰۲.

۳- (۳) .مسعودی،مروج الذهب،ج۱،ص۷۱۰.

تأسیس دولت با استفاده گسترده از ابزارهای اداری و سازمان های مدیریتی در اداره جامعه تازه تأسیس در جزیزه العرب،از وجوه اصلی شخصیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است.ایشان مبنای قدرت خود را بر دین قرار داد،و برای عملی کردن افکار خویش،آنها را به صورت نهادهایی درآورد و ابتکارات و دستاوردهای فراوانی از خود به عنوان یک سیاستمدار آشکار ساخت.سیاست منسجم و نهادهای پایداری که پیامبر صلی الله علیه و آله بنا کرد،پس از رحلت ایشان تا قرن ها به انجام وظایف خود ادامه داده اند.

تأسیس اسلام،نقطه عطفی در تاریخ تشکیلات و دولت و بنیادهای اندیشه سیاسی و قدرت سیاسی است.پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله امت جدیدی پایه گذاری نمود و جامعه جدیدی در عرصه بین المللی به وجود آورد؛به طوری که قدرت سیاسی از امپراتور و شاه به پیامبر صلی الله علیه و آله منتقل شد و جامعه بر محور شریعت استوار شد.دولت مدینه و تشکیلات اداری آن نشان داد که هدف پیامبر صلی الله علیه و آله تشکیل ملتی تازه از مسلمانان بود؛زیرا یهودیت و مسیحیت فقط مروج قانون روحانی و اخلاقی بودند،اما اسلام توجه زیادی به مسئله قدرت نظامی و اقتدار سیاسی در کنار مسائل اخلاقی داشت.بنابراین می توان گفت که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله،تأسیس دولت و بنای شهر سیاسی و تربیت انسان سیاسی را در سرلوحه فرامین خود قرار داد و قرآن را به عنوان کتاب حکومت و سیاست معرفی نمود.ایشان اجرای فرامین اخلاقی و توسعه فرهنگ اسلامی را از طریق دولت و حکومت میسر می دانست،و ازاین رو برای رفع نیازهای سیاسی،اقتصادی و اجتماعی جامعه به تأسیس نهادهای مختلف اداری اقدام کرد.منابع بسیاری به حقیقت اصالت تشکیلات و نهادهای اداری پیامبر صلی الله علیه و آله توجه کرده اند؛از جمله خزاعی تلمسانی و کتانی،چهره یک دولت مرد و مدیر کامل را از پیامبر صلی الله علیه و آله در همه عرصه های اداری ارائه نموده اند.

نهاد خلافت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله تا سقوط بغداد

۱-ماهیت خلافت و کیفیت تحقق آن

اشاره

واژه خلافت از مصدر«خَلَف»،به معنای امارت است.و در متون اسلامی در تعریف خلیفه از واژه های سلطان اعظم،زعامت عظمی و امامت عظمی استفاده شده است.و خلیفه یعنی کسی که ولایت عام بر همه امت دارد و متصدی امور آنهاست.این واژه یا فعیل به معنای مفعول است:«ویکون المعنی فیه أنّه یستخلف ممن قبله» (۱)و یا از فعیل به معنای فاعل است:«ویکون المعنی فیه انه یخلف من بعده».

خلافت،بزرگ ترین نهاد سیاسی-دینی در عرصه حکومت و عمده ترین پدیده قرون وسطا است که مسلمانان به واسطه قدرت آن،فرهنگ و تمدن جدیدی را در سراسر جهان پی افکندند.برخی خاورشناسان کوشیده اند بین نهاد خلافت و مقام پاپ که در قرون وسطا به وجود آمد،مقایسه کنند. (۲)

حکومت های دنیوی نمایی از قدرت طبیعی در اداره امور مردم برای تأمین مقاصد دنیایی و هواهای نفسانی هستند،اما خلافت عبارت است از ریاست عام

۱- (۱) .ابن منظور،ج۹،ص۸۲.

۲- (۲) .ابراهیم حسن،ج۱،ص۴۴۵.

برای هدایت عموم مردم بر اساس مقتضای نظر شرعی در تأمین مصالح اخروی و دنیوی،به نیابت از صاحب شرع. (۱)

صاحب این منصب را«خلیفه»و امام و خلیفه الله و خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله نامیده اند.دلایل عقلی خلافت،ضرورت تشکیل حکومت-یعنی مقتضیات زندگی اجتماعی بشر-و همان دلیلی است که وجود انبیا را در میان انسان ها ضروری شمرده است.ابن سینا نخستین کسی است که وجوب جانشین برای نبی و لزوم اطاعت همگان از او را با استفاده از اصل استخدام اثبات کرده و در وجوب نبوت،از«طبیعت اجتماعی»انسان سخن گفته است.به عقیده او نبوت بخشی از طبیعت اجتماعی است و پیوند اجتماعی،به ضرورت طبیعت،فقط با وجود نبی و سپس استمرار شریعت او امکان پذیر است. (۲)علامه طباطبایی رحمه الله دلیل استخدام در بیان اعتباریات اجتماعی را بیان کرده است. (۳)

فقها و مورخان اهل سنت،در گذشته همواره بر آن بوده اند که جانشین نداشتن پیامبر صلی الله علیه و آله را توجیه کنند.سیوطی در تاریخ الخلفاء،به گمان خود سِرّ این مطلب را با ذکر احادیثی بیان نموده است (۴)قلقشندی نیز به سه دیدگاه در مورد مفهوم جانشینی در ذیل واژه خلیفه اشاره کرده است:

۱.خلیفه و جانشین خدا.تمام فقها این نظر را مردود شمرده اند؛زیرا استخلاف از اثر غایب،جایز است و خداوند باقی وجود است.برخی هم تنها آن را در حق داود و آدم جایز دانسته اند.

۱- (۱) .مقدمه ابن خلدون،ص۲۳۹.

۲- (۲) .ابن سینا،الهیات،ص۴۵۹.

۳- (۳) .طباطبایی،اصول فلسفه،ج۲،ص۱۹۸.

۴- (۴) .سیوطی،ص۱۱.

۲.خلیفه رسول خدا.ابوالحسن ماوردی و ابن الفراء بر این عقیده اند.

۳.جانشینی خلیفه از خلیفه پیشین. (۱)قلقشندی بر مبنای سوم،خلافت را امری انسانی تلقی کرده و نکاتی درباره تحولات ذاتی خلافت آورده است.او با توجه به احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله درباره سیر خلافت،فصلی را به تبدیل خلافت به سلطنت اختصاص داده است.سیوطی نیز احادیث مربوط به این حادثه را آورده است که از جمله آنها این حدیث است:«الخلافه ثلاثون عاماً ثم یکون بعد ذلک المُلکُ». (۲)سیوطی با این حدیث برای نخستین بار این واقعیت،یعنی تبدیل خلافت به سلطنت را درباره عملکرد معاویه(۴۱-۶۰ ه)مطرح نموده است؛چراکه معاویه با مطالعه نوشته های ایرانی و رومی درباره قدرت عالی،رفتار آنها را تقلید می کرد.او برای ارتباط با مردم،کاخ هایی به شکل کاخ های ایرانی و رومی بنا کرد و نوعی از پادشاهی ایرانی و رومی را در پوشش اسلامی تأسیس نمود.او از واژه های هِرَقْلی و کسروی و قیصری که نزد بزرگان سیاسی عرب و اسلام منفور بود،استفاده می کرد و بدین جهت مورد انتقاد شدید برخی صحابه و مورخان قرار گرفته است.مورخانی همچون یعقوبی،مسعودی،جاحظ و ذهبی(۷۴۸ه)گزارش هایی مستند از این انحطاط در رأس تشکیلات اسلامی آورده اند.نکته قابل توجه این که حضرت علی علیه السلام این تبدیل خلافت به سلطنت را پیش بینی کرده و آن را تأویل کلام پیامبر صلی الله علیه و آله بیان فرموده است.آن حضرت می فرمود:«به خدا سوگند اگر ایشان بر شما ولایت یابند،همانند کسرا و هِرقِل میان شما رفتار خواهند کرد».بدین ترتیب معاویه بلافاصله پس از کسب قدرت،خود را نخستین شاه نامید:«أنا أول الملوک». (۳)

۱- (۱) .قلقشندی،مآثر الاناقه فی معالم الخلافه،ج۱،ص۱۷.

۲- (۲) .سیوطی،ص۹.

۳- (۳) .یعقوبی،ج۲،ص۲۳۳.

ابن خلدون تغییر را امری طبیعی دانسته است. (۱)او که وزیر خلفای حفصی معاصر قلقشندی می باشد،نخستین متفکر اسلامی است که کوشید طبیعی بودن تغییر را در تاریخ سیاسی اسلام نشان دهد.ابن خلدون قوام طبیعی خلافت را بر پایه«عصبیت»معرفی کرده است؛زیرا دعوت اسلامی بر اساس عصبیت،پیش رفته است.او علت اشتراط قرشی بودن خلیفه را در همین نکته دانسته است که قریش دارای نیروی عصبیت بودند و می توانستند با این نیرو دعوت اسلامی را انجام دهند.

الف)پارادایم جانشینی در منابع تشکیلات اسلامی

هر کدام از خلفای پیامبر صلی الله علیه و آله با الگوهای متفاوتی قدرت را به دست گرفتند و از پارادایم ثابت استفاده نکردند.حکومت یافتن خلیفه اول با انتخاب شورایی محدود از اشراف و بزرگان عرب و قریش صورت گرفت.جانشینی خلیفه دوم بنا بر رأی خلیفه اول و جانشینی خلیفه سوم به وسیله رأی شورایی بود که به دستور خلیفه دوم تعیین شد.اما جانشینی خلیفه چهارم با حضور انبوه مردم صورت گرفت و موجب پذیرش خلافت از سوی ایشان گردید.این در حالی است که به عقیده شیعه،پارادایم کاملاً مشخص برای جانشینی وجود دارد و آن«استخلاف بالنص»است که از قبل به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله تدوین گردیده است.ابن سینا-چنان که گذشت-در فلسفه سیاسی خود همین پارادایم را مفید به حال جامعه و مانع از هرج و مرج دانسته است.

قلقشندی به تبعیت از پارادایم سنتی جانشینی که در بیان ابن الفراء و ماوردی-نخستین مورخان تاریخ تشکیلات اسلامی-آمده است،از آنها با عنوان راه های انعقاد خلافت یاد کرده است (۲)که به سه شکل وجود دارند:

۱- (۱) .مقدمه ابن خلدون،ص۳۶۴.

۲- (۲) .قلقشندی،مآثر،ج۱،ص۳۹.

۱.بیعت.

۲.عهد:قلقشندی در تعریف شیوه عهد در انتقال قدرت خلافت چنین می گوید:عهد عبارت است از این که خلیفه حاضر(خلیفه المستقر)خلافت را برای دیگری که دارای شرایط خلافت است،تعیین کند.

۳.قهر و استیلاء: (۱)قلقشندی در ذیل این شیوه،بحثی اجمالی مطرح نموده که آیا امامت و خلافت کسی که به زور به خلافت رسیده،منعقد شده است یا خیر؟چهار قرن پیش از قلقشندی،ماوردی و ابن الفراء در کتاب های خود که با نام الأحکام السلطانیه منتشر شده است،این شیوه را بیان کرده اند.این دو از شیوخ و کارگزاران و مقربان خلافت عباسی بوده اند و نخستین منابع تشکیلات اداری مسلمانان را به گونه ای تنظیم کرده اند که وقوع صحیح جانشینی را تبیین شرعی کنند؛به طوری که عملکرد تشکیلاتی و اداری مسلمانان از راشدین و خلفای پس از آنها را براساس مبانی شرعی توجیه نماید و انعقاد امامت و خلافت راشدین و خلفای اموی و عباسی را تأیید نماید.ماوردی از سه پارادایم قلقشندی،تنها بیعت و عهد را مطرح نموده است. (۲)وابن الفراء با ذکر اصطلاح«نحن مع من غلب» (۳)و با ذکر روایت«تکون الجمعه مع من غلب»به شیوه سوم هم اشاره نموده است.

ب)تشریفات مربوط به القاب خلیفه

در طی چند قرن خلافت به وسیله ده ها دولت اسلامی،بزرگ ترین شاخصه خلافت اسلامی،اعطای القاب به خلیفه بوده است.قلقشندی و بسیاری از

۱- (۱) .قلقشندی،مآثر،ج۱،ص۵۸.

۲- (۲) .ماوردی،ص۷.

۳- (۳) .ابن الفراء،ص۲۴و۲۵.

محققان پیش از او به این مطلب پرداخته اند،اما وجه اهمیت قلقشندی این است که او در فصلی از کتاب خلافت،بحثی مبسوط در القـاب آورده است.او اعطـای القـاب و کنیه به خلیفه را ادامه رسم عرب و نیز تعظیم مقـام خلیفه دانسـته است. (۱)قلقشندی القاب مربوط به خلافت را به چهار دسته تقسیم نموده است:دو لقب عام و دو لقب خاص؛«عبدالله و امام»دو لقب عام برای همه خلفا در هر زمان و مکان و در هر کار بود.امام از القابی بود که در خلافت عباسـی عراق وارد تشکیلات اسلامی شد و متأثر از جایگـاه امـام در نظـام اداری شـیعه اسـت؛زیرا شـیعه امـام را بر ائمه دارای عصـمت که مسـئول امـور آنهـا است،اطلاـق نمـوده است.لقب سـوم؛القـاب ویژه و مخصوص هر خلیفه است که به مصالـح و سـلیقه و عقایـد خود آن را انتخـاب می کرد.به گفته قلقشندی،راشدین از القاب عام در نامه های اداری خود به کار برده اند و از القاب ویژه استفاده نکرده اند.

به نظر برخی محققـان،اعطـای القـاب ویژه از عصـر اموی آغاز شـده است؛به طوری که خلفای عباسـی و خلفای فاطمی و سایر حوزه های خلافتی در شـرق و غرب جهان اسـلام از جمله خلفای ملوك الطوایف انـدلس و موحدین،خلفای حفصـی و مرینی در مغرب،اسـتفاده فراوانی از این القاب ویژه خلافتی کرده اند.قلقشندی سپس جریان اتخاذ القاب خاص به وسیله خلفای اموی و عباسـی و فاطمی را با ذکر القاب خاص هر خلیفه دنبال نموده است.او القاب ویژه خلافتی خلفای فاطمی و موحـدی مغرب و انـدلس و مصـر از جملـه لقب«المهـدی»را آورده است.وی همچنین به برخی از آداب اتخـاذ لقب از جمله این که هرگز خلیفه بعدی از القاب خلیفه پیش از خود نباید استفاده کند،اشاره کرده است.

۱- (۱) .قلقشندی،مآثر،ج ۱،ص۱۸.

لقب ویژه«امیرالمؤمنین»از واژه های تشکیلاتی در حوزه خلافت اسلامی است که بیشترین نزاع پیرامون آن بوده است.براساس منابع اهل سنت و همه منابع شیعی،نخستین بار حضرت علی علیه السلام به امیرالمؤمنین ملقب شده است؛اگر چه قلقشندی فقط به برخی منابع اهل سنت در این خصوص استناد کرده است که در صددند خلیفه دوم را در رأس همه اولیات تشکیلات اسلامی و بنیان گذار تشکیلات اسلامی جلوه دهند.

پادشاهان حفصی و موحدین نیز خود را امیرالمؤمنین می خواندند.ابن ابّار در شعری که یکی از عوامل قتل او بود،تسمیه و تلقیب دومین امیر حفصی به امیرالمؤمنین را مورد انتقاد قرار داده است:

سمی فی تونس خلفا خلیفه فقد طغا ظلما أمیر المؤمنین

با تبدیل رسمی خلافت به پادشاهی در عصر اموی،تشریفات رسمی دربارهای ایرانی و روم در بسیاری از موارد از جمله در اعطای القاب بیشتر نمایان شد.این القاب اگرچه برگرفته از«رسول الله»و«الله»بود،اما افرادی که از آنها استفاده می کردند هیچ سنخیتی در سیره و رفتار با پیامبر صلی الله علیه و آله نداشتند،بلکه رفتار آنها شبیه پادشاهان ایران و روم بود.

دولت های مستقل و نیمه مستقل در حوزه ایرانی،رومی،ترکی،عربی و بربری تحت نفوذ و پوشش خلافت اسلامی،از القاب نیمه اسلامی و نیمه بومی خود استفاده کرده اند؛از جمله آل بویه که از القاب تشریفاتی سلطنتی ایرانی،مانند شاهنشاه،و القاب افتخاری همچون سلطان السلاطین استفاده می کردند.سلجوقیان نیز از القاب افتخاری یمین،امیرالمؤمنین،برهان امیرالمؤمنین،قاسم امیرالمؤمنین و القاب سلطان استفاده می نمودند (۱)ازاین رو در بسیاری از منابع

۱- (۱) .باسورث،ج۲،ص۱۵۵؛راوندی،ص۸۵؛حسینی،ص۲۵و....

عربی،از خلفای اسلامی با عنوان سلاطین و پادشاهان یاد کرده اند.دولت های

اروپایی نیز در مکاتبات سیاسی،اجتماعی و اقتصادی با خلفای بنی مرین و خلفای حفصی از عنوان سلاطین مرینی و سلاطین حفصی از آنها یاد کرده اند؛این خلفا از القاب خاص و عام خلافتی استفاده می کردند.خلفای حفصی چهار بار لقب«المستنصر بالله را به کار برده اند و از لقب خاص خلافتی،یعنی امیرالمؤمنین نیز استفاده کرده اند.متون غربی از این خلفا با عنوان سلاطین حفصی یاد کرده اند (۱)کاربرد این القاب به وسیله دولت ها،از جمله در عصر ملوک الطوایفی اندلس زمینه بزرگ ترین نزاع بین آنها شد و جنگ لقب ها سراسر جهان اسلام را فرا گرفت.«نظام الملک»پدیده بی ارزش شدن لقب ها را در فصلی از کتاب خود با عنوان«در معنی القاب»آورده است.او می نویسد:«...دیگر القاب زیاد شده است و هر چه بسیار شده است قدر و خطرش نماند...». (۲)

با ورود مغول به حوزه قدرت اسلامی،القاب مغولی نیز به مجموعه القاب اسلامی در عصر ایلخانی افزوده شد.از جمله القاب مغولی،واژه«خان»[خن]و خاقان و ترکان است.در اصطلاحات خوارزمی،خاقان به معنای ملک اعظم ترک و پادشاه ایران و خان خانان و رئیس الرؤسا (۳)است که تا عصر صفوی جزو القاب سلطنتی و عمّال و حکام ولاه شد. (۴)این القاب در حوزه ماوراءالنهر سابقه دراز مدت پیش از اسلام دارد (۵)و در عصر اسلامی لقب رسمی برخی از دولت های این

۱- (۱) .شهیدی پاک،حفصیان،ص ۴۰.

۲- (۲) .نظام الملک،ص ۱۷۰.

۳- (۳) .خوارزمی،ص ۱۱۴.

۴- (۴) .میرزا رفیعا،ص ۲۲۴.

۵- (۵) .خوارزمی،خجندی،صفحات متعدد.

سطح مانند دولت ایلخانیه و دولت قراختانیه گردید.در عصر غزنوی و سلجوقی و خوارزمشاهیان،این القاب کاربرد گسترده پیدا کرد و در عصر ایلخانی جانشینان چنگیزخان خود را«ایلخان»نامیدند.واژه خان،به سران طوایف ترک،امرا و وزرا و ریاست یک دولوس اطلاق شد؛به همین جهت از دولت ایلخانی به عنوان خانات شرقی یاد کرده اند. (۱)در عصر صفوی نیز،خان بر حاکمان ایالات اطلاق می شد (۲)و بر شاه عباس اول هنگام جلوس بر تخت سلطنت لقب«خاقان»دادند.خلفای عباسی مصر و خلفای عثمانی،سنت استفاده از القاب را استمرار بخشیدند و حاکمان صفوی از القاب سلطنتی همراه با القاب دینی استفاده کردند.

۲-تعداد خلفا،کمّیت و کیفیت قدرت آنها

اشاره

چنان که گذشت،خلافت بزرگ ترین پدیده سیاسی دوره اسلامی و نقطه آغاز تشکیلات اسلامی بوده است؛تشکیلاتی که در گستره وسیعی از سرزمین هایی مانند روم و ایران،که قرن ها حکومت های پادشاهی را تجربه کرده بودند ریشه گرفت و به بار نشست.محققان آمار،خلفا را به چهار طبقه تقسیم کرده اند و با معرفی اجمالی خلفای راشدین و خلفای پس از آنها تا سقوط بغداد و استمرار خلافت در مصر وآناطولی،نموداری از افرادی که بر منصب خلافت تکیه زده اند ارائه نموده اند:

الف)طبقه اول-خلفای پیامبر؛راشدین

۱.ابوبکر بن ابی قحافه(۱۳-۱۴ه)

۲.عمر بن خطاب(۱۴-۲۵ه)

۱- (۱) .باسورث،دولت،ص۵.

۲- (۲) .میرزا رفیعا،ص ۷۸،۲۲،۱۴،۱۸۲،۴۴۷.

۳.عثمان(۲۵-۳۶ه)

۴.حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام؛نقش خاتم:الملک الله الواحد القهار(۴۰ه۳۶)

۵.امام حسن بن علی علیه السلام؛نقش خاتم لا اله الا الله الملک الحق المبین

ب)طبقه دوم–خلفای اموی

الف)خلفای اموی شرق در دمشق

۱.معاویه بن ابی سفیان،نقش خاتم:لاقوه الا بالله(۴۱-۶۰ه)

۲.یزید بن معاویه(لعنه الله علیه)؛نقش خاتم:ربنا الله(۶۰-۶۴ه)

۳.معاویه بن یزید؛نقش خاتم:الدنیا غروره(۶۴-۶۴ه)

۴.مروان بن حکم؛نقش خاتم:الله ثقتی و رجائی(۶۴-۶۵ه)

۵.عبدالملک بن مروان؛نقش خاتم:آمنت بالله مخلصاً(۶۵-۸۶ه)

۶.ولید بن عبدالملک؛نقش خاتم:یا ولید انک میت و محاسب(۸۶-۹۶ه)

۷.سلیمان بن عبدالملک؛نقش خاتم:آمین بالله مخلصاً(۹۶-۹۹ه)

۸.عمربن عبد العزیز؛نقش خاتم:یؤْمن بالله(۹۹-۱۰۱ه)

۹.یزید بن عبدالملک؛نقش خاتم:قِنِی السیئات یا عزیز(۱۰۱-۱۰۵ه)

۱۰.هشام بن عبدالملک؛نقش خاتم:الحکم للحَکَم الحکیم(۱۰۵-۱۲۵ه)

۱۱.ولید بن یزید؛نقش خاتم:یا ولید احذر الموت(۱۲۵-۱۲۶ه)

۱۲.یزید بن ولید؛نقش خاتم:یا یزید قم بالحق(۱۲۶-۱۲۶ه)

۱۳.ابراهیم بن ولید؛نقش خاتم:توکلت علی الحی القیوم(۱۲۶-۱۲۷ه)

۱۴.مروان بن محمد؛نقش خاتم:اذکر الله یا غافل(۱۲۷-۱۳۲ه)

ب)خلفای اموی غرب اسلامی و اندلس–از الداخل تا هشام سوم(۱۳۸–۴۲۸ه)

ج)طبقه سوم–خلفای بنی عباس

–خلفای بنی عباس(۶۵۵–۱۳۶ه)در بغداد

۱.سفاح؛نقش خاتم:الله ثقه عبدالله و به یؤمن(۱۳۲–۱۳۶ه)

۲.المنصور؛نقش خاتم:حسبی الله(۱۳۶–۱۵۸ه)

۳.المهدی؛نقش خاتم:الله ربی(۱۵۸–۱۶۹ه)

۴.الهادی؛نقش خاتم:العظمه و القدره الله(۱۶۹–۱۷۰ه)

۵.هارون الرشید؛نقش خاتم:محمد واثقٌ بالله(۱۷۰–۱۹۳ه)

۶.الامین؛نقش خاتم:(۱۹۳–۱۹۸ه)

۷.المأمون(۱۹۸–۲۱۱ه)

۸.المعتصم(۲۱۸–۲۲۷ه)

۹.الواثق بالله؛نقش خاتم:الله ثقه الواثق(۲۲۷–۲۳۲ه)

۱۰.المتوکل؛نقش خاتم:علی اللهی أَتَّکل(۲۳۲–۲۴۷ه)

۱۱.المنتصر بالله؛نقش خاتم:یؤتی الحذر من مأمنه(۲۴۷–۲۴۸ه)

۱۲.المستعینی بالله؛نقش خاتم:(۲۴۸–۲۵۲ه)

۱۳.المعتز بالله؛نقش خاتم:الحمدلله رب کل شیء وخالق کل شیء(۲۵۲–۲۵۵ه)

۱۴.المهتدی بالله؛نقش خاتم:من تعدی المحق ضاقت مذاهبه(۲۵۵–۲۵۶ه)

۱۵.المعتمد علی الله؛نقش خاتم:(۲۵۶–۲۷۹ه)

۱۶.المعتضد بالله؛نقش خاتم:الاضطرار یزیل الاختیار(۲۷۹–۲۸۹ه)

۱۷.المکتفی بالله؛نقش خاتم:بالله علی بن احمد یثق(۲۸۹–۲۹۵ه)

۱۸.المقتدر بالله؛نقش خاتم:الحمدلله الذی لیس کمثله شیء و هو خالق کل شیء(۲۹۵–۳۲۰ه)

۱۹.القاهر بالله؛نقش خاتم:محمد رسول الله(۳۲۰-۳۲۲ه)

ص:۸۹

۲۰.الراضی بالله(۳۲۲-۳۲۹ه)

۲۱.المتقی بالله(۳۲۹-۳۳۳ه)

۲۲.المستکفی بالله؛نقش خاتم:المستکفی بالله یتقی(۳۳۳-۳۳۴ه)

۲۳.المطیع بالله(۳۳۴-۳۶۳ه)

۲۴.الطائع بالله(۳۶۳-۳۸۱ه)

۲۵.القادر بالله(۳۸۱-۴۲۲ه)

۲۶.القائم بأمرلله(۴۲۲-۴۶۷ه)

۲۷.المقتدی بأمر الله(۴۶۷-۴۸۷ه)

۲۸.المستظهر بالله(۴۸۷-۵۱۲ه)

۲۹.المسترشد بالله(۵۱۲-۵۲۹ه)

۳۰.الراشد بالله(۵۲۹-۵۳۰ه)

۳۱.المتفی لأمرالله(۵۳۰-۵۵۵ه)

۳۲.السمتنجد بالله(۵۵۵-۵۶۶ه)

۳۳.المستضی بالله(۵۶۶-۵۷۵ه)

۳۴.الناصرالدین الله(۵۷۵-۶۲۲ه)

۳۵.الظاهر بأمرلله(۶۲۲-۶۲۳ه)

۳۶.المستنصر بالله(۶۲۳-۶۴۰ه)

۳۷.المستعصم بالله(۶۴۰-۶۵۶ه)

-خلفای عباسی(۸۱۷-۶۵۶ه)در مصر،(قاهره)

خلفای عباسی پس از سقوط بغداد،در مصر خلافت تشریفاتی داشتند که یازده تن از آنها تا زمان مؤلف مصری کتاب مآثر

الاناقه فی معالم الخلافه (۱)در

ص:۹۰

۱- (۱) .قلقشندی،ج۲،ص۱۱۱.

حال حکومت بوده اند و قلقشندی با برخی از آنها ارتباط داشته و کارگزار دربار آنها بوده است.

-خلفای فاطمی مصر؛از عبیدالله مهدی(۲۹۷-۳۲۲ه)تا عاضد(۵۴۹-۵۵۵ه)

د)طبقه چهارم-خلفای عثمانی

خلفای عثمانی(۶۸۰ه/۱۲۸۱م-۱۳۴۲ه/۱۹۲۴م)،از عثمان اول پسر ارطغرل غازی تا عبدالمجید دوم در ادرنه و سپس استانبول مرکز امپراتوری عثمانی.

۳-جایگاه ولایت عهدی در تشکیلات اسلامی

اصطلاح ولایت عهدی مرکب از دو واژه«ولی»و«عهد»است.عهد به معنی تولیت و تمکین و قدرت و امامت و وصایت و سرپرستی است. (۱)سابقه تاریخی گسترده ای در تشکیلات عالی اداری اسلام دارد.این مقام که دارنده پیمان و وصیت برای جانشینان خلفا است،در خلافت های کلاسیک اسلامی نیمه اول قرن اول هجری تا پایان خلافت عثمانی وجود داشته است.عناوین«ولی عهد المسلمین»،«ولی العهد»،«ولی الامر»،«ولی عهد المؤمنین»و«ولی عهدالمسلمین»در سکه ها و طراز و نامه های رسمی ولایت عهدی،از واژه های خاص اداری است که در یادکرد از این مقام از آنها استفاده شده است. (۲)

واژه«ولی»از نظر لغوی در زبان عربی برای هفده مفهوم به کار رفته است،که مهم ترین کاربرد آن سیاسی-اداری و به معنای قبول امر حکومت و در اختیار گرفتن ولایت و حکومت است.واژه«عهد»به معنای واگذاری وظیفه ای به

۱- (۱) .حلبی،ج۳،ص۱۳۴.

۲- (۲) .قلقشندی،مآثر،ج۹،ص۳۶۲.

دیگری و الزام وی بـه انجـام آن است. (۱)البته واژه عهـد نیز در زبان عربی کاربرد تشـکیلاتی-سیاسـی در حوزه مفهوم امامت دارد.ولا‌یت عهـدی که یکی از ارکان تشـکیلات اسـلامی است،هیـچ ریشه و جایگاهی در اصول دین اسـلام و مفاهیم قرآنی نـدارد و بـدون تردیـد فاقـد اصالت اسـلامی اسـت،بلکـه منشأ اصـلی آن تشـکیلات اداری ایرانی است.ایـن مقـام از رسـوم ایرانی،رومی و یمنی برای انتقال قـدرت است و از طریق دولت های حیره،غَسانی و کنـده(در جنوب)به حجاز منتقل شد و پس از صدر اسلام،به وسیله امویان مورد تأیید و استفاده قرار گرفت.

چنـان که گفته شـد،واژه«عهـد»دارای معـانی متفـاوتی است؛که کـاربرد آن در متـون عربی و قرآن،مفهومی مرکب از تولیت و قـدرت و امـامت و وصـایت اسـت؛و نمـونه اعلای آن،بـه کـار رفتـن واژه اداری عهـد به وسـیله حضـرت علی علیه السـلام در زیرمجموعه مفهوم قرآنی آن است،حضـرت علیه السـلام وقتی عهـد یمن و یمـامه و بحرین را به طلحه و زبیر داد،آنها با انگیزه خویشاونـدی عهـد را پذیرفتنـد و به مفهوم اداری آن در بیان قرآن و پیامبر صـلی الله علیه و آله توجه نداشـتند؛و حضـرت علی علیه السـلام در مقام خلیفه پیامبر صـلی الله علیه و آله؛عهد،را از آن دو پس گرفت و فرمود:عهد را به سبب امر مسلمین به شما دادم نه خویشاوندی:«وانما وصـلتکما بولایه امور المسلمین واسترد العهد منهما». (۲)حضرت علی علیه السلام بین مفهوم اداری عهـد(ولا‌یت امور مسـلمین)و وجه اسـلامی آن ارتبـاط برقرار کرده است.انتقال عهـد در حوزه امامان شـیعه مرکب از دو جنبه اداری و الهی است که غیر قابـل تفکیـک است و عـدم انتقـال عهـد به ظالمـان شامل هر دو حوزه تشـکیلات اداری و تقـدیر و تعیین الهی است؛چنان که عهد حضرت علی علیه السلام به طلحه و زبیر نرسید.

۱- (۱) .ابن منظور،لسان العرب.

۲- (۲) .یعقوبی،ج۲،ص ۱۸۰.

ولی عهـد در متون اداری ایرانی به«پس ئی»و«اسـپوهر»شـناخته شـده بود. (۱)در ایران باسـتان،ولی عهـد شأنی هماننـد شأن شاه داشت و در حقیقت شـاه او را برای اسـتمرار قـدرت خود و انتقال بی خطر قـدرت با تشـریفاتی خاص تربیت می کرد.می توان گفت در تاریـخ آموزش ایرانی،شـکل گیری نظام و تشـکیلات آموزشـی به تربیت شاهزادگان و ولی عهـد در کاخ ها باز می گردد.ولی عهد،عالی ترین مقام اداری پس از شاه و مشاور اعظم او بود که در بسـیاری از امور مهم،مانند فرمان جنگ و صـلح و عزل و نصب هـا دخـالت داشت؛در طراز و سـکه نـام او در کنار شاه و یا به تنهایی می آمـد که بیانگر نفوذ وی در قـدرت و حکومت بود.ولی عهـدی در نظـام اداری و تشـکیلات ایرانی و رومی جایگـاهی طبیعی و قانونی داشت،اما در نظام تشـکیلات اسـلامی تشـریفاتی پرهزینه و غیرطبیعی بود که از همان آغاز مانند یک خشت کج با ماهیت اسلامی این نظام ناهماهنگ بوده است؛زیرا تعالیم اسلام انتقال قدرت را تنها براساس تقرب به خدا و شرایط امامت تعیین کرده است؛نه بر مبنای خویشاوندی!

انحراف آیین جانشـینی پیامبر صـلی الله علیه و آله از خلافت الهی به ولایت عهدی،حاکی از اضـطرابی بزرگ در نظام خلافت اسـلامی است که برای توجیه شـرعی آن فقهـای دربـاری تلاش های بسـیاری کرده انـد.در عصـر اموی کوشـش های بسـیاری صورت گرفت که با تنظیم عهدنامه های اسلامی،ولایت عهدی،اسلامی گردد و این کار راه را برای عباسیان هموار کرد.

در این عصـر نشان ولایت عهدی وارد سـکه و طراز شد و مقام ولی عهد اسلامی در عصر عباسی،به جایگاه ولی عهد در دوره پادشاهان ایرانی و رومی

۱- (۱) .کریستین سن،ص۶۷۷،زرین کوب،ص۱۳.

نزدیک شد و از صرف یک مقام تشریفاتی بودن خارج شد و مسئولیت هایی دینی و حکومتی و نظامی،مانند امارت حج،نماز،جهاد و نیز برخی مسئولیت های خاص سیاسی مانند اداره امور پایتخت در نبود سلطان به او واگذار گردید.ولی عهد از همکاری گروهی که همانند یک دربار کوچک در اطراف او بودند-مانند حاجب و شرطه و کاتب و صاحب حرس و خدم و حشم-بهره مند بود. (۱)

ماوردی به تبیین مسائل اداری ولایت عهدی پرداخته است؛او نمونه هایی از تشریفات گزینش ولی عهد و چگونگی اعلان آن به شهرها و نقاط مختلف و چگونگی برگزاری آیین و سوگند آن و نیز ارسال متن بیعت نامه به حرمین شریفین و شرایط آن-که شرایطی نزدیک به امامت مسلمین است-را بیان کرده (۲)و برای آن راه حل های فقهی و حقوقی ارایه داده است.وی برای نخستین بار کوشیده است که براساس موازین فقهی و اجتهاد اسلامی،حقوق ولایت عهدی را از این راه قانونی هنگام انتخاب ولی عهد مطرح کند، (۳)در مصر،نظام ولایت عهدی برقرار بود (۴)و در روم (۵)نظام ولایت عهدی بخشی از تشکیلات عالی اداری قدرت بود و ولی عهد جایگاهی مانند ولی عهد در نظام اداری سلطنتی ایران داشت.با این وصف بسیاری از صفحات تاریخ اسلام و نقاط عطف آن به این مقام تشکیلاتی باز می گردد.ولایت عهدی یزید آغازگر این بنای ناهموار در تاریخ تشکیلات اسلامی است که همچنان در تمدن اسلامی باقی ماند.در

۱- (۱) .مقدمه ابن خلدون،ص ۳۷۰.

۲- (۲) .ماوردی،ص۱۳-۱۶.

۳- (۳) .ماوردی،ص۱۵.

۴- (۴) .ماوردی،ص ۵۹و ۶۰.

۵- (۵) .گیبون،ص۱۲۷،ج۱،ص۱۲۶؛صبحی صالح،ص ۲۲،۳۰.

دولت های اسلامی تا عصر صفوی و عثمانی نیز،ولایت عهدی با تغییرات اندکی در تشریفات ظاهری برقرار ماند.

۴-تشریفات و نشانه های ویژه خلافت و سلطنت در تشکیلات اسلامی

-خطبه

خطبه،یکی از مهم ترین امور خلافت بوده است که امرا و حکومت های وابسته نیز با ذکر نام خلفا و سلاطین در خطبه،وابستگی خود را اعلام می کردند. (۱)مهم ترین نشانه در اقتدار خلافت،ذکر نام خلیفه و بیان مصالح سیاسی و شعائر او و دعا به خلیفه و نیز اقرار به خلافت و قدرت سیاسی او در خطبه اعیاد و نماز جمعه بود.ذکر نام خلیفه در سایر ولایات اسلامی،به منزله استمرار قدرت خلیفه و گستره نفوذ او تلقی می شد.نخستین بار عبدالله بن عباس و الی بصره،در خطبه جمعه گفت:«خدایا!حضرت علی علیه السلام را یاری کن.»از آن پس این رسم معمول شد. (۲)ذکر نام خلیفه و سلطان و دعا برای آنها در خطبه های نماز جمعه،همواره شکل سنتی و ثابت داشته است.ذکر نام خلیفه و سلام بر او و در مکاتبات اداری نیز ملحق به تشریفات اداری است که نمونه هایی از این مکاتبات را قلقشندی بیان کرده است. (۳)

مسئول قرائت خطبه،یکی از رجال مشهور شهر بود و«خطیب»نام داشت.البته این اصطلاح به مفهوم خاص،به معنای دعا و ثنای روزهای جمعه در مساجد و اماکن مقدس است.در خطبه ها علاوه بر حمد و سپاس خدا و مدح پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیای دین،خلیفه و سلطان وقت و گاه هر دو مدح می شدند.در

۱- (۱) .ابن خلدون،ص۴۵۶؛قلقشندی،ج۲،ص۱۳۲؛ج۴،ص ۲۷۱؛ج۳،ص ۳۷۱،۳۷۷؛ج۴،ص۲۴.

۲- (۲) .مقدمه ابن خلدون،ص ۴۷۷.

۳- (۳) .قلقشندی،مآثر،ص۳۰۴،۳۰۳،۳۰۱،۱۶۷.

منشور خطابتی که در عتبه الکتبه آمده است وظایف خطیب روشن شده است. (۱)صابی نیز در رسوم دارالخلافه،چگونگی بیان خطبه را ذکر کرده است. (۲)نظام الملک هم بابی را به خطیبان اختصاص داده است. (۳)

در منابع تاریخی،مراسم و تشریفات برخی از خطبه های تاریخی ذکر شده است؛از جمله بیهقی تشریفات یکی از خطبه خوانی ها در حضور مسعود سلجوقی را آورده (۴)و سبکی در معیدالنعم،شرایط خطابه را بیان کرده است. (۵)

خطبه نماز جمعه به تدریج کارکرد بالایی پیدا کرد،به طوری که در عصر مأمون،ولایت عهدی امام رضا علیه السلام در خطبه جمعه مرو اعلام شد؛اما در خطبه نماز جمعه بغداد خاندان عباسی نام مأمون را از خطبه انداختند و با این شکل با ولایت عهدی امام رضا علیه السلام مخالفت کردند. (۶)کارکرد سیاسی خطبه جمعه منافاتی با اصل عبادی نماز جمعه ندارد؛زیرا این فریضه در نظام اداری مسلمانان نهادینه شده و به یکی از وسایل ابراز قدرت سیاسی تبدیل شده است.این وضعیت موجب اختلاف بین فقهای شیعه و سنی گردیده که در جای دیگر باید به آن پرداخت.یک راه حل فقهای شیعی برای حفظ جنبه عبادی در کنار جنبه سیاسی نماز جمعه،منوط کردن مشروعیت نماز جمعه به امام معصوم علیه السلام و یا نایبان او در عصر غیبت است؛که این مسئله یکی از امور موجب نزاع میان تشیع و تسنن در طول تاریخ بوده است.تشریفات خطبه نماز جمعه

۱- (۱) .جوینی،ص۳۷.

۲- (۲) .صابی،ص ۶۰.

۳- (۳) .نظام الملک،ص۵۱.

۴- (۴) .بیهقی،ص۲۹۱،۲۸۹.

۵- (۵) .انوری،ص۲۴۳؛سبکی،ص۱۱۲.

۶- (۶) .طبری،ج۵،ص۱۳۸؛مقدمه ابن خلدون،ص ۲۸۱و۲۸۲.

فاطمیان در جامع قاهره،الازهر و جامع عمر و جامع حاکمی،از شکوه خاصی برخوردار بوده است.خلیفه فاطمی در سال سه بار در این سه مسجد جامع در طی مراسم بسیار چشم گیری خطبه نماز جمعه (۱)را با شعایر شیعی برگزار می کرده است.مقریزی با اختصاص بخشی با عنوان هیئت نماز جمعه در عصر فاطمیان،به طور مفصل جزئیات تشریفات گسترده خطبه جمعه را آورده است. (۲)در افریقیه بنی زیریان(۳۳۶-۵۵۸ه)ابتدا خطبه به نام خلفای شیعی فاطمی می خواندند،اما از نیمه قرن پنجم،خطبه به نام خلفای عباسی خواندند.مرابطین در مراکش،از ابتدا خطبه به نام خلفای عباسی همراه با شعایر تسنن می خواندند،اما موحدین متمایل به تشیع با سلطه بر مراکش خود را خلیفه و امیرالمؤمنین خواندند و خطبه به نام خلفای موحدین همراه با شعایر تشیع خواندند.در ایران عصر ایلخانی،«اولجایتو»در سال ۷۰۹ هجری دستور داد نام خلفای ثلاثه را از خطبه و سکه بیندازند و نام امیرالمؤمنین علی علیه السلام و امام دوم و سوم شیعیان را در خطبه بیاورند و در سکه فقط بر نام حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام اقتصار کنند. (۳)بدین ترتیب ممالیک سنی و خلفای عثمانی و حفصیان بنی مرین متعصب به تسنن،در برابر پادشاهان صفوی مروج تشیع که خطبه به نام بزرگان مذهب خود می خواندند،قرار گرفتند.

-سریر

مقصوره و سریر و سماط (۴)و مجالس و مواکب و اعیاد و جشن های مختلف،

۱- (۱) .مقریزی،خطط،ج۲،ص ۳۶۲.

۲- (۲) .همان،ج۳،ص ۲۳۱-۲۳۳.

۳- (۳) .اقبال،ص۳۱۶.

۴- (۴) .مقدمه ابن خلدون،ص۴۷۳؛قلقشندی،صبح الاعشی،ج۳،ص۵۲۲.

از جمله شعائر و علائم خلافت و سلطنت در تشکیلات اسلامی است.نظام الملک در خصوص نشانه سریر و اهمیت آن برای سلطان،سفارش مؤکد دارد؛ (۱)او در مورد نشانه سماط نیز فصل مستقلی با عنوان«اندر نهادن خوان نیکو»را آورده است:«ترتیب آن پادشاه را تمام تر فرمودی...چندان بود که همه امیران و ترکان و خاص و عام عجب ماندندی...». (۲)

تشریفات حرکت انواع موکب نیز نوعی علامت خلافت است که در سطح بسیار گسترده ای از جمله در عصر ممالیک در شرق و حفصیان در غرب اسلامی گسترش پیدا کرد.کاخ و بیوتات سلطنتی و خانات مخصوص دولتی نیز بخشی از دستگاه اداری بودند که در حقیقت حریم سلطان و دستگاه خلافت را از مردم جدا می کردند.

-سکه و سازمان دارالسکه و دارالضرب

نخستین و عمومی ترین و مهم ترین نشانه هر قدرت دولتی در طول تاریخ،سکه و پول رایج بوده است. (۳)در تشکیلات خلافت و دولت های اسلامی از عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله به بعد،سکه نشانه قدرت بود.نخست سکه های ایرانی و رومی(دینار هرقلی رومی،دینار کسروی ایرانی،مغربی و یمنی)و سپس سکه با شعارهای مشترک ایرانی و رومی و اسلامی و سرانجام پس از هشت دهه از ظهور اسلام،سکه های مستقل اسلامی ضرب شد.تطور تاریخی سکه در دولت های اسلامی،موضوع تحقیقات مستقل علمای اسلامی از جمله قضات

۱- (۱) .نظام الملک،ص۱۰۹.

۲- (۲) .نظام الملک،ص۱۵۰.

۳- (۳) .مقدمه ابن خلدون،ص۴۶.

عالی رتبه ای بوده است که معمولاً مسئولیت دارالسکه را بر عهده داشته اند.از مهم ترین این تحقیقات،کتاب شذور العقود فی ذکر النقود،نوشته قاضی القضات مصری،مقریزی(۸۴۵ه)است،او بحث نقود را از جاهلیت تا دولت های معاصر خود در مصر بررسی کرده و ضمن ذکر رواج مسکوکات اسلامی در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله به مسکوکات راشدین و علایم آنها نیز اشاره کرده است.براساس مدارک،نخستین کسی که دستور به ضرب سکه اسلامی داد،حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که دستور ضرب سکه بر نقره داد و در خلافت او به سال ۳۷ هجری،سکه ای با خط کوفی که روی آن نقش«علی ولی الله»بود،ضرب شد. (۱)این در حالی است که برخی منابع عربی،ضرب نخستین سکه را به خلیفه دوم نسبت می دهند.کَتّانی ضرب سکه از سوی راشدین به جز حضرت علی علیه السلام را انکار کرده است. (۲)بر همین مبنا محققان علت ضرب سکه با طراز کاملاً اسلامی را به راهنمایی امام محمد باقر علیه السلام معاصر عبدالملک بن مروان(م۹۹ه)برگردانده اند. (۳)و بدین گونه شکل دولتی و رسمی سکه با طراز اسلامی،در عهد دولت عبدالملک تولید شد.

در سال ۷۷ هجری،نخستین تغییر در دراهم کسروی با ضرب حروف عربی روی فلوس برنزی با کلمات«جایزه»،«طیب»و«واف»انجام گرفت.در سال ۷۸ هجری نیز با ضرب کلمات عربی روی دراهم کسروی که نقش«شاه ایران»و«نوش خور»و اسامی شهر محل دارالضرب روی آن بود،سکه عربی با چهره جدید تولید شد.

ص:۹۹

۱- (۱) .مقدمه مقریزی،ص۶۳.

۲- (۲) .کتانی،ص۱۹۸.

۳- (۳) .مقریزی،مقدمه ۶۹.

سکه در دولت های مغربی به ویژه در نزد فاطمیان و مرابطین و موحدین،وسیله اعلام مذهب و عقیده سیاسی بود و ارزش و اعتبار جهانی پیدا کرد و در کشورهای اروپایی هم رایج شد.دولت مرابطین و موحدین برای نخستین بار سکه های مربع شکل با شعایر ویژه تسنن و تشیع ضرب کردند.بنابراین سکه بیش از هر علامت دیگری،نشانه قدرت خلافت و دولت و مصالح و اهداف سیاسی آن بود.فاطمیان،شعارهای خالص عقیدتی و شیعی خود را در سکه آشکار ساختند و بر وصایت حضرت علی علیه السلام روی سکه ها تصریح کردند.دولت ادریسیان نیز نخستین بار نام حضرت علی علیه السلام را بر سکه های خود ضرب کردند؛موحدین نیز مهدویت خود را با سکه آشکار ساختند.در شرق اسلامی ابتدا در سکه ولایت عهدی امام رضا علیه السلام و سپس در مسکوکات بویهیان و علویان طبرستان(۲۵۰-۳۴۵ه)علایم شیعی آشکار شد. (۱)در ایران عصر ایلخانی و صفوی نیز رسوم سنتی دارالسکه های اسلامی استمرار یافت؛آنها شعایر شیعی را در سکه های خود آشکار ساختند (۲)که نام ائمه دوازده گانه شیعه از جمله آنها است. (۳)با توجه به اهمیت سیاسی،مذهبی،اجتماعی و اقتصادی سکه،دولت های اسلامی از ابتدا آن را جزو وظایف دینی شمرده اند و دارالسکه زیر نظر مستقیم سلطان و قاضی القضات و مقامات بلندپایه دینی اداره می شد. (۴)در عصر صفوی نیز«مقرب الخاقان»بر ضراب خانه نظارت می کرد و عملیات ضرب سکه و خرید و فروش طلا در حضور او و نایب شیخ الاسلام و قاضی و وزیر و محتسب و کلانتر صورت می گرفت. (۵)

۱- (۱) .مقدمه مقریزی،ص۲۶۴.

۲- (۲) .متی،ص۹۶.

۳- (۳) .متی،ص۱۰۳؛اقبال،ص۲۹۴.

۴- (۴) .قلقشندی،ج۳،ص۴۳۹؛ج۴،ص۳۵؛ج۱۲،ص۲۹.

۵- (۵) .میرزا رفیعا،ص۲۲۴.

-دیوان طراز

رسمی ترین وسیله اداری نشانه خلافت و سلطنت«طراز»است.ریشه این اصطلاح اداری از«تراز»که واژه ای فارسی می باشد،گرفته شده است.تراز در لغت فارسی به معنای زیبا و نیکوکننده،و سجاف جامه و طراز آستین،و گریبان و جامه گلدوزی شده و زینتی است.این واژه در ترکیب با سپاه(سپاه تراز)[سپاه سالار]به معنای نگه دارنده و سازمان دهنده سپاه نیز به کار رفته است. (۱)برای مثال،بیهقی هنگام ولایت عهدی امام رضا علیه السلام می نویسد:«نام امام رضا علیه السلام بر درم و دینار و طراز جامه ها نبشتند.» (۲)

از ادارات فعال سامانیان«بیت الطراز»بود که جنبه صادراتی داشت و لباس های دولتی کاخ بغداد و سایر نقاط را تأمین می کرد:«در بخارا کارگاهی بود میان حصار و شهرستان نزدیک مسجد جامع و در وی بساط شادروان ها بافتندی و یزدی ها و بالش ها و مصلی های و بردیهای فندقی از جهت خلیفه بافتندی.هر سال از بغداد عاملی علیمه بیامدی و هر چه خراج بخارا بودی از این جامه عرضه بردی...و هیچ پادشاه و امیر و رئیس و صاحب منصب نبودی که وی را از این جامه نبودی و رنگ وی سرخ و سفید و سبز بودی و امروز زندنیجی از آن جامه معروف تر است به همه ولایت». (۳)

طراز در اشیای مختلف سلطنتی و دولتی و اداری،مانند،سربرگ نامه های دولتی،روی مهر شمعدان،قلمدان،سکه،سپر،کمان،کاسه،بشقاب و انواع ظروف روی منبر،تخت،صندلی،اسلحه،شمشیر،رحل و برخی کتاب ها،و حتی نوعی خاصی از

ص:۱۰۱

۱- (۱) .مصاحب،ص۱۶۲۲؛دهخدا ص۱۵۳۹۸،۱۵۴۰۱.

۲- (۲) .بیهقی،ص۱۲۵.

۳- (۳) .نرشخی،ص۲۴.

موزیک(طراز صوتی)در ضمن تشریفات دربار خلافت و سلطنت های مسلمانان بوده است.طراز در حقیقت،علامت رسمی دولت های اسلامی بنا به مصالح سیاسی،مالی،بومی،محلی و مذهبی و از نشانه های عمده خلافت است. (۱)

طراز نیز مانند بسیاری از تشریفات اداری،ریشه در تشکیلات ایرانی،رومی،یمنی و سایر مناطق حکومتی در اطراف جزیره العرب دارد.دیوان و وزارت طراز یا دارالطراز در برخی از دولت ها توسعه فوق العاده ای پیدا کرد که برای نمونه می توان از توسعه طراز در عهد فاطمیان و ممالیک مصر یاد کرد.در برخی دولت ها عملکرد دیوان طراز تقلیل پیدا کرد؛مانند موحدین در مغرب و اندلس که مقید به رعایت ظواهر شرعی در دست نقوش(نقاشی ها)زنده و تصاویر حیوانات بودند. (۲)در عصر صفوی،طراز به ویژه در لباس توسعه پیدا کرد و صفویان برای لباس پادشاه و امرا،طرح های خاصی داشتند؛محل مخصوص دوخت این لباس ها«قیچاچ خانه»نام داشت. (۳)

-برده(عبا)

برده(عبا)از تشریفات خاص خلافت اسلامی است (۴)که می توان آن را در شمار شعایر و رسوم دیوان طراز قرار داد. (۵)برده و عصای پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان میراث خلافت،در خلافت عباسی بغداد و مصر محفوظ ماند و سپس خلفای عثمانی آن را در اختیار گرفتند و به عنوان نشان خلافت،هر سال در پانزده

۱- (۱) .مقدمه ابن خلدون،ص ۴۷۱.

۲- (۲) .مقدمه ابن خلدون،ص ۴۷۲.

۳- (۳) .میرزا رفیعا،ص ۴۳۰.

۴- (۴) .قلقشندی،مآثر،ج ۳،ص ۲۳۳.

۵- (۵) .قلقشندی،صبح الاعشی،ج ۳،ص ۴۷۲.

رمضان،با تشریفات خاصی مراسم برده پوشی را اجرا می کردند.اکنون این برده همراه با سایر متروکات نبوی در سرای کهنه استانبول نگه داری می شود. (۱)

-خاتم و مُهر

از نشانه های خاص خلافت و در عین حال از علائم بسیار مهم در تشکیلات اسلامی است.کاربرد خاتم مشترک بین دستگاه خلفا و دربار و درگاه سلاطین و دولت های اسلامی است.خاتم از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله تا پایان خلافت عثمانی و سلطنت صفوی با تغییرات بسیاری روبه رو شد و به نام های«خاتم»،«طغرا»،«تمغا»و«مهر»از آن یاد شد.در عصر بویهی در دیوان خاتم (۲)از الخاتم الصغیر (۳)نام برده اند.در عصر غزنوی،مهر از لوازم سلطنت بود:«امیر محمود به خط خویش گشادنامه نبشت...و آن را مهر کرد. (۴)در عصر سلجوقی،طغرای چند خط که به منزله امضا و مهر سلطان است نشانه سلطنت بود؛این واژه ترکی در دوره های بعد از جمله در عصر صفوی به کار رفته است.در عصر ایلخانی نیز،یرلیغ(فرمان حکومتی)یا پائیزه،با مهرهای مخصوص غازان خان ممهور می شد.بزرگ ترین اصلاح اداری عصر ایلخانی،تهیه مهرهای متعدد برای انواع فرامین دولتی بود.غازان خان مهر بزرگی به نام«تغمای بزرگ»(قراتغما)درست کرد که آن را در صندوقچه ای نزد خود نگه می داشت و برای مثال امور نظامی را با تغما و مهری که روی آن عکس کمان و چماق و شمشیر بود مهر می کرد. (۵)

۱- (۱) .زیدان،ص۹۸.

۲- (۲) .مسکویه،ج۲،ص۲۳.

۳- (۳) .ابن عبدربه،ج۵،ص۱۷۸.

۴- (۴) .بیهقی،ص۱۰۷.

۵- (۵) .اقبال،ص۲۹۸.

نقوش مهر،از علائم اداری بوده است که به نامه ها و مرسولات اداری رسمیت داده و قدرت اداری آنها را افزایش می داد و دلیل بر مشروعیت حکم و فرمان و انتصاب و سایر موارد اداری است.مهرها مسئول خاصی داشت؛در عصر سلجوقی،از طغمایی، (۱)طغرانویس،نشان چی و توقیعی یاد شده است.خلفا و سلاطین نقوش خاصی بر روی مهر خود داشتند که از نشانه های خلافت و سلطنت آنها بود.طغرا به منزله امضای سلطان و مانند مهر و خاتم خلفا بود؛طغرا معمولاً در بالای صفحه و نامه و با نقش و نگار همراه بود.

در عصر صفوی از شغل مقرب الخاقان«مُهردار مُهر همایون»نیز یاد کرده اند:«شغل او آن که تیول نامجات امرا و حکام،و ارقام و احکام،و پروانجات وزارت و کلانتری،و استیفاء و جمعی که داخل عمّال می باشند را در اواخر سطر هر یک را به مُهر مزبور مُهر می نمود.او در مجلس بهشت آیین طرف راست پادشاه می نشست. (۲)از مهر کوچک مخصوص شاه با عنوان«مهر آفتاب آثار»یاد نموده اند. (۳)

-عمامه و تاج

از دیگر نشانه های خلافت و سلطنت،گذاشتن عمامه و تاج بوده است.خلفای راشدین،امویان،عباسیان و فاطمیان،و بسیاری از کارگزاران عالی رتبه آنها به تقلید از پیامبر صلی الله علیه و آله عمامه به سر می نهادند.برخی از دولت های وابسته به عباسیان و فاطمیان مانند زیریان نیز عمامه بر سر می گذاشتند؛در نمودار تشکیلات اسلامی از ارباب العمائم نیز یاد شده است که در رأس این طبقه قاضی القضاه قرار

۱- (۱) .نظام الملک،ص۲۹.

۲- (۲) .میرزا رفیعا،ص۲۱۹.

۳- (۳) .میرزا رفیعا،ص۵۷۴.

داشـــت. (۱)ابتکـــار دولـــت زیریـــان ایـــن بـــود کـــه کارخـــانه عمـــامه ســـازی تأســـیس کردنـــد؛ (۲)بویهیان،عزنویان،سامانیان،سلجوقیان،ایلخانان و صفویه،به تقلید از الگوی ایرانی،تاج بر سر می نهادند.

۵-ادارات دارالخلافه و دربارهای سلطنتی دولت های اسلامی

دارالخلافه محل استقرار خلیفه بود که درگاه،مقر و خانه سلطان و نیز کاخ سلطنتی-که دیوان ها و وزارت خانه ها و دفاتر اداری در داخل و یا اطراف آن استقرار می یافت-را شامل می شد.منابع تشکیلاتی مشاغل بسیاری را در اطراف سلطان به حسب دوران مختلف تشکیلات اسلامی ذکر کرده اند.به مجموع اطرافیان خلیفه و سلطان،«حشم»اطلاق شده است. (۳)جامه دار،رواقدار،جاندار،خازن،غلام،مفرد،مهردار،ندیم،وکیل، (۴)چوبـــدار،خـــدمت گزاران ســـاده داخلی،نـــامه رســـان هـــا،قاریـــان،مؤذنـــان،محـــدثان،رقاصـــان،کشـــیک چیـــان،جارچیـــان،شـــیپورچیان،طبـل زنـان،شـعبده بـازان،دلقک ها،سفلیان،آشپزان،نانوایان،انبارداران زین و برگ کارکنان اصطبل و شکاربانان،ملاحان،مشعل بانان،پزشکان،چوگان دار،شربدار،شیره چی باشی،سلاخ باشی،قصاب باشی،فرّاشین، (۵)حوائج کش،هویج باشی،خوانسالار حاجب و...،برخی از مشاغل سلطنتی و اداری حوزه خلافت در تشکیلات اسلامی است.چنان که گذشت،تلمسانی و کَتّانی فهرستی بلند از

ص:۱۰۵

۱- (۱) .مقریزی،خطط،ج۲،ص۱۴۹.

۲- (۲) .الاستبصار،ص۸۰.

۳- (۳) .نظام الملک،ص۱۴۳.

۴- (۴) .بیهقی،ص۱۲۹،۱۴۴.

۵- (۵) .مسکویه،ج۵،ص۲۲.

کارگزاران خاص و مقرب و حشم پیامبر صلی الله علیه و آله را تهیه کرده اند که مناصب درگاهی در دوره خلفا و حکومت های پس از آنها نیز با اسامی مختلف بیان شده است.در تشکیلات فاطمیان با عنوان«حواشی الخلیفه»از آنها یاد شده است.

حواشی خلیفه فاطمی:

۱.الاستاذون المحنکون؛۲.صاحب بیت المال؛۳.زمام القصر؛۴.حامل الرساله؛۵.صاحب الدفتر و مشاد التاج؛۶.زمام الاشراف الاقارب؛۷.صاحب المجلس؛۸.طبیب خاص و گروه اطبای او؛ (۱)در عصر مملوک با عنوان مقامات حاضر در بلاط سلطان است.

در عصر صفوی با عنوان«مقرب الخاقان»از مقامات درباری که همواره در دربار سلطان حاضر بوده اند،یاد شده است؛ (۲)در کاخ خلافت و درگاه سلاطین وابسته به خلافت اموی و عباسی و سلاطین و دولت های وابسته به آنها و نیز در دارالسلطنه اصفهان(دربار شاهان صفوی و درگاه خلفای عثمانی)نیروهای بسیاری فعالیت می کردند و برنامه ها و مخارج و تشریفات خاص خلیفه،سلطان و خانواده آنها را به عهده داشتند؛نمونه های بسیاری از صورت درباریان و هزینه های دارالسلطنه و دارالحکومه و دارالخلافه وجود دارد که به دلیل کثرت این مشاغل فقط به برخی از آنها که قابل تطبیق با مناصب درگاهی در دوره های مختلف حکومت و خلافت در دوره اسلامی است،اشاره می کنیم:

۱.امیران دارالخلافه؛به مجموعه ای از شاهزادگان،ولاه شهرها،سردمداران نظامی،رئیس حاجبان و پرده داران،رئیس شکارچیان(امیر شکار)و امیر هندوستان-کسانی که از سوی غزنویان به امارت هندوستان می رفتند-واژه امیر

۱- (۱) .مقریزی،خطط،ج۲،ص۱۴۷.

۲- (۲) .میرزا رفیعا،ص۱۶۲.

اطلاق شده است. (۱)در عصر سلجوقی،سلطان سلجوقی وابسته به خلافت عباسی در کاخ خلافت بغداد را امیر می نامیدند.

عباسیان نیز حاکمان دولت های وابسته خود را امیر می نامیدند که از جمله آنها مرابطین هستند.به گفته نظام الملک،«امیر حرس»از شغل های مهم دربار سلجوقی و مقام آن پس از امیر حاجب بزرگ است. (۲)در عصر صفوی گروهی از«امرای درگاه»در دارالسلطنه اصفهان در دربار شاهی حضور داشته اند (۳)که از امیر شکارباشی،ایشیک آقاسی،تفنگچی آقاسی،وزیر اعظم،دیوان بیگی،واقعه نویس،ناظربیوتان،مستوفی الممالک،امیر آخورباشی (۴)به عنوان امرای درگاه یاد شده است و از امیران مرزی شامل و الیان،خوانین،بیگاربیگیان،به عنوان امرای سرحد نام برده اند.

۲.غلام:گروهی از غلامان و چاکران خدمت که به عنوان غلمان،نگهبان گرداگرد کاخ و در ورودی آن بودند.در متون اداری خلافت عباسی،سامانی،فاطمی،غزنوی،بویهی،سلجوقی،متجاوز از ۲۰ نوع غلام و چاکر که به صورت مختلف در دربار خدمت می کرده اند،ذکر شده است. (۵)نظام الملک در مورد غلامان و وظایف آنها به طور مبسوط سخن گفته است؛از جمله«اندر غلام فرستادن از درگاه در مهمات»و«اندر داشتن ترکمانان به مثال غلام و غیر آن در خدمت». (۶)او به وجود نظم در ترتیب غلامان و تشریفات خاص استفاده از آنها در درگاه تأکیده نموده است و می نویسد:«اندر ترتیب ایستادن بندگان و چاکران به وقت

۱- (۱) .بیهقی،ج ۱۰،۱۴،صفحات متعدد.

۲- (۲) .نظام الملک،ص ۱۵۸.

۳- (۳) .میرزا رفیعا،ص ۳۷۵.

۴- (۴) .میرزا رفیعا،ص ۵۵۵،۱۶۱،۲۱.

۵- (۵) .مسکویه،صفحات متعدد.

۶- (۶) .نظام الملک،ص ۱۲۱،۸۶،۲۳.

خدمت». (۱)در عصر فاطمی نیز از صبیان الرکاب حراس و صبیان الزرد و حرس خاص و لواءالحجریه یاد شده است.امور خدماتی کاخ بر عهده فراش و خادمان بود؛«الفراشون بالقصور و المستخدمین بالقاهره»و از انواع وظایف خدماتی آنها در کاخ و خارج آن در عصر فاطمی یاد شده است،پانزده فراش،مخصوص انجام امور خلیفه بودند؛از جمله صاحب المائده و مسئول آشپزخانه ها.تعداد این فراش ها سیصد نفر بود و به وسیله استاد که از نزدیکان خلیفه بود،اداره می شدند. (۲)در عصر غزنوی و سلجوقی از این گروه غلامان به عنوان«غلامان سرایی»یاد شده است.نظام الملک چند فصل از کتاب خویش را به ترتیب غلامان سرایی در عهد غزنوی و سلجوقی اختصاص داده است.غلامان سرایی در عهد غزنوی تحت نظر وثاق باشی خدمت می کردند. (۳)گروهی از غلامان سرایی در عهد غزنوی و سلجوقی تربیت خاصی بر آنها اعمال می شد و زیر نظر سالار غلامان سرایی به عنوان گارد و نگهبان مخصوص فعالیت می کردند.در دوره سلجوقی،برخی از افراد به عنوان نگهبانان ورزیده و خشن تربیت می شدند که محافظت از نظام الملک را به عهده داشتند که«نظامیه»نام داشتند.گروهی از غلامان نیز با عنوان مفردان-که ۲۰۰ تن بودند-همواره باید بر درگاه باشند. (۴)

از سالار غلامان در دوره صفوی با عنوان«قوللر آقاسی باشی»نام برده شده است.او همه امور متعلقه به غلامان درگاه را به عهده دارد. (۵)در عصر صفوی از غلامان

ص:۱۰۸

۱- (۱) .نظام الملک،ص۱۴۳.

۲- (۲) .مقریزی،خطط،ج۲،ص۱۴۸.

۳- (۳) .نظام الملک،ص۱۲۲.

۴- (۴) .نظام الملک،ص۱۱۰.

۵- (۵) .میرزا رفیعا،ص۱۹۲.

سفیـد خواجه و غلامان سـیاه مخصوص دربار و حرمسـرا بسـیار یاده شـده است که ذکر تمامی آنها مقـدور نیست.از جمله این خواجگان سـیاه که مسـئولیت محافظت از شاه را به عهده داشـتند«یوزباشی»بود. (۱)خواجگان سـیاه دربار سرپرست گروه ویژه ای به نام«قورقچیان»بودند که کاروان شاه و خانواده او و زنان شاهی را از مناطق مسـکونی عبور می دادند.مهم ترین وظیفه این جماعت آن بود که با فریاد«قورق»مردم را از مسیر عبور دور می کردند و هر کس سرپیچی می کرد در جا کشته می شد. (۲)

۳.گـارد ویژه محـافظت از خلیفه و سـلطان:از این نیروی ویژه بـا اسـامی مختلف یاد شـده است.آنها طراز و لباس و اسـلحه ویژه داشـته انـد که ذکر آنهـا در همه دوره هـا موجب طولانـی شـدن کلام می شود.یـک نمونه از گـارد خلافـت در اواسط عصـر عباسی،مربوط به خلیفه معتضد است که«مختارون»یا برگزیدگان ویژه نام داشتند؛مختارون،گارد برگزیده تشریفات و فرمانبران مواقع جلوس خلیفه بودنـد و در تمـام روز پاس می دادنـد.این گارد به نام فرمانـدهان بزرگ ماننـد یأنسـیه،مفلحیه و مسـروریه نامیـده می شد.در کاخ معتضد عباسـی حجره هایی بود که خادمان و خواجه های مخصوص آنها را اداره می کردند و در آنها غلامـانی موسوم به«حجرگیـان»به سـر می بردنـد که لشـکر مخصوص،یکه سواران و تیرانـدازان مـاهر از میـان آنها انتخاب می شد.خمارویه در مصـر،یک گارد دلاور و خشن به نام«فوج مختاره»داشت که در جنگ ها پیشاپیش سـپاه می جنگیدند و موقع سـواری در رکـاب او بودنـد.نظام الملک نیز بـه ضـرورت گـارد ویژه محـافظت در اطراف سـلطان اشـاره نمـوده اسـت و می نویسد:«باید که همیشه بیست دست

۱- (۱) .میرزا رفیعا،ص ۱۹۰،۱۹۲،۱۹۶،۲۱۶.

۲- (۲) .میرزا رفیعا،ص۴۰۲.

سلاح خاص مرصع و غیر آن ساخته بود تا به وقت که رسولان رسند از اطراف بیست غلام با جام های نیکو آن سلاح بردارند و گرد تخت بایستند.» (۱)

این وظیفه در عصر فاطمی بر عهده«صبیان الرکاب»بود که تعداد آنها به دوهزار تن می رسید و به وسیله دوازده مقدم که در رأس آنها«مقدم المقدمین»بود، (۲)اداره می شدند.او صاحب رکاب راست خلیفه فاطمی نیز بود.

۴.حرمسرا:از بخش های فعال و بزرگ دربار خلفا و سلاطین دولت های اسلامی در همه ادوار است؛این بخش چنان توسعه یافت که در عصر صفوی و عثمانی مهم ترین بخش تشکیلات درگاهی می شود؛به طوری که در دوره صفویه،وزیر حرم تأسیس کردند. (۳)

۵.رئیس تشریفات یا قهرمان دار:در عصر فاطمی از او با عنوان استاد یاد شده است. (۴)در عصر مملوکی همه امور مربوط به بیوت سلطانی از آشپزخانه ها و شراب خانه ها و غلامان و امور حواشی سلطان و امور جاشنگیریه بر عهده استادار«الاستادار»بود. (۵)در عصر صفوی از«مقرب الخاقان توشمال باشی»به عنوان مسئول آشپزخانه و طعام خاصه و دیوان نام برده اند. (۶)در عهد خلافت بنی مرین در مغرب،از مشاغل دربار با عنوان«اداره خاصه»یاد شده است که چند مسئول در آن کار می کردند:۱.قهرمان قصر سلطانی مسئول حفظ نظم کاخ بود؛۲.رئیس

۱- (۱) .نظام الملک،ص۱۱۱.

۲- (۲) .مقریزی،اتعاظ الحنفاء،ص۳۴۷.

۳- (۳) .میرزا رفیعا،ص۳۹۹.

۴- (۴) .مقریزی،خطط،ج۲،ص ۱۴۸.

۵- (۵) .مقریزی،خطط،ج۳،ص۸۷.

۶- (۶) .میرزا رفیعا،ص۲۳۰.

تموین کاخ که مسئول غذا و آب و میهمانی بود؛۳.ناظر السوائم؛۴.ناظر روض المصاره یا مسئول باغ سلطان؛۵.اطبا و شعرا. (۱)

۶.سفرا:در دربار خلافت،استقبال از سفرا و ارسال آنها و قاصد مراسم تشریفات خاصی داشت که نظام الملک به پاره ای از آداب این استقبال و ارسال اشاره کرده است.در عصر فاطمی،قاهره بزرگ ترین مرکز بین المللی ارتباطات میان آسیا،اروپا،آفریقا بود.پذیرایی و استقبال از سفرا با پیچیدگی و تشریفات خاصی در دربار فاطمی صورت می گرفت.از«سعید بن عمار»به عنوان متولی ضیافت ها و تشریفات از سفرا و نگهبانان دربار فاطمی (۲)یاد شده است؛فاطمیان از سفرا در کاخ ویژه ای استقبال می کردند که«قصرالضیافه»نام داشت و مسئول آن«متولی امورالضیافات»بود.

۷.علما و فقها،شعرا،خطباء،قاضی القضات؛داعی الدعاه در عصر فاطمی. (۳)

۶-حاجب

«حاجب»از جهت لغوی به معنای کسی است که مردمان را از درآمدن(وارد شدن)باز دارد؛در فارسی به این شخص،پرده دار و دربان گفته اند.در اصطلاح نویسندگان تشکیلات اسلامی،حاجب کسی است که اخبار رعیت را به امام می رساند و از او برای ایشان اذن می گیرد.او بدین جهت حاجب خوانده می شود که خلیفه یا پادشاه را از کسانی که بخواهند بی اجازه بر او وارد شوند در پرده نهان می کند. (۴)حاجبی نوعی دربانی خلیفه،پادشاه و وزیر و دیوان ها و دفاتر

۱- (۱) .المنونی،ص ۹۵.

۲- (۲) .ابن المأمون،ص۵۳.

۳- (۳) .مقریزی،خطط،ج۲،ص۱۴۷.

۴- (۴) .نظام الملک،ص۱۴۴.

اداری بوده است؛ازاین رو انواع حاجب در متون اداری اسلامی ذکر شده است؛مانند الحاجب الاول،الحاجب الثانی،الحاجب الرابع،حاجب الدیوان،حاجب الکبیر و حاجب الصغیر. (۱)برای نخستین بار،خلیفه اول اموی بود که حاجب انتخاب کرد؛ازاین رو در تعبیر ابن خلدون،حاجب،خاص دولت اموی است (۲)حاجب همه مردم را با رعایت وقت مناسب به حضور خلیفه می برد؛به جز مؤذن نماز و مأمور برید و صاحب الطعام.

در دوره اول عباسی،مقام حاجب اعتبار بالایی پیدا کرد و رئیس تشریفات و یا وزیر دربار عصر بود.حاجبان،پرده اول و پرده دوم داشتند و میان مردم و خلیفه دو خانه فاصله بود و پرده سوم پدید آمد که خانه دیگری بود که فقط خواص وارد آن می شدند؛فضل بن ربیع معروف ترین حاجبان دوران اول عباسی است. (۳)از آن جا که منصب حاجب قوت یافت،در دوره دوم عباسی به رقابت با وزیر برخاست (۴)عنوان حاجب در افریقیه نبود،امّا در عصر فاطمی این مقام در آن جا و مصر به وجود آمد؛ (۵)حاجب در اندلس جایگاهی بسیار بلندتر از وزیر داشت و پس از خلیفه،دومین مقام معتبر بود. (۶)در عصر غزنوی و بویهی،حاجب از میان امرا انتخاب می شد و حاجبان به امارت و حکومت و وزارت می رسیدند و مشاغلی چون شَحنِگی و جز آن داشتند. (۷)همچنین حاجب،خلعت می پوشید و

۱- (۱) .قلقشندی،ج ۱،ص ۱۱۴؛ج۸،ص ۲۲۶،۲۲۷؛ج ۱،ص ۱۲۶.

۲- (۲) .مقدمه ابن خلدون،ص ۴۲۶.

۳- (۳) .قلقشندی،صبح الاعشی،ج ۱،ص ۴۰،۱۳،۲۱۰،۲۶۶،ج ۱۴،ص ۸۹؛ابراهیم حسن،ج ۲،ص ۲۳۱.

۴- (۴) .ابراهیم حسن،ج ۳،ص ۶۱۲.

۵- (۵) .قلقشندی،ج ۳،ص ۴۸۶.

۶- (۶) .مقدمه ابن خلدون،ص ۴۲۶.

۷- (۷) .بیهقی،ص ۲۴۹،۲۲۲،۲۲.

خلعت او یک قبای سیاه،کلاه دو شاخ و کمربند زر بود. (۱)

در درگاه سلطانی شمار حاجبان زیاد و رئیس آنها مقدم حاجبان بود؛حاجب بزرگ به منزله وزیر دربار بود و همه کارهای دربار را اداره می کرد.به او«سالار دربار»یا«بارسالار»می گفتند.حاجب بزرگ مقامی مانند نخست وزیر داشت و به وزارت می رسید:برخی حاجبان در عصر غزنوی و بویهی و پس از آن مشاغل مختلفی به عهده داشتند؛از جمله:حجه الخاصه و العامه،(۲)حاجب جامه دار،حاجب حاجبان،حاجب خاص،حاجب سالار،حاجب قاضی،حاجب درگاه،حاجب نوبتی و حُجّاب الوزاره (۳)در زمان نظام الملک،حاجب بزرگ سلجوقی این دولت را اداره می کرد.

در عصر مملوکی از حاجب با عنوان،«امیر حاجب الحجاب»یاد شده است. (۴)در این عصر،مقام حاجب افزایش یافت؛زیرا سلطان مملوک،دربار بسیار گسترده و فعالی داشت؛ (۵)انبوهی از کارمندان و خدمت کاران و ارباب وظایف در دربار سلطان فعالیت می کردند و دربار ممالیک از بزرگ ترین دربارها در تشکیلات اسلامی است.در این تشکیلات بسیار گسترده،حاجب به مقام نایب سلطان هم می رسید و در جلسات مختلف کشوری و قضایی و مراسم خاص و عام شرکت می کرد و در امور دخالت می کرد. (۶)به گزارش ابن خلدون-معاصر

۱- (۱) .بیهقی،ص۱۴۷،۴۳۲.

۲- (۲) .مسکویه،ج۴،ص۴۹۳.

۳- (۳) .مسکویه،ج۵،ص۳۳۳؛بیهقی،ص۸،۹؛نظام الملک،ص۱۴۳،۱۲۵؛قلقشندی،صبح الاعشی،ج۱،ص۱۱۴،ج۴،ص۶۳.

۴- (۴) .قلقشندی،همان،ج۳،ص۴۶۵.

۵- (۵) .ابن خلدون،ص۴۲۹.

۶- (۶) .ماجد،ص۴۶ و ۲.

ممالیک مصر-از مقام حجابت در مصر با عنوان«نایب»یاد می شود. (۱)

نمودار تشکیلاتی حاجب در عصر مملوکی شامل عنوان های:حاجب الحُجّاب،حاجب،الحاجب الثانی،حاجب صغیر،حاجب حلب،حاجب حماه،حاجب الشام و حاجب دمشق بود. (۲)حاجب،نایب سلطنت بود و به بزرگ ترین آنها حاجب الحجاب می گفتند.به گفته مقریزی وظیفه اصلی حاجب،داوری و حکم در مورد امراء و بزرگان دربار بود،اما امروز حاجب در همه امور شرعی و سیاسی و در مورد مردم عادی و امرا دخالت و حکم می کند. (۳)

بنا بر گزارش اجمالی ابن خلدون از حاجب در غرب اسلامی،این مقام نزد امویان اندلس-چنان که گذشت-مانند مقام صدراعظم و پس از سلطان است،قدرت وی بالاتر از قدرت وزیران امور مختلف بوده و او واسطه میان سلطان و عوام و خواص و وزرا است.حاجبان اندلس بر دولت اموی استبداد می ورزیدند و نمونه آن«ابن ابی عامر»حاجب بزرگ این دولت است که سرانجام زمینه سقوط امویان اندلس و تأسیس دولتی درون دولت اموی را فراهم ساخت.حاجب در آن عصر،لقب«ذوالوزارتین»گرفت.

به بیان ابن خلدون،واژه حاجب در تشکیلات دولت موحدین وجود ندارد و امرای مغرب-بنی عبدالواد(۶۳۳-۹۶۲ه)و بنی مرین(۶۱۴-۸۶۹ه)-نیز حاجب نداشته اند.ابن خلدون تطور تاریخی مقام حاجب در دولت چهارصد ساله حفصی را بیان نموده است؛به گفته او،قدرت حاجب در دولت حفصی به تدریج افزایش پیدا کرد ولی حفصیان از قدرت حاجب کاستند و آن را بسیار

۱- (۱) .ابن خلدون،ص۴۲۶.

۲- (۲) .الصیرفی،ص ۲۲،۸۲،۲۵۶،۴۱،۱۶۲،۳۰۳،۱۳۲.

۳- (۳) .مقریزی،خطط،ج۳،ص۸۱.

محدود کردند؛وی می نویسد:در عصر بنی حفص(۶۲۵-۹۸۳ه)حاجب نزد آنها ابتدا مقام وزیر و نقش مشورتی داشت و این مقام ویژه شیوخ موحدین بود (۱)و چون تعداد وزرا و مشاغل دربار حفصیان توسعه پیدا کرد،خلیفه حفصی محتاج به ایجاد منصب ویژه ای برای دربار خود شد که صاحب این جایگاه،امور خصوصی منزل سلطان و انجام دقیق امور شخصی خانواده سلطان از حقوق و عطا و لباس و نفقه در مطابخ و اصطبل های او را به عهده داشت و قهرمان دربار بود؛ازاین رو او را حاجب نیز می نامیدند.همچنین سلطان مسئولیت کتابت علامت برنامه های سلطانی را به او داد و به تدریج حاجب در عهد حفصیان واسطه میان سلطان و مردم و همه صاحبان مشاغل دیوانی و دربار شد و علاوه بر اعطای مقام سیف و قلم به وی،مقام رأی و مشورت نیز به او واگذار شد و سرانجام مقام حاجب بالاترین مقام دولتی در تشکیلات خلافت حفصیان شد. (۲)حاجب در مواردی به عنوان سفیر و عالی ترین مقام اداری برای ملاقات و روابط خارجی اعزام می شد؛مانند ابن خلدون که در سال های مختلف حاجب بنی الاحمر در اندلس،حاجب بنی مرین و حاجب حفصیان و سرانجام حاجب ممالیک بود و به عنوان سفیر برای این دولت ها کار می کرد؛آخرین مأموریت او به عنوان حاجب دولت ممالیک مصر،ملاقات با تیمور در آستانه حمله او به شام بود. (۳)

در دوران سلطنت دوازدهمین سلطان دولت حفصی،حاجب به اوج مقام خود رسید؛به طوری که بر سلطان استبداد ورزید،و سرانجام سلطان ابی العباس به جهت ترس از دست دادن مقام خلافت به وسیله حاجب،مقام های اداری عالی

۱- (۱) .ابن خلدون،ص۴۲۷.

۲- (۲) .مقدمه ابن خلدون،ص۴۲۸.

۳- (۳) .ابن خلدون،التعریف،ص۳۹۹،۴۱۵،۴۲۱؛شهیدی پاک،حفصیان،ص۱۱۰.

حاجب را لغو کرد و فقط مقام اداره امور خاص خانه سلطان را به او داد و او را«مزوار»نامید.مزوار،نوعی وزارت کوچک بود که امور کوچک مربوط به حاشیه و اطرافیان و امور خصوصی خانواده سلطان را اداره می کرد.در دوره بنی عبدالواد برای حاجب محدودیت در وظایف اجرایی ایجاد کردند. (۱)

نهاد خلافت و امامت در عهد موحدین شکل متمایزی نسبت به تشکیلات اسلامی در سایر نقاط جهان اسلام دارد.ابن تُومَرت همه جوامع تابع خود در مغرب و اندلس را در چارچوب اداری ویژه ای که در جهان اسلام بی سابقه بود،سامان داد و تقسیم بندی نمود و به نوعی عملیات تمییز بین طبقات مردم را انجام داد،او عموم مردم از خانواده موحدین و مردم عادی را در سیزده طبقه دسته بندی کرد:

طبقات الموحدین:

۱.طبقه العشره از بزرگان شیوخ موحدین بودند و مهم ترین امور دولتی مانند وزارت به آنها واگذار می شد.

۲.اهل الخمسین که شش تن از رجال قبیله هرغه،از تینملل چهارده تن از هنتاته سه نفر که تا چهل نفر می رسید. (۲)

۳.اهل سبعین

۴.الطلبه

۵.الحفاظ

۶.اهل الدار.این افراد مختص به ابن تومرت و شبانه روز در خدمت او بودند.

۷.هرغه

۱- (۱) .ابن خلدون،ص۴۲۹.

۲- (۲) .ابن القطان،ص۸۴،۸۲.

۸.اهل تینمل

۹.جدمیوه

۱۰.جنفیسه

۱۱.هنتاته

۱۲.اهل القبایل

۱۳.الغِزّات،جوانان از طبقات مختلف مردم.

خلاصه فصل،نتایج و منابع بیشتر برای مطالعه

خلافت مهم ترین نهاد سیاسی در اسلام است که شکل جدیدی از قدرت سیاسی ماندگار را در دوره اسلامی به وجود آورد.تأسیس این نهاد با جنگ های داخلی ردّه هم زمان شد؛زیرا نظام حکومت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله براساس شیوه ای شکل گرفت که مورد توافق همگان نبود.این عملیات جانشینی از روش و الگوی مورد قبول نص بسیار دور شد و به پارادایم انتخاب قبیله ای نزدیک شد.در مجموع می توان گفت انتخاب رئیس جامعه جدید عرب،از حد شیوه های قبیلگی حکومت تا حدودی بالاتر رفت و سرانجام در عصر امویان و عباسیان به شیوه های انتخاب رئیس دولت در امپراتوری و پادشاهی ایران و روم نزدیک شد و بدین ترتیب پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص تبدیل خلافت الهی به ملك و سلطنت بشری محقق گردید.

برای تبیین مبانی و ماهیت خلافت اسلامی فعالیت سیاسی گسترده ای صورت گرفت که ارائه چند اثر کلاسیك در اوج فعالیت تشکیلات خلافت از جمله آنها است.به تدریج خلیفه در جایگاه امپراتور قرار گرفت و دارالخلافه،نیز همچون دربار سلطنتی شامل مجموعه ای بسیار بزرگ از ادارات و دفاتر و کارمندان می شد

ص:۱۱۷

که در مجموع دیوانسالاری بزرگ اسلامی را به وجود آوردند.نقطه مشترک و زمینه اصلی حیات ادارات دارالخلافه،توسعه اسلامی با هدف اداره دین و دنیای مردم در جوامع اسلامی بوده است.بنابراین ظهور اسلام با توسعه اداری در جوامع اسلامی همراه شد و انواع ابزارهای مدیریت و اداره جوامع در آنها به کار گرفته شد؛منحنی توسعه این ابزارها که از دوره پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز شد و سپس در عصر امویان و عباسیان ادامه یافت،رو به افزایش کمی و کیفی است.یکی از علل ماندگاری و طول عمر خلافت اسلامی،کارآمدی ابزارهای مدیریتی و ادارات دارالخلافه در دوره اسلامی است.

حجم منابع در خصوص خلافت و امامت قابل توجه است.پس از ماوردی و ابن الفراء که دو منبع کلاسیک ویژه خلافت را تولید کردند،آثاری از غزالی،طوسی،خجندی،تهانوی،قلقشندی و ابن فضل الله،ابن خلدون،شهرستانی و ابن طقطقی دراین باره وجود دارد؛به ویژه سیوطی در تاریخ الخلافه،به بحث خلافت توجه ویژه نشان داده است.در فهرست ابن ندیم و الذریعه،آثاری با عنوان حکومت و خلافت و دولت عنوان شده است.این دو واژه از جمله مهم ترین مدخل های دایره المعارف های بزرگ و لغت نامه ها،مانند:لسان الغرب،تاج العروس،التکمله دوزی،مصاحب،دهخدا،در منابع جدید،علامه نائینی در تنبیه الامه و تنزیه المله و شیخ باقر بن شریف بن مهدی،ناصر القرشی با تألیف کتاب النظام السیاسی فی الاسلام،به مسئله خلافت و حکومت و ولایت عالیه سیاسی پرداخته اند و جایگاه ولایت و امامت شیعی را در برابر خلافت سنی بیان کرده اند.مادلونگ در کتاب جانشینی محمد و جابری در العصبیه و الدوله و نیز در تکوین العقل العربی،به شکل ویژه به تبیین بحث خلافت پرداخته اند.

ص:۱۱۸

نهاد وزارت در تشکیلات اسلامی

۱-جایگاه وزارت در تشکیلات اسلامی

کلمه«وزیر»مشتق از واژه ایرانی«فیشر»است و اصطلاح وزیر و وزارت براساس منابع و هم به عقیده برخی محققان اروپایی (۱)و عرب (۲)از تشکیلات دولت ساسانی اقتباس گردیده است.

نهاد وزارت به تدریج در دوره اسلامی شکل گرفت و ادارات و تشکیلات زیر مجموعه آن پدید آمد.بین واقعیت عملی نهاد وزارت در تشکیلات اسلامی و حقیقت نظری وزارت،فاصله فاحشی وجود دارد؛ازاین رو تعریف وزارت،اهمیت فراوانی در درک تفکر سیاسی و اداری اسلامی دارد.در تقسیم بندی عام تشکیلات اسلامی،دو واژه«ارباب و صاحبان قلم»و«ارباب شمشیر»در رأس واژه های اداری است؛لمبتون،پنداشته این تقسیم بندی از آن بارتولد (۳)است، (۴)اما

ص:۱۱۹

۱- (۱) .کریستین سن،ص۱۰۰.

۲- (۲) .ابراهیم حسن،ج۲،ص۲۲۴.

۳- (۳) - .Bartold

۴- (۴) .لمبتون،ص۳۷.

ابن خلـدون و قلقشـندی چنـدین قرن پیش از محققان معاصـر این دسـته بنـدی کلاسـیک از تشـکیلات اسـلامی را ارایه نموده اند.مقصود از ارباب اقلام،آن دسـته از مشاغل وزارتی است که به امور کشوری می پردازند و منظور از ارباب سـیوف،مقامات نظامی است.در منابع،توضـیحات مفصـلی در این مورد وجود دارد؛از جمله قلقشندی در مورد مقام وزارت در عصر فاطمی می نویسـد.گاهی اوقات وزیر از اصـحاب قلم انتخاب می شـد (۱)و گاهی اوقات از بین اصـحاب سـیوف بر گزیـده می شد.معمولاً وزیر جنگ(صاحب السـیف)از ارباب سیوف بر گزیده می شد.در برخی دولت ها مثل دولت فاطمیان اکثر وزرا از اصحاب قلم و از رجال دیوانی و کشوری بوده انـد. (۲)ابن خلدون در تقسـیم بندی مشاغل اداری و نظامی،از وظایف امرا و اهل شمشـیر و وظایف مأموران دیوانی زیر نظر سـلطان یاد نموده است و فصولی با عناوین ارباب السیوف و ارباب الوظایف الدیوانیه یا ارباب الاقلام آورده است.البته پیش از ابن خلـدون هم این تقسـیمات در اصـطلاحات تشـکیلات فاطمیـان آمـده است که حـاکی از اهمیت طبقه بنـدی مقامـات عـالی در تشـکیلات اسـلامی است.در تشـکیلات عـالی فاطمیـان،از طبقه سـومی بـا عنـوان اربـاب الوظایف الـدینیه یا ارباب العمائم یاد شـده است که قـدرتی در حد قدرت دو طبقه دیگر داشـتند، (۳)توجه ابن خلـدون به این تقسـیم بیـانگر اهمیت دولت در انـدیشه وی است که نقش محـوری در نگـارش اثر بزرگ ابن خلـدون در مورد تاریـخ تمـدن اسـلامی دارد.این اثر که توجه محققـان دانشـگاه هـای دنیـا را به خود جلب کرده است،سـبب شـده که او را نخستین محقق در خصوص دولت و

۱- (۱) .قلقشندی،صبح الاعشی،ج۳،ص۴۸۵.

۲- (۲) .همان.

۳- (۳) .همان،ص۴۸۲.

تقسیمات آن بدانند.ابن خلدون با عنوان«فی التفاوت بین مراتب السیف و القلم»از این اثر یاد نموده است.او از وزارت با عنوان مادر مقامات خلافتی نام برده است.

در عصر صفوی نیز در تقسیم بندی تشکیلات،ارباب سیف آمده است (۱)که از قزلباش های ترکمن،با عنوان مردان شمشیر در مقابل ارباب قلم یاد کرده اند.بنابراین این مرزبندی در دوره های مختلف ثابت نبوده است.

«وزارت»از ماده وزر یا الازر(ثقل،ملجأ و ظهر)است و به معنای ارائه مشورت و کمک و قبول سنگینی مسئولیت به نیابت از سوی سلطان است. (۲)واژه«وزیر»در مفهوم لغوی از مجموعه واژگان قرآنی (۳)است که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله بر صحابه اطلاق شده است. (۴)

در مجامع روایی،سنن ابی داود بابی را در کتاب امارت به چگونگی اتخاذ وزیر اختصاص داده و این روایت را از پیامبر آورده است:«قال رسول الله صلی الله علیه و آله اذا اراد الله بالامیر خیراً جَعَلَ الله له وزیر صدق ان نسی ذکره وان ذَکَرَ اعانه واذا اراد الله غیر ذلک جعل له وزیر سود ان نسی لم یذکره وان ذکر لم یعنه». (۵)

به تدریج با توسعه قدرت،مفهوم وزرات به معنای بررسی عام در تدبیر امور و مذاکرات و مطالبات و محاسبات و نظر در دیوان ارتش شد.در عصر اموی،وزیر عالی ترین مقام دربار شد؛البته برخی محققان معاصر این دیدگاه را رد کرده اند و معتقدند که اداره امور درگاه اموی را مجلسی از اعیان برعهده داشته اند (۶)اما محققی

۱- (۱) .میرزا رفیعا،ص۱۳۸.

۲- (۲) .مقدمه ابن خلدون،ص ۴۱۹.

۳- (۳) .طه،۲۹-۳۱.

۴- (۴) .نهج البلاغه،نامه به مالک اشتر.

۵- (۵) .العباسی،۱۴۴.

۶- (۶) .ابراهیم حسن،ج۱،ص۴۴۹.

دیگر از وزارت چند اموی یاد کرده است که وظایف وزیر را انجام می دادند. (۱)

با ظهور دولت بنی عباس،نهاد وزارت با تکیه بر وزرای ایرانی جایگاه کلاسیک خود را به دست آورد و وزیر،نایب سلطان در همه امور گردید؛به طوری که نام وزیر مصادف با جامع ارباب قلم و سیف شد و همه مقامات سلطانی به جز حاجب تحت قدرت و اختیار وزیر درآمد.هم زمان در حوزه دولت فاطمی مصر نیز وزیر مقام بالایی به دست آورد؛تا آن جا که وزرا بر سلاطین و خلفا استبداد ورزیدند و این استبداد وزیر بر خلیفه نقطه عطفی در مقام وزارت است که آخرین مرحله تکامل وزارت در دوران طلایی تشکیلات اسلامی است؛از جمله این وزرا،صلاح الدین ایوبی(م۵۸۹ه)است که بر خلیفه فاطمی استبداد ورزید و خود را«ملک»نامید و سرانجام با همین شیوه طومار فاطمیان را در هم پیچید. (۲)

در دوره دوم عباسی،وزیر قدرت قانونی پیدا کرد و مقام وزارت به اوج کمال قانونی رسید و وزیر به دلیل کیفیت و کمیت اختیاراتی که داشت،جایگاه خاص قانونی پیدا کرد.در عصر عباسی نیز وزیر همه کارهای دولت را سامان می داد و نایب خلیفه بود؛اگرچه در دوره اول عباسی مقام وزیر متزلزل بود و اکثر وزرای سلف جان بر سر وزارت نهادند. (۳)

۲-اقسام وزیر

اشاره

محققان تشکیلات اسلامی،براساس حد قانونی قدرت وزیر و دایره نفوذ و چگونگی شکل گیری آن،دو شکل جداگانه از وزارت معرفی کرده اند:

۱- (۱) .معاضیدی،ص۲۳.

۲- (۲) .قلقشندی،صبح الاعشی،ج۳،ص۴۲۸.

۳- (۳) .ابن طقطقی،ص۲۱۰.

الف)وزارت تفویض

در وزارت تفویض،امام و خلیفه تـدبیر امور را به اجتهاد وزیر واگذار می کند و دایره اختیارات وزیر،عام و در همه امور(عموم النظر)است و او نایب سلطان و امام است.این گونه وزارت همواره در معرض سوء استفاده از اختیارات نامحدود وزیر است.

لذا شـروط امامت در صلاحیت وزیر تفویض شده است و فقها روابط متقابلی برای خلیفه و وزیر تفویض بر شمرده اند که مانع از فساد در روابط آنها بشود. (۱)به عقیده آنها این قسم از وزارت نیازمند تقلید و عقد با الفاظ و کتابت است.امام در نامه تقلید وزیر تفویض،دایره اختیارات وزیر تفویض که عموم نظر است و نیز نیابت او را باید با این عبارت قید کند:«قلدتک ما إلی نیابه عنّی». (۲)

هنگامی که قدرت وزیر بیش از سـلطان است،وزیر در مقام استبداد بر سلطان خواهد بود چون همه امور در اختیار وزیر است و بـه تعـبیر ابـن خلـدون«یکـون الـوزیر مســتبداً علیـه»،یعنی وزیر نظر و اراده خـود را بر سـلطان تحمیـل می کنـد. (۳)در وزارت تفویض،وزیر از جـانب خلیفه انتخـاب می شود و تـدبیر امور به رأی وزیر است و سـلطان در آن دخالت مسـتقیم نـدارد.در این حـالت،وزیر اختیـار مطلق در عزل و نصب مقامـات و تصـرف در اموال دارد و در صـدور احکام مسـتقل بوده و حتی در اعلان جهاد نیز صاحب اختیار است.یحیی بن خالد برمکی و پسـران او فضل و جعفر(برامکه)از مشـهورترین وزرای تفویض یا وزرای مختار بودند که خدمات شایانی به دولت عباسی نمودند.در عصر مأمون،وزارت تفویض

۱- (۱) .ابن الفراء،ص ۳۰.

۲- (۲) .همان،ص۲۹.

۳- (۳) .مقدمه ابن خلدون،ص۴۲۳.

کارآمدی خود را در حد بالایی نشان داد و نمونه اعلای این شکل از وزارت به وسیله«فضل بن سهل»تشکیل شد که لقب«ذوالریاستین»گرفت. (۱)فقهاء تشکیلات اسلامی سه محدودیت برای دامنه قدرت وزیر تفویض نسبت به خلیفه قائل شده اند؛۱.در ولایت عهدی ۲.در استعفا ۳.امام می تواند کسی را که وزیر نصب کرده عزل کند.

ب)وزارت تنفیذ

دومین شکل از وزارت،وزارت اجرایی است که وزیر واسطه بین خلافت و رعیت است و همه کارگزاران فقط مجری اوامر خلیفه هستند (۲)و فقط گزارش امور را به خلیفه عرضه می دارند و با دستورات مشخص او به انجام امور اقدام می کنند.در این نوع از وزارت،وزیر تنفیذ به آن چه که برای او مشخص شده است عمل می کند و خود عهده دار انجام امور نیست و ولایتی مستقل ندارد.مشهورترین وزیر تنفیذ،ابی ایوب موریانی در خلافت منصور عباسی است.ابوالحسن ماوردی و ابن الفراء در کتاب الاحکام السلطانیه،تفاوت بین وزارت تنفیذ و وزارت تفویض را چنین بیان کرده اند: (۳)

۱.وزیر تفویض،ولایت مستقل در انجام امور دارد و مسئولیت مستقیم اجرای امور و حق نظر در مظالم را دارد؛

۲.وزیر تفویض حق نصب مقامات کشوری و کارگزاران خراج و و الیان شهرها را دارد؛

۳.وزیر تفویض حق ارسال سپاه و اداره امر جنگ را دارد؛

ص:۱۲۴

۱- (۱) .بیهقی،ص۱۲۴.

۲- (۲) .قلقشندی،ج۵،ص۴۴۹.

۳- (۳) .ماوردی،ص۲۸و۲۹؛ابن الفراء،ص۳۲.

۴.وزیر تفویض در امور مـالی مستقل است و حق تصـرف در اموال بیت المـال و مسائـل مـالی کشور و چگونگی هزینه کردن آنها را دارد.

شرایـط این دو شـکل از وزارت در تشـکیلات اسـلامی متفاوت است.در مورد وزیر تنفیـذ نیاز نیست آزاد و مسـلمان و عالم به احکـام شـرع اسـلام و آگـاه در جنگ باشـد و نوعی واسـطه و سـفیر بین مردم و خلیفه است؛اما این هشت صـفت برای او لازم است:

۱.امانت؛۲.راست گویی؛۳.بی طمع بودن؛۴.با مردم عداوت و کینه پیشین نداشته باشد؛۵.مرد باشد؛۶.هوشیاری و زیرکی؛۷.اهل هوای نفس نباشد؛۸.با تجربه باشد. (۱)

ابن فراء بحثی را در علت شـرط مرد بودن آورده است و به این حدیث پیامبر صـلی الله علیه و آله اسـتناد نموده است:«قال النبی صلی الله علیه و آله:مـا افلـح قـوم اسـندوا امرهـم إلی امرأه»و منـاط این حکم را ضـعف در رأی و ثبـات عزم و مشـکل بروز در هنگام انجام امور دانسته است.

۳-استمرار وزارت ایرانی در عصر عباسی اول

بـا انتقـال خلافـت به عباسـیان هنـوز منصب وزیر-بـا وجـود آگـاهی عرب از این منصب-وجـود نـداشت؛ازاین رو این منصـب نخستین بار در عصر عباسی به وسیله عناصر ایرانی پا به عرصه وجود گذاشت.وقتی سپاه عباسی در محرم سال ۱۳۲هجری وارد کوفه شد،قدرت را به«ابی سـلمه خلال»از ثروتمندان و اشـراف داد و او را وزیر آل محمّد صـلی الله علیه و آله نامید.به گزارش منابع معاصر عباسیان وجه علمی پیدایش منصب وزیر بدین شکل بود که:پایه های وزارت و قوانین آن تنها در

۱- (۱) .ابن الفراء،ص ۳۱.

دولت بنی عباس استحکام یافت و پیش از آن،قوانین ثابت و مقررات مشخصی نداشت؛به طوری که هر یک از پادشاهان و امرا،اطرافیان و حواشی داشتند که در زمان وقوع حوادث با اهل خبره و صاحبان عقل و اندیشه مشورت می کردند و این افراد در واقع کار وزیر را برای پادشاهان انجام می دادند.با روی کار آمدن خلافت عباسی قوانین وزارت تدوین شد و صاحب این مقام،وزیر نام گرفت؛در حالی که پیش از آن کاتب و مشاور نام داشت؛اما میزان قدرت وزیر هنوز واضح نبود و منوط به بقاء خلیفه بود؛گویا سیاست گرایش منصب خلافت به تمرکز قدرت در عهد عباسی،مقتضی وجود شخصی به عنوان معاون خلیفه بود.بدین سان میزان صلاحیت وزیر به حد اعلای پیچیدگی رسید و عباسیان،کاتب را وزیر نامیدند«استخارت بنوالعباس تسمیه الکاتب وزیرا». (۱)

مسئولیت های وزیر در آغاز،فراتر از مسئولیت های کاتب در عصر اموی نبود؛ابوسلمه خَلّال هم تنها مشاور خلیفه بود و مسئولیت دیوان های مختلف را بر عهده نداشت؛چراکه دیوان جند،دیوان خراج در اختیار وزیر خالدبن برمک بود و خلّال عالمی فقیه و آشنا به تفسیر و تاریخ در شمار کاتبان بود.اما علت سقوط او تلاش برای نقل خلافت از بنی عباس به علویان بود؛زیرا نفوذ سیاسی خلال به حدی افزایش پیدا کرد که قدرت خلیفه را تهدید کرد و از سویی رقابت او با ابومسلم خراسانی نقش اساسی در حذف ابوسلمه خلال داشت.با این وصف،سرنگونی خلّال نشانه پیچیدگی منصب وزارت و تضاد بین قدرت خلیفه و وزیر و نامشخص بودن محدوده آنها است؛زیرا وزیر همواره در صدد توسعه قدرت خود و نفوذ بر همه چیز است در حالی که خلیفه سعی می کند قدرت او را

۱- (۱) .ابن طقطقی،ص۲۰۶.

محدود کند و از قدرت او در جهات معینی مطابق با مصالح خود استفاده کند؛ازاین رو حذف و قتل بسیاری از وزرا طبیعی بود.

عصر عباسی اول با افزایش قدرت خلیفه به پایان رسید؛زیرا پس از قتل خَلّال،وزرا از این که خود را وزیر بنامند در هراس بودند«هر کس بعد از ابی سلمه وزیر شد به خاطر سرانجام ابی سلمه از این که خود را وزیر بنامد خودداری می نمود». (۱)

وزرای دوره اول عباسی،یعنی عصر سفاح و منصور،وزرای تنفیذ بودند؛به ویژه این که منصور خلیفه ای قدرتمند و دوراندیش بود و در هر امر خود وارد می شد و نظر می داد.بنابراین در عصر او کار وزیر از حد تنفیذ عبور نکرد و فعالیت وزیر محدود به اجرای دستورات خلیفه و ارایه مشورت به خلیفه بود.منصور وزیر دائم نداشت و در زمان های مختلف اشخاصی را به عنوان کاتب استخدام می کرد.به عبارتی،وزارت در روزگار منصور رها بود؛زیرا او شخصاً به رأی و کفایت خود اعتماد داشت و شکوه او قدرت وزارت را خوار کرده بود و وزرا همواره از ناحیه او در هراس بودند.«ابوایوب موریانی»از مشهورترین وزرای منصور بود که هم وزیر و هم مسئول دیوان ها بود و در همه امور نظر می داد.منصور او را عزل کرد و مجازات نمود و گویا علت مجازات او اسراف در اموال به مبلغ سیصد درهم بود؛چون منصور از او خواسته بود با این مبلغ ملکی را بخرد و آباد کند. (۲)وزیر مشهور بعدی،ربیع بن یونس بود که شایستگی و کفایت و هوش و ذکاوت و تدبیر خوب او نقش اساسی در بیعت مهدی داشت و بیعت همه هاشمی ها با مهدی با تدبیر او صورت گرفت؛او تا هنگام مرگ منصور وزیر بود.

۱- (۱) .ابن طقطقی،ص۲۱۰.

۲- (۲) .ابن طقطقی،ص۲۱۲،۲۳۹.

دایره وظایف و توانائی های وزیر در روزگار عباسی دوم به تدریج کاهش پیدا کرد و منحصر به اشراف و نظارت بر درآمدهای بیت المال و تأمین امنیت راه های کسب آن بود.نهاد وزارت فقط در پایان عصر عباسی اول،به نهایت قدرت خود رسید و از موقعیت هایی برخوردار شد.بعد این دوران،یعنی از عهد متوکل،وزیر بازیچه دست امرای ترک شد و عزل و نصب وزیر به عهده آنها بود.اما در زمانی اندک،امرای نظامی ترک منصب وزارت را رها کردند؛زیرا متوجه شدند پیچیدگی اجرایی مقام وزارت و اصول اداری و مسائل مربوط به ثبت نامه ها و دفاتر دولتی مناسب با روحیه نظامی گری نیست و امرای نظامی قادر به انجام این مسئولیت و تأمین مصالح آن نیستند؛چون بیشتر نزاع و قدرت طلبی بر رفتار آنها حاکم بود؛ازاین رو مقام وزارت را به شرط آن که نظارت کامل و مطلق بر آن داشته باشند به دیگران واگذار کردند.

نمونه های متعددی از سلطه مطلق ارتش بر وزارت وجود دارد؛از جمله خلیفه معتزبالله دو وزیر خود«جعفر اسکافی»و«احمد بن اسرائیل»را عزل کرد و نیز«علی بن عیسی»وزیر مقتدربالله و«محمد بن یزداد»وزیر مستعین بالله،به وسیله نیروهای نظامی عزل شدند؛زیرا آنها قصد داشتند استقلال فرماندهان نظامی را محدود کنند و سازمان مالی را بازسازی کنند و بر آن نظارت داشته باشند.در فساد ناشی از این مطلب همین بس که عصر مقتدر بالله،شاهد سرنگونی دوازده وزیر بود.از مشهورترین وزرای عصر نفوذ نظامیان ترک،«ابوالحسن علی بن محمد بن فرات»بود. (۱)

علی بن فرات در اجرای عدالت بسیار متعصب بود و خود برای مظالم

۱- (۱) .ابن طقطقی،ص۳۶۲.

می نشست.او اداره جدیدی به نام اداره خیرات تأسیس کرد و اوقاف بسیار زیادی برای آن قرار داد تا درآمد سرشار اوقاف صرف اصلاح مساجد و اماکن مقدسه در حجاز و کمک به فقرا و بینوایان بشود.او کارمندان دولت و ثروتمندان را به همکاری با این دیوان تشویق کرد و بخشی از درآمد شخصی خود را سالیانه به این دیوان اختصاص داد تا دیگران از او پیروی کنند.این وزیر اصلاح گر در سال ۳۰۴ هجری،به دلیل ورود به حریم ممنوع سیاست و مخالفت با خانواده سلطنتی عزل شد. (۱)از جمله این که مادر خلیفه مقتدر بالله از عبدالرحمن بن عیسی ابن جراح به مناسبت عید قربان درخواست مالی نمود و ابن جراح موافقت نکرد و باعث خشم خلیفه شد و مقتدر او را عزل نمود. (۲)کار دولت مقتدر به دست مادر و زنان و خدمت گزارانش بود.

۴-جایگاه مقام امیرالامرا در تشکیلات اسلامی

دخالت و ورود وزرا به برخی حریم های ممنوعه سیاست،همراه با دخالت ارتش در سیاست،موجب دگرگونی های گسترده در نظام وزارت در دوره دوم خلافت عباسی شد.سیاست مقتدر در عزل و نصب مکرر وزرا به برکشیده شدن وزرای ضعیفی مانند«محمد بن مقله»و نیز برخورد بین فرماندهان نظامی ترک و وزرا انجامید؛به طوری که خلیفه راضی بالله(۳۲۹-۳۲۲ه)ناچار شد برای حفظ خلافت و قدرت خود،مقام جدیدی در تشکیلات عالی خلافت و در کنار نهاد وزارت به نام مقام«أمیرالامرا»که واسطه میان وزرا و خلیفه بود تأسیس کند. (۳)در عصر راضی،کار

۱- (۱) .ابن مسکویه،ج۵،ص ۲۰۳،۱۵۲.

۲- (۲) .ابن طقطقی،ص ۳۵۸،۳۶۷.

۳- (۳) .قلقشندی،ج۴،ص ۴۲۵،۴۲۳؛ج۶،ص ۴۵۹؛ج۷،ص ۲۶۲.

خلافت و دولت عباسی رو به ضعف و نقص نهاد؛زیرا امرا و صاحبان شمشیر بر مملکت چیره شده بودند (۱)و مقام وزارت خرید و فروش می شد؛چنان که ابن مقله با ۵۰۰/۰۰۰ دینار برای بار سوم به وزارت رسید. (۲)بدین سان آشفتگی سیاسی در سراسر ایران و مناطق مجاور و نیز نفوذ نظامیان و فتنه های بسیار و تزلزل در قدرت وزارت،زمینه های پیدایش مقام امیرالامرایی را فراهم ساخت.خلیفه عباسی(راضی بالله)ناچار شد برای کنترل امور،وزارت را به سه تن واگذار کند،اما سرانجام کار دولت عباسی را به ابن رائق،نظامی تُرک که و الی شهرهای بصره و واسط بود سپرد و به او لقب«امیرالامراء»[أمره الأمراء،أماره الأمراء]داد؛ (۳)چون قدرت او افزون شد و عزل و نصب و الیان با او بود و مقامش از وزیر بالاتر رفت و تدبیر مالیات و امور مهم کشور با او بود؛نام ابن رائق را در خطبه ها همنام خلیفه می خواندند. (۴)در سال ۳۲۶هجری،«بَجْکم»نظامی ترک دیگری نیز مقام امیرالامرایی را به زور به دست آورد. (۵)

در عهد محمد بن رائق و بجکم،امیرالأمرا حاکم مطلق بود (۶)و مقام وزارت را به پایین ترین مرتبه رساند و هیچ قدرتی برای وزیر باقی نگذاشت؛به طوری که وظایف وزیر،به حضور در مراسم و جشن ها و تشریفات محدود شد و هیچ گونه دخالتی در امور ادارات و تدبیر امور شهرها و ولایات نداشت و همه امور به وسیله ابن رائق و کاتب او انجام می گرفت.به اشاره او(ابن رائق)خلیفه ناچار شد فضل

۱- (۱) .ابن طقطقی،ص۳۸۴.

۲- (۲) .ابن طقطقی،ص۳۸۲،۳۷۳؛قلقشندی،ج۳،ص۱۱.

۳- (۳) .ابن مسکویه،ج۵،ص۴۴۳.

۴- (۴) .ابن مسکویه،ج۵،ص۴۴.

۵- (۵) .ابن طقطقی،ص۳۸۵.

۶- (۶) .قلقشندی،صبح الاعشی،ج۴،ص۱۶۳.

بن جعفر بن فرات را به وزارت منصوب کند.البته مقام امیرالامرایی به دلیل وجود رقبا نیز بسیار متزلزل بود.رقابت و درگیری بین بریدیان(والیان خوزستان)با ابن رائق به تضعیف او انجامید و رقیب ترک وی که فرمانده نظامی بود،از این فرصت بهره بود و به جای او نشست. (۱)این فرمانده نظامی،بَجکَم ترک بود که با تصرف بغداد و گریختن ابن رائق به موصل در شمال بغداد،خلیفه راضی بالله،مقام امیرالأمرایی را به وی داد. (۲)اما سایر فرماندهان نظامی ترک،بجکم را آسوده نگذشتند و فرصت استفاده از این مقام را به او ندادند و سرانجام او را کشتند و از خلیفه متقی بالله خواستند تا علی بن رائق را به مقام امیرالأمرایی منصوب کند.خلیفه نیز ناچار شد دوباره ابن رائق را به این مقام منصوب کند.با هجوم بریدیون به بغداد و غارت آن،خلیفه(متقی بالله)به موصل،محل حکومت حمدانیان گریخت.حسن بن حمدان در اندیشه به دست آوردن منصب امیرالأمرایی بود و خلیفه نیز درخواست او را پذیرفت و در سال ۳۳۰ هجری،به حسن بن حمدان لقب«ناصرالدوله»داد؛اما ناصرالدوله چون مایل به استقرار در بغداد نبود و مراسم و جشن ها و تشریفات رسمی بغداد و دربار خلافت را دوست نداشت و سکونت در جزیره فرات را به بغداد ترجیح می داد،به زودی مقام امیرالامرایی را از دست داد.-حمدانیان نمونه کوچکی از دستگاه اداری خلافت بغداد را در جزیره پیاده کردند،وزرای آنها وزرای تنفیذ و به عنوان کاتب در اختیار سلطان بودند. (۳)-خلیفه نیز با استفاده از فرصت سفر ناصرالدوله به موصل،از«توزون»فرمانده دیلمی

۱- (۱) .ابن مسکویه،ج۵،ص ۴۶۰.

۲- (۲) .ابن مسکویه،ج۵،ص۴۶۸،۴۸۴.

۳- (۳) .سامر،ص ۱۷۸.

کمک گرفت و او را در سال ۳۳۱ هجری به مقام امیرالأمرایی برگزید. (۱)

سیاست انتخاب های پیاپی امیرالأمرا استمرار یافت و چون روابط میان توزون و خلیفه(متقی بالله)اندکی بعد تیره شد،خلیفه از«اخشید»حاکم مصر کمک گرفت تا امیرالامرایی را به او تفویض کند و قدرت خلافت را به وسیله او نجات دهد که بی فایده بود؛چراکه توزون خلیفه را به زندان افکند و از عباسیان فرد دیگری را به جای وی منصوب کرد و به او لقب«المستکفی بالله»داد؛ (۲)اما توزون نیز زیاد بر سریر قدرت نماند و به سال ۳۳۴ هجری درگذشت.بنابراین نظام امیرالأمرایی که راضی بالله وارد دستگاه خلافت نمود هیچ فایده اداری برای نجات تشکیلات خلافت نداشت و باعث تشنج و هرج و مرج سیاسی بیشتری در دستگاه اداری عباسیان شد.این موضوع به نزاع قدرت میان اصحاب شمشیر و اصحاب قلم-که کاتبان شهری و وزرا بودند- دامن زد و موجب شد مقام وزارت قدرت قانونی خود را از دست بدهد.چنان که گذشت،مقام امیرالامرایی نوعی نزاع بین امرای دولت های نیمه مستقل وابسته به خلافت عباسی بود که برای سلطه بر کاخ بغداد رقابت می کردند.در این شرایط،تشکیلات خلافت دچار بحران شد و وزیر جایگاه خاص خود را از دست داد؛به طوری که کار وی در اواخر این عصر تنها به حضور در مراسم و تشریفات رسمی محدود شد.

چنان که در گزارش ابن طقطقی آمده است،مسئولیت به وجود آمدن این بحران تشکیلاتی خود وزرا بودند؛زیرا همواره با تمهیداتی خلفای دوره دوم عباسی را از فهم درست امور دور نگه می داشتند.این کار سرانجام با ورود

۱- (۱) .ابن طقطقی،ص۳۸۷.

۲- (۲) .ابن طقطقی،ص۳۹۲،۳۹۰.

نظامیـان ترک منجر بـه فروپاشـی و انحطـاط نظـام خلافـت شـد و خلفـا نیز برای حفـظ خلافـت چـاره ای جز ایجـاد جایگـاه امیرالامرایی نداشـتند که مقـامی نظـامی است.پدیـده ضـعف وزارت در آغاز قرن چهارم هجری پدیـده ای مشـهور و تاریخی است.داسـتان ها و گزارش های متعـددی درباره زنـدگی وزرا در منابع اصـلی تاریـخ اسـلام آمده است.محققان با ذکر جریان زنـدگی اقتصـادی و سیاسـی چنـد وزیر معروف،به مـاجرای تشـنج سیاسـی-نظـامی در حوزه وزارت و وزیران و پیـدایش مقام امیرالامرایی پرداخته اند.

۵-وزارت در دوره سلطه آل بویه(۳۳۴-۴۴۷ ق)و فاطمیان

اشاره

بی کفایتی خلفای عباسـی در اداره خلافت،سـرانجام منجر به نزدیک شدن دولت های نیمه مستقل به مرکز خلافت شد.در این میان،بویهیان گوی سـبقت را ربوده و بر کرسـی خلافت بغداد سلطه پیدا کردند و تخت امارت خود را در کنار کرسی خلافت قرار دادنـد. (۱)در ایـن دوران دیگر وزارت نفـوذ و قـدرت گذشـته خـود را نـداشت؛صـابی نیز اشـاره می کنـد کـه برای وزارت،شـکوه و شـیرینی و جاذبه ای که برای آن تلاش کنند و در حفظ آن بکوشـند،باقی نماند.اوضاع خلافت متشـنج شد و ارتبـاط قـانونی وزارت و خلافـت از بین رفت و بویهیـان مالک خلافت شدنـد و وزارت و ادارات در جهت تأمین مصالـح آنها قرار گرفت.

در واقع وزارت در دوره بویهیـان،متفـاوت با وزارت در ابتـدای دولت عباسـی و در عصـر سـلجوقی پس از بویهیان بود.در این دوره،کاهش قدرت وزیر که از عصر عباسی دوم شروع شده بود افزایش پیدا کرد و در همین ایام ضعف وزیر

ص:۱۳۳

۱- (۱) .ابن طقطقی،ص۳۸۲.

بود که امیرالأمرا در سال ۳۲۴ هجری بر امور مسلط شدند.همچنین بسیاری از امور اصلی وزیر در انجام کارهای اداری به مقام کاتب سپرده شد و کاتب نقش مهمی در دستگاه خلافت پیدا کرد و اختیارات گسترده ای پیدا نمود.بدین ترتیب،وزیر نسبت به خلیفه فقط نامی بدون قدرت بود؛به طوری که«معزالدوله»در سال ۳۳۴ هجری،به آسانی با کمک کاتبی که او را در اداره امور کمک می کرد،بغداد را گرفت.خلیفه بغداد نیز کاتب خاصی داشت که امور او را اداره می نمود.

بنابراین در بین ۳۳۴ تا ۳۴۵ هجری،وزیری در نظام خلافت وجود نداشت،اما در سال ۳۴۵ هجری،معزالدوله بویهی،«مهلبی»کاتب خود را وزیر نامید (۱)و به او امتیازات و اختیارات گسترده ای داد و اقطاعات بسیاری به او واگذار نمود.بدین شکل معزالدوله بویهی حق خلیفه عباسی در تعیین وزیر را گرفت و خلیفه عباسی صاحب کاتب شد و امیر بویهی صاحب وزیر گردید و خلیفه مطیع و بی تحرک،هیچ گونه مخالفتی در برابر این وضعیت انجام نداد.عجیب نیست که در چنین شرایطی مقام وزارت سقوط کند و شکوه خود را از دست بدهد؛به طوری که ابن بقیه،ناظر آشپزخانه امیر در عهد بختیار به وزارت رسید. (۲)

با این وصف منصب وزیر در خلافت عباسی سقوط کرد،اما در دربار آل بویه جایگاه قانونی مناسبی به دست آورد؛بویهیان امور خود را به وسیله نظامی از وزرا اجرا می کردند. (۳)وزیر خلیفه عباسی تحت امر وزیر بویهی بود و به دستورات او عمل می کرد و اجازه انجام هیچ گونه کار مستقل اداری و سیاسی را نداشت؛این رویه به ویژه در عهد معزالدوله و عضدالدوله جریان داشت.مقام

۱- (۱) .ابن مسکویه،ج۶،ص۱۵۷.

۲- (۲) .ابن مسکویه،ج۷،ص۳۱و۳۲؛ج۶،ص۳۲۶.

۳- (۳) .ابن مسکویه،ج۶،ص۳۶۷.

وزیر متزلزل بود و به سرعت عزل و طرد می شد و به راحتی اموال او مصادره شد و به زندان می افتاد؛حتی به دستور معزالدوله دیلمی به وزیر او(مهلبی)۱۵۰ ضربه تازیانه زدند تا در زندان مرد. (۱)عضدالدوله نیز به قطع بینی و کور کردن دو چشم وزیر پدرش«ابن الفتح ابن عمید»دستور داد.منصب وزارت تحت نفوذ اطرافیان و خویشان امیر بویهی-به ویژه در عهد عضدالدوله-بود.نزدیکان امیر بویهی که آنها را«مدبرون دولت»می نامیدند در اطراف امیر حضور داشتند و امیر در عزل و نصب وزرا تحت تأثیر آنها بود؛چنان که در دوره سلطه بختیار و در عهد بهاءالدوله بویهی این کار اتفاق افتاد.

مهم ترین وظیفه وزیر در عصر بویهی تلاش برای فراهم ساختن زمینه های جمع اموال و درآمدهای بیت المال برای تأمین هزینه های دولت و حقوق نظامیان بود؛زیرا زمانی که درآمدهای دولت کاهش پیدا می کرد و هزینه های دولت تأمین نمی شد،همواره کار به مصادره و جلب اموال وزرا منجر می شد.به جز در عصر عضدالدوله،دوران بویهی شاهد شورش های متعدد نظامیانی بود که حقوق خود را در زمان معین دریافت نمی کردند.

از جمله وظایف سنتی وزیر تعیین رؤسای ادارات بود،اما در عصر بویهی،این اختیار از وزیر سلب شد و در اختیار امیر بویهی قرار گرفت و وزیر فقط مسئول تعیین کارگزاران خراج برای جمع مالیات از شهرها و مناطق تابع بغداد بود.در زمان انتقال بویهیان از بغداد به فارس،آنها برای اداره بغداد نمایندگانی به جای خود در بغداد قرار دادند که این افراد را نیز وزیر می نامیدند. (۲)از جمله این افراد فرمانده نیروهای نظامی بغداد بود که از سال ۳۹۲ تا ۴۰۱ هجری

۱- (۱) .ابن مسکویه،ج۶،ص۱۶۲،۱۷۸.

۲- (۲) .ابن مسکویه،ج۶،ص۴۵۹.

حکومت کرد و نیز فخرالملک که از سال ۴۰۱ تا ۴۰۷ هجری زمام امور را در دست داشت.حقوق وزرا شامل حقوقی ماهیانه از پول رایج یا از اقطاعات بود.مصادره اموال و دارایی های وزرا نشان می دهد که بیشتر آنها ثروت انبوهی داشتند و سیاست مصادره اموال ایشان سنتی ثابت در عصر بویهی بود. (۱)

بویهیان تغییرات مهمی در نهاد وزارت انجام دادند.آنها امکان انتخاب هم زمان دو وزیر را عملی ساختند و دایره قدرت وزیر بویهی را از مسائل سیاسی-اداری به امور نظامی گسترش دادند و این گونه بود که قدرت وزیر بویهی فرماندهی جنگ را نیز شامل می شد.القاب وزرا در دوره بویهی نسبت معکوس با میزان قدرت دولت داشت؛هر چه به انحطاط سیاسی و فروپاشی نظام اداری افزوده می شد طول و شکوه ظاهری القاب رونق می گرفت؛ازاین رو القاب وزرا دلیلی بر سقوط ارزش های سیاسی و اجتماعی بود؛این در حالی است که وزرای دوره اول بویهی فقط یک لقب داشتند و یا گاهی هیچ لقبی نداشتند.

امرای بویهی پس از بهاءالدوله به وزرای خود القابی بدون تأثیر عملی اعطا می کردند.برای مثال وزیر سلطان الدوله لقب فلک الملک،عمیدالدوله،زعیم الأمیر و شمس الدین داشت و وزیر دیگری در این عصر لقب ذوالسعادتین،وزیرالوزرا و نجاح الملک داشت.وزیری دیگر لقب علم الدین،سعدالدوله،امین الله و شرف الملک گرفت و وزیر دیگر با لقب معزالدین،فلک الامر،وزیرالوزرا و عمادالملک خوانده می شد.فخر و غرور کاذب ناشی از این القاب در دوره بویهی به جایی رسید که یکی از وزرای امیر بویهی از پذیرش نامه خلیفه عباسی(القادربالله)به دلیل این که با لقب«مولانا»آغاز نشده بود،خودداری نمود و به لقب دیگری

ص:۱۳۶

۱- (۱) .ابن مسکویه،ج۵،ص۲۶۲،۲۹۲؛ج۶،ص۳۹۴.

چون«الحضره العالیه الوزیریه»به جای لقب مولانا راضی نشد. (۱)از جمله القاب حسن بن ابی جعفر وزیر بهاءالدوله«عمیدالجیوش»بود. (۲)محققان معاصر از این کار آل بویه با عنوان شهوت لقب پرستی وزرا در قرن چهارم هجری یادکرده اند. (۳)

وساطت و وزارت در عصر فاطمی

وزارت در عصر فاطمی دارای مقام بالایی پس از خلیفه بود.در این عصر وزیر دارای قدرتی فوق العاده بوده است؛از جمله«افضل بن بدرالجمالی»(م۵۰۱ه)وزیر دوازده امامی فاطمی،کاخی برای وزارت به نام«دارالملک»ساخت و در آن جا نظام وساطت و وزارت را مستقر نمود. (۴)

این وزارت دارای سه ویژگی نسبت به سایر دولت هاست:

۱.در عصر فاطمی وزرا واسطه بین خلیفه و مردم بوده اند.این نوع از وزارت حد وسط بین وزارت تفویض و وزارت تنفیذ است؛ازاین رو منابع عصر فاطمی وزارت را وساطت نامیده اند.در رأس وزرا،وزیر اول یا رئیس الوزرا یا مسئول دارالوزرا قرار داشت.از جوهر صقلی تا صلاح الدین ایوبی در طی ۲۰ سال خلافت فاطمی،۸۹وزیر بر کرسی وزارت اول فاطمیان تکیه زدند.از آغاز خلافت فاطمی تا اوایل عصر حاکم بالله به آن«الواسطه»می گفتند و پس از آن عنوان وزارت گرفت. (۵)

۲.از ویژگی های جالب توجه وزارت در مصر فاطمی،وجود وزرایی از فرقه ها و مذاهب مختلف از شیعه دوازده امامی،زیدی،اسماعیلی،یهودی،مسیحی

۱- (۱) .ابن مسکویه،ج۶،ص۳۵۵،۴۰۰.

۲- (۲) .ابن مسکویه،ج۷،ص ۱۸۱.

۳- (۳) .متز،ج۱،ص۱۱۵.

۴- (۴) .مقریزی،خطط،ج۱،ص۱۳۷،۱۵۲،۱۵۸.

۵- (۵) .صالح،ج۲،ص۷۸.

قبطی،ارمنی،کرد و عرب است.زرعه بن عیسی بن نسطورس(م۴۰۳ه)عهده دار منصب«وساطت»بود.نظر به وضع خاص تصمیم گیری خلیفه فاطمی«حاکم بامرالله»،بیست و دو تن در طی حکومت او به وزارت نصب شدند.«یازوری»از جمله وزرای فاطمی است که به لقب«الوزیر الاجل»در محرم ۴۴۲هجری ملقب شد.در سجل وزارت او نوشته شد:الوزیرالاجل،سیدالوزرا (۱)او از«دعاه»بزرگ شیعه اسماعیلیه بود.«بدرالجمالی»(۴۸۷ه)وزیر دولت فاطمیان است که خلیفه فاطمی المستنصر بالله برای رهایی از قدرت ترک ها مقام وزارت را با اختیارات تام به او داد و به او لقب«کافل قضاه المسلمین»عطا کرد.و با کمک یاران و نیروهای نظامی ارمنی،وزارت کرد و دوره ای به یادماندنی از تاریخ مصر فاطمی را رقم زد.پس از او«افضل بن بدرالجمالی»وزیر اول دولت مستنصر فاطمی شد که توانست برخی شعایر شیعه امامیه از جمله امامت امام دوازدهم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در مصر و شام و محدوده دولت فاطمی آشکار کند.

۳.دوره فاطمی و دوره کثرت عزل و تعیین وزرا است؛المستنصربالله،وزارت ۲۶ وزیر را در دوره حکومت خود تجربه کرد. (۲)از جمله وزرای امامی فاطمیان«طلائع بن رُزّیک»است که لقب«الملک الاجل الصالح»گرفت.حقوق وزیر در عصر فاطمی،پنج هزار دینار در ماه بود.

۶-وزارت در تشکیلات اسلامی عصر غزنوی(۳۶۶-۵۸۲ه)

در رأس تشکیلات اداری غزنوی«خواجه بزرگ»قرار داشت. (۳)تشکیلات او،

۱- (۱) .مقریزی،ج۲،ص ۷۰.

۲- (۲) .مقریزی،اتعاظ،ج۲،ص ۱۵۰.

۳- (۳) .بیهقی،ص ۱۶۴.

دیوان خواجه یا دیوان وزارت بود که کنار دیگر دیوان های عصر غزنوی،یعنی دیوان استیفاء،دیوان عرض و دیوان رسالت،قرار گرفته بود. (۱)وزارت در عصر غزنوی همان اهمیت دوره بویهی را حفظ کرد و از آن به نام دیوان وزیر (۲)و دیوان وزارت و دیوان خواجه یاد شده است.در عصر غزنوی سلطان همه مشاغل را به وزیر می سپرد و خلعت وزارت را به اهل قلم و ادب و علم و توانایی می پوشاند و وزرا از ثبات فوق العاده ای برخوردار بودند.ابوالعباس فضل بن احمد اسفراینی از ابتدای سلطنت محمود غزنوی،به مدّت هفده سال عهده دار منصب وزارت بود. (۳)

عصر بویهی و استمرار آن در عصر غزنوی،عصر قدرت تشکیلات اسلامی و تأسیس دولت های ایرانی-اسلامی است؛تولید چندین کتاب در باب تشکیلات اداری،دوره بویهی و دوره غزنوی را تبدیل به دوره توسعه کتاب های«آداب الملوک»کرده است.در عصر غزنوی ناپایداری شغل برخی از وزرا به جهت مسائل مالی برقرار بود و خطرات همیشگی مشاغل دیوانی و دولتی،همچنان نهاد وزارت و وزیر را تهدید می کرد.جریان مصادره اموال وزرا در عصر سلجوقی به صورت توسعه یافته تر به خلفای عباسی نیز کشیده شد.عباسیان کار مصادره را به هنر زیبایی تبدیل کرده بودند و برای«دیوان المصادره»را ایجاد کرده بودند. (۴)سلاطین غزنوی نیز همچون اربابان عباسی خود،«مستخرج»یا اقرارگیر داشتند که معادل«مطالب»یا مناظر عباسی بود. (۵)این فرد با آلات شکنجه از وزیر اقرار

۱- (۱) .بیهقی،ص ۱۲،۲۱۱.

۲- (۲) .نرشخی،ص ۳۱.

۳- (۳) .عقیلی،صفحات متعدد.

۴- (۴) .ابن مسکویه،ج۵،ص۲۲۴،۷۳،۷۴.

۵- (۵) .ابن مسکویه،ج۵،ص۲۲۴.

می گرفت.وقتی«میمندی»از وزارت خلع شد،یکی از دشمنان او را برای گرفتن اقرار از سرخس به غزنه آوردند.از شش تن که در پادشاهی محمود و مسعود غزنوی به منصب صدارت عظمی رسیدند،سه تن از مقام خود برکنار شدند و به سختی جان سپردند. (۱)آخرین وزیر محمود،ابوعلی حسن بن محمد معروف به«حسنک»بود که اندکی پس از جلوس مسعود تمام دارایی خود را به طوع و رغبت به سلطان فروخت و به این طریق صورت قانونی نیز رعایت گردید. (۲)

۷-وزارت در عصر سلجوقی(۴۴۷-۵۹۰ه)

به گفته محققان،وزارت شکل واقعی خود در تشکیلات اسلامی را در عهد سلجوقیان به دست آورده است.«وزارت در عصر سلجوقی از ویژگی های پیشرفت در تشکیلات اسلامی محسوب می شد و وزیر نسبت به سابق از قدرت بالایی در دستگاه دولت برخوردار بود.» (۳)این امر البته در مورد نظام الملک به قدرت شخصی او برمی گردد.لمبتون به این نکته اشاره کرده است که ماهیت شخصی قدرت در تاریخ سیاسی ایران همواره موجب تغییر و بی ثباتی و خطر در مقام وزارت بوده است؛ (۴)زیرا وزیر همچنان در معرض حسادت اقران و نارضایتی اعضای خاندان سلطان قرار داشت و از توطئه رقبا در امان نبود، (۵)عالی ترین دیوان سلجوقیان،یعنی«دیوان اعلا»متکی بر نظام وزارت بود که در زمان خلافت عباسی توسعه یافته بود. (۶)

۱- (۱) .بیهقی،ص ۳۰۹،۲۰۷؛باسورث،ص ۶۷.

۲- (۲) .بیهقی،ص ۱۶۴،۱۶۱،۱۵۹.

۳- (۳) .کلورنز،ص ۵۲.

۴- (۴) .ابی نصر کاشانی،ص۵۸و۵۹.

۵- (۵) .ابی نصر کاشانی،ص ۸۹،۸۸،۸۴.

۶- (۶) .لمبتون،ص ۳۸.

وزرای سلجوقی فرمان انتصاب خویش را از سلطان می گرفتند.وزارت با دیوان اعلا در اختیار وزیر بود.همچنین وزیر بر دیوان طغرا،دیوان انشاء،دیوان عرض،دیوان اشراف،و سایر ادارات بزرگ لشکری و کشوری نظارت می کرد (۱)و در جنگ شرکت می نمود.هزینه وزارت سلجوقی بالا بود و وزیر دارای کاخ و تشریفات و ملازمین مسلح بود.وزیر به وسیله زیردست خود(عارض الجیش)بر ارتش نظارت می کرد.در عصر سلجوقیان وزیر بالاترین مقام اداری بود و اهمیت بسیار بالایی داشت؛این واقعیت در القاب وزیر مانند صدر آشکار است.

زمانی که سلجوقیان وارد بغداد شدند(۴۴۷ه-۱۰۵۵م)؛نظام وزارت در حوزه خلافت بغداد نیز به وضعیت گذشته خود بازگشت و خلیفه که در عصر بویهی از حق انتخاب وزیر محروم شده بود بار دیگر قدرت یافت که وزیر را انتخاب نماید،اما در عین حال چون خلیفه هنوز قادر نبود که مانع از سلطه سلجوقیان بر نظام اداری و قدرت مطلق آنها در عزل و نصب شود،همچون گذشته برای خود وزیر تعیین می کردند، (۲)«سلطان ملک شاه از خلیفه مقتدی،عزل وزیر«ابن شجاع همدانی»را درخواست نمود و خلیفه مقتدی چاره ای جز عزل او نداشت». (۳)

پدیده دیگری که در نظام اداری عصر سلجوقی حاکم شد،رقابت بین وزیر سلطان و وزیر خلیفه است.حوادث تاریخی نشان می دهد که وزیر خلیفه در کنار خلیفه قرار داشت و همراه او بود و در صدد اعاده قدرت خلافت و محدود کردن قدرت سلطان سلجوقی بود. (۴)وزیر ابن صدقه همواره در صدد

ص:۱۴۱

۱- (۱) .ابی نصر کاشانی،ص۷۳.

۲- (۲) .ابی نصر کاشانی،ص۵۰.

۳- (۳) .ابن طقطقی،ص۴۰۱.

۴- (۴) .ابی نصر کاشانی،ص۱۳۶.

محدود کردن فعالیت های سلطان سنجر سلجوقی بود که خلیفه را به اشغال بغداد و تبعید خلیفه تهدید می کرد. (۱)وزیر عباسی(ابن صدقه)به سلطان سنجر سلجوقی نوشت:«به خدا قسم اگر از جای خود حرکت کنی هرچه در پشت سر تو است از تو جدا می کنم و تو را از او قطع می کنم و اگر تا دو فرسخ پیشروی کنی دو فرسخ به طرف تو می آیم». (۲)در عصر سلجوقی،وزیر سلطان قدرت بیشتری از وزیر خلیفه-به جز در بغداد و نواحی آن-داشت.در واقع می توان گفت که مقام سلطنت سلجوقی،توسعه مقام امیرالامرایی دوره بویهی و غزنوی است.

وزیر سلطان از میان شخصیت های فرهنگی و کسانی که متّصف به علم و ادب و آگاهی از قوانین دولتی بودند،انتخاب می شد.از جمله مهم ترین وزرای سلاطین سلجوقی،«ابونصر کندری»وزیرِ طغرل بیک،و«نظام الملک»وزیر الب ارسلان و ملک شاه سلجوقی است.در عهد سلجوقی وزرا القاب جدیدی گرفتند؛همچون«فخرالدوله»که لقب ابن جهیر بود و«ابی المعالی»که لقب هبه الله بن محمد،وزیر المستنصربالله بود.القاب دیگری نیز مانند«جلال الدین سید الوزرا»،«صدرالمشرق و المغرب»،«المؤتمن الدوله»و«عون الدین»رایج گردید عمیدالملک،نظام،مؤیدالملک،معین الدین و شهاب الدین. (۳)

در عصر سلجوقی وزیر حقوقی ماهیانه بین ۹۰ هزار تا صد هزار دینار می گرفت.آنان علاوه بر حقوق،اقطاعات نیز داشتند و دولت بخشی از درآمد

۱- (۱) .ابن طقطقی،ص۴۰۹.

۲- (۲) .ابی نصر کاشانی،ص۱۳۸.

۳- (۳) .ابوالرجاء،آثار الوزراء،صفحات متعدد؛ابن طقطقی،صفحات متعدد.

اراضـی و اقطاعـات حکومتی را نیز به آنهـا اختصاص می داد،حقوق ماهیانه«ابن هبیره»(۵۶۰ه)وزیر مقتفی و مسـتنجد(از خلفای عباسی)صد هزار دینار بود. (۱)

۸-وزارت در عهد دولت های مغربی و اندلسی

در عصـر اموی انـدلس،حـاجب وظـایف وزیر اول را بر عهـده داشت و به مشـابه نخست وزیر بود که تعـدادی وزیر را اداره می کرد،امیرمحمد اموی بیست وپنج وزیر داشت. (۲)بزرگ ترین حاجب و وزیر اول دولت بنی الاحمر در غرناطه،ابن خطیب بود که آثاری در اداره امور تألیف نمود.ادریسیان برای انجام امور،یک وزیر داشتند.ادریس دوم از عمیر بن مصعب ازدی به عنوان وزیر خود اسـتفاده کرد.در عهـد زیریـان که خود نـایب و عامل فاطمیان در افریقیه بودنـد،وزیر اکبر که«متولی امور الـدوله»نام داشت،امـور دولت را به تنهـایی در اختیـار داشت،از او بـا عنوان«متولی تـدبیر البلـد»و«متولی البلـد»و«مـدبره»هم یـاد کرده انـد. (۳)اغـالیه امور خود را به وزرا می سپردنـد که در چنـد خانـدان موروثی بود؛از جمله خـانواده بنی حمیـد که سـال هـا منصب وزارت را بر عهده داشـتند. (۴)عصـر مرابطین در مغرب و اندلس،عصـر تنوع وزراست.شـرط وزارت،نَسَب خانوادگی و قبیله و مهارت در کتابت بود.معاون و مشاور از فقهای کاتب بودند.گروه وزرا زیر نظر حاجب و رئیس الوزرا عمل می کردند.وزارت در دوره موحدین،خانوادگی و موروثی،از جمله در بین قبیله هنتاته بود.به شیخ

۱- (۱) .ابن طقطقی،ص۴۱۹،۴۲۲،۴۲۴.

۲- (۲) .ابن عذاری،ج۲،ص ۹۴.

۳- (۳) .ادریس،ج۲،ص ۱۲۶؛ابن عذاری مراکشی،ج۱،ص۳۰۱.

۴- (۴) .مخلوف،ج۲،ص۱۱۶.

قبیله و طبیب مخصوص دربار موحدین نیز وزیر اطلاق شده است. (1)احمد بن عطیه،از وزرای معروف عصر موحدین است.وزرا معمولاً از بین طبقه عشره برگزیده می شدند. (2)اداره امور در عهد مرینی بر عهده وزرا بود که در مجالس مختلفی که به وسیله سلاطین مرینی تشکیل می شد،حضور داشتند و در انجام مسائل به او یاری می دادند.از جمله کسانی که در مجالس عالی حضور داشت،وزیر صاحب شرطه علیا و صاحب الأشغال و صاحب العلامه بود. (3)امور سلاطین بنی نصر در غرناطه اندلس،بر عهده وزرا بود که زیر نظر حاجب،دولت بنی نصر را اداره می کردند.

رسم وزارت و حجابت و نیابت اباعبدالله محمد را وکیل پدرش ابوالنعیم رضوان بر عهده گرفت. (4)ابن خطیب رسوم و وظایف وزارت در ایام بنی نصر را ایستادن در برابر سلطان و رساندن درخواست ها و نامه ها به سلطان و حد و فصل آنها و اجرای احکام و رفت و آمد بین سلطان و مردم نوشته است. (5)در عهد حفصیان وزیر،طبقه ای از کارگزاران دولت حفصی بودند که مسئولیت عالی اجرایی داشتند و آنها مانند امویان اندلس معتقد به تعدد وزرا بودند و برای هر کاری وزیر انتخاب می کردند و در کنار حاجب چند وزیر هم داشتند.در این دولت از وزیر الامر(وزیرالمشوره)؛وزیر الجند؛وزیر مالی و وزیر فضل یا کاتب یاد شده است.

1- (1) .عمر موسی،ص،ابن سعید مغربی،اختصار،ص98.

2- (2) .ابن قطان،ص124.

3- (3) .المنونی،ص83.

4- (4) .ابن خطیب،ص94.

5- (5) .ابن خطیب،ص116.

۹-وزارت در عصر خوارزمشاهی،ایلخانی و ممالیک(۶۴۸۹۲۲ه)

نظام وزارت در عصر خوارزمشاهی،ایلخانی و ممالیک،توسعه یافته وزارت در عصر بویهی،غزنوی،فاطمی،سامانی و سلجوقی است.وزارت خوارزمشاهیان در کنار مناصب دربار(وکیل در،طشت دار،حاجب،مهردار،دوات دار،استاددار)بر دیوان اعلا(رسایل،استیفا،اشراف،عرض)نیز مدیریت می کرد؛ (۱)و رئیس دیوان اعلا را«خواجه جهان»می نامیدند. (۲)وزیر مجموعه ای از اختیارات مالی و قضایی را بر عهده داشت و بر دیوان خاصه-که متعلّق به اراضی خاص سلطان بود-و امور شخصی سلطان و بر دیوان اوقاف (۳)رسیدگی می کرد.وزرا با تشریفات خاصی در دست راست سلطان می نشستند،که برخی از محققان تشریفات وزیر عصر خوارزمشاهی را بیان کرده اند. (۴)هر وزیر که ملقب به نظام الملک می شد،حق نشستن بر خوان خاص داشت.

با وجود احیای شغل وزارت در عصر خوارزمشاهی (۵)این منصب همچنان از مخاطرات دوره های پیشین وزارت رنج می برد و همچون گذشته متزلزل بود؛زیرا با مخاطراتی از ناحیه اطرافیان و رقبا و نیز دسیسه ها و حمایت و دخالت خاندان سلطنتی و مسائل مذهبی و سیاسی و تماس مستقیم سلطان با رؤسای دیوان های مختلف روبه رو بود؛این امر موجب تشنج در مقام وزارت و برخورد سلطان و وزیر می شد که بیشتر اوقات وزرا دچار مؤاخذه سلطان می شدند.صدرالدین

ص:۱۴۵

۱- (۱) .ابی نصر کاشانی،ص۹۲،۸۴.

۲- (۲) .نسوی،ص۱۳۷.

۳- (۳) .بغدادی،ص۸۵.

۴- (۴) .نسوی،ص۱۳۷.

۵- (۵) .لمبتون،ص۵۹.

مسعود بن علی هروی و نظام الملک محمد بن صالح،از وزرای معروف خوارزمشاهی(۴۹۰-۶۱۷ه)بودند.در اهمیت وزارت نظام الملک همین بس که تشریفات علائم خاص وزارت در عهد او افزایش پیدا کرد،پیشاپیش وزرای قبل از او چهار نیزه طلایی حرکت می کرد اما برای او هشت نیزه طلایی حرکت می دادند،و لقب او را از خواجه جهانی به«خواجه بزرگی»تغییر دادند. (۱)

وزارت در عصر ممالیک بحری(۶۴۸-۷۸۳ه)و ممالیک برجی(۷۷۹-۹۲۴ه)که عصر طلایی تشکیلات اسلامی به ویژه در خصوص وزارت است،وزارت تنفیذ بود و به نوعی توسعه وزارت تنفیذ در عصر ممالیک(در مصر)رخ داده است؛چنان که عصر فاطمی دوره توسعه وزارت تفویض در مصر بود.صلاح الدین ایوبی(م۵۸۹ه)مؤسس سلسله ایوبی(۵۶۴-۶۲۷ه)وزیر تفویض آخرین خلیفه فاطمی(عاضد)بود که لقب«ملک»گرفت (۲)وزیر در عصر مملوکی لقب«نایب»گرفت و نایب سلطنت و مقام پس از سلطان را داشت که از او با عنوان کفیل یا نایب کفیل یا کافل یا کفاله السلطنه یا کافل المملکه یا ممالک یا نایب الحضره هم یاد شده است. (۳)

وزارت مملوکی،مهم ترین مقام در بین ارباب اقلام بود که از او با لقب«صاحب»یاد می کردند و اگر وزیر از ارباب السیوف بود،صاحب بر او اطلاق نمی شد.مقریزی گزارشی تاریخی از انحطاط وزارت در مصر در ایام سلطان ظاهر برقوق آورده است؛چون او«دیوان المفرد»را تأسیس کرد و مسئولیت آن را

۱- (۱) .لمبتون،ص۴۸.

۲- (۲) .قلقشندی،صبح الاعشی،ج۳،ص۴۲۸.

۳- (۳) .قلقشندی،صبح الاعشی،ج۱۴،ص۵۷، ۶۰.

به استاددار سپرد و وزارت ضعیف شد و قدرت او بین کاتب السّر و استاددار و ناظرالخاص و وزیر تقسیم شد. (۱)

وزیر در محل مخصوص دارالوزرا مستقر می شد و مجلس او«المجلس العالی» (۲)نام داشت (۳)و«مقدم الدوله»بر اعمال وزیر و دیوان های او و ارتباط او با دیوان های مختلف نظارت می کرد. (۴)

وزارت در عصر ممالیک نیز بسیار متزلزل بود و سلطان مملوک به آسانی وزرا را تغییر می داد (۵)و وراثت در وزارت در عصر ممالیک هیچ گاه شکل نگرفت؛وزیر لباس خاصی می پوشید و حقوق ماهیان او ۲۵۰ دینار همراه با آذوقه و لباس بود.

در عصر استیلای مغولان،وقفه ای موقتی در تداوم دیوان سالاری به وجود آمد؛چراکه وزیر که به«صاحب»معروف بود،ناظر بر کل گستره امور دیوانی نبود و در کنار مأمورین مغولی،وظایفش فقط به امور مالی محدود می شد (۶)و به تدریج به مقام مشاور در امور دیوان سالاری کشور رسید.

وزارت تو أمان از ویژگی های وزارت عصر ایلخانی است.غیاث الدین محمد بن رشیدالدین در کنار علاءالدین محمد،هر دو وزیر آخرین ایلخانی مغول بودند.این نوع وزارت عملکرد دسیسه را در نظام دیوانی دامن می زد؛به طوری که رابطه وزیر با دیوان عرض،استیفاء و دیوان اشراف در زمان ایلخانی تغییر کرد و برخی از دیوان ها

۱- (۱) .مقریزی،خطط،ج۳،ص۸۸-۹۱.

۲- (۲) .سیوطی،ج۲،ص۱۲۶.

۳- (۳) .قلقشندی،صبح الاعشی،ج۶،ص۷۶،۱۰۷.

۴- (۴) .قلقشندی،ج۵،ص۴۶۸.

۵- (۵) .مقریزی،ج۳،ص۳۶۳.

۶- (۶) .نخجوانی،جوینی،صفحات متعدد.

نیز مانند دیوان انشاء و عرض به وسیله مغولان از دور خارج شد.اما سرانجام در اواخر عهد ایلخانی گویا وزیر دوباره وظایف سابق خود را به دست آورده است. (۱)

وظایف وزیر براساس سند دستورالکاتب عبارت است:«ضبط امور دیوان بزرگ(معادل دیوان اعلا)،تدبیر مالی و متوجهات،تکثیر ارتفاعات و محصولات،تعیین واجبات خزانه و مواجب امراء و ایناقان و اصحاب دیوان و سایر اصناف،تقویت ضعفا و تمشیت امور مستحقان،تفویض و تقلید عمال به استصواب و استشارت او و دفاتر پیش او برند و دساتیر و یارغو نام ها به اجازت و اشارت و پروانه و نشانه او باشد و نواب او را که در هر ولایت به نظارت تعیین کند». (۲)

۱۰-وزارت در عصر خلفای عثمانی(۶۸۰۱۳۴۲ه)و صفوی(۹۰۷۱۱۳۵ه)

اشاره

وزارت در عصر عثمانی،استمرار وزارت عصر ایلخانی مغول بوده و بر اساس الگوی وزارتی ایلخانان است. (۳)هسته اولیه وزارت در خلافت عثمانی را تعدادی از علما تشکیل دادند که به اسم وزیر در رأس امور قرار گرفتند و تا عصر وزارت«قراخلیل خیرالدین پاشا»،انجام تمام امور کشوری به استثنای امور نظامی و لشکری را به عهده داشتند.با افزایش وزرا،وزیر اول را«وزیر اعظم»نامیدند؛علاءالدین(۷۲۳-۱۳۲۳ه)از وزرای«اورخان غازی»،از نخستین وزرای عثمانی است.سپس«شیخ رمضان پاشا»که ابتدا قاضی عسگر بود به وزرات رسید؛ (۴)بنابراین در اوایل سلطنت عثمانی یک وزیر کارها را انجام می داد که تا اواخر قرن پانزدهم تعداد این وزرا از

۱- (۱) .لمبتون،ص ۷۱.

۲- (۲) .نخجوانی،ج ۲،ص ۱۰۸،۱۱.

۳- (۳) .چارشلی،ج ۱،ص ۶۸۹.

۴- (۴) .چارشلی،ج ۱،ص ۶۹۱.

سه وزیر تجاوز نکرد.وزیر اعظم،وکیل و نماینده مطلق پادشاه بود و نام او به نشانه این قدرت،روی مهر طلایی بیضی شکل،حکّ شده بود.وزیر اعظم مسئول همه امور بود؛عزل و نصب ها و تشریفات با تصمیم او و اجازه سلطان صورت می گرفت و هیچ یک از خواسته های او از سوی شاه رد نمی شد. (۱)

تا اواخر حکومت سلطان محمد فاتح،سلاطین عثمانی خود متصدی دیوان بودند،امّا بعد از او این مسئولیت به وزیر اعظم واگذار شد.وزرا سه نشان وزارت(توغ)داشتند.در عصر عثمانی،به تدریج بر تعداد وزرا افزوده شد و در هیئت وزراء تا نه وزیر گزارش شده است. (۲)

عصر صفوی عصر تعدد وزرا است و محققان انواع مختلفی از وزرا را در این عصر برشمرده اند.برای مثال در سازمان وزارت صفوی،از وزیر اعظم،وزیر دیوان اعلا-وزیر لشکر،وزیر مالیه،وزیر بیوتات،وزیر جلفا،وزیر چپ،وزیر دیوان،وزیر تفنگچیان،وزیر جلو،وزیر دارالسلطنه اصفهان،وزیر قراالوس،وزیر قورچی،وزیر مُهر،وزیر غلام،وزیر اوقاف،وزیر موقوفات چهارده معصوم،وزیر سرحد،وزیر محال،وزیر سرکار و وزیر حلال نام برده اند. (۳)وزیر حلال از ابتکارات وزارت در اواخر عصر صفوی است. (۴)«...شغل وزیر حلال آن بود که مداخل املاک و مستغلات و غیر هم را که از ممّر حلال شاه سلطان حسین به هم رسانیده بود،از ابتیاعی و احداثی،صرف سکنه مدرسه ای که در چهارباغ ساخته بود و مصارفی دیگر که قرار داده بود،می نمود...»؛در مجلس بهشت آیین،

۱- (۱) .چارشلی،ج ۱،ص۵۹۸.

۲- (۲) .المنونی،ص۳۱۹.

۳- (۳) .میرزا رفیعا،ص۴۱۴،۱۶۷،۴۹۴،۱۶۳،۲۷۷،۴۴۷،۲۷۹،۴۴۶،۵۴،۱۰۹،۲۰۶،۴۱۲.

۴- (۴) .میرزا رفیعا،ص۱۶۳،۲۲۷،۳۲۹.

این وزیر در سمت راست بعد از وزیر اصفهان می نشست. (۱)

در عصر صفوی وزارت به دو دسته وزارت کل و وزارت ایالات خاصه تقسیم می شد.وظیفه اصلی وزرای کل اداره املاک خاصه که در محدوده ایالت حاکم قرار داشته و دخالت در درآمدهای آن از محدوده اختیارات حکام خارج بوده است (۲)که وزرا دارای اختیارات مالی،قضای و نظامی بودند،از جمله کاربردهای وزیر در سیستم گسترده وزارتی صفوی،وزرای حکام هستند که دست راست خان ها بودند که برخی از آنها را مرکز تعیین می کرد.عصر صفوی از یک سو آغاز تاریخ جدید ایران و از سوی دیگر شروع پیدایش تشکیلات اداری نوین برای اداره امور مملکت است.در این عصر وزیر،رئیس دستگاه دیوان و وزیر اول بود.با ایجاد منصب وکیل و دخالت امیرالامرا در امور سیاسی،از اهمیت وزیر در عصر صفوی کاسته شد. (۳)

در عصر شاه عباس اول،به راهنمایی شیخ بهایی انقلابی در ساختار تشکیلات اداری-به ویژه در تشکیلات دینی-صورت گرفت و وزیر،نیرومندترین شخص در دستگاه دیوان سالاری صفوی شد و به مقام صدر اعظم دولت عثمانی نائل شد.

امارت:-منابع تشکیلات اسلامی دو شکل متفاوت از امارت در بلاد اسلامی را نشان داده اند:

۱-امارت استکفاء

در این قسم از حکومت؛-خلیفه ولایت و حکومت نواحی مختلف قلمرو خود را به افرادی که کفایت لازم را داشتند و مانند وزیر تفویض از شروط امامت برخوردار بودند،می داد و دایره عمل او را نیز مشخص می کرد،در

ص:۱۵۰

۱- (۱) .میرزا رفیعا،ص۲۳۴.

۲- (۲) .بُرن،ص۱۶۳.

۳- (۳) .میرزا رفیعا،صفحات متعدد.

دوره ولاه در عصر اموی و عباسی معمولاً دایره اختیارات آنها،محدود و امارت آنها امارت خاصه بود،در امارت عامه و الی و حاکم در هفت مورد حق نظر داشت،۱.در تدبیر امور سپاه ۲.در امور و احکام قضایی ۳.در جبایت خراج ۴.در حفظ حدود و ثغور و تأمین امنیت آنها ۵.در اقامه حدود و احکام شرع ۶.اقامه نمازها و مراسم نماز جمعه و اعیاد و...۷.در اقامه حج و ارسال حاجیان و...ابن فراء،فروع مختلف روابط امراء و و الیان و وزیر تفویض و خلیفه را ذکر کرده است. (۱)

۲-امارت استیلاء

که از سر ضرورت و اجبار و سیاست منعقد می شود شخص مستولی باید از هفت جهت مقید به قوانین شرع باشد:۱.اعتقاد و محافظت از امامت و خلافت در تدبیر امور مردم؛۲.اظهار اطاعت واقعی از خلیفه؛۳.تلاش برای وحدت و همگرایی اسلامی؛ ۴.اجرای ولایات دینی و قضایی؛۵.انجام امور مالی بنا بر شرع؛۶.اجرای حدود بر اساس شرع؛۷.حافظ دین و امر به معروف و ناهی از منکر باشد.

امارت خاصه در جهاد در جبایت خراج در صلاه نیز دارای شرایطی است.ابن الفراء جزئیات امارت جهاد را در مورد امیرالجیوش آورده است. (۲)در موارد بسیاری،به ویژه در عصر فتوحات نظامی،والیان یا عمّال از سرداران نظامی بودند.مهم ترین امارت های استکفا و استیلا در عصر عباسی،امارت سامانیان،طاهریان و صفاریان در ایران و اغالبه در افریقیه است.مکتفی پرچم امارت احمدبن اسماعیل را به سال ۲۹۵هفرستاد. (۳)سامانیان هیچ خرابی برای عباسیان نمی فرستادند و فقط نام آنها را در خطبه می آوردند و سکه به نامشان ضرب کردند و پاسدار قلمرو

۱- (۱) .ابن الفراء،۳۵-۳۷.

۲- (۲) .ابن الفراء،۳۹-۵۹.

۳- (۳) .طبری،ج۵،ص۶۶۹.

شرقی خلافت آنها بودند (۱)و امارت آن امارت استیلا بود.عباسیان در بخش غربی امپراتوری خود امارت را به اغالبه دادند و از آنها خراج دریافت می کردند.امارت زیریان ابتدا از فاطمیان و سپس از سوی خلافت عباسی بود.فاطمیان امارت در سیسیل را به امرای کلبی از بربرهای قبیله کتامه دادند.آنها در سیسیل«سازمان جماعه»را تأسیس کردند که زیر نظر و الی و امیر صقلیه،آن جا را اداره می کرد.کلبیان ۹۵ سال به عنوان امرای وابسته به خلافت فاطمی در سیسیل خطبه به نام فاطمیان خواندند و سکه به نام آنها ضرب کردند.نظام اداری اغالبه شکل ساده نظام دیوان ها و امارات خلافت عباسی بود.در عهد مرابطین نظام از نایبان امیر مرابطی و مجموعه ای از ولاه که از قبیله لمتونه بودند،در دایره ای به هم پیوسته از رؤسای قبایل و اشراف که مصالح قبیلگی و اشراف و عموم مردم و دولت را تأمین می کرد،قلمرو این دولت را اداره می کردند.از این نظام امارت با عنوان سیستم اقطاعی غیر متمرکز یاد کرده اند. (۲)نایب های امیرالمسلمین در مغرب و اندلس مستقر بودند و به طور مستقل کار می کردند و قضاه و و الیان تحت امر او بودند.

در عهد موحدین اداره شهر با و الیانی بود که از خانواده موحدین بودند و اداره امور شهرها به عهد ابناء و شیوخ موحدین بود.آنها امپراتوری خود را به شش منطقه فاس،سجلماسه،سوس،تلمسان،صحرا،طنجه و سبته در مغرب تقسیم و در اندلس تقسیمات عهد مرابطین را حفظ کردند.والیان شهرها،شیخ و سید نامیده می شدند.سیستم ولایت در عهد عثمانی بر عهد نایب سلطان در مرکز هر ولایت بود.ولایات عثمانی به ۳۲ ولایت یا باشویات تقسیم شده بود.نایب و الی که پاشا نام داشت،رئیس تشکیلات اداری و امور قضایی و عدالت و امنیت

۱- (۱) .هروی،۲۲۰؛ C.f.von Grunebam p.l.o۸.

۲- (۲) .محمود،ص ۳۵۰.

و قیمت گزاری و اقطاعات بود و گروهی کارمند و رئیس دفتر(کدخدا)و مسئول دیوان(مکتوب چی)و اسلحه دار و خزانه دار در اختیار داشت. (۱)در عصر صفوی نظام امارت توسعه یافت و اصطلاح مملکت ایران و مفهوم دولت در اصطلاح صحیح خود به کار رفت و سازمان تشکیلاتی ایران صفوی بر طبق اصطلاح«خط قرمز کهن»بارتولد،یعنی تقسیم هبه ارگان های دولتی به دو طبقه درگاه و دیوان هم افقی و هم عمودی بود.امرا و رؤسای قبایل و الیان نظامی ایالات امپراتوری صفوی بودند.در عهد شاه عباس اول،به ویژه در نظام ایالات،تحول ایجاد شد؛زیرا و الیان که از امرای قزلباش بودند،بیشتر درآمد را فقط در محل خرج می کردند و به دولت مرکزی نمی دادند.نظام ایالات که نمونه کوچک دولت مرکزی بود و صفویان با اصلاحاتی در انتصاب وزرا و صدور تشکیلات ایالتی از روش های ایرانی عصر تیموری و قراقویونلو و آق قویونلو استفاده کردند. (۲)نوزده ایالت عصر صفوی در عصر شاه طهماسب(۹۳۰-۹۸۴)و شاه اسماعیل دوم(۹۸۵-۹۸۴) شامل ۱. شیروان ۲.قراباغ ۳.چخور سعد ۴.آذربایجان ۵.دیاربکر ۶.ارزنجان ۷.قلمرو علی شکر ۸.عراق عجم ۹.کرمانشاه و کلهر ۱۰.عراق عرب ۱۱.فارس ۱۲.کوه کیلویه ۱۳.کرمان ۱۴.قندهار ۱۵.بلخ ۱۶.مرو ۱۷.مشهد ۱۸.هرات ۱۹.استرآباد بود.پس از فروپاشی صفویان پادشاهان بیکاره روی کار آمدند (۳)و دولت های ملوک الطوایفی،از قدرت های محلی و خوانین شکل گرفت و سیستم امارت از بین رفت.

۱- (۱) .احمد یاغی،ص۷۵.

۲- (۲) .کمبریج،ص۱۷۶و۱۷۷و۱۷۸.

۳- (۳) .باسورث،ص ۵۳۰.

خلاصه فصل،نتایج و منابع بیشتر برای مطالعه

توسعه نهاد وزارت در تشکیلات اسلامی،استمرار همان وزارت ایرانی است.این امر سبب پیدایش ادبیات و تاریخ نگاری خاص وزارت در تمدن اسلامی؛به طوری که«ادب الوزرا»به وجود آمد و آثار متعددی با عنوان«تاریخ الوزرا»نوشته شد.در عصر عباسی به دلیل وجود عناصر ایرانی،وزارت شکل واقعی و جایگاه اداری خود را به دست آورد؛به ویژه در عصر مقتدر بالله که به گفته محققان در طی ۲۴ سال حکومت او چهارده وزارت تشکیل شد.همه این وزیران در امور اداری ورزیده بوده و پیش از آن،کارشناسان خبره مالی بودند.در این دوران کار دخالت در عملیات نظامی با وزیران بود و بر سران سپاه نظارت داشتند و با سفیران خارجی گفت وگو می کردند؛اعتقادات وزرای دربار خلافت عباسی متفاوت بود و با هر اعتقادی برای استوار کردن پایه های خلافت می کوشیدند.

سرانجام قدرت وزارت در خلافت عباسی شکسته شد و دوره امیرالامرایی فرا رسید.در این دوران،وزیران در فاصله های کوتاه و پیاپی سقوط می کردند و خلافت با از دست دادن ابزار وزارت،اولین گام را در سراشیبی انحطاط گذاشت و قدرت در امپراتوری عباسی پراکنده شد.بار دیگر در عصر سلجوقی با ظهور وزرای ایرانی،وزارت که محور دیوانسالاری پیشرفته سلجوقی بود،قدرت گرفت؛اما در عصر ایلخانی قدرت وزیر کاهش پیدا کرد.در خلافت عثمانی،وزیر اول یا صدراعظم،اهمیت و قدرت فوق العاده ای داشت و جانشین سلطان عثمانی بود.عصر صفوی نیز مانند دوره عثمانی،دوره بازسازی و ایجاد تشکیلات نوین اداری بود که علما نقش بسیار مهمی در آن داشتند.

ص:۱۵۴

سازمان اداری و دیوان ها

۱-دیوان در تشکیلات عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و راشدین

چنان که گذشت،براساس منابع تاریخی و دیدگاه بیشتر محققان اصل واژه«دیوان»فارسی است.خزاعی تلمسانی و کتّانی به اصالت ایرانی بودن این واژه تصریح کرده اند. (۱)تاریخ تأسیس دیوان نیز به اشاره«هرمزان»از کارگزاران بلندپایه ایرانی که در اسارت مسلمانان بود،باز می گردد (۲)واژه دیوان در زبان فارسی به معنای«دفتر»است و به طور مجاز،بر مکانی که دفاتر در آن نگه داری می شد اطلاق شده است.ماوردی و ابن الفراء دو وجه تسمیه دیوان را آورده اند. (۳)عرب،اصطلاح اداری دیوان را پس از توسعه قدرت عربی،برای سامان دادن به امور خلافت و امپراتوری اسلامی-با توجه به نیازهای روز افزون اداری-توسعه داد.در تعریف کلاسیک،دیوان برای حفظ حقوق مالی و اداری و اجرایی و نظامی و

۱- (۱) .تلمسانی،ص۲۳۹.

۲- (۲) .طبری،ج۲،ص۳۹۷،۵۲۱؛ماوردی،ص۱۹۰،ابن طقطقی،ص۱۱۳؛قلقشندی،صبح الاعشی،ج۱۳،ص۱۰۶؛محمدی،پیوست ها،ص۴۵۰.

۳- (۳) .ماوردی،ص۲۴۹؛ابن الفرا،ص۲۳۷.

سیاسی سلطنت تأسیس شده است. (۱)به طور طبیعی،نخستین دیوان برای تنظیم امور سیاسی،اقتصادی و اجتماعی عموم مردم که افرادی نظامی بودند و فتوح اسلامی را به عهده داشتند،به وجود آمد و سپس دیوان هایی در سراسر امپراتوری اسلامی ایجاد شد؛در هر ولایت و منطقه با توجه به مقتضیات محلی،زبان،فرهنگ،آداب و رسوم آن و جهت تنظیم امور مردم بومی،سه دیوان جند،رسائل و خراج تأسیس شد.در عین حال واژه«دیوان المدینه»در عصر راشدین به طور مطلق و بدون توجه به نوع آن آمده است. (۲)دیوان مدینه را چند کاتب و متخصص در انساب عرب(نسّابه)اداره می کردند.همین دیوان ها در مراکز کوفه،بصره،فسطاط و دمشق (۳)در کنار دیگر دیوان های بومی ایرانی و بیزانسی (۴)به اداره امور مالی و نظامی می پرداختند که بعضی از آنها-مانند دیوان قم-تا نیمه قرن سوم-چنان که خواهد آمد-شکل ایرانی خود را حفظ کردند.این شیوه عملکرد دیوان خراج تا پایان عصر اموی مرسوم بود. (۵)

این دیوان ها بسیار ساده و محدود بودند و سپس با تفاوت شرایط،گسترده و پیچیده شدند.در بررسی دیوان ها باید بین دیوان های مرکزی و محلی در مناطق مختلف تفاوت قایل شد؛دیوان های مرکزی را مسلمانان تأسیس کردند و در پایتخت مستقر بود،اما دیوان های محلی استمرار دیوان های پیشین بود که

۱- (۱) .ابن الفراء،ج۲،ص۳۶.

۲- (۲) .ابن مسکویه،ج۱،ص۴۵۳.

۳- (۳) .جهشیاری،ص۲۳.

۴- (۴) .جهشیاری،ص۳۸.

۵- (۵) .ابوعبید،ص ۵۲۰،۵۶۹؛بلاذری،ص۴۵،۴۵۷،۴۵۹؛مقریزی،ج۱،ص ۱۵۰؛ابن مسکویه،ج۱،ص ۸۶؛طبری،ج۲،ص ۶۰؛مسعودی،ج۲،ص ۵۸۸؛ابویوسف،ص۲۷.

مسلمانان آنها را به همان شکل حفظ کردند.بنابراین زبان اداری در دیوان های محلی،عربی نبود؛بلکه در عراق و فارس به زبان پهلوی و در بلاد شام به زبان یونانی و در مصر به زبان قبطی بود.

دیوان در دولت های حیره و دولت های جنوبی جزیره العرب و دولت غسانی به مدّت طولانی وجود داشت.دولت حیره دیوانی مخصوص امور عرب به نام«دیوان العرب»داشت و ازاین رو عرب به خوبی با دیوان آشنا بود.در الفاظ پیامبر صلی الله علیه و آله نیز دیوان به مفهوم اداری آن به کار رفته است و توجه به دیوان بخشی از شخصیت اداری پیامبر صلی الله علیه و آله است.رسول خدا صلی الله علیه و آله اولین کسی بود که با دعوت از چند کاتب نخستین اقدامات اداری را انجام داده است.در حدیثی از پیامبر آمده است:«إن لله حّراسا فحراسه فی السماء الملائکه وحراسه فی الأرض الذین یأخذون الدیوان». (۱)در عصر راشدین-چنان که گذشت-بنا به مشهور منابع تاریخی،دیوان به معنای جایی است که تمام جمع و خرج مملکت در آن جمع شده و هیچ چیز از آن خارج نیست.این دیوان به راهنمایی هرمزان تأسیس شد. (۲)به عقیده محققان این حادثه باید بعد از سال ۱۵ هجری روی داده باشد. (۳)

۲-دیوان در عصر اموی

اشاره

با روی کار آمدن اموی ها،تقسیم کار بیشتری صورت گرفت و خواسته ها و نیازهای دولت پیچیده تر شد و توسعه پیدا کرد که این امر موجب تغییر و تحولات بسیاری در دیوان ها گردید.دوره اموری دوره ای طولانی از قدرت عربی

۱- (۱) .علی،ج۴،ص۲۷۳.

۲- (۲) .ابن طقطقی،ص۱۲۰.

۳- (۳) .محمدی،پیوست ها،ص۲۵۱.

-اسلامی است؛ازاین رو امور اداری در آن بسیار توسعه یافت.توسعه دیوان در عصر اموی از جهت افزایش تعداد دیوان ها و نیز از جهت کیفی و محدوده و قدرت عمل دیوان صورت گرفت.بیان قوانین داخلی دیوان ها یکی از موارد توسعه کیفی است.در این نوشته،مهم ترین دیوان های عصر اموی را که در منابع از آنها یاد شده است،به ترتیب ذکر می کنیم:

الف)دیوان خراج

«دیوان خراج دمشق»از مهم ترین دیوان های دولت و دیوان مرکزی آن بود که به طور مطلق به آن الدیوان می گفتند و مسؤلیت سازمان خراج و جمع آوری اموال را به عهده داشت.کاتب اول آن در اوایل حکومت امویان،«سرجون بن منصور رومی»مولی معایه (۱)بود؛زیرا زبان این دیوان پیش از تعریب در بلاد شام،یونانی و در سایر بلاد-چنان که گذشت-به زبان بومی بود.کاتب دیوان خراج در حمص،«ابن اوثال مسیحی»بود. (۲)

ب)دیوان جند

شکل ساده این دیوان در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله تأسیس شد؛ایشان فرمود:نام هرکس که اسلام بر زبان می آورد برای من بنویسید. (۳)در عصر خلیفه اول و دوم تغییراتی به آن اضافه شد و در این دفاتر،اسامی مبارزان و اوصاف آنها و نسبت و میزان حقوق آنها به شکل دقیق تری ثبت شد. (۴)

۱- (۱) .طبری،ج۳،ص۲۷۵،۲۸۰.

۲- (۲) .جهشیاری،ص۲۷.

۳- (۳) .کتانی،ص۱۰۸.

۴- (۴) .صبحی صالح،ص۳۱۵.

در عصر اموی،وظایف دیوان جند توسعه پیدا کرد و چند دیوان جند در شهرهای دیگر نیز تأسیس شد.از مشهورترین کاتبان دیوان جند می توان به«عبدالملک بن مروان»در مدینه-در عهد معاویه-و«عمروبن سعید بن عاص»مسئول دیوان جند اشاره کرد. (۱)وظایف دیوان جند در عهد اموی،از ثبت اسامی مقاتلان و میزان عطای آنها فراتر رفت و به فراخوان آنها برای جنگ،تهیه سلاح،حذف متخلفین،ثبت نام شهیدان،عمر مبارزان،ثبت نام و شکل چهره و قد و علامات مشخص مبارزان رسید و شرایطی برای تعیین عریف مانند قرائت قرآن،آشنایی کامل به زبان عربی،آشنایی با شعر،تسلط بر حساب و فرائض و آشنایی با مغازی پیامبر صلی الله علیه و آله وضع گردید. (۲)عرض سپاه،بخشی از کارهای دیوان جند در عهد اموی بود که از این دیوان با عنوان«دیوان حرب»یاد شده است.در هر شهر،والی،شخصی را به عنوان عامل حرب و شخصی را به عنوان عامل خراج و شخصی را به عنوان شرطه و...نصب می کرد.قتیبه بن مسلم،والی اموی خراسان،در سال ۸۶هجری از سپاه سان دید و«ایاس بن عمرو»را عامل حرب و رئیس دیوان جند خود قرار داد (۳)رئیس دیوان جند مصر نیز در عهد اموی،«قره بن شریک»بود. (۴)

ج)دیوان خاتم

حجم بسیار بالای مکاتبات حوزه خلافت اموی حاکی از توسعه کمی این دیوان در عهد اموی است؛این دیوان در اوایل عهد اموی به بیشترین میزان فعالیت خود رسید.در گزارش های تاریخی آمده است که سفیر معاویه نامه او را

۱- (۱) .طبری،ج۲،ص ۴۲۸،۱۷۲.

۲- (۲) .ابن عساکر،ج۷،ص ۱۴۹.

۳- (۳) .طبری،ج۳،ص ۶۷۰.

۴- (۴) .کندی،ص ۸۶.

جعل کرد،او نامه را باز کرد و مبلغ صد هزار درهم، (۱)را به دویست هزار درهم تغییر داد؛ازاین رو نظارت و جلوگیری از جعل را انگیزه تأسیس دیوان مهر و خاتم دانسته اند.در این دیوان نسخه ای از نامه ها و اوامر اداری و نظامی خلیفه را-پس از آن که نسخه اصلی نامه با شمع سرخ مهر می شد-نگه داری می کردند که کاری شبیه بایگانی بود. (۲)طین سرخ و شمع نزد عرب پیش از اسلام به تقلید از ساسانیان شناخته شده بود؛ (۳)مهر کنایه از وزارت بود. (۴)

د)دیوان رسائل

بیشترین توسعه کمی و کیفی عهد اموی در حوزه دیوان ها،در زمینه«دیوان انشاء»صورت گرفت که از شکل اولیه خود به سازمانی بزرگ رسید.معروف است که پیامبر صلی الله علیه و آله افرادی را به عنوان کاتب اسناد دولتی استخدام کرد و این سنت در عهد راشدین ادامه پیدا کرد؛آنها نیز تعدادی از اصحاب را برای ثبت کارهای مختلف دولت استخدام کرده بودند.در زمان امویان دیوان منظمی برای ثبت رسائل تأسیس شد که در حقیقت یک اداره دولتی برای انجام مکاتبات رسمی خلیفه بود.این دیوان نامه های خلیفه به و الیان و کارگزاران و نامه های سیاسی و خارجی او را می نوشت و نظارت می کرد و از آن به«دیوان المکاتبات»یاد شده است.نخستین دیوان رسائل را به عهد عبدالملک بن مروان(م۸۶ه)رسانده اند.نسخه هایی از نامه های دیوان رسایل در منابع ادبی حفظ شده است. (۵)

ص:۱۶۰

۱- (۱) .جهشیاری،ص۲۵؛طبری،ج۳،ص ۲۳۰؛ابن طقطقی،ص۱۰۲.

۲- (۲) .صبحی صالح،ص۳۱۵.

۳- (۳) .علی،ج۵،ص ۲۹۰.

۴- (۴) .ابراهیم حسن،ج۲،ص۴۶۵.

۵- (۵) .جهشیاری،ص۳۵.

در ابتدا نامه ها به صورت ساده و دقیق و کوتاه بود،اما در عصر ولید(م۹۶ه)به شکل طوامیر(نوشته های بلند و طولانی)در آمد. (۱)در عهد خلیفه مروان دوم،«عبدالحمید بن یحیی»کاتب خلیفه و مسئول کاتبان او شد و قواعد مکاتبات را؛ (۲)بر مبنای رسائل پهلوی تدوین کرد. (۳)دیوان رسائل عهد عباسی نیز شیوه عبدالحمید کاتب را در نگارش نامه های اداری ادامه داد؛ازاین رو این جمله مشهور شد که کتابت با عبدالحمید آغاز شد و با عبدالحمید پایان یافت. (۴)بنابراین دیوان رسائل در عهد خلیفه عبدالملك بن مروان تکامل و توسعه یافت و ازاین رو،جهشیاری در کتاب الوزرا و الکتاب از آن،به عنوان تنها دیوان در عهد عبدالملك یاد کرده است.

ه)دیوان برید

نظام برید،شکل توسعه یافته تشکیلات برید ایرانی است که از قرن ها پیش از ظهور اسلام در منطقه عربی شناخته شده بود.دیوان برید در ابتدا فقط مخصوص رفع نیازهای دولت بود.صاحب برید یا گروهی کارمند و عامل و کاتب مسئول این دیوان بودند. (۵)و هدف رسمی از تأسیس و توسعه این دیوان انجام امور اداری دولت بود ولی مردم مدت ها بعد،از دیوان برید برای ارسال نامه های خود استفاده کردند. (۶)

وظیفه اصلی و ابتدایی دیوان برید،نقل اخبار پایتخت و اقالیم بود؛این دیوان نیازمندی های دولت را انتقال می داد و بر راه ها نظارت می کرد و نقشه های مناسب

ص:۱۶۱

۱- (۱) .المعاضیدی،ص ۸۴۰.

۲- (۲) .ابن خلدون،ص ۴۳۹.

۳- (۳) .محمدی،پیوست ها،ص ۲۳۸،۱۶۴؛ابوهلال عسگری،الصناعتین،ص ۵۱.

۴- (۴) .جهشیاری،ص ۲۵؛طبری،ج ۳،ص ۷۳؛ابن طباطبا،ص ۱۰۲.

۵- (۵) .قلقشندی؛صبح الاعشی،ج ۴،ص ۲۸۰.

۶- (۶) .المعاضیدی،ص ۸۵؛جاحظ،البغال،ص ۶۲،۷۰؛اصفهانی،ج ۶،ص ۱۰۵.

اقالیم را ترسیم و ارایه می نمود.راه های اصلی به مراحل و منازلی[سکه]تقسیم شده بود (۱)که در هر منزل اسب های تازه نفس نگه داری می شد؛البته در جزیره و شام به جای اسب از شتر نیز استفاده می شد و بدین سان به طور متناوب نامه های دولتی در مسافت بین منازل که ۱۲میل بود حمل می شد. (۲)در عصر اموی ارابه برید برای انتقال سریع نیروهای نظامی به کار گرفته شد. (۳)

مهم ترین تکامل در عرصه مسئولیت منصب صاحب برید در عصر اموی این بود که دیوان مستقلی در دولت اموی برای برید تأسیس شد.مسئول این دیوان«صاحب البرید»وزیر اطلاعات خلیفه در همه اقالیم شد و اخبار و حوادث مهم اقالیم را دریافت می نمود؛ازاین رو امویان در این زمینه موفقیت چشمگیری حاصل کردند و شبکه جاسوسی آنها در حوادث عصر اول اموی نقش به سزایی ایفا نمود؛به طوری که معاویه،خلیفه اول اموی(۴۱-۶۰ه)علت برتری سیاسی خود را دارا بودن سازمان خبر و جاسوسان دانسته است.این سیاست اتکا بر سازمان جاسوسی،تا پایان دولت امویان رو به توسعه بوده است و در منابع قدیم از جمله در کتاب الغارات و سایر منابع بدان اشاره شده است.بخش اعظم غارات معاویه علیه حضرت علی علیه السلام مبتنی بر رصد دقیق و دائم معاویه از اوضاع عراق به ویژه مراقبت دقیق از حضرت علی علیه السلام،امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و مردم آن جا بوده است (۴)از اهداف اصلی نظام جاسوسی معاویه،کنترل تحرکات بنی هاشم بود و برخی از منابع جدید سه گرایش عمده برای نظام اطلاعات

۱- (۱) .خوارزمی،ص۶۴.

۲- (۲) .قلقشندی،ج۱۴،ص۳۶۶.

۳- (۳) .خلیفه بن خیاط،ج۲،ص۳۵۶.

۴- (۴) .بیهقی،المحاسن و المساوی،ص۳۷۶؛جاحظ،المحاسن والاضداد،ص۲۶.

معاویه در نظر گرفته اند که کنترل امر هاشمیان و خاندان حضرت علی علیه السلام در رأس آن است:۱.الشأن الهاشمی ۲.الشأن الاموی ۳.احوال الدوله العامه. (۱)رسیدگی به امنیت داخلی و اوضاع جاری در درجه پایین تری از مسئله نزاع قدرت هاشمی و اموی قرار دارد.والی مدینه اخبار امام حسن علیه السلام را هر روز به معاویه می رساند و در نامه به امام حسین علیه السلام نوشت:بنا بر اخباری که در مورد شما به من رسیده،او قصد داشت با بردن امام به شام،او را تحت مراقبت دایم قرار دهد.از جمله اقدامات امنیتی او این بود که به عمّال خود دستور داد جلسات کاری خود را در خانه ها برگزار نکنند و محل آن را فقط در مساجد قرار دهند.کنترل تحرکات مسلم بن عقیل در کوفه از دیگر عملکردهای جاسوسی امویان است.همچنین در منابع،بر اقدامات گسترده عبدالملك بن مروان در کسب خبر از طریق صاحب البرید و از طریق حضور خلیفه بین مردم تأکید شده است؛عبدالملك مجلس خاصی به نام«قصص»ترتیب داد که دو روز در هفته تشکیل می شد و در این جلسه عمومی اقشار مختلف مردم و رجال دولتی اخبار را به او عرضه می داشتند؛ (۲)«قبیصه بن ذؤیب»صاحب برید عبدالملك،در هر زمان و موقعیت حق حضور نزد خلیفه را داشت؛تا آن جا که صاحب برید بدون اجازه حاجب حق ملاقات با خلیفه را داشت. (۳)مشرف و ناظر دیوان برید در پایتخت اموی دمشق مستقر بود و نایبان و جاسوسانی بسیار در بلاد مختلف داشت که اخبار را برای او می آوردند. (۴)از جمله اقدامات مهم امویان که حاکی از

۱- (۱) .النابوده،۱۰۵.

۲- (۲) .ابن جوزی،ج۶،ص۱۲۸.

۳- (۳) .قلقشندی،ج۱۴،ص۳۶۸.

۴- (۴) .قدامه بن جعفر،ص۷۸.

توسعه کیفی دیوان برید است،تنظیم راه های برید با نصب علایم و حتی آجر چینی در راه فلسطین و استفاده از آتش و مناره در راه قزوین تا واسط بود. (۱)

و)دیوان نفقات اموی

عملکرد«دیوان هزینه ها»در عصر اموی حاکی از توسعه کمی و کیفی دیوان است؛زیرا هزینه ها در امور مختلف دسته بندی و ثبت می شد (۲)این دیوان رابطه تنگاتنگ با دیوان جند داشت.در دیوان جند،مجلس(دیوان)نفقات به هزینه های جنگی رسیدگی می کرد-چنان که می آید-و ارتباط با بیت المال داشت. (۳)وظیفه دیوان نفقات در زمان خلیفه سلیمان بن عبدالملک،بررسی هزینه های لازم برای سپاه و تشکیلات اداری و خدمات عمومی بود (۴)که بیشترین هزینه امویان برای جنگ صرف می شد. (۵)از دیگر هزینه های بزرگ امویان،صرف اموال بیت المال در راه اغراض سیاسی بود؛دراین باره گزارش های متعددی از خریدن بردگان قبایل و سرداران حضرت امام حسن علیه السلام به وسیله معاویه وجود دارد. (۶)

ز)دیوان صدقه عهد اموی

نخستین بار در عصر اموی و در حوادث خلافت هشام بن عبدالملک(۱۰۵-۱۲۵ه)به این دیوان اشاره شده است. (۷)شرایط متولی این دیوان،امانت،عفاف،صلاح،

۱- (۱) .یاقوت،ج۵،ص ۳۵۱.

۲- (۲) .جهشیاری،ص ۳.

۳- (۳) .همان،ص ۴۹.

۴- (۴) .جهشیاری،ص ۳۵.

۵- (۵) .ابو یوسف،ص ۱۸.

۶- (۶) .ثقفی،الغارات،صفحات متعدد.

۷- (۷) .جهشیاری،ص ۶۰.

دین داری و تقوا است.در منابع اسلامی مربوط به امور مالی حجم انبوهی از جزئیات این مالیات آمده است. (۱)کار این دیوان جمع مالیات شرعی زکات و عشور بوده است.

ح)دیوان مستغلات

این دیوان بر اداره اموال غیرمنقول دولت از اراضی،ساختمان ها،قهوه خانه ها،هتل ها و املاک نظارت می نمود.از این دیوان نخستین بار در خلافت ولیدبن عبدالملک(۸۶-۸۹ه)یاد شده است. (۲)

ط)دیوان طراز عهد اموی

مهم ترین وظیفه«دیوان طراز»اشراف بر کارخانه های بافت لباس های رسمی و اداری (۳)و نیز نظارت بر علامات و اعلام و پرچم و شعار رسمی دولت در جنگ و سفارت بود.جهشیاری برای نخستین بار،در عهد هشام بن عبدالملک(۱۰۵-۱۲۵ه)-هنگامی که کاتب دیوان طراز را تعیین کرد-سخن به میان آورده است؛به گفته او نام خلیفه در روی طراز با عنوان«الهاشمیه»نوشته می شد. (۴)عمده ترین کار اداری عصر اموی و بیشترین توسعه کمی و کیفی این دیوان،شکل گیری طراز با عبارات عربی به جای عبارت ایرانی و رومی و قبطی است؛به طوری که طراز در عصر اموی کاملاً عربی شد و علائم عربی و اسلامی«لا إله إلا الله محمد رسول الله»روی وسایل اداری ثبت شد.داستان برخورد خشمگین امپراتور روم از تغییر طراز از رومی به عربی در منابع بیان شده است. (۵)

ص:۱۶۵

۱- (۱) .ثقفی،الاموال،ص ۴۰۱؛قدامه،ص ۸۰.

۲- (۲) .جهشیاری،ص ۴۷.

۳- (۳) .صابی،ص ۱۴۱.

۴- (۴) .جهشیاری،ص ۶۰.

۵- (۵) .مقریزی،ص ۱۱؛بیهقی،المحاسن و المساوی،ج ۲،ص ۲۹۸؛ابن خلدون،تاریخ،ج ۱،ص ۴۷۱.

۳-عملیات اداری تعریب دیوان ها در تشکیلات عصر اموی

مهم ترین اقدام اداری امویان در جهت توسعه کمی و کیفی دیوان،تعریب دیوان طراز و خراج و سکه بود؛چراکه از جهت اداری،امویان برای تمرکز قدرت و استبداد نیاز بسیاری به تعریب داشتند.دفاتر دیوان ها در عراق به زبان فارسی و در شام به زبان یونانی و در مصر به زبان قبطی و یونانی نگهداری می شد؛زیرا مسلمانان بعد از عملیات آزاد سازی یک منطقه،قادر به تغییر سریع سازمان اداری آن نبودند و به همان شکل نخستین اکتفا می کردند؛اما با توسعه مهارت مسلمانان پس از استقرار در شهرهای جدید و افزایش نیاز دولت اسلامی به عملیات اداری طراز و برتری زبان عربی-که زبان فاتحین عرب بود-عملیات تعریب ضرورت پیدا کرد.به گفته منابع،این کار به طور رسمی در عصر امویان و در زمان خلافت خلیفه عبدالملک بن مروان در عراق آغاز شد. (۱)عملیات تعریب در زمان او و پسرش ولید ادامه پیدا کرد و به تدریج دیوان های مصر و سرزمین های شرقی به ویژه خراسان در عهد ولایت نصر بن سیار نیز عربی گردید.

عملیات تعریب در حقیقت عملیات ترجمه اصطلاحات اداری یونانی و ایرانی و قبطی به زبان عربی بود.مردم این سرزمین های فتح شده به ویژه موالیانشان به آموزش زبان عربی رو آوردند در آن مهارت پیدا کردند؛بدین ترتیب زبان عربی علاوه بر این که زبان سیاست و دین بود،تبدیل به زبان اداری و فرهنگی شد؛به طوری که فراگیری زبان عربی برای هر شهر و جامعه اسلامی جهت پیشرفت در زندگی اداری و فکری و فرهنگی و نیز تأمین نیازهای روزمره،

ص:۱۶۶

۱- (۱) .یعقوبی،ج۲،ص ۲۸۱.

امری لازم و ضروری شد.البته دیوان های مرکزی از آغاز عربی بود،اما دیوان های مربوط به نقاط دور از مرکز خلافت،بومی بود؛حتی برخی از نقاط مانند قم،تا نیمه قرن سوم همچنان دیوان هایش به زبان پهلوی بومی بود. (۱)

تعریب دیوان ها از جهت اقتصادی اهمیت بسیاری داشت و تعریب شعایر روی سکه ها گام بزرگی به سوی استقلال اقتصادی خلافت عربی بود.کار تعریب از سال۷۴-۷۵ه،با تعریب نقود آغاز شد.در سال ۸۱ هجری،به طور رسمی دیوان خراج در شام،عربی شد و کارگروهی عربی عهده دار آن شدند.در سال ۸۳ هجری(۷۰۲م)دیوان خراج در عراق عربی شد؛در سال ۸۷ هجری(۷۰۵م)دیوان مصر عربی شد و در سال ۱۲۴ هجری(۷۴۱م)دیوان مشرق نیز عربی گردید.بلاذری انگیزه تعریب دیوان ها را در قالب داستان برخورد بین دبیر ایرانی حجاج«زادان فروخ بن بیری»و دستیار عرب او«صالح بن عبدالرحمن»آورده است؛زادان به صالح گفت:بدون من کار دیوان متوقف می شود و صالح در پاسخ گفت:اگر اراده کنم دیوان را به عربی برگردانم این کار را خواهم کرد و پس از مرگ زادان،دستیار او صالح کار دیوان حجاج را به دست گرفت و از برخورد خود با زادان در مورد دیوان به حجاج گفت و اراده او را بر نقل دیوان به عربی برانگیخت. (۲)جهشیاری، (۳)مواردی دلایل دیگری نیز آورده اند.مقریزی هم از کراهت اصحاب در معامله با مسکوکات دارایی علایم فارسی و رومی سخن گفته است. (۴)

۱- (۱) .تاریخ قم،ص ۳۰.

۲- (۲) .بلاذری،ص۲۹۸.

۳- (۳) .جهشیاری،ص۶۷.

۴- (۴) .مقریزی،ص۱۵.

۴–دیوان ها در تشکیلات خلافت عباسی

اشاره

در دوره طولانی حکومت عباسی،دیوان ها توسعه کمی و کیفی پیدا کرد و بغداد الگوی دیوانسالاری اسلامی شد،سامانیان،طاهریان و بسیاری از دولت های نیمه مستقل وابسته به آنها به شیوه عباسیان به اداره امور می پرداختند بنیاد تشکیلات آنها و در آغاز آن ایرانی است البته خلافت عباسی در انواع دیوان ها به ویژه دیوان رسائل و دیوان برید،از اطلاعات و اخبار محفوظ دربار امویان هم استفاده کردند؛و آن را طبق نیازها و مصالح و شرایط زمان خویش تغییر دادند.نظام اداری عباسیان،مرکز محور بود و منصب وزارت و دیوان ها تنها بر کار سایر دیوان ها نظارت داشت و دفاتر آنها را مورد بررسی قرار می داد.به عقیده محققان هر یک از این دیوان ها به منزله وزارت در عصر ما است. (۱)در رأس هر دیوان یک صدر یا رئیس و یا وزیر قرار داشت. (۲)

دوره عباسی نیز عصر توسعه کمی و کیفی دیوان ها است؛از جمله روش های جدید اداری در دیوان های عهد عباسی،تهیه نمونه مشخصی از پیمان و حکم آماده مکتوب برای و الیان بود که نیاز به درج نام و الی یا امیر معین در آن نبود.برای مثال زمانی که منصور،خلیفه اول عباسی«معن بن زاید شیبانی»را و الی یمن کرد،از زیر بالش خود حکمی را برداشت و اسم معن را در آن قرار داد و به او داد.

در دیوان های عصر عباسی از فقها نیز استفاده می شد و و الی در اداره شهر از آنها کمک می گرفت.یعقوبی به این پدیده اموی که در دوره عباسی توسعه فوق العاده یافت اشاره کرده و در پایان ذکر هر خلیفه،اسامی فقهای عصر او را آورده است. (۳)

ص:۱۶۸

۱- (۱) .ابراهیم حسن،ج۲،ص۲۳۴.

۲- (۲) .ابن فوطی،صفحات متعدد.

۳- (۳) .یعقوبی،ج۲،ص۳۱۵،۳۰۱،۲۸۲.

نظام اداری عباسیان چنان که ذکر شد ایرانی است-این سخن شهرت تاریخی دارد-به طور خاص در سنت های مربوط به دارالاماره و مراسم و تشریفات دولتی و نیز در طراز و شکل نیایش های رسمی دولتی،متأثر از تشکیلات ایرانی است.در نظام اداری عصر عباسی،حضور وزرای بزرگ ایرانی در ده ها گزارش تاریخی ثبت شده است؛ازاین رو می توان گفت که نظام دیوانی عباسی شکل توسعه یافته تشکیلات اموی است که براساس نیازها و تحولات جدید و با کمک نیروهای ایرانی ایجاد شده است.خلفای بنی عباس در مواردی،از نظام اداری و دفاتر و دیوان های اموی تعریف کرده اند و از اطلاعات و اخباری که از آنها در مورد اوضاع شهرها و بلادها و امور اداری و مالی باقی مانده بود،بهره برده اند و بسیاری از نواقص آن را برطرف ساخته اند؛به ویژه از دیوان هشام استفاده زیادی کردند و منصور هنگام مشکلات اداری از دفاتر اداری هشام کمک می گرفت.او(منصور)در مورد مروان بن محمد چنین می گفت:«خداوند بر درجات او بیفزاید که چه مقدار دقت و وسواس در مشکل غنایم و فیء به خرج داده است.»اما تحول اساسی در تشکیلات عصر عباسی به وسیله وزیر ایرانی«خالد برمکی»در تنظیم نامه ها و اسناد دولتی اداری صورت گرفت و اسناد و وثائق به جای این که به طور جداگانه ثبت شود در دفترهای پیوسته به هم و در یک جا ثبت می شد.خالد نخستین کسی است که نامه های اداری را در دفترهای واحدی جمع کرد و این به دستور خلیفه بود. (۱)با انقراض بنی امیه،شیوه دیوان که از صدر اسلام استمرار داشت،منسوخ شد و دفاتر خاصی در دیوان ها با استفاده از کاغذ تهیه شد. (۲)

منصور،شهر بغداد را پایتخت و مرکز بزرگ اداری خلافت عباسی قرار داد.او

۱- (۱) .جهشیاری،ص ۱۱۰.

۲- (۲) .مقریزی،خطط،ج ۱،ص ۲۶۳.

بغداد را به صورت شهری اداری بنا کرد که در گزارش یعقوبی اماکن مخصوص مناصب ذکر شده است پس از او روند اداری سازی شهرها استمرار یافت؛از جمله به این سخن اداری متوکل اشاره شده است که شهری برای خود ساختم که در آن مستقر شوم و دیوان های خراج،دیوان الضیاء و دیوان الزمام و دیوان الجند و الشاکریه و دیوان الموالی و الغلمان و دیوان البرید و همه دیوان ها را به این شهر منتقل کردم. (۱)این کار خلفای عباسی نمونه ای از شهرسازی و وارد کردن جهاز و تشکیلات اداری به دربار است که به وسیله سامانیان و غزنویان و برخی از دولت های اسلامی در شرق استمرار یافت و دیوان ها در اطراف کاخ سلطان یا در آن و یا در دارالاماره مستقر شدند و در غرب اسلامی منجر به بنای قصبه یا شهر اداری شد.فاطمیان نیز شهر اداری مهدیه را در کنار شهر زویله که محل زندگی مردم عادی بود،تأسیس کردند.یعقوبی و خطیب بغدادی و دیگران گزارش هایی از اقدامات اداری منصور و اخلاف او و دیوان های آنها در بغداد را ذکر کرده اند.این گزارش ها نشان می دهد که دیوان ها دارای پیشرفت کیفی بوده اند و حجم انبوهی از کار اداری را برای نظارت بر قلمرو وسیع امپراتوری اسلامی انجام می داده اند؛ (۲)به طوری که محققان،آن نظام اداری را با بهترین سازمان های اداری عصر حاضر برابر دانسته اند (۳)از جهت کمی نیز تعداد دیوان ها از نُه دیوان در عصر اموی به حدود بیش از چهل دیوان رسید که عبارتند از:

۱.دیوان ثبت اموال،۲.دیوان خزانه السلاح،۳.دیوان رسائل،۴.دیوان خراج،۵.دیوان حاکم،۶.دیوان برید ۷.دیوان نفقات،۸.دیوان احشام که برای رفع نیازهای دربار و نظارت به کارمندان آن بود،۹.دیوان الحوائج یا دیوان مظالم که

۱- (۱) .یعقوبی،ص۳۱۷.

۲- (۲) .ابن فوطی،ص۸۹.

۳- (۳) .حسن ابراهیم حسن،ج۲،ص۲۳۴.

مهم ترین وظیفه آن گرفتن شکایت ستم دیدگان و تنظیم آنها و ارائه آنها به خلیفه بود تا در آنها نظر کند و برای احقاق حقوق شاکیان اقدام کند،۱۰.دیوان صدقات که در امر زکات و توزیع آن بود،۱۱.دیوان آبیاری،۱۲.دیوان زمام،۱۳.دیوان مراقبت خراج،۱۴.دیوان بعقوبا،۱۵.دیوان موالی و غلامان،۱۶.دیوان جند،۱۷.دیوان اعمال عُمّال،۱۸.دیوان بیت المال،۱۹.دیوان ابنیه،۲۰.دیوان إربل،۲۱.دیوان الترکات،۲۲.دیوان الجوالی،۲۳.دیوان الحسبه،۲۴.دیوان الشرابی،۲۵.دیوان مفرد،۲۶.دیوان المجلس (۱)دیوان واسط،۲۸.دیوان عرض،۲۹.دیوان المواریث،۳۰.دیوان نفقات خاصه ۳۱.دیوان خاتم،۳۲.دیوان مرافق، ۳۳.دیوان الخرائط،۳۴.دیوان الفض،۳۵.دیوان البر،۳۶.دیوان الحرم،۳۷.دیوان النقد و العیار و....

چنان که گذشت،دیوان های عباسی شکل توسعه یافته دیوان های اموی بودند که چند دوره توسعه را از جمله در عهد منصور و مهدی و مقتدی تجربه کردند.ایام مهدی که دوره آرامش سیاسی بود تشکیلات اداری توسعه منظمی یافت و مراتب نظارت دولت بر سازمان اداری افزایش پیدا کرد.بنابه گزارش مصادر تشکیلات اسلامی دیوان ویژه ای برای انجام این امر تأسیس شد که اخبار متفاوتی در مورد آنها وجود دارد از جمله این که در سال ۱۶۲ هجری دیوان های ازمَه برای هر دیوان تأسیس شد، (۲)و در سال ۱۶۸هجری دیوان زمام الازمه برای هدایت دیوان های زمام شروع به کار کرد. (۳)تأسیس دیوان های زمام مرحله ای از توسعه اداری در خلافت عباسی برای ایجاد تمرکز بیشتر در نظام بوروکراسی این دولت بوده است که استمرار پیدا کرده است.تحول اساسی دیگر در عصر خلافت عباسی

۱- (۱) .ابن فوطی،ص ۶۳۶،۲۷.

۲- (۲) .ابن فوطی،ص ۳۳۴،۸۹.

۳- (۳) .جهشیاری،ص ۱۲۶،۱۶۸؛بلاذری،ص ۴۶۴.

جهت نظارت هر چه بیشتر و متمرکز بر دیوان ها تأسیس دیوان اصول در کنار دیوان«زمام الازمه»بود، (1)در عهد قاهر عباسی،دیوان اصول به وزیر«مادرائی»داده شد. (2)این دیوان موظف به بازرسی و نظارت بر نظام اداری عباسیان و نیز نظارت و اشراف بر کارکرد دیوان های مرکزی به ویژه از جهت مالی بود (3)این تحول ریشه های ایرانی داشت؛زیرا در میان دبیران دولت ساسانی،دبیری با عنوان«صاحب الزمام»وجود داشته که متصدی مهرهای پادشاه بوده است. (4)این سازمان جدید حاکی از توسعه کارکرد دیوان ها و نشانه پیچیدگی ارتباط اداری پیشرفته بین نهادهای عالی رتبه اداره مرکزی است؛ازاین رو شخصیت های بلندپایه ای چون فضل بن ربیع آن را در اختیار داشتند که در عهد هادی وزیر خاتم و ازمه بود. (5)از دیگر ابتکارات و توسعه کیفی و کمی دیوان که در عهد خلیفه معتضد عباسی(۲۷۹۲۸۹ه)روی داد،به هم پیوستن دیوان ها و تشکیل دیوان خانه بزرگ دیوان الدار(دیوان الدارالکبیر)بود. (6)پسر او علی بن معتضد مکتفی(۲۸۹ه)نیز اصلاحاتی انجام داد؛او دیوان ها را سه قسمت کرد:۱.دیوان مشرق،۲.دیوان مغرب،۳.دیوان سواد. (7)در عهد مهدی شرایط گرایش کارمندان و افراد دیوان ها و حقوق ماهیانه آنها معین شد؛او دستور داد علاوه بر جمعه،پنج شنبه را نیز برای کاتبان دیوان ها تعطیل اعلام کردند که تعطیلی دینی جهت عبادت بود.این سنت تا عهد معتصم عباسی برقرار بود تا این که تعطیلی پنج شنبه لغو شد.

۱- (1) .صولی،ص۸۷،۱۴۸.

۲- (2) .مسکویه،ج۵،ص ۳۳۱.

۳- (3) .طبری،ج۴،ص ۵۶۴.

۴- (4) .محمدی،ص ۱۰۱.

۵- (5) .مسکویه،ج۵،ص۳۰۸؛۳۸۵،ج۷،ص ۵۰۱.

۶- (6) .ابن مسکویه،ج۵،ص ۲۲۰.

۷- (7) .ابن مسکویه،ج۵،ص ۲۲۰،۳۰۰،۱۶۷،۳۸۵،۱۱۰،۵۱۰.

از دوران مقتدر عباسی به عنوان آغاز دوره ای از اصلاحات دیوانی در خلافت عباسی یاد کرده اند.مقتدر(۲۹۵۳۲۰ه)در دوره خلافت نسبتاً طولانی،ثروت زیادی برای خود و خانواده اش جمع کرد؛به طوری که چند اداره و دیوان مرکزی جهت رسیدگی به این ثروت خانوادگی تأسیس شد؛مانند دیوان الضیاع الجدّه و و الده المقتدر، (۱)دیوان الضیاع السیده، (۲)دیوان اولاد المقتدر، (۳)خزانه المقتدر، (۴)ابن مسکویه گزارش مفصلی از دیوان های مرکزی و اقدامات مقتدر در اداره مرکزی خلافت عباسی آورده است؛او می نویسد:«مقتدر مشاغل و اعمال دولتی را سازمان داد و دواوین را اصلاح و مرکب کرد.او شب و روز خود را بر سر این کار نهاد،شب ها تا به صبح با اصحاب ادارات مرکزی و دیوان ها جلسات متعدد داشت تا سرانجام امور روی تعادل دید و پایدار شد و ثباتی در کارهای اداری پدید آمد و دخل و خرج مملکت متوازن گردید». (۵)او(مقتدر)ابراهیم بن ایوب را مأمور عالی بررسی و ثبت امور مالی در کاخ خلافت نمود که همه هزینه های جاری را با همکاری صاحب بیت المال هر هفته به وسیله روزنامه ها اعلام کند،«ابالفتح فضل بن جعفر بن جنزابه»را مسئول دیوان مشرق قرار داد؛«ابابکر محمد بن جنبی»را مسئول دیوان مغرب و«اباعلی ابن مقله»را مسئول دیوان الضیاع الخاصه و المستحدثه قرار داد،و«مادرائی»را مسئول دیوان الضیاع الفراتیه قرار داد و«ابا یوسف»را مسئول دیوان الفص و الخاتم و...او حقوق بسیاری از رجال حشم و

ص:۱۷۳

۱- (۱) .ابن مسکویه،ج۵،ص۳۸۵.

۲- (۲) .همان،ج۵،ص ۲۱۱.

۳- (۳) .همان،ج۵،ص ۳۳۰.

۴- (۴) .همان،ج۵،ص۳۲۵.

۵- (۵) .ابن مسکویه،همان،ج۵،ص ۲۲۱،۲۲۰.

کارگزاران دربار را کاهش داد و در بسیاری از آنها تجدید نظر نمود.نمودار تشکیل اداری مقتدر براساس متن مسکویه،ابن طقطقی،یعقوبی،مسعودی،طبری در این اثر ترسیم شده است.در عصر عباسی دوم اسامی برخی دیوان ها تغییر کرد؛برای مثال،دیوان خراج را«دیوان مخزن»نامیدند و صاحب آن«صدرالمخزن»نامیده شد (۱)و دیوان ضیاع (۲)و نفقات را«دیوان مقاطعات»نام گذاری کردند.

چنان که ذکر شد،در عصر عباسی علاوه بر موارد توسعه کیفی،تعداد دیوان ها افزایش پیدا کرد که ذکر همه آنها در این نوشته مقدور نیست،مهم ترین دیوان های فعال عصر عباسی،ده دیوان است که به ذکر اجمالی عملکرد آنها می پردازیم:

الف)دیوان مصادرات

به دنبال مصادره سرمایه های برخی از امویان،خلیفه عباسی«سفاح»دستور به تأسیس«دیوان مصادرات»داد؛ (۳)ابوالعباس سفاح،وابسته مخصوص خود«عماره بن حمزه»را سرپرست اموال و املاک مروان خلیفه اموی قرار داد. (۴)مصادره اموال وسیله ای برای تهدید مخالفان به وسیله خلافت عباسی بود،که در ابتدا پدیده ای موقت در خلافت عباسی بود.یعقوبی در مورد افزایش مصادرات در عهد خلیفه عباسی منصور چنین می نویسد:«او می خواست با نظام اداری عباسی همه چیز جز خود را در هم بشکند و برای این کار اموال همه مردم را مصادره می کرد؛اخذ ابوجعفر اموال الناس حتی ما ترک عند أحد فضلاً. (۵)بنا به

۱- (۱) .ابن فوطی،ص ۱۱۱،۶.

۲- (۲) .ابن مسکویه،ج۴،ص ۳۱۹،۳۰۵؛ج۵،ص ۳۸۵،۷۴.

۳- (۳) .ابن مسکویه،ج۵،ص ۲۶۴،۲۲۴،۷۳.

۴- (۴) .جهشیاری،ص ۹۰.

۵- (۵) .یعقوبی،ج۲،ص ۳۷۸.

گزارش های تاریخی،منصور بسیاری از املاک و زمین های مزروعی مصادره شده را به شیوخ قبایل که از موالی امویان بودند-پس از آن که مراتب حمایت خود را از دولت جدید اعلام کردند-باز گرداند.او در وصیت به پسرش مهدی،او را به باز گرداندن اموال مصادره ای به صاحبان شرعی و قانونی آنها توصیه نموده است تا با این وسیله حکومت او آغاز دوره جدیدی از قدرت باشد و مردم بدین وسیله از حکومت او شاد شوند؛اما با این حال،مصادره خیلی زود،بخشی از مشخصات نظام اداری و دیوانی عباسی شد. (۱)گزارش های متعددی از مصادره اموال وزرا و کاتبان در این عصر وجود دارد که صورت مفصل مصادرات مقتدر را ابن مسکویه بیان کرده است. (۲)

ب)دیوان النظر فی المظالم

عصر مهدی دوره ای از توسعه دیوان مظالم است.دیوان«النظر فی المظالم»که مسئولیت آن بررسی شکایات مردم از و الیان بود،با شکل و سازمانی جدید تأسیس شد.مهدی خود در رأس این دیوان بود و با جمعی از قاضیان که متفقه در شریعت بودند و قدرت صدور حکم براساس شرع داشتند،به شکایات رسیدگی می کرد. (۳)

ج)دیوان ضیاع

در دوره هارون الرشید دیوان جدیدی به نام«دیوان ضیاع»تأسیس شد (۴)که فقط وظیفه رسیدگی به امور ضیاع و املاک خانواده عباسی را داشت.این ضیاع بسیار

۱- (۱) .اشپولر،ج۲،ص۹۷.

۲- (۲) .ابن مسکویه،ج۵،ص۳۲۴.

۳- (۳) .ابن طقطقی،ص۲۴۳.

۴- (۴) .ابن مسکویه،ج۵،ص ۷۳،۷۴،۳۸۵،۲۲۰.

وسیع و بزرگ بود و به جز عراق در شهرهای دیگر و حتی در مرزهای اسلامی نیز پراکنده بودند.اما اراضی دولتی مربوط به بیت المال به وسیله دیوان ویژه ای به نام«دیوان صوافی»اداره می شد.در این دوران از دیوان های دیگری همچون از دیوان ضیاع البّر،دیوان الضیاع الخاصه،دیوان الضیاع المستحدثه،دیوان الضیاع العامه،دیوان الضیاع العباسیه،دیوان الضیاع القرابیه دیوان الضیاع المخالفین و چند دیوان ضیاع دیگر نام برده اند. (۱)به گزارش مسعودی در مروج الذهب،تعداد خانواده عباسی در عهد مأمون سی هزار نفر بود. (۲)و بدین جهت،رسیدگی به امور مالی و مسائل مربوط به اراضی و ممالیک آنها امری مهم برای خلافت عباسی بود.

د)دیوان استخراج

«دیوان استخراج»در اواخر عباسیان تأسیس شد و هدف آن نظارت بر امور مالی و اموال مقامات دولت عباسی از وزرا و کارگزان و و الیان و رؤسای دیوان ها بود.

ه)دیوان خاصه

کار«دیوان خاصه»اداره املاک و آبادی های خلیفه بود که اموال او و اموال وارثین(امرا)پس از او را ثبت می کرد. (۳)

و)دیوان جهبذه

در عهد مأمون دیوان ویژه ای که در گذشته شعبه ای از دیوان بیت المال بود تأسیس شد و«دیوان جهبذه»نام گرفت.وظیفه این دیوان،بررسی حساب های

۱- (۱) .همان.

۲- (۲) .مسعودی،ج۲،ص ۱۲۰.

۳- (۳) .ابن مسکویه،ج۷،ص ۵۱۰؛ج۵،ص ۲۲۰.

بیت المال و نظارت بر انواع درآمدهای بیت المال و تهیه فهرستی سالیانه ویژه آنها بود. (۱)این دیوان،به کار خراج های معوقه،به ویژه بقایا در مصر و قم می پرداخت.مهم ترین حادثه دیوانی در حوزه دیوان جهبذ و خراج در قم اتفاق افتاد و آن هنگامی بود که خلیفه(هارون)در ری مستقر شد؛او در مرزهای قم باستان تجدید نظر کرد و اقلیم قم را به اندازه استان«ایرانوثارث کواذ»ساسانی توسعه داد؛زیرا این توسعه عامل اصلی آبادی و حفظ ثروت و تحصیل خراج بیشتر در آن است. (۲)

ز)دیوان موالی و غلامان

در دوره معتصم عباسی،دیوان موالی و غلامان تأسیس شد. (۳)وظیفه این دیوان به طور خاص،تنظیم موالی و خدمتکاران مشرقی بود که معتصم آنها را از ماوراءالنهر آورده بود. (۴)این دیوان در عصر متوکل توسعه پیدا کرد و دامنه مسؤلیت های آن زیاد شد.

ح)دیوان الجند الشاکریه

دیوان جند در ایام متوکل به علت کثرت سپاهیان مزدور از ترک ها و مغربی ها و سیاهان و...با تغییرات گسترده ای روبه رو شد و«دیوان الجند الشاکریه»نامیده شد.

ط)دیوان المکاتبه و دیوان رسائل(دیوان انشاء)

یکی از ارکان خلافت و دولت در تشکیلات اسلامی«دیوان انشاء»است.این

۱- (۱) .ابن مسکویه،ج۴،ص ۱۰و۱۱.

۲- (۲) .حسن قمی،ص۲۵.

۳- (۳) .ابن فوطی،ص۱۲۴.

۴- (۴) .ابن مسکویه،ص۲۴۸،۵۶؛۳۷۴.

دیوان در عصر عباسی و پس از آن گسترش فوق العاده ای یافت؛از جمله قلقشندی،انواع فنون کتابت به ویژه در ایام دولت های اسلامی در مصر تا اوایل قرن نهم هجری را ثبت نموده است.او مکاتبات دربار سلطانی و درگاه خلافت که به وسیله دیوان رسائل و انشاء و ادارات وابسته آن صورت می گرفت را در ۲۴ قسم،آورده است و برای هر یک نمونه هایی ذکر کرده است. (۱)از جمله مکاتبات در مورد تشویق به جهاد،تبریک اعیاد و نهی مردم از نزاع در دین است:«الصنف الحادی عَشَرَ الکتب فی النهی عن التنازع فی الدین...و قد یکتب السلطان إلی الرعیه بالنهی عن التفاخر بالبادیه و التنازع بالعصبیه».دیوان رسائل به وسیله صاحب رسائل و گروهی از کاتبان که در اختیار او بودند اداره می شد.وزیر بر دیوان رسائل نظارت می کرد و گروهی کاتب عالی رتبه نیز او را یاری می کردند و نسخه نهایی نامه های خلیفه را کاتبان خاصی تهیه می کردند.طبقه بندی و حفظ اسناد بر عهده دیوان های فرعی در دیوان رسائل بود که دیوان الخرائط، (۲)دیوان الفض و دیوان التصفح از جمله آنها است.دسته بندی نامه ها براساس برنامه ویژه ای صورت می گرفت و هر سه سال یک بار،نامه ها را به«خزانه بزرگ»برای طبقه بندی انتقال می دادند. (۳)

تحول اداری در بنیان اداره در عصر عباسی با تأسیس پنج اداره براساس ویژگی و مهارت کاتبان صورت گرفت و خلفا،کاتبان بلندپایه را به وزارت می گماردند؛به طوری که وزیر معتصم،کاتب او پیش از خلافت بود (۴)در عصر عباسی اول،از پنج گروه کاتب نام برده شده است.

۱- (۱) .قلقشندی،ج۸،ص ۲۳۳ تا ۳۵۷.

۲- (۲) .صابی،وزرا،ص۱۰۹.

۳- (۳) .خوارزمی،ج۵،ابن صیرافی،ص۱۰۰،۱۰۳،۱۰۸،صابی،وزرا،ص۱۰۹.

۴- (۴) .مسعودی،التنبیه،ص۳۰۸.

دیوان رسائل اهمیت بیشتری نسبت به سایر دیوان ها داشت و بر آنها مقدم بود.کاتبان رسائل،برای ورود به تشکیلات اداری در اولویت بودند و دبیری زمینه رسیدن به وزارت بود.دبیر در امور کشوری و لشکری و مالی فعالیت می کرد و در مواردی مسئولیت دیوان را به عهده داشت.پنج گروه از مهم ترین کاتبان در عصر عباسی عبارتند از:

۱.کاتب و دبیر خراج و امور مالی که می بایست آگاه به حساب و مساحت باشد؛

۲.کاتب و دبیر احکام قضایی که می بایست از امور فقهی و قوانین شریعت آگاه باشد؛

۳.کاتب مخصوص امور انتظامی که در کارهای مربوط به شهربانی،گزارش دیات و...فعالیت می کرد و می بایست از امور اجرایی،از جمله قصاص و حدود اطلاع داشته باشد؛

۴.کاتب جیش و ارتش که باید از امور نظامی و انواع حقوق و مواجب،مهمات،ساز و برگ و رتبه های نظامی و نیز حَسَب و نسب افراد آگاه باشد؛

۵.کاتب رسائل که نویسنده و دبیر حاکم و خلیفه بود و مکاتبات سلطان و حاکم را می نگاشت و می بایست بر زبان و نگارش عربی توانا و از اصول ایجاز آگاه و دارای خطی خوش باشد.

اصطلاح کاتب فقط به دیوان ها ارتباط نداشت؛زیرا خلفا و وزرا نیز کاتبانی خاص در اختیار داشتند که در اداره و تدبیر و انجام خواسته های بی شمار دولت به آنها کمک می کردند؛زیرا وزیر به تنهایی قادر به انجام همه مطالبات و دستورات سلطان نبود. (۱)اهمیت کاتب و جایگاه اداری او در دیوان ها،در

۱- (۱) .ابن فوطی،ص۶۴۴.

دولت های وابسته به خلافت عباسی،مانند امرای مرابطین نیز حفظ شد.کاتب در عهد مرابطین مسئول امور مالی در هر ناحیه و نیز مسئول دیوان انشاء بود.کاتبان،حافظ سِرّ،امرای مرابطین بودند و به وزارت می رسیدند.مرابطین وزرای خود را از میان فقهای کاتب انتخاب می کردند. (۱)

ی)دیوان برید در عصر عباسی و فاطمی(صاحب الخبر)

دیوان برید از ارکان چهارگانه خلافت عباسی است.بنیان گذاران خلافت عباسی(سفاح و منصور)کار خود را با سازمان دادن جاسوسانی کارآمد آغاز کردند؛«دعاه»عباسی دست کم سه دهه پیش از به قدرت رسیدن عباسیان،دعوت خلافت عباسی را به صورت پنهانی به مهم ترین نقاط جهان اسلام می رساندند؛اگرچه صاحب دعوه و شخص آن در این مدت پنهان بود،امّا ارتباطات ناآشکار گسترده و جلسات پنهانی بسیاری برقرار کردند و این از مشهورات تاریخ است. (۲)منصور عباسی زمانی را به مردم اختصاص داده بود تا اخبار را از زبان آنها بشنود؛او ارکان حکومت را«صاحب الخراج،صاحب الشرطه و صاحب البرید»قرار داده بود و صاحب البرید را مهم تر از سه رکن دیگر می دانست.قدرت اطلاعاتی و شبکه گسترده جاسوسانی که منصور به کار گرفت،به حدی بود که مردم شایعات عجیبی راجع به او ساخته بودند. (۳)او در مکاتبات خود از رموز استفاده می کرد.به طور معمول«صاحب الخبر»در اوقاتی خاص اخبار را برای خلیفه می آورد و

۱- (۱) .مراکشی،ص۱۷۳.

۲- (۲) .مقریزی،اتعاظ،ج۱،ص۱۴۴و۱۴۵؛مقریزی،خطط،ج۲،ص۱۲۳،۳۸۸؛ابن جوزی،ج۷،ص۳۴۷؛ابن اثیر،ج۶،ص۲۶.

۳- (۳) .ابن جوزی،ج۸،ص۴۶.

معتصم برای سرعت در رسیدن خبر،در هر ایستگاه برید،نیروهای آماده باش داشت تا خبر را به روز برای او بیاورند، (1)برخی از خلفا مانند هارون الرشید،خود با لباس مبدل بین مردم می گشتند و اخبار و اطلاعات به دست می آوردند.او سیستم گسترده ای از مأموران ویژه برای اقشار مختلف مردم تربیت نمود و حتی گروهی مسئول اخبار در مورد فرزندان او بودند.همین سیاست هارون در عصر خلفای پس از او استمرار یافت و در دوره مأمون به اوج رسید.او پادگان ها و مسالح بین خراسان تا بغداد را مرکز کسب اخبار در مورد برادرش امین قرار داد و نام این مراکز را از مسالح به«مصالح»تغییر داد. (2)جاحظ سه تن را در مهارت در مقام صاحب الخبر ستوده است؛از جمله آنها صاحب الخبر مأمون،اسحق بن ابراهیم است.

از ویژگی های استخبارات عصر عباسی کسب اخبار در مورد جزئیات زندگی مردم است.قیام ها و شورش های گسترده مردمی را به وسیله نظام گسترده کسب خرید،به وسیله عوامل بَرید کنترل و سرکوب می کردند.این امر در عصر معتصم به جایی رسید که او دیوان مخصوصی به نام«دیوان سِرّ»تأسیس کرد.توسعه دیوان برید عباسی و مقام صاحب الخبر به حدی از نظم رسید که دو تن از مهم ترین آثار ماندگار جغرافیایی و تاریخی در تمدن اسلامی به وسیله دو تن از افراد صاحب خبر یعنی ابن خردادبه،در فارس و یعقوبی براساس انبوه اسناد و اخبار دولتی دو کتاب المسالک و الممالک و البلدان را تألیف کردند.خاورشناسان از این میراث کلاسیک جغرافیا به عنوان وجه حکومتی جغرافیا یاد کرده اند. (3)در عصر فاطمی،دیوان برید و

1- (1) .ابن جوزی،ج3،ص42.

2- (2) .النابوده،ص304.

3- (3) .رزنتال؛25.

تجسس در امور مردم و اعیان و دولت ها و ثغور (۱)افزایش فوق العاده ای یافت که هزینه های هنگفتی بر دوش حکومت می نهاد.خلیفه برید خاصی با عنوان«جریده»داشت و این افراد تنها در اختیار خلیفه بودند و جدا از هر مسئولیت،به سرعت اخبار را برای او می آوردند و از جمله وظایف برید محافظت از امنیت جاده ها با همکاری شرطه بود.از ماجراهای مربوط به برید در عصر فاطمی،استخدام گسترده زنان برای کسب اطلاعات و اخبار بود؛از جمله خواهر حاکم بامرالله(سیده العزیزیه)،زنی به نام تقرب(م۴۱۵ه)را با عنوان«صاحبه الخبر»برگزید. (۲)هم زمان عباسیان نیز از زنان در کسب خبر سود می جستند.

استفاده از زنان در امر کسب اطلاعات به وسیله منصور،به ویژه در مغازه های تجار و اسواق عطرفروشی که مردم بسیاری،از جمله زنان رفت و آمد داشتند استفاده می کرد.معتز نیز گروهی از زنان را در رسته ویژه ای سامان داد و موفق شد با استفاده از آنها مخفیگاه صالح بن وصیف را بیابد و نیز در عصر مقتدر،استفاده از زنان در کسب اخبار افزایش یافت.یکی از وزرا که در لباس زنانه پنهان شده بود،دستگیر شد.واثق حتی از زنان،پیرمردان و بیماران برای کسب خبر استفاده می کرد. (۳)

مأمون نیز به روایتی ۱۷۰۰ پیرزن در اختیار داشت که اخبار مردم را برای او می آوردند. (۴)خلافت عباسی و فاطمیان حجم انبوهی از جاسوسان را به شهرهای یکدیگر ارسال می کردند،از ابن حوقل به عنوان جاسوس فاطمیان در اندلس یاد

۱- (۱) .مرزها،هر موضعی که نزدیک خاک دشمن باشد.از دیوان ثغور در بندر اسکندریه یاد کرده اند.قلشقندی،ج۳،ص ۴۹۱.

۲- (۲) .اتغاظ،ج۲،ص۲۳۵.

۳- (۳) .النابوده،ص۴۵۴.

۴- (۴) .النابوده،ص۴۵۵،ابن الفراء،صلاح الدین المنجد،المخابرات فی الدوله الاسلامیه،ص۱۹۱.

کرده اند.سرعت انتقال خبر نزد فاطمیان به حدی رسید که نامه ها در یک روز از شام و مغرب به قاهره می رسید.آنها برای نخستین بار از کبوتر نامه بر برای ارسال پیام های سری استفاده کردند. (۱)وابستگان دولت فاطمی در مغرب و افریقیه،یعنی دولت بنی زیری ارتباطات خود را از راه کبوتر نامه بر انجام می دادند.زیریان همه سنن فاطمیان در مورد دیوان برید را حفظ کردند و در هر شهر افریقیه دیوان برید و صاحب الخبر وجود داشت.صاحب الخبر سلطان بنی زیری در شهر مهدیه پایتخت سابق فاطمیان دارای اختیارات گسترده قضایی و سیاسی بود و مسئول گزارش کامل اوضاع سیاسی افریقیه و مغرب برای خلیفه فاطمی علاوه بر امر جاسوسی بوده است. (۲)سابقه پیشرفت در امر خبر و برید به عصر اغلبی دولت وابسته به خلافت عباسی در افریقیه باز می گردد.آنها از برج ها در سراسر ساحل مدیترانه غربی تا مرز مصر برای ارسال خبر استفاده می کردند.نظام برید در عهد دولت موحدین توسعه یافت و از برید ویژه،به نام رقاص استفاده می شد.در عصر حفصیان از صاحب خبر سلطان با عنوان«بطانه»یاد شده است.

دولت های کوچک نیمه مستقل وابسته در عصر عباسی،مانند سامانیان و صفاریان و دولت مرابطین در مغرب و اندلس نیز ابتکاراتی در زمینه برید داشتند؛از جمله در عصر بویهی نخستین بار ابراز هویت شخصی(مانند کارت شناسایی)هنگام ورود و خروج افراد به شهرها الزامی شد.این کار در شیراز پایتخت بویهیان در دوره عضدالدوله برای جلوگیری از ورود بیگانگان به شهر انجام می شد و مقام«صاحب الخرائط»که وظیفه تهیه نقشه راه های برید را بر عهده داشت ایجاد شد.استفاده از کبوتر نامه بر در عصر ممالیک به صورت سازمان مستقلی درآمد.

ص:۱۸۳

۱- (۱) .صالح،ج۳،ص۲۷۸.

۲- (۲) .ادریس،ج۲،ص۱۱۷.

۵-دیوان ها و اداره مرکزی سامانی،بویهی،غزنوی و فاطمی

عصر بویهی و سامانی دوران استمرار و توسعه طبیعی تشکیلات ایرانی در منطقه ایرانی است.دوره بویهی،مقطع بازگشت تقسیمات اداری عصر ساسانی به ایران است.ادارات بویهیان ترکیبی از نظام عباسی پیشین و سنت های اداری ایران بود.آنان ساختار نظام پیش از خود را پذیرفتند و در سازمان دیوانی و اداری آن تغییراتی جزئی پدید آوردند.ورود بویهیان به حوزه قدرت سیاسی در بغداد همراه با آشوب سیاسی و اداری بود؛زیرا دربار بویهی صحنه منازعه امرای ترک و دیلمی بر سر قدرت بود.این امر موجب از هم گسستن شیرازه نظام قدرتمند اداری و مالی دولت اول عباسی شد.و از خلافت تنها اسمی باقی مانده بود،تا آن جا که دامنه نفوذ خلافت عباسی تنها به عراق جنوبی،فرات و جزیره محدود شد.این عوامل موجب،کاهش درآمد بیت المال شد؛به طوری که بویهیان با زحمت توانستند هزینه های جاری دولت و حقوق سپاهیان را از راه درآمد بیت المال تهیه کنند.گویا این نیز از عوامل استفاده بویهیان از سازمان اقطاع نظامی است که به وسیله الغاء برخی از دیوان ها به ویژه دیوان های مربوط به درآمدهای دولت دارای توجیه قانونی بود؛مانند دیوان خراج بغداد که شعبه هایی در سایر اقالیم داشت و با ضعف خلافت عباسی تعطیل شد.معزالدوله اراضی سواد را به عنوان اقطاع و تیول بین سپاهیان تقسیم نمود تا بتوانند درآمد ثابتی برای تأمین حقوق نیروهای نظامی ترک و دیلم فراهم کنند.در واقع نخستین کاری که معزالدوله بویهی پس از سلطه بر بغداد انجام داد،در اختیار گرفتن زمین های سلطنتی و اراضی بدون مالک بود.او این اراضی را بین فرماندهان ارتش تقسیم کرد که این کار موجب آشفتگی اداری شد و بسیاری از دیوان ها تعطیل شد و دفاتر و اسناد آنها از بین رفت.

ص:۱۸۴

بـا همت بویهیـان،دیوان زمـام بـار دیگر آغـاز به کار نمود و اداره آن به«عمیـد جیوش»سپرده شـد. (۱)بویهیان،منصب«صاحب الـدیوان»را که در ظـاهر معـاون وزیر در نظـارت بر امور دیوان هـا و درآمـدها و امور مـالی آنها بود،حفظ کردنـد (۲)براساس برخی گزارش هـا،صاحب الـدیوان در دوره وزارت مهلبی،«ابالفرج بین فسانـج»بود که تا سال ۳۲۸ هجری در ایـن منصب قرار داشت؛امـا این منصب به تدریـج اهمیت خود را از دست داد و دایره اختیـارات آن محـدود شـد تـا این که در عصـر«بختیـاربن معزالـدوله»از بین رفت و خود وزیر نظـارت بر امور مـالی و دیوان هـا را به عهـده گرفت.همچنین تعـداد دیگری از دیوان های عصر عباسی در دوره نفوذ حکومت بویهیان تعطیل شد؛چنان که عضدالدوله،اصلاحات اندکی در برخی از دیوان ها انجام داد و دیوان جدیدی با عنوان«دیوان المراعی و فرائض الصدقات»تأسـیس کرد. (۳)او به کارگزاران بلنـدپایه خود اجازه دخالت در امور دیوان نمی داد و مانع نفوذ آنها در دیوان ها می شد؛چنان که برای خزانه دولت دیوان خاصی تأسیس کرد که ریاست آن با صاحب«دیوان خزائن»بود. (۴)

در دوره حکومت عمیدالجیوش در بغداد که به نام امیر بویهی حکومت می کرد،سازمان برخی دیوان های نظامی اصـلاح شـد و دیوان جیش به دو بخش دیوان دیالمه (۵)و دیوان ترک ها تقسیم شد. (۶)همچنین برای دیوان جیش یک

۱- (۱) .ابن مسکویه،ج۵،ص۳۰۷،۵۷،۵۰۷.

۲- (۲) .ابن مسکویه،ج۵،ص ۲۱۱؛ج۶،ص ۳۰۱.

۳- (۳) .ابن مسکویه،ج۷،ص۹۲.

۴- (۴) .ابن مسکویه،ج۷،ص۷۵،۹۳.

۵- (۵) .ابن مسکویه،ج۶،ص۱۲۶.

۶- (۶) .ابن مسکویه،ج۵،ص۶۷،۴۰۵؛ج۶،ص۲۱۵.

بازرس عمومی که مسئولیت آن را به عهده داشت،تعیین شد.

در عصر غزنوی نیز شیوه اداری ایران باستان بیش از گذشته در مناطق ایرانی به کار گرفته شد؛دیوان رسالت در حکم دبیرخانه و دفترخانه مرکزی برای سلطان بود و مانند دیگر دیوان ها،اداراتی را شامل می شد.و«ابونصر مشکان»در عهد محمود و مسعود غزنوی،ریاست دیوان رسالت را به عهده داشت. (۱)نشانه رئیس دیوان،قلمدان نقره ای بزرگ بود و عده زیادی منشی نزد او بودند که پیوسته یکی از آنها در دیوان می ماند و«دبیر نوبتی»نام داشت.

در عصر غزنوی،دیوان ها وارد کاخ سلطنتی شد،دستگاه اداری غزنوی و سلجوقی مقتبس از عصر سامانی است.درگاه تشکیلاتی غزنوی و سلجوقی دربار یا وزارت دربار بود و حاجب وزیر،مسئولیت دربار را به عهده داشت.در رأس تشکیلات دربار،وزیر دربار قرار داشت که متصدی سه دیوان،استیفاء،عرض و رسالت بود که در دربار مرکزی فعالیت می کردند.منهیان و اسکُداران (۲)در شبکه ارتباطی وسیع که شبکه برید ایرانی بود،گزارش هایی از سراسر امپراتوری غزنوی به دیوان رسالت می رساندند.نظام الملک در خصوص حقوق و مشاهره در حد کفاف منهیان و مشرفان و اسکداران تأکید کرده است تا بدین وسیله اخبار را روزانه انتقال دهند. (۳)مشرف،صاحب خبر یا صاحب برید،مسئول مراقبت از امور

ص:۱۸۶

۱- (۱) .باسورث،ص۸۸.

۲- (۲) .خوارزمی،ص۶۵؛اَسکُدار؛اسگذار؛برید و پیکی که منزل به منزل فرود آید و اسب خود را عوض کند؛کیسه حاوی نامه های پیک،ر.ک:معین،ج۱،ص۲۷۲؛به روایت خوارزمی اسکدار فهرستی است اسامی صاحبان نامه و تعداد خریطه ها(بسته های نامه)و نامه های صادره و وارده ثبت می شد.واژه فارسی اسکدار(از کودازی)یعنی از کجا داری؟را به عربی،برید خوانند؛خوارزمی،ص۶۶،۷۷.

۳- (۳) .نظام الملک،ص۱۰۰.

داخلی بود؛در عهد مسعود،شغل مشرف خزانه،فعالیت بسیاری داشت.

از ویژگی های دولت سامانیان تأسیس و احیاء و استمرار تشکیلات ایرانی در ماوراءالنهر است.نرشخی،نویسنده تاریخ بخارا گزارشی تاریخی از دیوان ها و دستگاه دولت سامانی ارائه کرده است.این نوشته بیانگر هسته اصلی تدوین اصطلاحات دیوانی می باشد که به وسیله خوارزمی در مفاتیح العلوم گردیده است.سامانیان(۲۷۹-۳۸۹ه)نمونه ای از دیوان سالاری بغداد در اوج شکوفایی را در بخارا تأسیس کردند.مملکت سامانی به وسیله جماعتی که با شایسته سالاری به وزارت دیوان می رسیدند،اداره می شد؛ (۱)نرشخی از ۹ دیوان در سرای سلطان خبر داده است:«در سرای سلطان چون دیوان وزیر و دیوان مستوفی و دیوان صاحب شرط و دیوان صاحب برید و دیوان شرف و دیوان مملکه خاص و دیوان محتسب و دیوان اوقاف و دیوان قضا بدین ترتیب دیوان ها فرمود بنا نهادند...»، (۲)وجه اهمیت دیوان های سامانی در کارکرد مثبت آنها در مهار بحران های مختلف بوده است. (۳)سامانیان گروه زیادی از کاتبان ادیب و شاعر و عالم را در اختیار داشتند و آنها را به تدریج به مقام وزارت و سپهسالاری امیرالجیش منصوب می کردند.ثعالبی در برخی از گزارش هایش،از این افراد نام برده است و شایستگی های این افراد را در عهد سامانی و غزنوی برای وزارت مقایسه کرده است. (۴)او در مورد«ابومنصور احمد بن محمد البغوی»می نویسد:«او از بزرگان خراسان بود که در ادب و کتابت به عالی ترین درجه رسید و کتابی

۱- (۱) .نظام الملک،ص ۱۴۱.

۲- (۲) .نرشخی،ص ۳۱.

۳- (۳) .شهیدی پاک،مهار انرژی فرقه به وسیله تشکیلات سامانی،و انقلاب اداری سامانیان،ص ۲۱.

۴- (۴) .ثعالبی،ص ۴،۷۳،۷۴، ۹۰،۹۴،۹۶،۱۰۸،۱۱۵،۷۱۶،۱۳۲، ۱۴۰،۱۴۷،۱۶۲،۱۶۳.

سی جلدی در شعر و ادب نوشت و سپس متولی دیوان رسالت سامانیان شد؛ (۱)ابراهیم بن علی فارسی از اعیان نحو و لغت،مسئول تصفح در دیوان رسائل سامانی بود، (۲)بومنصور شاعر و ادیب،مسئول دیوان برید سامانی شد. (۳)

در دوره حکومت فاطمیان در مصر،دیوان ها تابع اداره مرکزی مستقر در قاهره بود.در این اداره هفت تا شانزده دیوان اصلی وجود داشت که عبارتند از:۱.دیوان الانشاء که صاحب دیوان الانشاء یا کاتب الدست الشریف (۴)آن را اداره می نمود؛ ۲.دیوان الجند که متشکل از دو دیوان«دیوان الجیش»و«دیوان الرواتب»بود (۵)۳.دیوان المجلس که امور مالی دولت فاطمی را به عهده داشت و در زیر مجموعه آن دیوان های متعددی قرار داشت؛از جمله این دیوان ها،دیوان النظر،دیوان التحقیق، (۶)دیوان خاص-که به امور مالی قصر نظارت می کرد-و دیوان الاحباس و دیوان المواریث الحشریه برای اموال توقیفی و بی وارث؛۴.دیوان خراج؛۵.دیوان برید؛۶.دیوان بیت المال و خزائن؛۷.دیوان شام؛۸.دیوان عرائف؛۹.دیوان کتامیان؛۱۰.دیوان احباس؛۱۱.دیوان زمام؛۱۲.دیوان ذمه و الجوالی؛ (۷)۱۳.دیوان نفقات؛۱۴.دیوان نظام؛۱۵.وزارت توقیع و رسائل؛ (۸)۱۶.دیوان الرواتب؛۱۷.دیوان ترتیب و.... (۹)

۱- (۱) .همان،ج۴،ص ۱۶۲.

۲- (۲) .همان،ج۴،ص ۱۷۱.

۳- (۳) .همان،ج۴،ص ۱۹۲.

۴- (۴) .قلقشندی،صبح الاعشی،ج۳،ص ۴۹۰.

۵- (۵) .همان،ج۳،ص۴۹۵.

۶- (۶) .قلقشندی،ج۳،ص۴۹۳.

۷- (۷) .مخزونی،ص۴۹.

۸- (۸) .علی بن خلف،ص ۷۰-۸۸.

۹- (۹) .مقریزی،خطط،ج۱،ص ۲۶۲.

۶-دیوان ها و اداره مرکزی در دوره سلطه سلجوقیان(۴۳۱-۵۹۰ه)

سلاطین بزرگ سلجوقی،ایران را مرکز قدرت و تشکیلات دیوانی خود قرار دادند؛ازاین رو دوره سلجوقی،دوره اوج توسعه تشکیلات ایرانی به وسیله وزرا،دبیران و کارگزاران ایرانی در منطقه ایرانی است.بغداد گاهی همراه و گاهی رقیب پایتخت های سلجوقی در ایران بود.سلجوقیان در شهرهای ایرانی مستقر شدند و از آنها به عنوان پایتخت استفاده کردند؛طغرل بیک در نیشابور،و الب ارسلان در مرو،و ملك شاه در اصفهان مستقر شد.سلاجقه در این راستا از تجربه بویهیان که برای همیشه در بغداد نماندند،استفاده کردند.بویهیان حوزه قدرت خود را در شیراز و شهرهای فارس گسترده بودند؛سلاجقه نیز به تجربه ایرانی ها در اداره دولت تکیه کردند و پایتخت خود را در شهرهای ایران قرار دادند.

با توجه به این که بحث فقط در حوزه نظام اداری مرکزی است،ازاین رو به تشکیلات اداری سلجوقی در شهرهای مختلف نپرداخته ایم؛در پایتخت عباسیان،(بغداد)،سلجوقیان فقط دو کارگزار بلند پایه داشتند،یعنی«عمید»و«شحنه»که نماینده قدرت آنها بودند؛ (۱)عمید،منصبی اداری بود که صاحب آن اختیارات گسترده ای داشت و عامل یا نماینده دیوان کشوری در ایالات بود.عمید سلجوقیان در بغداد،عامل آنها در مالیات و خراج و امور اداری بود که معمولاً از غلامان رده بالا انتخاب می شد (۲)و حوزه قدرت او شامل اقلیم عراق بود.همچنین عمید از شحنه در انجام امور و استقرار امنیت و آرامش در اقلیم کمک می گرفت؛زیرا شحنه وابسته به او بود و دایره اختیاراتش کم تر از عمید بود.شحنه مسئول امور نظامی بود که از

۱- (۱) .ابن فوطی،ص۵۲۳، ۱۲۸،۴۳۱،۳۶،۶۶.

۲- (۲) .کلوزنر،ص۳۱.

این منصب با عنوان کدخدایی و دیوان شحنگی در عصر سلجوقی نیز یاد کرده اند. (۱)مقام شحنه برابر مقام عامل و قاضی است،شاه،شحنه را برای ضبط کارها و سیاست مردم و مجازات متخلفان در شهرها نصب می کرد. (۲)شحنه منصبی پلیسی و اداری بود که در دوران سلجوقی در عراق تأسیس شد و دایره قدرت او از شهر یا یک آبادی تجاوز نمی کرد.شحنه مسئول اجرای امور و دستورات اداری با استفاده از نیروهای نظامی بود و مسئولیت سرکوب آشوب ها و شورش ها و نابودی توطئه ها را نیز به عهده داشت.وظیفه شحنه با دایره مسئولیت های صاحب شرطه تداخل می کرد؛چراکه کار شحنه و شرطه در مبارزه با شورش ها مشابه یکدیگر است. (۳)وظیفه اساسی و سنتی شرطه،مبارزه با جرم و جنایات است و زمانی که تحرکات تخریبی عیاران زیاد شد برای هر محله ای یک شحنه تعیین شد که به همراه همکارانش با هزینه ای که ساکنان هر محله پرداخت می نمودند،زندگی می کردند!!

در عصر سلجوقی هر ولایتی قاضی مخصوص داشت که به وسیله قاضی القضاه تعیین می شد.عامل برید،مسئول اخبار و مراقبت بود؛زیرا او چشم و گوش خلیفه بود.مسئولیت بغداد و اطراف آن نیز با خلیفه بود و در این راه از وزیر که مسئولیت همه دیوان ها را به عهده داشت،کمک می گرفت.

از مهم ترین دیوان ها می توان از دیوان زمام،دیوان مخزن خراج،دیوان انشاء،دیوان عرض،دیوان جیش،دیوان قضاء،دیوان ترکات و ابنیه و مقاطعات،دیوان ضیاع و دیوان برید نام برد.دیوان برید در عصر سلجوقی توسعه بسیاری پیدا کرد، (۴)و در عصر

۱- (۱) .ابن فوطی،ص ۳۶،۲۶۷.

۲- (۲) .ابن فوطی،ص ۲۰۷،۳۴۵،۳۷۸،۴۷۵،۴۷۶.

۳- (۳) .قلقشندی،صبح الاعشی،ج۵،ص ۳۶۴،۲۶۱.

۴- (۴) .ابی نصر کاشانی،ص ۵۷،۹۰،۹۲،۱۰۱.

سامانی و سلجوقی از آن با عنوان«اسکدار»یاد کرده اند.بیهقی در فرازی از تاریخ خود می نویسد:«پس از آن نماز دیگری پیش امیر نشسته بودم که اسکدار خوارزم را به دیوان آورده بودند،حلقه برافکنده و بر در زده،دیوانیان دانسته بود که هر اسکداری که چنان رسد سخت مهم باشد. (۱)اصطلاح«حلقه برافکنده و بر در زده»،به معنای حلقه فلزین یا چرمی است که بر خریطه(کیسه چرمی محل حمل نامه های برید)می زده اند.از حامل نامه های برید در عهد سلجوقی،با واژه«پروانه»(فرانق)یاد شده است. (۲)نظام الملک نیز چند فصل را به توضیح اسکداران و مشرفان و صاحب خبر و صاحب برید اختصاص داده است. (۳)او در فصلی با عنوان«اندر جاسوسان فرستادن و تدبیر کردن بر صلاح مملکت و رعیت»می نویسد:«باید به همه اطراف همیشه جاسوسان روند بر سبیل بازرگانان و سیاحان و صوفیان و داروفروشان و درویشان و از هر چه می شنوند خبر آورند تا هیچ گونه از احوال چیزی پوشیده نماند...». (۴)

اصطلاحات رایج در دیوان های برید در شرق اسلامی،در گزارش خوارزمی:۱.برید به معنای بریده دُم،استر و پیکی که بر آن سوار می شود را برید گویند و نیز سکه هایی که در طول راه بنا شده،برید نام دارد؛۲.فرانق(پروانه پروانگی)،کسی که بسته های نامه را حمل می کند و خادم نامیده می شود و به فارسی پروانه گفته می شود؛۳.مُوَقِّع آن کسی است که بر روی اسکُدار هنگام ورود و خروج مهر می زند؛۴.سکه:محلی است که پیک های آماده در آن منزل می کنند،مانند رُباط یا قُبّه؛۵.اَسکُدار. (۵)

ص:۱۹۱

۱- (۱) .بیهقی،ص ۳۲۰.

۲- (۲) .خوارزمی،ص ۶۶.

۳- (۳) .نظام الملک،ص ۷۲،۷۳،۸۸.

۴- (۴) .نظام الملک،ص ۹۰،۸۹،۸۸.

۵- (۵) .خوارزمی،ص ۶۵.

در وجه تسمیه برید،از ریشه یونانی Beredos یا از لاتینی Veredus به معنای اسب یا از فارسی بریده دُم یا از ریشه عربی بَرَدَ(فرح و خوشحالی و تازگی که هنگام دریافت خبر حاصل می شود)؛اختلاف است.

از دیگر دیوان های عصر غزنوی و سلجوقی،دیوان وکالت و ضیاع خاصه است. (۱)دیوان وکالت،نظارت و پیش کاری امور دربار را در خورد و خوراك و دیگر امور بر عهده داشته است و معادل«استاددار»در عصر خلفای عباسی است. (۲)

۷-دیوان و نظام وزارت در عصر ایلخانی،تیموری،عثمانی و صفوی

ویژگی عام دیوان و نظام وزارت در ایران و آناتولی که حوزه حکومت سنتی سلجوقیان بود،استمرار خطوط عام اداره مرکزی دربار و شیوه های وزارت عصر سلجوقی است؛این امر به ویژه در ایران عصر ایلخانی رواج یافته بود.از وزرای معروف عصر ایلخانی می توان به«سعدالدین ساوجی»(م۷۰۹ه)و«تاج الدین علی شاه»اشاره کرد. (۳)در آن زمان دو یا سه وزیر امور لشکری و کشوری را به عهده داشتند و دائم در حال رقابت با هم بودند؛علی شاه با بیرون راندن رقبا،شش سال به تنهایی وزارت را به عهده داشت.سلاطین ایلخانی همه امور را به وزیر واگذار می کردند و ازاین رو وزیر،صاحب دیوان و وزیر ممالك بود.

وزارت در دوره عثمانی-که ابتدا امیرنشین تابع سلاجقه و سپس ایلخانان بودند-استمرار وزارت عصر سلجوقی و ایلخانی است.سکه های سلجوقی و ایلخانی میان آنها رایج بود و در رأس دیوان که مجلس وزرا بود،وزیر اعظم همه

۱- (۱) .مسکویه،ج۵،ص ۲۲۰.

۲- (۲) .ابی نصر کاشانی،ص۲۵۸۴.

۳- (۳) .اقبال،ص۳۱۹.

امور دولت عثمانی را اداره می نمود؛همانند دولت ایلخانی که وزیر عهده دار همه امور به جز امور نظامی بود. (۱)اما در عصر عثمانی قدرت وزیر در حد مشاور سلطان کاهش پیدا کرد.وزرا معمولاً از نژاد ترکی خالص و یا از بین غلامان و کسانی که در دربار تربیت نظامی دیده بودند و دوستی آنها به سلطان تضمین شده بود،انتخاب می شد.سه یا شش وزیر و مجموعه ای از کارمندان عالی رتبه،امیربحر و نشانچی،به وزیر اعظم(صدر اعظم یا نخست وزیر)کمک می کردند. (۲)وزیر اعظم در باب عالی مستقر می شد که مقر اداره مرکزی و دیوان همایونی امپراتوری عثمانی بود.این دیوان در هفته چهار روز از شنبه تا سه شنبه و از صبح تا شب کار می کرد.خاندان«کوبریلی»از خانواده های مهمی بودند که صدارت عظمی را در نیمه دوم قرن هفدهم در اختیار داشتند. (۳)امور مالی دولت عثمانی را دیوان مرکزی برعهده داشت و یک دفتردار در کنار صدراعظم مسئول رسیدگی به امور مالی درآمدها و هزینه های دولت بود.دفتردار ابتدا برای آناتولی در بخش آسیایی و رومانی در بخش اروپایی و نیز در شام و عراق در مرکز حلب-زمان سلطان سلیم عثمانی-تعیین شد و سپس برای هر ولایت یک دفتردار معلوم گردید.کار دفتردار گردآوری همه مالیات ها از مکاسب برای خزانه سلطان بود. (۴)

در عصر تیموری،دیوان های مرکزی و وزرا و مستوفیان،به عنوان مشاور عهده دار امور بودند که آنها را آینه های امپراتوری می خواندند.عصر تیموری عصر تعدد دیوان ها و وزرای مسئول آنها است؛برای نمونه در عصر امویان اندلس تا ۲۱

۱- (۱) .چارشلی،ج۱،ص۶۸۹.

۲- (۲) .احمد یاغی،ص۷۳-۷۱.

۳- (۳) .احمد یاغی،ص۷۲.

۴- (۴) .احمد یاغی،ص۷۵.

وزیر رایـج بـود؛وزرای تیمـوری عبـارت بودنـد از وزرای ولایـات،وزیر خـارجه،وزیر اقتصـاد،وزیر مـالیه،وزیر انتظامـات،وزیر ارتش،وزیر داخله،وزیر سـرحدات و وزیر دربـار که این وزرا در مجلس خاصـی که رئیس آن«دیـوان بیـگ»نـام داشت حضور پیدا می کردند.

ظهور دولت صـفوی نقطه عطفی در تاریخ دیوان سالاری و اداره مرکزی ایران از جهت تحول اساسـی و گسترده در تشکیلات است.ایـن روحیـه و قـدرت تشـکیلاتی صـفوی مـورد تـوجه همه خاورشـناسان علاـقه منـد به صـفویان از جمله و الـتر هینتس(Walther Hinz) نویسـنده آلمـانی کتاب،«تشـکیل دولت ملّی در ایران»؛قرار گرفته است.برقراری اصول تشـکیلاتی در کار مجـامع طریقتی به وسـیله صـفویان نشان اسـتعداد اداری آنها در آغاز حکومت است؛لباس متحدالشـکلی که شـیخ حیـدر برای پیروان خـود معین کرد،از استعداد او در کـار حکـایت می کنـد؛از زمـان شـیخ حیـدر(م۸۹۳ه)به بعـد،تاج صـفوی را که«کلاه حیدر»نام داشت،به سر گذاردند. (۱)«دوازده ترک تاخ»کنایه از اعتقاد صـفویان به آل علی علیه السلام و رمزی از دوازده امام بر حق بود.

وزیر در دولت صـفوی بسیاری از منـاصب دیوانی و اداری را در مقابـل دولت عثمانی تأسـیس می کرد و جایگاه مهم تری از وزیر در دولـت عثمـانی داشـت؛بـه طـوری کـه پس از سـلطان در رأس دیـوان سالاـری و امـور لشـکری بـود.در این دوره،وزارت،تقسیمات گوناگونی پیدا کرد؛از جمله وزیر اصـفهان که عهده دار امور خالصه شاه در ولایت اصفهان بود،وزیر قورچیان،وزیر غلامان،وزیر تفنگچیان،وزیر توپخانه،در رأس وزرا،وزیر اعظم یا وزیر دیوان اعلا بود، (۲)وزیر

۱- (۱) .هینتس،ص ۹۱.

۲- (۲) .میرزا رفیعا،ص ۱۶۱.

حلال و وزیر موقوفات نیز بود.غیر از وزیر اعظم،بقیه وزرا لقب«مقرب الخاقان»یا«علیجاه»نداشتند،وزیر بیوتات،وزیر قراآلوس،وزیر دیوان،وزیر سرحد،وزیر محال ارمنه نیز از دیگر تقسیمات وزارت در این عصر است. (۱)عصر صفوی(۹۰۷۱۱۳۵ه)مانند عصر تیموری(۷۷۱۹۱۲ه)،عصر تعدد وزرا است؛در حالی که در حکومت های کوچک قراقویونلو و آق قویونلو(۷۸۰۹۱۴ه)معاصر صفویه،امور اداره مرکزی کشوری بین یک وزیر و منشی الممالک تقسیم شده بود.در ساختار اداره مرکزی،امیرالامراء یا ملک الامرا وجود داشته و از امیر دیوان به عنوان«معتمدالملک»و از منصب امارت دیوان با عنوان دیوان اعلی در ساختار تشکیلاتی آق قویونلو یاد شده است. (۲)دیوان تواچی که در رأس آن«تواچی باشی»قرار داشت،مسئول امور نظامی بوده و پس از دیوان امارت قرار داشت.در ولایت ها نیز به تقلید از اداره مرکزی،منصب امارت دیوان وجود داشت.

قدرت دولت صفوی در ولایات نوزده گانه ایران،به وسیله امیر،حاکم یا بیگلربیگی و گاهی داروغه و تیول دار اعمال می شد.«وکیل نفس نفیس همایون»عالی ترین مقام اداری در ایالات بود. (۳)شاه عباس به خاطر اصلاحات در اداره مرکزی دولت صفوی،لقب«کبیر»گرفت؛او اصلاحاتی مفید در نظام خاصه به عمل آورد که نطفه انحطاط دولت صفوی در آن نهفته بود؛ (۴)از جمله این که حکّام نظامی قزلباش بخش اعظم درآمد ایالات را در محل خرج می کردند.دومین عامل انحطاط صفوی،رشد نظام حرمسرا بود که شاهان صفوی را عادت بر این بود که

ص:۱۹۵

۱- (۱) .میرزا رفیعا،ص۱۶۷.

۲- (۲) .حسن زاده،ص۱۸۲.

۳- (۳) .کمبریج،ص۱۷۹.

۴- (۴) .کمبریج،ص۱۷۴.

فرزنـدان خـود را حـاکم ایالاـت سازنـد؛آنهـا بـا ایـن کـه خردسـال بودنـد تحـت حضـانت یـک امیر قزلبـاش لَلِه(اتابـک دوره سلجوقی)بودند. (۱)

تشـکیلات صـفوی ماننـد تشـکیلات عثمـانی در اولین مرحله پیـدایش،نظـامی بود و اهـل شمشـیر کارهای اهل قلم را به عهـده داشـتند و ازاین رو اهـل قلم هیـچ نفـوذی در امـور دیوانی و اداره مرکزی نداشـتند. (۲)سومین مرحله اصـلاحات در تشکیلات مرکزی صـفوی،جـدایی نهـاد مـذهبی از نهـاد سیاسـی است؛زیرا علمـای این دوره ادعای شاهان در نیابت امام غایب را رد می کردند و در پی اثبات استقلال خود در امر نیابت امام غایب علیه السلام(امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)بودند. (۳)

در رأس نظام اداری صـفوی هفت دسـته قرار داشـتند:۱.شاه؛۲.مناصب و مشاغل دینی(ملاباشـی،صدرخاصه،صدرعامه،متولیان آرام گاه ها مانند متولی حرم امام رضا علیه السـلام...)شیخ الاسلام اصفهان،قاضی اصفهان،قاضی عسگر؛۳.مناصب امرای عظام ولایـات و امرای سـراحدات بیگلر بیگی،خوانین و سـلاطین،والی عربسـتان،والیان گرجسـتان،بیگلر بیگیان عظیم الشأن؛۴.امرای درگـاه(وزیر دیـوان اعلاـ یـا وزیر اعظـم و...)؛۵.مقامـات دربـاری یـا مقرب الخاقان؛۶.عمّال وزرا،کلانتران؛۷.مقرب الحضرت ها(داروغه دفترخانه،سفره چی باشی).

خلاصه فصل،نتایج و منابع بیشتر برای مطالعه

وجـه اهمیـت تشـکیلات اسـلامی،تأسـیس و توسـعه دیـوان و اداره مرکزی در عصـر پیـامبر صـلی الله علیه و آله است.این اداره مرکزی در عصر اموی در مناطق رومی و در

۱- (۱) .میرزا رفیعا،ص۱۶۲،۲۱۵،۴۰۲.

۲- (۲) .میرزا رفیعا،صفحات متعدد.

۳- (۳) .کمبریج،ص۱۷۶.

عصر عباسی در مناطق ایرانی توسعه فوق العاده ای یافت.دیوان جند و دیوان خراج و دیوان عطا از نخستین دیوان هایی است که مسلمانان تأسیس نمودند؛دیوان رسایل،دیوان برید و دیوان خاتم از مهم ترین دیوان ها تا پایان قرن دوم هجری است.در عصر عباسی،سازمان اداره مرکزی شکل متمرکزی پیدا کرد و توسعه کمی و کیفی دیوان ها آغاز شد؛به طوری که دیوان سالاری اسلامی در قرن چهارم هجری به اوج خود رسید و در دارالخلافه و دربار مرکزی و پایتخت حدود بیست دیوان و وزارتخانه تأسیس شد.

عنصر اصلی دیوان در تشکیلات اسلامی،کاتب است.پیدایش ده ها اثر در خصوص جایگاه کاتب و شیوه های کتابت از جمله کتاب صبح الاعشی که گزارشی از هشت قرن تلاش دیوان کتابت یا انشاء است،حاکی از اهمیت کاتب در دیوان سالاری و ادارات مرکزی است.اداره مرکزی در عصر غزنوی و سلجوقی ترکیبی از سنن بومی ایرانی و مقتضیات خلافت است.اداره مرکزی و دیوان سالاری عصر سلجوقی،شکل متمایز و توسعه یافته ای از دیوان سالاری اسلامی است.عصر ایلخانی،عصر تیموری و به ویژه عصر صفوی از جهت اصلاحات نوین دیوان سالاری اهمیت بسیار دارند؛البته دیوان سالاری عثمانی نیز نوع منحصر به فردی از اداره مرکزی است.در مورد دیوان سالاری مرکزی،منابع هر عصر،تحقیقات مستقلی ارائه کرده اند.

برخی منابع،توسعه اداره مرکزی را از نشانه های پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی دانسته اند.اهمیت تحقق سازمان اداری مرکزی در تشکیلات اسلامی در برخی از دوره ها مانند عصر سلجوقی-که ترکیبی از مقتضیات اسلامی و تجارب ایرانی و با حضور کارگزاران عالی رتبه ایرانی در منطقه ایرانی است-به حدی

است که محققان غربی به عنوان رساله دکترا آن را مورد پژوهش قرار داده اند.دیوان سالاری در عصر سلجوقی اثر«کارلا کلوزنر»، (۱)تحت راهنمایی گیب (۲)خاورشناس مشهور،نمونه ای از اشتیاق خاورشناسان به میراث عظیم تشکیلات اسلامی در تمدن اسلامی است.دیوان مرکزی به گفته ابن خلدون رکن سوم حکومت است.

ص:۱۹۸

۱- (۱) . KLausner, carLa.

۲- (۲) . Gibb.

دیوان های اقتصادی در دوره اسلامی

جایگاه تشکیلات مالی در شریعت اسلام

اشاره

(۱)

شریعت اسلامی به تنظیم امور مالی و اقتصاد با هدف اصلاح فرد و جامعه پرداخته است.تشکیلات اسلامی دارای میراث گران بهایی در اداره امور مالی جوامع دوره اسلامی است و مورخان تشکیلات،حقوق دانان و شارعان عرب مسلمان قادرند با این نگاه تجربی به مسائل مالی بنگرند؛زیرا دولت های اسلامی در دوره خود عملیات گسترده ای را برای سامان دادن به پیچیدگی های اقتصادی و رفع مشکلات مالی انجام داده اند.این عملیات بر مبنای رهایی از فساد اقتصادی امپراتوری ساسانی و امپراتوری بیزانس بود؛چراکه فساد اخلاقی،اغتشاش،ناامنی،فقر و حتی تعصبات مذهبی در این جوامع از زمینه های اقتصادی نشأت می گرفت؛ (۲)در دورانی که جاهلیت بر جهان حاکم بود و عرب بادیه نشین و شهروندان دولت های سلطه گر ساسانی و روم شرقی از بیدادگری مالی حکومت های

۱- (۱) .از این تشکیلات در مغرب به عنوان دیوان الاشغال یاد شده است.

۲- (۲) .اجتهادی،ص۵۷،۳۷،۷۲،۷۴،۷۸.

خود به تنگ آمده بودند، (۱)اسلام رعایت مصالح اقتصادی فرد و جامعه را اساس کار قرار داد و سه راه برای علاج این ظلم اقتصادی فراگیر ارائه کرد:

۱.محدود کردن طریق کسب مال؛

۲.تعیین مرزهای ازدیاد آن؛

۳.کنترل و نظارت بر چگونگی مصرف مال. (۲)

۱-دیوان بیت المال(الدیوان السامی)

اشاره

مؤسسه سنتی«بیت المال»به ویژه در عربستان جنوبی نزد اعراب شناخته شده بود. (۳)با ظهور اسلام،نخستین بیت المال برای ضبط اموال منقول و عایدات اراضی از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله تشکیل شد.در سیاست ارضی پیامبر صلی الله علیه و آله زمین به«موات،مفتوح العنوه،حمی،چراگاه،موقوفه،صوافی و عشری»تقسیم شد.پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همه چراگاه ها را از آنِ عموم مسلمین دانست و اراضی موات و خراجی را متعلق به بیت المال شمرد.درآمد بیت المال از عایدات این زمین ها تأمین می شد.مهم ترین ملاک کسب درآمد از زمین،مسئله جنگ و صلح بود.برای مثال عایدات زمین های کشاورزی خیبر و وادی القری که مفتوح العنوه بود-با جنگ فتح شد-برای بیت المال و عموم مسلمین صرف شد. (۴)پیامبر صلی الله علیه و آله به وسیله صلح مردم تبوک و اذرح برای آنها جزیه قرار داد و از این راه نیز عایداتی برای عموم مسلمانان کسب کرد.طریق مصرف بیت المال و درآمد آن در سیره عملی

۱- (۱) .صبحی صالح،ص۳۳۷.

۲- (۲) .اجتهادی،ص۸۳.

۳- (۳) .علی،ج۵،ص۲۵۴.

۴- (۴) .یاقوت،ج۲،ص۵۰۴.

پیامبر صلی الله علیه و آله،براساس آیات قرآن مانند آیه خمس (۱)و آیات زکات مشخص گردید و بدین ترتیب پیامبر صلی الله علیه و آله همه درآمدها به جز جزیه و خراج و مالیات های شرعی را باطل اعلام کرد.ماوردی دستاوردهای چهار قرن مسلمانان در خصوص بیت المال را براساس مبانی نظری اسلام تبیین کرده است.به گفته او بیت المال خزانه مرکزی مستقر در پایتخت و محل گردآوری و نگه داری درآمدهای اقلیم ها و شهرها بوده است.در دیوان های خراج محلی،پس از این که و الی هزینه های اداره محلی و مصالح و خدمات بومی را برمی داشت،مبالغی از درآمد را به خزانه مرکزی ارسال می نمود؛زیرا این درآمدها مال مشترک همه مسلمانان است و باید در راه مصالح مشترک آنها صرف شود.

بیت المال در نخستین دولت های اسلامی جایگاه اداری بالایی داشت؛از جمله در دولت سامانی یکی از ادارات مرکزی بوده که از آن به عنوان«دیوان مخزن»یاد شده است. (۲)به اموالی که به سوی بیت المال حمل می شد،«حُمُوُل»اطلاق کرده اند. (۳)

به تدریج بیت المال مرکزی از بیت المال خاص-که بیت المال خلیفه بود-جدا شد.درآمد بیت المال خاص از اموال خاص و ارث خلفا و سلاطین و اموال خویشان و نزدیکان و هدایای گران قیمتی که به آنها می رسید و نیز از اموال مصادره تأمین می شد.در کنار بیت المال،دیوان های متعددی وجود داشت که هر یک از آنها مخصوص صنف خاصی بود؛دیوان بیت المال یا«الدیوان السامی»اصل و مرجع این دیوان ها است و مهم ترین وظیفه صاحب بیت المال اشراف بر

۱- (۱) .انفال،آیه۴۱.

۲- (۲) .خوارزمی،ص۶۴.

۳- (۳) .همان.

اموال و درآمدهایی بود که به بیت المال می رسید و ثبت هزینه ها و پرداخت هایی که از بیت المال بیرون می رفت؛این فرد باید نوشته ها و دفاتر حمل مال را پیش از رسیدن آنها به دیوان های مربوط مرور کند همه نامه هایی که به بیت المال می رسید و همه دیوان هایی که در کار جمع اموال بودند را بررسی و نظارت می نمود.

ماوردی در فصلی جداگانه،قوانین و ماهیت مال متعلق به بیت المال و وظایف اداری آن را بیان کرده است.هر مالی که جزو حقوق مسلمانان است اما مالك آن معلوم نیست از حقوق بیت المال است.در دیدگاه ماوردی،بیت المال مکان خاصی نیست و واقعیت مکانی ندارد؛بلکه حقیقتی شرعی است واقعیت و شأن حقوقی دارد.شأن بیت المال این است که هر حقی که باید در راه مصالح مسلمین صرف شود،متعلق به بیت المال است؛چه این مال در تصرف بیت المال باشد یا وارد بیت المال نشده باشد. (۱)اموال بیت المال که عموم مسلمانان حق تصرف آن را دارند،به سه قسم فیء،غنیمت و صدقه تقسیم شده است.دیدگاه ماوردی در تعیین محدوده و شرایط این سه قسم(اموال متعلق به بیت المال)جای مناقشه و خلاف فقهی مذاهب پنج گانه است و در کتاب های تخصصی فقه و حقوق تبیین شده است.

به گفته ابن خلدون،بیت المال از ارکان تشکیلات دولت های اسلامی است که افراد ماهر آن را اداره می کنند و همه چیز از دخل و خرج را در کتابی ثبت می کنند که«دیوان»نام دارد. (۲)انواعی از بیت المال در متون ذکر شده است که از جمله آنها بیت المال خاصه (۳)و بیت المال عام (۴)است که در دارالعامه در کاخ خلافت بغداد

ص:۲۰۲

۱- (۱) .ماوردی،ص۲۶۵،۲۶۶.

۲- (۲) .مقدمه ابن خلدون،ص۴۳۳.

۳- (۳) .ابن مسکویه،ج۵،ص۶۵.

۴- (۴) .ابن مسکویه،ج۵،ص۱۶۹.

قرار داشت.بنا به گزارشی در سال ۲۳۱ هجری،چند دزد با حفر تونلی وارد محل نگه داری این بیت المال شدند و چهل و دو هزار درهم و مقداری دینار موجود در آن را سرقت کردند. (۱)در عصر سامانی و غزنوی،بیت المال محل خزانه کل کشور بود که در عصر غزنوی از آن با عنوان«بیت المال صلتی»یاد شده است؛ (۲)همچنین در عصر غزنوی در کنار بیت المال عامه،خزانه خاص سلطان قرار داشت که دیوان وکالت و«وکیل خاصه»به اموال و املاک خصوصی سلطنت غزنوی رسیدگی می کرد.این جایگاه در دربار سامانی«وکیل دار»نام داشت. (۳)

در دوره بویهی در کنار دیوان بیت المال (۴)که به امور بیت المال رسیدگی می کرد،از انواع خزانه های مخصوص همچون خزانه بختیار،خزانه الشراب،خزانه السطان،خزانه الفرش،خزانه المال،خزانه الکسوه و حزان بیت المال یاد شده است.در غرب اسلامی،از بیت المال با عنوان«مخزن»و در عصر سلجقوی با عنوان خزانه عام و خاص از آن یاد شده است. (۵)در عصر صفوی از بیت المال با واژه«خزانه»و از مسئول آن با عنوان«خزانه دار باشی»نام برده شده است. (۶)خزانه در حرمسرا بود و هیچ کس جز خواجه خزانه دار حق ورود به آن را نداشت.صاحب جمع خزانه(عامره یا خزانه دار)مسئول جمع وجوهات از سراسر مملکت و نگه داری آنها در خزانه بود.در عصر عثمانی این عنوان«خزانه سلطانی»نامیده می شد. (۷)

ص:۲۰۳

۱- (۱) .طبری،ج۵،ص۲۸۴.

۲- (۲) .بیهقی،ص۲۴۱.

۳- (۳) .بیهقی،ص۴۹۹،۲۵۶،۲۷۳.

۴- (۴) .ابن مسکویه،ج۵،ص۶۶،۳۰۰.

۵- (۵) .نظام الملک،ص۱۰۳.

۶- (۶) .میرزا رفیعا،ص۴۰۰.

۷- (۷) .احمد یاغی،ص۷۵.

مکان بیت المال معمولاً در مسجد یا کنار مسجد جامع و یا در جایی وابسته و پیوسته به مسجد جامع بنا می شد و محافظ و نگهبان و کارمندان و کاتبان خاص داشت؛نخستین بیت المال واقع در مسجد،بیت المال پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛بیت المال خلیفه اول در مکانی به نام«سنح»در اطراف مدینه بدون نگهبان و فقط با یک قفل بود (1)او سپس بیت المال را به مدینه و در خانه خود برد. (2)بیت المال حضرت علی علیه السلام هنگام جنگ صفین در«رقه»بود (3)و بیت المال خلیفه دوم در مسجد قرار داشت و چند نفر نگهبان آن بودند.در شام و مصر،مرکز بیت المال در مسجد جامع بود و آن گنبد گونه ای بود برآورده بر ستون های بلند که دری آهنین و مقفل داشت؛به خاطر وجود بیت المال هر شب مردم را پس از نماز عشاء از مسجد خارج می کردند و بر در مسجد قفل می زدند؛بیت المال قفقاز در مسجد جامع بر نه ستون با پشت بام رویین و در آهنین بود. (4)معتصم عباسی بیت المال را در دیری در سامراء قرار داد. (5)سازمان بیت المال در نیمه دوم خلافت عباسی دارای اداره و دیوان و مکان مستقلی شد که ده نفر کاتب و افراد متخصص در امور مالی در آن خدمت می کردند:1.صاحب بیت المال؛2.مباشر بیت المال؛3.ناظر بیت المال؛4.متولی الدیوان یا صاحب الدیوان؛5.مستوفی؛6.معین؛7.ناسخ؛8.المشارف؛9.العامل؛10.الکاتب؛11.جهبذ؛12.شاهد؛13.نایب؛14.امین از جمله کارگزاران بیت المال بودند.خوارزمی برخی اصطلاحات رایج در دیوان خزانه و بیت المال را آورده است:1.حمول،اموالی است

1- (1) .یاقوت،ج3،ص265.

2- (2) .سیوطی،تاریخ الخلفا،ص 78.

3- (3) .اصطخری،ص76.

4- (4) .ابن رسته،ص186؛مقدسی،ص182؛اصطخری،ص184.

5- (5) .یعقوبی،ص255.

که به سوی بیت المال حمل می شود؛۲.توظیف،یعنی به کارگزار دولتی دستور داده شود که مالی معلوم را تا مدت معین حمل کند و ارسال دارد؛۳.تسبیب،یعنی وظیفه و جیره مردی را بر مالی که وصولش دشوار است موکول کنند؛۴.سَفتَجه؛۵.طَسُّوج برابر با یک سوم از یک هشتم مثقال؛۶.دانق،برابر با چهار طسوج؛۷.دینار برابر با بیست و چهار طسوج؛۸.قیراط؛۹.حَبَّه؛ ۱۰.شعیره. (۱)

اقلام عمده درآمد دیوان بیت المال

الف)زکات

این مالیات سابقه طولانی در جزیره العرب دارد و پیش از آن که یک اصطلاح شرعی شود،در واژه های اقتصادی عصر جاهلی با عنوان مالیات«الرکاز»(دفین اهل الجاهلیه)آمده است.از جمله مهم ترین مالیات دوره جاهلی،مالیات نذور و صدقات است که در قرآن«زکات»نام دارد و همان(زکوتو) Zakutu عهد بابلی است. (۲)

فریضه زکات،یکی از فروع دین اسلام است که اصل تشریع آن در قرآن-در شش آیه از آیات مکی-آمده است؛با توجه به سابقه این دستور مالی،تشریع دولتی آن در مدینه از نخستین اقدامات اداری پیامبر صلی الله علیه و آله پس از تأسیس دولت است.آیات زکات برای تعدیل بنیه اقتصادی جامعه،با فرض وجود حقوق فقرا در اموال اغنیاء است.پیامبر صلی الله علیه و آله با این وسیله جامعه اسلامی را از فقر نجات داد.ایشان دست خدا را واسطه دستِ گیرنده و دهنده زکات بیان کرده و اقامه نماز بدون زکات را بی ثمر دانسته است. (۳)زکات مالیاتی سالیانه از نقدین و غلات

ص:۲۰۵

۱- (۱) .خوارزمی،ص۶۳و۶۴.

۲- (۲) .علی،ج۵،ص۳۱۶.

۳- (۳) .ابویوسف،ص ۸۰؛ابوعبید،ص۴۴۳.

خرما،کشمش و گاو و گوسفند و حبوبات و محصولات کشاورزی و کالاهای تجاری است؛واژه صدقه بر زکاتِ واجب و بر انفاقِ مستحب،به یکسان اطلاق شده است. (۱)

با توجه به آیه شریفه: إِنَّمَا الصَّدَقاتُ لِلْفُقَراءِ وَ الْمَساکِینِ وَ الْعامِلِینَ عَلَیْها وَ الْمُؤَلَّفَهِ قُلُوبُهُمْ وَ فِی الرِّقابِ وَ الْغارِمِینَ وَ فِی سَبِیلِ اللّهِ وَ ابْنِ السَّبِیلِ فَرِیضَهً مِنَ اللّهِ وَ اللّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ (۲)مصارف هشت گانه زکات عبارتند از:۱.عاملین(مأمور جمع)؛یعنی جِباه مفرد آن جابی،است؛۲.مؤلّفه قلوبهم؛کسانی که هنوز اسلام در قلوب آنها پایدار نشده بود و پیامبر صلی الله علیه و آله کوشید با این فریضه آنها را به خود جذب کند و از شر آنها در امان باشد؛۳.فی الرقاب؛بردگان؛۴.غارمون؛کسانی که قادر به پرداخت قرض های خود نیستند؛۵.ابن السبیل؛در راه مانده هایی که از هر گونه امکانات زندگی محروم شده اند؛۶.فقرا؛۷.فی سبیل الله؛ ۸.مساکین.توجه به این طبقات حاکی از عنایت اسلام به مردمی بودن امر زکات و حمایت مستمر از اقشار آسیب دیده است.

مال صدقه را داخل در مال خراج نمی کردند و جمع کنندگان خراج[حبابی]متفاوت از جمع کنندگان زکات بودند.جمع کنندگان زکات،حقوق خود را از همان مال زکات برمی داشتند و زکات هر شهر در میان اهالی همان شهر مصرف می شد؛ازاین رو انتقال صدقات یک شهر به شهر دیگر جایز نبود مگر بخشی از آن که مربوط به مصرف فی سبیل الله بود.

جایگاه اداری و اجرایی این واجب(زکات)،پس از وجوب آن به سال هشتم و نهم بر می گردد که پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان حاکم اسلامی در رأس تشکیلات

ص:۲۰۶

۱- (۱) .شهابی،ج۱،ص۳۵۸.

۲- (۲) .توبه،آیه ۶۰.

اسـلامی اقدام به اجرای قانون زکات نمود.ایشان از ابتدای سال نهم هجری عاملانی را به نقاط مختلف برای جمع آن فرستاد و وجوب آن را به مردم خبر داد.رسول خـدا صـلی الله علیه و آله زکـات خاص اسـلامی و تفاوت آن با دروه جاهلی را مشـخص کرد (۱)و زکات خاص اسلامی را مانند افعال مخصوص،یعنی نماز معرفی کرد و در ردیف آن قرار داد.

کلینی بـا توجه به حـدیث امـام صادق علیه السـلام«فرض الله الزکوه مع الصـلوه»،عقیـده خود را نسـبت به این فریضه بیان کرده است؛در دیـدگاه این محـدّث والامقـام،اگر واجب زکـات معیشت شـأنی باشـد بیـانگر عظمت آن در کنـار نمـاز است اما اگر معیشت زمانی باشد وجوب آن پیش از هجرت را نشان می دهد.جمع بین دو حکم این است که تشـریع زکات پیش از هجرت در آیات مکی آمده و اجرای آن در سال هشـتم و نهم به وسیله آیات مدنی بوده (۲)و شأن اداری پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز مشـخص کرده است.جمع زکـات به وسـیله عـاملین از نخستین اقـدامات اداری پیـامبر صـلی الله علیه و آله بود که حاکمیت دولت اسـلامی را بر جزیره العرب اعلام کرد.پرداخت زکات به معنای قبول دولت پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله بود و ازاین رو،با رحلت ایشان بزرگ ترین موج ضـد حکومتی علیه خلافت خلیفه اول،به وسـیله مانعین زکات به وجود آمد.بنابراین زمینه های چنین شورش هایی در ماهیت سیاسی-اقتصادی اجتماعی زکات است که در صدر اسلام نقش کلیدی در اقامه سازمان ها و دولت داشت.

اهمیت زکـات بـدین جهت است که هم از ارکـان اداری دولت و هم از سـوی نهـاد مردمی خودجـوش و مسـتقل از حکـومت است؛زیرا خداوند بر مردم هر شهر واجب کرده است که به رفع نیازهای ضروری مردم شهر خود اقدام کنند و

۱- (۱) .شهابی،ج ۱،ص ۳۵۶.

۲- (۲) .شهابی،ص ۳۵۷.

می توان آن را نوعی نهاد کمک های مردمی اسلامی یا N.G.O اسلامی دانست؛از این رو،برخی آن را نهاد کاملا مردمی دانسته اند و از همین رهگذر اختلاف فقهی در زکات پدید آمده است.از جمله احکام اختلافی در زکات«دفع الصدقه إلی الامراء واختلاف العلماء فی ذلک» (۱)است که به معنای اختلاف در پرداخت زکات به ولاه و امرا و تشکیلات اداری و کسانی که با او بیعت کرده اند و عدم پرداخت آن می باشد. (۲)در روایات شیعه این اختلاف به چشم نمی خورد و تقریباً همه فقهای شیعه در اجازه تقسیم آن بین مستحقان به وسیله زکات دهندگان و مخفی نگه داشتن آن از عاشر و جابی و عمّال حکومتی اتفاق دارند و در برخی از این روایات به غاصب بودن حکومت و عدم صلاحیت آنها اشاره شده است. (۳)

در روایات اهل سنت نیز به این مفهوم اشاره شده است.به گفته ابوعبید یکی از موارد عدم پرداخت زکات به تشکیلات اسلامی از قتل عثمان شروع شد که گروهی زکات به خلافت ندادند و گروهی دادند.اما چنان که اشاره شد،آغاز جدا شدن آن(زکات)از حوزه اداری خلافت اسلامی از زمان نخستین جنگ رِدّه آغاز شد که مانعین زکات با عدم پرداخت آن،بطلان جانشینی ابوبکر از پیامبر صلی الله علیه و آله و انحراف تشکیلات اداری او از تشکیلات دولت اسلامی پیامبر صلی الله علیه و آله را اعلام کردند.در این زمینه ابوعبید احادیثی را در ذیل عنوان«تدفعها إلی السطان»آورده است که در آنها برخی از عمّال زکات را کفار خوانده اند و عدم پرداخت را به دلیل کفر آنها صحیح دانسته اند؛[۱۷۹۴-قال حدثنا معاذ عن ابن عون انس بن سیرین قال:کنت عند ابن عمر،فقال رجل:ندفع صدقات أموالنا إلی عمالنا؟فقال

۱- (۱) .ابوعبید،ص۶۷۸.

۲- (۲) .ابوعبید،ص ۶۸۰.

۳- (۳) .فیض،وافی،باب ۱۲۰؛طوسی،خلاف،ص ۲۹۰.

نعم،فقال:ان عمالنا كفار،قال وكان زياد[زياد بن ابيه اموی]سیستعمل الكفار.فقال:لاتدفعوا صدقاتكم إلى الكفار]. (۱)

این فریضه از هر مسلمان مستطیع دریافت می شد،به ویژه کسانی که نام آنها در دیوان عطاء ثبت شده بود (۲)و اخذ آن از ناحیه عطایا در عهد راشدین و بخشی از دوره اموی استمرار پیدا کرد.در عصر راشدین و امویان اخذ زکات به عنوان فریضه،یکی از منابع درآمد دولت و وظایف اداری بود و عامل زکات و عامل خراج مأمور جمع آن بودند.در عصر عباسی«دیوان صدقات»تأسیس شد (۳)و در دوره بویهی نیز با عنوان دیوان الصدقات و دیوان المراعی و فرائض الصدقات از آن یاد شده است. (۴)در عصر غزنوی نیز از دیوان صدقات و نفقات یاد کرده اند.دیوان زکات در عصر ایوبی فعالیت گسترده ای داشته است،مقریزی ادعا می کند که نخستین بار در عصر ایوبی در مصر مالیات زکات گرفته شد. (۵)گویا در عصر ایوبی اقدامات بسیاری برای اداری نمودن امر زکات و اعمال قدرت دولتی صورت گرفته است.به گزارش مقریزی،ثروتمندان برای فرار از زکات،اقداماتی انجام دادند و دیوان زکات را با بحران روبه رو ساختند و دولت ایوبی،قاضی الاسعد را مأمور بازرسی و نظارت بر امر دیوان زکات قرار داد و او زکات را از ارباب آن گرفت. (۶)در عصر ایلخانی مالیات از صورت شرعی بیرون رفته بود و غازان خان

۱- (۱) .ابوعبید،ص۶۸.

۲- (۲) .ابوعبید،ص۵۰۴.

۳- (۳) .ابن مسکویه،ج۵،ص ۲۲۰.

۴- (۴) .ابن مسکویه،ج۷،ص۹۲.

۵- (۵) .مقریزی،خطط،ج۱،ص ۳۱۱.

۶- (۶) .مقریزی،ج۱،ص۳۱۲و۳۱۳.

اصلاحات بسیاری در امر آن انجام داد که در آن از زکات اسلامی نامی برده نشده است؛اما در دوره عثمانی زکات یکی از منابع درآمد دولت محسوب می شد. (۱)

ب)خمس

دومین منبع درآمد بیت المال مسلمین«خمس»است؛بخشی از خمس حقوق بیت المال بوده که سهم پیامبر صلی الله علیه و آله است و در راه مصالح عمومی به حسب اجتهاد امام صرف می گردد.بخش دیگر آن متعلق به ذوی القربی است که خارج از حقوق بیت المال است و بخش سوم متعلق به مساکین و ایتام و ابن السبیل است که بیت المال حافظ آنها است.خمس نیز مانند زکات از جمله درآمدهای دولت ها و قدرت های محلی در جزیره العرب پیش از اسلام بوده است؛ (۲)اسلام تصرف در غنایم جنگ را به نفع وضع اجتماعی تغییر داد و آن را از محدوده قدرت حاکم درآورد.اجرای نخستین خمس در دولت پیامبر صلی الله علیه و آله در سال دوم هجرت و در روز یوم الفرقان(جنگ بدر)بود. (۳)همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله در قراردادهایی که با قبایل داشت خمس غنایم را طلب می کرد. (۴)قرآن خمس خاص اسلامی را بیان نموده و موارد کسب آن را از سه طریق قرار داده است:

۱.اموال فیء؛اموالی که با صلح و بدون جنگ در اختیار مسلمانان قرار گرفت؛فیء و غنیمت،عمده ترین درآمد بیت المال و دولت بود.منابع تاریخ عصر اموی آمار درآمد دولت از راه فیء را حدود نه میلیون درهم و سه میلیون دینار نوشته اند.

۱- (۱) .احمد یاغی،ص۷۶.

۲- (۲) .علی،ج۵،ص۲۰۰.

۳- (۳) .شهابی،ج۱،ص۲۲۶.

۴- (۴) .حمیدالله،ص۱۳۵.

۲.خمس در غنیمت؛

۳.خمس در معادن و گنج.

«فیء»مالی است که مسلمانان بدون جنگ به دست آورده اند و مصرف آن براساس سوره حشر،به پنج مورد تقسیم می شود: ما أَفاءَ اللّهُ عَلی رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُری فَلِلّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینِ وَ ابْنِ السَّبِیلِ . (۱)

«غنیمت»اموالی را گویند که از راه جنگ به دست مسلمانان رسیده است و مصارف آن در آیه شریفه وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْ ءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینِ وَ ابْنِ السَّبِیلِ (۲)تبیین شده است.

حلیت استفاده از غنایم به موجب دستور خدا و اختصاص چهار پنجم آن به محاربین،تدبیر به جایی بود که در پیشرفت اسلام و تشویق رزمندگان اسلام نقش بسیار مهمی ایفاء کرد. (۳)

امّا عملکرد دولت ها در طول تاریخ نشان می دهد که قوانین خمس در تشکیلات اسلامی نهادینه نشد؛به ویژه در دوره اموی که خمس افزایش پیدا کرد و در زمان«حجاج»غنیمت فتوحات«سند»،به ۱۲۰ میلیون درهم رسید،اما خمس آن به بیت المال تعلق نگرفت. (۴)بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله،خلفا شیوه واحدی برای تقسیم غنیمت-براساس سیره ایشان که اجرای آیات خمس در قرآن بود-نداشتند؛درحالی که به یقین اجرای سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در مصرف کردن خمس غنایم براساس منطق تشریعی قرآن باعث جلوگیری از ایجاد مالکیت های عمده

۱- (۱) .حشر،آیه۷.

۲- (۲) .انفال،آیه۴۱.

۳- (۳) .اجتهادی،ص۲۹۲.

۴- (۴) .بلاذری،ص۴۲۷.

شخصی می شد؛اما این سیره هیچ گاه اجرا نشد؛زیرا سهم گروهی از صحابه از غنایم به حدی بود که آن را چندین قاطر حمل می کرد. (۱)

درآمد غنایم،یکی از اقلام عمده دولت غزنوی است.از جمله غنایم هند در سال های ۴۰۰،۳۹۸،۳۹۶،۳۹۳ هجری محمود غزنوی از معبد«قلعه نگارپوت»،هفتاد میلیون درهم مسکوک به دست آورد و از معبد«سومنات»نیز به سال ۴۱۶هنیز غنایمی به ارزش بیست میلیون دینار به چنگ آورد؛ (۲)وی این اموال را به عنوان غنایم جنگی حلال می دانست؛در عصر غزنوی نیز قوانین خمس،شکل اداری در نظام مالی دولت های اسلامی پیدا نکرد.مقریزی از نوعی خمس یاد کرده است که در دوره ایوبیان از تجار رومی که وارد بنادر مصر می شدند،گرفته می شد.بنا به گزارشی که آورده،خمس حاصل از کالاهای رومی در بندر اسکندریه در سال ۵۸۷ هجری،بیست و هشت هزار و ششصد و سیزده دینار بوده است. (۳)

ج)عشور

«عشور»یکی از منابع مهم درآمد دولت ها و بیت المال بوده است.عشور سابقه بسیار طولانی در جزیره العرب (۴)و دولت ساسانی و دولت بیزانس و روم دارد و در دولت عربی اسلامی از زمان خلیفه دوم مالیات هایی شبیه مکوس(مالیات های غیرشرعی)به اندازه ربع العشر از بازرگانان مسلمان و نصف العشر از بازرگانان اهل ذمه اخذ می شد.همچنین بازرگانانی که از خارج برای بازرگانی وارد دارالاسلام می شدند،دولت از آنها عشر می گرفت که این مالیات یک بار در

۱- (۱) .مقدمه ابن خلدون،ص۳۶۳.

۲- (۲) .ابن اثیر،ج۸،ص ۴۸،۴۰، ۵۰ و ۱۴۸.

۳- (۳) .مقریزی،ج۱،ص۳۱۳.

۴- (۴) .علی،ج۵،ص۳۰۷.

سال اخذ می شد؛ (۱)آنها هرگاه از شهری به شهر دیگری مسافرت می کردند،«عاشر»که کارمند جمع آوری عشور بود،رسیدی مبنی بر اخذ عشر به بازرگان می داد.برخی از مورخان گزارش کرده اند که حدی خاص برای مالیات عشر از اموال بازرگانان را تعیین نشده بود،اما در روایتی آمده است خلیفه دوم به ابوموسی اشعری در عراق نوشت که از بازرگانان مسلمان ۲/۵٪و از بازرگانان اهل ذمه ۵٪و از اهل حرب ۱۰٪عشر بگیرند. (۲)ماوردی ادعا می کند مالیات اعشار از اموال تجاری بین بلاد گرفته می شود و اخذ آن شرعی نیست و میزانی برای آن تعیین نشده و با تمسک به روایت:«قال رسول الله صلی الله علیه و آله:«شرالناس العشارون الحشارون»آن را غیراسلامی دانسته است. (۳)

در مناطقی از عراق مراکز ویژه ای به نام«خانه مکوس»تأسیس شد.در سواحل رودها در بصره و بنادر خلیج فارس نیز برای جلوگیری از عبور کشتی ها پیش از پرداخت مالیات(عشور)،مراکزی خاص تأسیس شد.واژه مکوس بر انواع مالیات های غیرشرعی نیز اطلاق گردیده است. (۴)این مالیات ها در همه دولت های اسلامی به چشم می خورد که برخی گزارش های آنها به دست ما رسیده است.همچنین یکی از علل قیام موحدین علیه مرابطین،افزایش مالیات های غیر شرعی مکوس بوده است.در اصطلاحات دیوانی ماوردی نیز دیوانی تحت عنوان«دیوان العشر»آمده است. (۵)

۱- (۱) .شیبانی،ص۱۴۲.

۲- (۲) .شیبانی،ص۶،۱۶؛یحیی بن آدم،ج۱،ص۱۱،۴،۱۲۹.

۳- (۳) .ماوردی،ص ۲۶۰.

۴- (۴) .شیبانی،ص۱۶۴.

۵- (۵) .ماوردی،ص۱۸۲.

د)جزیه

اشاره

مالیات«جزیه»از مهم ترین درآمدهای دولت اسلامی در سده اول هجری و نشانه نخستین روابط دولت اسلامی با اهل ذمه است؛بدین صورت که دولت اسلامی در مقابل دریافت مبالغی،امنیت اهل ذمه را تأمین می کرد و آنها را به رسمیت می شناخت.تخمین معاهدات صلح و اخذ جزیه در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفت.در عهد راشدین هم از معاهده صلح با دهقانان منطقه«ابله»باید یاد کرد که طبق آن دهقانان این منطقه روی زمین های خود براساس پرداخت جزیه باقی ماندند. (۱)مسلمانان با اهالی حیره نیز با اخذ صد و نود هزار درهم جزیه،صلح کردند. (۲)همچنین در سال ۲۲ هجری مسلمانان با مردم ری براساس پرداخت ۵۰۰ هزار درهم جزیه صلح کردند. (۳)و مردم آذربایجان نیز با پرداخت هشتصد هزار درهم جزیه،صلح کردند. (۴)ماوردی در تعریف جزیه و خراج،تفاوت آنها را بر شمرده است؛به عقیده او جزیه و خراج دو حقی است که خداوند برای مسلمانان نسبت به مشرکین واجب گردانیده است.

وجوه مشترک جزیه و خراج

۱.هر دو از مشرکان،کوچک و بزرگ آنها اخذ می شود؛ (۵)

۲.هر دو جزو اموال فیء است و در راه اهل فیء خرج و هزینه می شوند؛

۳.وجوب هر دو زمانمند است و با گذشت روز و سال می آید و پیش از آن واجب نیست.

۱- (۱) .طبری،ج۲،ص۳۱۱.

۲- (۲) .طبری،ج۲،ص۳۱۹.

۳- (۳) .طبری،ج۲،ص۵۳۷؛بلاذری،ص۳۱۴.

۴- (۴) .طبری،بلاذری،ص۳۲۰.

۵- (۵) .ماوردی،ص۱۸۳،۱۸۵،۱۸۷.

موارد اختلاف بین جزیه و خراج

۱.جزیه بر پایه نص است،اما خراج بر پایه اجتهاد؛

۲.حداقل جزیه در شرع تعیین شده است و تعیین اکثر آن با اجتهاد است؛اما تعیین اقل و اکثر خراج با اجتهاد است؛

۳.خراج با وجود کفر و اسلام اخذ می شود،اما جزیه با اسلام ساقط می شود.

اخذ جزیه بر پایه نص آیه ۲۹ سوره توبه است: قاتِلُوا الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَ لا بِالْیَوْمِ الْآخِرِ وَ لا یُحَرِّمُونَ ما حَرَّمَ اللّهُ وَ رَسُولُهُ وَ لا یَدِینُونَ دِینَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ حَتّی یُعْطُوا الْجِزْیَهَ عَنْ یَدٍ وَ هُمْ صاغِرُونَ .

جزیه جایگاه بسیار مهمی در شکل گیری نظام اداری مسلمانان و توسعه و نفوذ آن در سرزمین های جدید داشته است؛این سامانه و برقراری آن به مفهوم برقراری نفوذ دولت اسلامی و پذیرش دولت اسلامی از سوی مردم سرزمین های فتح شده به عنوان دولت است.عملیات خراج و جزیه جزو گسترده ترین عملیات تشکیلاتی در صدر اسلام است که می توان آن را هسته اصلی تشکیلات مرکزی اسلامی و حقیقت تشکیلات اسلامی دانست.در دیدگاه اداری،مسلمانان و اهل ذمه،شهروند دولت اسلامی هستند و باید از خدمات عمومی دولت به یکسان برخوردار شوند و از حقوق مساوی بهره مند باشند و باید حقوق بشر در خصوص غیر مسلمانان رعایت شود.جزیه را می توان در ردیف حقوق بین الملل خصوصی قرار داد؛ (۱)زیرا یکی از انواع مهم مالیات است که از اهل ذمه در برابر حمایت دولت از آنها (۲)و تضمین سلامت آنها در شهرها و مناطق سکونتشان اخذ

۱- (۱) .صبحی صالح،ص۳۶۳.

۲- (۲) .همان.

می شد.جزیه شامل یهود،نصارا و مجوس بود؛ (۱)چراکه دولت اسلامی مجوس را بنا به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله از اهل کتاب شمرد؛زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله از مجوس بحرین جزیه گرفت و فرمود با آنها مانند اهل کتاب رفتار کنید.جزیه با ورود ذمی به اسلام قطع می شد.

میزان جزیه در مناطق مختلف به حسب توانایی مردم آن جا متفاوت بوده و میانگین آن معمولاً بر سه صنف از مردم تقسیم می شد (۲)که در سال،۴۸ درهم بر ثروتمندان،۲۴ درهم بر مردم طبقه متوسط و ۱۲ درهم بر افراد پایین تر از این تعلّق می گرفت.(۳)رهبران منطقه و دهقانان،مسئول جمع جزیه و ارایه آن به صاحب خراج یا امیر بودند.دولت از دهقانان به علت آگاهی کافی از مناطق خود در امر جمع جزیه کمک می گرفت؛این امر به تدریج موجب تشکیل برنامه ای شبیه ضمان در جمع جزیه شد؛بدین معنا که جزیه هر آبادی در ذمه یکی از دهقانان یا یکی از بزرگان بومی و یا کارمندان اداری بومی بود که متعهد به پرداخت مقدار معینی به دولت بود و جمع جزیه به هر شکل به عهده او بود که شواهد بسیاری بر ستمگری این ضامن وجود دارد. (۴)

جزیه یونان،روم،ساسانیان و بیزانسی ها هفت برابر جزیه ای بود که اسلام بر اهل ذمه نهاد (۵)اسلام در دریافت جزیه تسامح بسیار داشته و رعایت حقوق انسانی اهل ذمه را کرده است؛در حقیقت اهل ذمه با پرداخت این مقدار جزیه شهروند می شدند

۱- (۱) .ماوردی،ص ۱۸۱.

۲- (۲) .شیبانی،ص ۲۴۵.

۳- (۳) .یحیی بن آدم،ص ۲۳.

۴- (۴) .تاریخ قم،صفحات متعدد.

۵- (۵) .صبحی صالح،ص ۳۶۴؛احکام اهل الذمه،ص ۴۹.

و تحت پوشش امنیت دولت اسلامی بودند.در مسئله جمع کنندگان مالیات به سخن پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد عذاب کسی که به اهل کتاب ظلم کند یا او را به کار فوق طاقت او مجبور کند،استناد کرده اند.این کلام پیامبر صلی الله علیه و آله در مواضع برخی فقهای عراق در خصوص تسامح با اهل کتاب نیز منعکس شده است.مسئله جزیه اهل کتاب و اهل ذمه بلافاصله پس از عصر پیامبر صلی الله علیه و آله شکل حکومتی پیدا کرد؛به طوری که نخستین دستورالعمل اداری در رابطه با اهل ذمه،تکلیف اهل ذمه را از محدوده احکام شرعی صرف به حکم حکومتی حاکم اسلامی تبدیل کرد و این موضوع جایگاهی اداری در تشکیلات دولت اسلامی یافت.مورخان اداری،از نخستین اقدام اداری خلیفه دوم در خصوص رفتار با اهل ذمه با عنوان«الشروطه العمریه»یاد کرده اند. (۱)در دوره اموی،عباسی و به ویژه در عصر فاطمی و ممالیک،مسئله جزیه و برخورد با اهل ذمه در رأس تشکیلات اداری بوده که این مسئله محل صدور فتاوای مختلف علما و رفتارهای متفاوت دولت ها دراین باره بوده است.در این دوران همواره اهل ذمه بین افراط و تفریط در تساهل و یا خشونت بیش از حد دولت ها قرار داشتند؛تساهل با به کارگیری آنها در مناصب اداری و سخت گیری(خشونت)با وضع محدودیت های اجتماعی و تعهد به پرداخت مالیات های جدید صورت می گرفت.در عصر ممالیک،شروط عمریه احیا شد و مسیحیان متعهد به پرداخت ۷۰۰۰ دینار علاوه بر مالیات سالیانه جزیه شدند.دیوان الجوالی یا دیوان ذمه،از عصر عباسی تا دوران ممالیک امور مربوط به مالیات سرانه اهل ذمه را اجرا و نظارت می نمود.

ه).خراج

خراج در اصطلاح تشکیلاتی مالی است که بر زمین وضع می شود و براساس

۱- (۱) .طرطوشی،ص۱۳۶.

آن صاحبان زمین موظف به پرداخت حقوق مالی به دولت به عنوان مالیات خراج هستند.خراج واژه ای قرآنی است فَخَراجُ رَبِّکَ خَیْرٌ وَ هُوَ خَیْرُ الرّازِقِینَ (۱)و در ادبیات عرب سابقه ای طولانی دارد.

خراج در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و عصر راشدین و تا حدودی در عصر اموی در قالب نظام اداری مالی جایگاه خاصی میان مسلمانان به دست آورد و وسیله حفظ آرامش و امنیت و عامل آبادی شهرها و وسیله حکومت گردید.در بین حاکمان اسلامی حضرت علی علیه السلام بر استقلال و سادگی و علل استمرار آن تأکید کرده است:«به احوال خراج گزاران رسیدگی کن که وضعشان را بهبود بخشد،چه صلاح امر خراج و خراج گزاران مایه آسایش دیگران است و کارها جز به درستی خراج گیری وخراج گزاری راست نیاید که همه مردم جیره خواران خراج و خراج گزارانند»؛ (۲)این کلام حضرت علیه السلام در مقام خلیفه چهارم و عالی ترین فرد در رأس تشکیلات اداری ایراد شده که بیانگر اهمیت خراج در تشکیلات اداری است.

اهمیت حیاتی خراج در حفظ خلافت اسلامی،بر نقش اداری و سیاسی و اقتصادی آن افزود.شکل نهایی و کلاسیک«دیوان خراج»در عصر عباسی به وجود آمد؛به طوری که از خصوصیت های اصلی نظام مالی مسلمانان شد.دیوان های خراج ولایتی در حکم خزائن دولتی بود و پس از وضع حقوق کارمندان و سپاهیان و هزینه های جاری دولتی بقیه به بیت المال بغداد فرستاده می شد.درآمد دیوان خراج،پایه درآمدهای دولت بود.در دولت های اسلامی-به ویژه خلافت بغداد-دیوان خراج توسعه فوق العاده ای یافت و اصطلاحات

۱- (۱) .مؤمنون،آیه ۷۲؛ماوردی،ص ۱۷۶.

۲- (۲) .نهج البلاغه نامه ها،ص ۵۲۷.

گسترده و متعدد در این مورد نشانگر آن است.بخش بزرگی از کار دولت ها صرف خراج و مسائل مربوط به آن می شد و عمّال خراج در دیوان خراج ولایات،در حکم نماینده خلافت بودند.به تدریج جزیه و بسیاری از درآمدهای دولت زیر مجموعه ای از خراج گردید،عملیات اداری خراج،بزرگ ترین فعالیت دولت ها شد و دفاتر و ادارات و اصطلاحات و کارگزاران بسیاری پیدا کرد.خوارزمی ۴۰ مورد از مصطلحات دیوان خراج در قرن چهارم هجری را نام برده است که به نوعی وصف اداره مالیات و شرع عملیات وظایف دبیران آن است،اسامی که او آورده حاکی از چهار قرن تجارب مسلمانان در این امر است.

پس از نخستین مرحله فتوح اسلامی،بزرگ ترین پدیده اقتصادی،زمین های کشاورزی بسیار گسترده ای بود که به تصرف فاتحان درآمد.حاکمان دولت های جنوبی و قدرت طلبان حجاز و دولت ساسانی و روم،قرن ها تجربه دریافت مالیات از زمین های زراعی را در پرونده خود دارند و دیوان خراج،مهم ترین دیوان دولت ساسانی است.مسلمانان بسیاری از رسوم دیوان خراج ایرانی را اقتباس کردند و تقسیمات پیچیده کشاورزی و آبیاری عراق را بنا به رسوم و تقویم ایرانی پذیرفتند.آنها زمین های کشاورزی را در اختیار صاحبانشان قرار دادند و از آنان براساس قوانین ایرانی مالیات سالانه می گرفتند. (۱)دیوان های خراج ساسانی به همان شکل باقی ماند و حتی زبان دیوان ها تا یک قرن همچنان فارسی بود.چنان که گفته شد،دیوان خراج قم تا نیمه قرن سوم همچنان فارسی بود و دبیران ایرانی آن را اداره می کردند. (۲)

۱- (۱) .محمدی،ص۹۳؛ابن اثیر،ج۱،ص۴۰۷.

۲- (۲) .حسن قمی،ص۲۴،۳۹،۸۹.

۲-دیوان خراج در سازمان اداری عصر عباسی دوم و فاطمیان

از ویژگی های نظام مالیاتی اسلامی در عصر دوم عباسی،نظام منحصر به فرد مالیاتی نسبت به اروپا در قرون وسطا است که نشانه پیشرفت تشکیلات اسلامی در قرن چهارم می باشد و برخی محققان معاصر به آن اذعان کرده اند:«...حساب بودجه دولتی سال ۳۰۶ هجری را که براساس بودجه سال ۳۰۳ هجری بوده است در دست داریم؛بودجه عمومی،مانند دفاتر دیوان خراج به دو باب استخراج(دخل)و نفقات(خرج)و خرج نیز به دو قسمت هزینه های مستمر و اتفاقی تقسیم می شد و مثل زمان ما معمولاً کسری داشت.در این تراز میزان خراج عراق و خوزستان و فارس و ایران به صورت نقدی آمده است،در حالی که تا سال ۲۶۰ هجری عین جنس یا قیمت آن به طلا ثبت می شد.این نشانه پیشرفت نظام مالی شرق اسلامی در قرن چهارم است. (۱)

در عصر فاطمی از دیوان خراج با عنوان«دیوان الهلالی»یاد شده است (۲)که مالیات ها و مُکوس(عوارض)و حق عبور و مرور در بنادر فاطمیان را جمع آوری می کرد.منابع مالی عصر فاطمی را به دو بخش هلالی یا مُکوس که بر چراگاه ها،آب،صیدگاه،کالا،خوانیت،کشتار و ذبح بازار بردگان و حاجیان وضع می شد،تقسیم کردند.

مقریزی در بابی با عنوان«ذکر خراج مصر فی الاسلام»پس از گزارش تاریخی امر خراج از عصر پیامبر و تاریخ خراج در مصر،وارد امر خراج در عصر فاطمی شده و بنا بر منابع بومی خراج مصر،از قول قاضی ابوالحسن در کتاب المنهاج فی علم الخراج آورده است.او گزارشی از میزان خراج دیوان هلالی و

۱- (۱) .متز،ج۲،ص۱۳۴.

۲- (۲) .قلقشندی،ج۳،ص۴۹۱.

دیوان خراجی ارایه کرده و سپس در بیان اقسام مال مصر،آن را به دو دسته خراجی و هلالی تقسیم کرده و هر یک را به طور کامل با ذکر موارد مثال توضیح داده است. (۱)او مال خراجی را شرعی و بر اساس قوانین اسلام دانسته و مواردی از آن مانند خراج زمین،باغات و دامداری بر شمرده است و خراج هلالی را نامشروع و از این که موارد آن متعدد است و به وسیله و الیان بدکار وضع شده،یاد کرده است (۲)و مواردی از آن در عهد طولونی و فاطمی و ایوبی با نام مُکوس(ثم اعبدت الاموال الهلالیه وصارت تعرف بالمکوس)را نام برده است؛مانند مالیات کارخانه قند،مالیات کالاها و قافله ها،مالیات بر نمک،مالیات بر بازار دامداران و عبور آنها،مالیات پنبه و... (۳)او هشتاد و هشت مورد از مُکوس در عصر اواخر فاطمی در قاهره را ذکر کرده است.

عراق،ولایت مرکزی و پایتخت و محل استقرار اداره مرکزی بود و عاملان خراج به طور مستقیم پیرو حکومت بغداد بودند که در رأس آن خلیفه قرار داشت و به ندرت عامل خراج از بین و الیان انتخاب می شد.شدت هرج و مرج مالیاتی باعث تأسیس دیوانی جدید در عصر عباسی مانند«دیوان محاسبات»امروزی شد که دیوان«زمام الازمه»نام داشت و همه دیوان ها را مورد بررسی قرار می داد. (۴)

خوارزمی اصطلاحاتی براساس تشکیلات سامانیان از جمله دیوان خراج آورده است که سیمای اداری و دفاتر زیرمجموعه دیوان خراج را نشان می دهد.او اصطلاحات یکی از فنون اخذ مالیات به وسیله مسلمانان که حاصل سه قرن

۱- (۱) .مقریزی،خطط،ج ۱،ص ۲۹۰-۳۰۰.

۲- (۲) .مقریزی،همان،ج ۱،ص ۲۹۶.

۳- (۳) .مقریزی،همان،ص ۲۹۸-۳۰۲.

۴- (۴) .جهشیاری،ص ۱۲۵.

تجربه دولت های مسلمان در این امر است را نیز بیان کرده است؛برخی از واژه های دیوان خراج که مأموران خراج بسیاری از دولت های اسلامی تا قرن چهارم هجری در عملیات اخذ مالیات به کار می برده اند عبارت است از:«قانون الخراج»یا«آیین جمع مالیات»یا«جبایت»؛«أوارج»دفتری که مالیات افراد در آن ثبت می شد؛«روزنامج»محل یادداشت روزانه در خصوص امور مالیاتی؛«خَتْمَه»، گزارش ماهیانه خزانه دار و تحصیل دار مالیات؛«کهبد»؛«جهبذ»خزانه دار مالیات؛«ختمه الجامعه»گزارش بیلان سالیانه خراج؛«تأریج»و فَیء،خَراج،عَشْر،صدقات الماشیه،کَراع،حشری،رِکاز،سیب البحر،خُمس،جِزیه،مال الجوالی،مال الجماجم،مَکْس(باج)،طَسْق،إستان،إقطاع،طُعمه،ایغار،تسویغ،حطیطه،افتتاح الخراج،تقریر،حاصل،باقی،عِبْرَه،واقعه،راتبه،نقفات العارضه،رائج،مُنْکسر،مُتَعَذِّر،محسوب،مردود،حَزْز خَرس،تخمین،مفارقه،مرافته،مصادره،مصالحه،تَلجِئَه. [(۱)](#)خوارزمی این کتاب را در دهه های پایانی قرن چهارم هجری نوشته است. [(۲)](#)دایره عمل دیوان خراج نظارت بر همه امور مالیاتی اراضی بود.جهشیاری از مجلس«اسکدار»در دیوان خراج نام برده است که مشترک بین دیوان خراج و دیوان رسائل بود.همچنین کاتبان دیوان خراج نسخه هایی از اسناد مالی را حفظ می کردند.

بخش عمده ای از درآمد دولت غزنوی مربوط به خراجی و هدایایی بود که از دولت های وابسته به خود دریافت می کرد که از این درآمد با عنوان«مال ضمان»یا«مواضعه»یاد کرده اند و به معنای خراج مقرر بر طبق قرارداد یا توافق بود.«زیاریان»دیلمی طبرستان و گرگان،«مسافریان»دیلم و«روادیان»آذربایجان،

۱- (۱) .خوارزمی،ص ۶۲-۶۴.

۲- (۲) .مقدمه خوارزمی.

بخشی از بویهیهان و بسیاری از دولت های کوچک محلی هند،خراج گزار محمود و سلاطین غزنوی بودند. (۱)

مقریزی گزارش های مفصلی از تاریخ خراج مصر تا عصر خود آورده و شیوه های محاسبه خراج را تشریح کرده است و انواع زمین ها در مصر پس از فتوحات اسلامی را دسته بندی نموده و احکام آنها را نوشته است. (۲)او می نویسد مال مصر در عصر ما دو گونه است:۱.مال خراجی ۲.مال هلالی.مال خراجی از اراضی و محصولات آنها اعم از میوه جات،نخلستان و حبوبات و انگور گرفته می شود و مال هلالی مالیاتی جدید است که حد و حصر ندارد.

۳-جایگاه درآمد اقطاع در تشکیلات اداری مسلمانان

اشاره

اقطاع از دیگر روش های جاری درآمد مالیاتی پیش از اسلام در مناطق مختلف ایرانی،عربی و رومی بوده است.ابن اثیر گزارشی از اقطاع در حوادث سال ۲۵ هجری داده است که رئیس سپاه شام در منطقه ای از ارمنستان با صاحب مَکس بُسفُرجان برخورد نمود و با او به اقطاع بلادش صلح کرد. (۳)این گزارش نشان می دهد که حاکمان پیش از اسلام در مناطق تازه فتح شده با مفهوم اقطاع آشنا بوده اند؛اما در دوره اسلامی،اقطاع،اصطلاحی اسلامی شد. (۴)ماوردی بحث مفصلی درباره اقطاع تملیک-که آغاز آن به عصر رسول صلی الله علیه و آله برمی گردد-نموده است؛با این توضیح که پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار اقطاع تملیک،استفاده از محصولات و بهره برداری از ناحیه ای را

۱- (۱) .ابن اثیر،ج۸،ص۵۵،۱۲۳،۱۴۸.

۲- (۲) .مقریزی،خطط،ج۱،ص۲۹۶.

۳- (۳) .ابن اثیر،ج۲،ص۴۷۹؛طبری،ج۵،ص۳۱۳؛بلاذری،ص۲۰۵.

۴- (۴) .ماوردی،ص۲۳۹.

به طور موقت به افراد واگذار می کرد که از این کار با عنوان«طعمه»یاد شده است و این طعمه به تدریج در عنوان«اقطاع استغلال»به کار رفت.ماوردی ابتدا برخی از اقطاعات الرسول صلی الله علیه و آله را با ذکر نوع آن آورده است (۱)و سپس به اقطاع استغلال پرداخته و آن را در دو نوع،اقطاع عشر و اقطاع خراج مطرح کرده است. (۲)او اقطاع عشر را جایز ندانسته است،اما در مورد اقطاع خراج،مستحق ترین افراد به آن را طبقه نظامی دانسته است؛زیرا کار آنها حمایت از بیضه اسلام است. (۳)

عصر اموی،با سوء استفاده فراوان از قطایع مواجه بود؛به طوری که در سال ۸۲ هجری،به بهانه سوختن دیوان،هر قومی همه قطایع خود را تصاحب نمود.اقطاع تملیک و به ویژه اقطاع استغلال و ارفاق،در عصر عباسی گسترش یافت و در عهد غزنوی و سلجوقی و ایلخانی،بخشی از دیوان ارتش شد و اداره اقطاعات کاری نظامی محسوب می شد.مسئله مهم در بحث اقطاع-از حیث تطور آن در تشکیلات اسلامی از عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و دولت ها پس از ایشان-این است که اقطاعات رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمین های بایر و بدون مالک،با انگیزه خدمت رسانی بوده است،اما اقطاعات خلیفه دوم و سوم و اقطاعات امویان و عباسیان و سلاطین وابسته به آنها،مخالف اقطاعات الرسول است؛زیرا اقطاع استغلال وسیله ای برای رشد اقتصادی و سیاسی هواداران حزب حاکم شد؛عثمان این سیره زشت را بنا نهاد و اقطاعات بسیاری به بنی امیه داد.

تا حدود اوایل خلافت عباسی،حاکم موظف بود همه اموال خراج را به بیت المال تحویل دهد و سپس حقوق خود و کارمندان را از بیت المال مرکزی

۱- (۱) .ماوردی،ص ۲۴۰-۲۴۴.

۲- (۲) .ماوردی،ص۲۴۵.

۳- (۳) .ماوردی،ص۲۴۴.

دریافت کند؛اگرچه در دولت سامانی نیز این روش معمول بود و سامانیان اقطاع نداشتند،اما در خلافت عباسی به تدریج این روش متروک شد و«مقاطعه»معمول شد و اندکی بعد در زمان مقتدر بالله مقاطعه به اقطاع تبدیل شد و اقطاع به دلیل نیاز روزافزون دولت به اموال برای ساختن قصر و حقوق سپاهیان و هزینه جنگ بر ضد شورشیان و نیز هزینه های شخصی خلفای عصر عباسی،افزایش فوق العاده ای یافت و بدین ترتیب قانونی شد.

دیوان های مالی اقطاع در عصر بویهی،غزنوی و سلجوقی

اقطاع استغلال در دوران متأخر عباسی و هنگامی که بویهیان و سلجوقیان بر دولت بغداد مسلط شدند،رواج پیدا کرد؛به گونه ای که اقطاع نظامی برای تأمین هزینه های نظامی و حقوق و ارزاق جنگ،شکل کلاسیک در تشکیلات مالی پیدا کرد و دیوان مقطعات مهم ترین دیوان اقتصادی شد. (۱)و جایگاه مهمی در اداره مرکزی خلافت و سلطنت بویهی و سلجوقی پیدا کرد.وظیفه وزیر تعیین میزان خراج اقطاعات عسگری بود و رشوه و وساطات و هدایا نقش اصلی در تعیین میزان خراج داشت.برخی سرداران بزرگ به دلیل نفوذ بسیار زیاد خود از پرداخت مالیات قانونی معاف بودند.آگاهی اندک اداری و هزینه کمرشکن دخالت ارتش و نظامیان در امر سیاست در دوره نفوذ بویهی و پس از آن منجر به افزایش اقطاعات نظامی شد؛ (۲)ازاین رو معزالدوله اقطاعات متعددی به جای حقوق به نظامیان می داد،اما این اقطاعات هرگز به ملک آنها درنمی آمد و امیر بویهی حق استرداد آنها را داشت. (۳)

۱- (۱) .ابن فوطی،ص۲۰۷؛قلقشندی،صبح الاعشی،ج۳،ص۴۸۹.

۲- (۲) .ابن مسکویه،ج۷،ص۳۸۶.

۳- (۳) .ابن مسکویه،ج۷،ص۲۹۲.

اقطاع و طعمه در عصر بویهی (۱)محدود به بخشی از زمین زراعی در سرزمین معینی نبود،بلکه در مواردی یک ولایت در اقطاع یک فرد قرار می گرفت.وقتی سرداران ترک-پس از معتصم در قرن سوم هجری-در بغداد به قدرت رسیدند ولایات و مناصب دولتی در مقابل پرداخت مالی معین به خزانه،به افراد تحویل داده می شد که به آن«نظام التضمینات»می گفتند.

«نظام تقبل و التزام»نیز از انواع باطل خراج عصر عباسی است. (۲)از نظام التزام و تقبل در عصر متأخر عباسی،در زمان سلطه بویهی و سلجوقی بر خلافت عباسی بیشتر سوء استفاده شد؛چراکه شخص ملتزم بیشترین فشار را به مردم وارد می کرد تا مالی را که باید به بیت المال بپردازد،از طریق مردم کسب کند.در اقطاعات نظامی،فرماندهان نظامی جمع کننده مالیات بودند و اقطاع نظامی به مفهوم حکومت و ولایت بود.هنگامی که معزالدوله،عراق و اعمال آن را تصرف کردند،او همه این منطقه وسیع را به سپاهیان خود به صورت اقطاع داد.مقطعین حق هر کاری را در قطعیه خود داشتند.آنها زمین های کشاورزی را نابود و زمین های جدیدی را از معزالدوله طلب کردند و اوضاع به همین منوال بود.بسیاری از این مُقْطِعین در مناطق اقطاع خود مستقر نمی شدند،بلکه نمایندگانی را در آن مناطق مستقر می کردند و این نمایندگان،ستم های فراوانی به مردم وارد نموده و محصولات را چپاول و اموال مردم را مصادره می کردند.

دوره سلجوقی دوره احیای مجدد اقطاع و گسترش شکل جدید اقطاع در ایران است؛این پدیده مورد تحقیق مستقل بسیاری از محققان معاصر بوده است. (۳)

۱- (۱) .خوارزمی،ص۶۲.

۲- (۲) .ماوردی،ص۱۶۸.

۳- (۳) .لمبتون،مالک زارع،ص۱۲۱.

اقطاع عصر سلجوقی با اقطاع عصر بویهی و سامانی و غزنوی تفاوت فاحش داشت؛زیرا اقطاع به صورت«نان پاره»یا«جرایه الخبز»موقتی در اختیار نظامیان قرار می گرفت (۱)که نوع جدیدی از اقطاع بود؛ازاین رو وزیر سلجوقی(خواجه نظام الملک)در صدد ایجاد نظمی جدید در اقطاع برآمد.او فصلی را با عنوان«اندر مقطعان»آورده است که در آن بر ضرورت سرکشی و نظارت دائم بر عملکرد و رفتار مقطعان با رعایا،زبان به نصیحت گشوده است. (۲)

در عصر استیلای مغول،اراضی ایران نابود شد و غازان خان حکمی خاص در سراسر ایران برای آبادی زمین ها صادر نمود.(۳)در دوره عثمانی هم بیشتر اراضی مملکت عثمانی،اراضی امیریه یا دولتی بود و دولت آنها را به صورت تیول می داد.اقطاع در عصر عثمانی استمرار نظام اقطاع سلجوقی و ایلخانی است؛سلطان عثمانی در برابر خدمات امرا و درخشش نظامی نیروهای مسلح،به آنان اقطاع تیول می داد که در اصطلاح به اقطاعات نظامی،«سنجق»می گفتند و اقطاعی را«سنجق بیک»می نامیدند.اقطاعات بر حسب درآمد به اقطاع کوچک،اقطاع زعامت،اقطاع خاص تقسیم می شد.در مناطقی هم که اقطاع را پذیرفته نشد،دولت نظام التزام را به اجرا درآورد. (۴)

۴-دیوان استیفاء

«دیوان استیفاء»مهم ترین دیوان اقتصادی است که ایرانیان مسلمان در عصر

۱- (۱) .قلقشندی،صبح الاعشی،ج۱۱،ص۴۲.

۲- (۲) .نظام الملک،ص۳۴.

۳- (۳) .اقبال،ص۲۹۹.

۴- (۴) .احمد یاغی،ص۷۶،۷۷.

سامانی،غزنوی و سلجوقی تأسیس کردند و توسعه نهایی دیوان خراج است.در رأس این دیوان،بالاترین مقام کشوری پس از سلطان سلجوقی قرار داشت.دیوان استیفاء بر همه امور مالی مربوط به جمع درآمد خراج از سراسر مملکت نظارت می کرد؛مستوفی در دارالاستیفاء مستقر می شد و نایبانی به بلاد مختلف می فرستاد.گزارش های متعددی از احکام سلاطین غزنوی،سامانی و سلجوقی در مورد افرادی که به مقام مستوفی رسیده اند وجود دارد که وظایف خرج و ضبط محاسبات در آنها شرح داده شده است. (۱)«آقچه»واحد پول عصر سلجوقی است و ابواب المال،اتاوات اجراء،اخراجات،ادرار،ارتفاع افتتاح الخراج،و استخراج،اوراج،ایغار،باقی،بارز،نجم،برات،عبره،موافقت،بُندار(بنه دار)از جمله اصطلاحات فنی دیوان استیفاء است.

دیوان استیفا و ادارات و مشاغل مربوط به آن در عصر صفوی و پس از آن در دوره قاجار گسترش فوق العاده ای پیدا کرد و مهم ترین اداره و دیوان مالی عصر صفوی شد.مستوفی،حسابدار عالی بود که وظیفه او نظارت بر جمیع امور مالی است.در رأس نظام استیفاء«مستوفی الممالک»قرار داشت که در شمار امرای دربار صفوی است؛ (۲)مستوفی سرکار خاصه،حسابدار دفترخانه خاصه بود و هم ردیف مستوفی الممالک قرار داشت؛مستوفی موقوفات خاصه و ممالک نیز به عنوان رئیس حسابداری نزد وزیر اوقاف کار می کرد. (۳)مستوفی اصفهان،رئیس حسابداری وزیر اصفهان بود. (۴)مستوفی ارباب التحاصیل هم بر کلیه نقل و انتقالات مالی در بیوتات و

۱- (۱) .بیهقی،صفحات متعدد.

۲- (۲) .میرزا رفیعا،ص۴۰۷.

۳- (۳) .همان،ص۴۱۵.

۴- (۴) .همان،ص۴۲۰.

خانـدان سـلطنتی نظـارت می کرد و نـه کـاتب در سـرکار او فعـالیت می کردنـد؛ (۱)مسـتوفی نظام،و مسـتوفی المال،از دیگر اصطلاحات این اداره است.

۵-درآمد وقف

وقف از منابع مهم درآمد دیوان بیت المال در دولت های اسـلامی و از بزرگ ترین فعالیت های اقتصادی جوامع اسـلامی بوده است که مـالی هنگفت به جـامعه تزریـق می کرد.دیوان وقف که از آن در مغرب و انـدلس بـا عنوان«دیوان احبـاس»یـاد شـده است،دیوان و اداره بسـیار گسترده ای بود و مجموعه بزرگی از«شاطر»و«مشرف»و«مناول»و«ناظر»و«خازن»در آن کار می کردند و مـأمور نظـارت بر اجرای وقف و تـأمین صـحیح درآمـد از منـابع اوقـاف بودنـد.بخش اعظمی از بودجه بیمارسـتان هـا-مانند بیمارسـتان عضـدی در عصـر آل بویه-و کتابخـانه ها و مراکز آموزشـی از ناحیه وقف تأمین می شـد.در عصـر سـلجوقی وقف آموزشـی نیز گسترش یـافت؛وقف نـامه نظامیه ها نمونه ای از تأمین درآمـد از راه وقف است که به وسـیله خواجه نظام الملک تعییـن شـده است و تـأمین درآمـد ایـن مراکز آموزشی از طریـق اوقـاف بیـان می کنـد.در عصـر ایلخـانی در وقـف نـامه ربع رشـیدی،صـورت کـاملی از درآمـد ایـن مؤسـسه بزرگ آموزشـی از راه وقـف و فهرسـت کامـل موقوفـات آن آمـده اسـت. (۲)عایدات اوقاف املاک شَنْب غازان،در سال،صد تومان مغولی(دوکرور)بود. (۳)

وقف در مصر عصر مملوکی نیز منبع بزرگ درآمد برای اداره امور مؤسسات

۱- (۱) .همان،ص۴۴۷.

۲- (۲) .طبیب،صفحات متعدد.

۳- (۳) .اقبال،ص۳۰۶.

دینی و آموزشی،خانقاه ها،بنای کتابخانه ها و امور نظامی و اجتماعی و مذهبی بود.مقریزی گزارش های مفصلی در خصوص اوقاف و درآمدهای آن در مصر آورده است. (۱)در دوره عثمانی و صفوی حجم درآمد اوقاف به حدی بود که دستگاه دیوانی بزرگی برای اداره اوقاف پدید آمد که شرح آن خواهد آمد.

۶-تخلفات مالیاتی و تعمیم مصادیق مالیات

با توسعه دولت،هزینه ها و مطالبات آن افزایش پیدا کرد و درآمدها کم شد.این موضوع موجب به وجود آمدن نظام التزام و شکل گیری مالیات های جدید و وضع آنها بر انواع محصولات و خدمات شد.بنابراین کسب درآمد از راه تعمیم مصادیق مالیات انجام می گرفت و این کار سنت ثابتی در خلافت اموی و عباسی و دولت های وابسته آن(غزنویان،بویهیان و سلجوقیان)و نیز دولت های ایرانی پس از آنها(ایلخانان و صفویه)شد.

این دولت ها در کنار خراجی،مالیات هایی که در عصر پیش از اسلام متروک شده بود را برقرار نمودند و مالیات غیراسلامی بر مشاغل و اصناف قرار دادند.میزان این مالیات ها معین نبود و تعیین آن به عهده و الی بود.این فشارهای مالیاتی در عهد حجاج بن یوسف،به حدّ انفجار خود رسید که منجر به اصلاحات در دوره خلافت عمربن

۱- (۱) .مقریزی،سلوک،ج۱،ص۵۲۰؛مقریزی خطط،ج۲و۳،صفحات متعدد.

عبـدالعزیز شد؛او برخی از مالیات های جدید را لغو کرد.در مورد اصالت یا بی اصالتی اصـلاحات عمربن عبدالعزیز بحث های گسترده ای در بین محققـان اسـلامی و خاورشـناسان صـورت گرفته است و برخی از آن بـا عنـوان«رفرم اموی»یـاد کرده انـد. (۱)مخالفات مالیاتی و فساد مالی بنی امیه پیش از عمربن عبـدالعزیز،عنوان تحقیقاتی است که در مورد رفتار مالی آنها صورت گرفته است.به گفته برخی منابع علت تجاوزات مالی بنی امیه این بود که این سلسـله در حقیقت با شکل قانونی بیعت روی کار نیامدنـد و قـدرت را بـه زور کسب کردنـد و به شـکل ارثی انتقـال دادنـد و لـذا مجبـور به انجـام مخالفـات و تجـاوزات مـالی بودنـد،قطب موارد مخالفـات مـالی آنهـا را ذکر و بررسـی کرده است؛از جمله تجاوزات مالی آنها،محروم ساختن بنی هاشم از حقوق مالی شان بود. (۲)

در خراسان و ماوراءالنهر به ویژه در زمان ولایت عبدالله بن اشـرس(۱۱۱۱۰۹ه)انحراف مالیاتی صورت گرفت و وی رفرم اموی را برای سلطه بر مردم اجرا نمود؛او اعلام کرد:«هرکس مسلمان شود از جزیه معاف باشد».اما چندی بعد عامل خراج او نامه ای به وی نـوشت که:«مردم اسـلام آوردنـد و مسـجدها ساختنـد؛از چه کسـی خراج و جزیه بگیریم!در حـالی که همه مردم از بیخ عرب شـده انـد.»اشـرس در پاسخ هانی(عامل خراج خود)نوشت:«خراج را مثل سابق از کسانی که قبلاً می گرفته اید بگیرید.»و بـدین ترتیب آنـان جزیه را دوباره بر مسـلمانان برقرار کردنـد. (۳)برخی محققـان این حـادثه مالیاتی را توطئه مشترک اشـراف عرب و فئودال های ایرانی خراسان و ماوراءالنهر علیه مبارزان اصلاح طلب دانسته اند. (۴)کسب درآمد هر چه بیشتر از راه پیدا کردن مالیات های نامشروع جدید،با تغییر خلافت اموی به وسیله عباسیان،استمرار و افزایش یافت.

در عصر عباسی و دولت های وابسته به آن مالیات های جدیدی وضع شد؛از مصادیق هرج و مرج مالیاتی و ظلم آشکار خلاف قانون در مالیات،وضع

۱- (۱) .الخطیب،ص۱۲۸.

۲- (۲) .قطب،ص۹.

۳- (۳) .طبری،ج۴،ص ۱۳۰.

۴- (۴) .الخطیب،ص ۱۴۱.

مالیات های جدید در«اقلیم قم»است.«مالیات مشاهره»از جمله مالیات هایی بود که دولت دیلمی وابسته به خلافت عباسی،در سال ۳۲۷ هجری از مردم قم به صورت ماهیانه می گرفت. (۱)خراج«ولدالاب»نیز نوعی مالیات خارج از عرف بود که در عصر اموی و عباسی اجرا شد.این مالیات در عصر بویهی،در قم و سایر ولایات از اعضای خانواده های اعیان گردآوری و به اقوام بی چیز آنان داده می شد.تاریخ قم تنها منبع معتبری است که گزارش های مفصلی از این خراج دارد. (۲)دوره غزنوی،دوره توسعه هرج و مرج مالیاتی و استفاده از انواع گسترده ای از مالیات های غیرشرعی جهت تأمین درآمد بیت المال است؛علاوه بر انواع مرسوم خراج شرعی، (۳)باج هایی مانند«اسعار»یا مالیات بر آذوقه و عوارض و نیز«مالیات جنسی»از محصولات نباتی،حیوانات اهلی،پنبه،تخم مرغ،انار،پوست و بوریا از مردم گرفته می شد.طوسی از این پدیده با عنوان«خَرج حق»یاد کرده است.«...از رعیت جز خرج حق مستان...»؛منظور خراج و مالیات شرعی و قانونی در کنار باج و مُکوس و اتاوه است که ناحق و غیرشرعی است. (۴)سخت گیری عامل مالیات[بندار]در عصر غزنوی در جمع مالیات،شهرهای ایران را به جهنم تبدیل کرد؛از جمله در رفتار با مردم آمل،مسعود غزنوی تصمیم گرفت نه تنها خراج عقب افتاده را از مردم این دیار وصول کند بلکه سرانه یک دینار نیز از مردم آمل بگیرد.او گمان می کرد تعداد آنان به یک میلیون نفر برسد،اما پس از چهار روز غارت شهر، ۱۶۰ هزار دینار جمع کرد و شهر را به آتش کشید و بهشت آمل را

۱- (۱) .حسن قمی،ص۱۶۴.

۲- (۲) .حسن قمی،صفحات متعدد.

۳- (۳) .خوارزمی،ص۶۱و۶۲.

۴- (۴) .نظام الملک،ص۲۷.

به دوزخی مبدل کرد،خبر آنچه مسعود در آمل کرد تا مکه رفت.

ابن خلدون و مقریزی نیز از پدیده توسعه مالیات های غیرشرعی در مصر و شام و تونس یاد کرده اند.ابن خلدون آن را نوعی پدیده سیاسی-اقتصادی-اجتماعی دانسته و بابی را به آن اختصاص داده است. (۱)به عقیده او از نشانه های انحطاط دولت،وضع مالیات های ناحق و ناروا از نوع مُکوس به وسیله دولت هاست،«فی ضرب المُکوس اواخر الدوله».او دخالت سلطان در امر بازرگانی را علت فساد مالیاتی دانسته و به این نتیجه در حوزه اقتصاد سیاسی رسیده است که دخالت سلطان در تجارت،موجب فساد و انحطاط قدرت دولت و از بین رفتن منافع جبایت و نظام مالیاتی است،زیرا این نظام هنگامی مفید به حال دولت و جامعه است که رعایت عدالت در مورد صاحبان اموال بشود؛اما وقتی سلطان وارد تجارت شد،مجبور می شود بر مردم انواع مالیات وضع کند تا به سرعت اموالی جمع کند؛بدون این که مالیات پرداخت کند:«فی ان التجاره من السلطان مضره بالرعایا مفسده للجبایه».مقریزی نیز با اختصاص بخشی با عنوان«فی ذکر خراج مصر فی الاسلام»سیر خراج در شهرهای مصر،از خراج حق به خراج ناحق و مُکوس را به طور مفصل بررسی نموده است. (۲)او آغاز فساد مالیاتی در مصر را از دولت طولونیان دانسته است و میزان دخالت دولت های مصر در این امر را مطرح کرده است.

مالیات در عصر ایلخانی با قوانین غازان خان شکل منظمی گرفت.او«یاساهایی»را وضع کرد و قوانین مالی هر ولایت را جداگانه تنظیم کرد؛بیتکچیان(منشیان جمع و خرج)،ایلچیان(مأموران برید)و حکّام،از کارگزاران

۱- (۱) .ابن خلدون،مقدمه،۴۹۶-۵۰۱.

۲- (۲) .مقریزی،خطط،ج۱،ص۲۸۴-۳۰۰.

مالیات بودند. (۱)پس از فروپاشی مغول،مالیات با تحولاتی مواجه شد؛به طوری که مالیات های اسلامی کم رنگ شد و بار دیگر مالیات قبچور(مالیات جنسی)در کنار مالیات خراج نشست که از مالیات های ستمگرانه تحمیلی بر جمعیت یکجانشین محسوب می شد (۲)و بدین ترتیب مالیات شکل باج و خراج به خود گرفت.

مالیات تجارت،تمغا،عوارض گمرکی،باج،عوارض راه و راهداری از مالیات های عصر تیموری است و در زمان«اوزون حسن»مالیات های خاصی تعیین شد که به«قانون حسن»معروف شد. (۳)«قانون نامه حسن بیگی»،در دوران صفویه و تا قرن شانزدهم میلادی رواج داشت،چون با درایت تمام وضع شده بود. (۴)در عصر صفوی نیز مالیات های جدیدی در نظام مالی ایران به وجود آمد که از جمله آنها مالیات صناعات(اصناف)بود. (۵)مالیات بر عوارض گمرکی،از اقلام عمده درآمد دولت صفوی است؛چراکه گمرکات ایران در بندرعباس،حجم عمده ای از تجارت دریایی را به خود اختصاص داده بود.در اواخر دولت صفویه،کمپانی هند شرقی انگلیس در ازای کمک به ایران در تصرف هرمز،نصف حقوق گمرکی را در بندرعباس صاحب شد. (۶)در دوره عثمانی هم مالیات های عشریه،جزیه،زکات و مالیات اداری،محلی از اقلام دارایی دولت عثمانی بود. (۷)

ص:۲۳۴

۱- (۱) .اقبال،ص۲۸۹.

۲- (۲) .پژوهش کمبریج،عصر تیموری،ص۲۴۸و۲۴۹.

۳- (۳) .همان،ج۸،ص۲۵.

۴- (۴) .هینتس،ص ۱۳۰.

۵- (۵) .میرزا رفیعا،ص۲۵۲.

۶- (۶) .کمبریج،ص۲۷۸.

۷- (۷) .احمد یاغی،ص۷۵.

۷-درآمدهای اتفاقی،طیارات،اجتذابات

متون تاریخی به نوعی از درآمدها اشاره کرده اند که هیچ گونه زمینه و جایگاه دولتی شرعی و قانونی از پیش تعیین شده ندارد؛ازاین رو آنها را جزو اقلامی از درآمد قرار داده اند که به تصادف حاصل می شود و آن را«طیارات»و یا«اجتذابات»نامیده اند؛برای مثال تصرف املاك بی وارث را جزو این درآمدها دانسته اند. (۱)

۸-هزینه های دولت در تشکیلات اسلامی

اشاره

دو رکن اصلی بخش مالی تشکیلات اسلامی،دخل و خرج است. (۲)ماوردی فصلی را با عنوان«و هو ما یختص ببیت المال من دخل وخرج»آورده است.درآمد ممالك شرقی خلافت عباسی ۲۷۷/۷۱۵/۳۴۰ درهم و ممالك مغرب ۴/۷۷۰/۰۰۰ درهم بود.جمع درآمد مالیاتی عباسیان در ایام معتصم و نیمه قرن سوم هجری براساس صورت منقول«قدامه بن جعفر»و براساس صورت«ابن خردادبه»،و سیاهه ابن خلدون،میسر است. (۳)نمونه ها و سیاهه هایی از هزینه های دولت های اسلامی نیز وجود دارد.

مهم ترین هزینه های تشکیلات اسلامی در دولت های مختلف دوره اسلامی عبارتند از:

الف)عطا و دیوان عطا

«عطا»،نقطه آغاز تشکیلات اسلامی است.ماوردی در تعریف دیوان و آغاز وضع آن،انگیزه تشکیل آن را به تقسیمات و مراتب پرداخت عطا برگردانده

ص:۲۳۵

۱- (۱) .باسورث،ص۶۶.

۲- (۲) .ماوردی،ص۲۶۶.

۳- (۳) .ابن خردادبه؛ابن خلدون،مقدمه.

است. (۱)ماوردی،شرایط عمومی ثبت نام افراد در دیوان عطا و شرایط خاص آن را ذکر نموده و سپس به چگونگی تقدیر عطا و ملاک های آن پرداخته است؛دولت در صدر اسلام به بیشتر ساکنان عرب،سالانه مقدار معینی مال می پرداخت که آن را عطا می گفتند؛عطا به مبارزان نیز به نسبت معینی از مال نقدی و عینی بود که در ازای کار آنها در ارتش و آمادگی دائم در دفاع از دولت و عقاید اسلامی اعطا می شد.مال عطا در صدر اسلام از غنایم و مالیات اقالیم تأمین می شد و فتوحات اسلامی اموال زیادی را نصیب بیت المال مدینه نمود.در دیوان عطا گروهی کاتب آگاه از انساب،دستور مردم را بر حسب منزلت و جایگاه و رتبه ثبت نام می کردند. (۲)

هزینه اصلی تشکیلات اسلامی،پرداخت عطا به مبارزان و خانواده های آنان بود و این امر در عصر اموی همچنان ادامه یافت؛به طوری که لشکر شصت هزار نفری شام،شصت میلیون درهم(هر نفر هزار درهم)حقوق دریافت می کرد،در حالی که حقوق هر سرباز در عصر خلیفه دوم به سیصد درهم می رسید.لشکر مصر در عصر خلیفه اول اموی چهل هزار نفر بودند که هر کدام دویست دینار می گرفتند،و با این حال ششصد هزار دینار از خراج مصر باقی می ماند که آن را به شام می فرستادند. (۳)از جمله هزینه های دولت در عصر اموی،علاوه بر پرداخت مقرری و عطا،تجهیز و تأسیس یگان های جدید در ارتش مانند یگان طواویس(سپاه طاووسان)بود که در سال ۸۰ هجری،مجهز به اسبان تندرو و سلاح کامل شد. (۴)بنای شهرها و پادگان های

۱- (۱) .ماوردی،ص۲۵۳.

۲- (۲) .قلقشندی،صبح الاعشی،ج۱،ص۱۲۵.

۳- (۳) .مقریزی،ج۱،ص۹۴و۹۵.

۴- (۴) .طبری،ج۳،ص۶۱۶.

نظامی نیز از هزینه های مستمر حکومت اموی بود.حجاج بن یوسف ثقفی،عامل امویان در شرق عراق،شهر نظامی واسط را با هزینه بسیاری برای انجام نقل و انتقالات سیاسی بنا کرد. (۱)از جمله فهرست خراجی که تاریخ سیستان در قرن سوم هجری آورده است،۲۰۰/۰۰۰ درهم درآمد از وجوه مالیاتی عصر عمرو بن لیث ۲۸۸/۲۶۷م است.قسمت عمده از این مبلغ صرف حقوق نظامیان و مسائل نظامی و جلب رضایت و خرسندی نظامیان می شده و مقدار اندک باقیمانده صرف اهداف مذهبی و فرهنگی می شده است.در عصر غزنوی نیز هزینه های جنگی به علت سفرهای جنگی فوری که سلطان تدارک می دید بسیار بالا بود؛چراکه ترتیب یک سفر جنگی نیازمند تأمین هزینه های مقدماتی بود که آذوقه و حمل و نقل تجهیزات ویژه هزینه بالایی داشت.همچنین هزینه زندگی سلاطین غزنوی که بسیار تجمّلاتی بودند،خیلی سنگین بود.

معتصم عباسی به دلایل سیاسی،عطای ارتش مصر را در ۲۱۸ هجری را قطع کرد که این سیاست باعث تضعیف و نابودی قدرت عرب در مصر شد (۲)بخش اعظمی از بودجه نظامی در عصر معتصم،برای سرکوب شورش«بابک خرم دین»و سایر شورشیان هزینه شد.

ب)حقوق کارمندان

بخشی از هزینه های دولت صرف پرداخت ماهیانه و نفقه و ارزاق کارگزاران دولت و نفقه اولاد آنها بود.گزارش هایی از مقرری کارمندان در منابع آمده است؛

ص:۲۳۷

۱- (۱) .ابن اثیر،ج۴،ص۲۲۲.

۲- (۲) .مقریزی،ج۱،ص۹۴،۳۱۱.

برای مثال جمع هزینه حقوق دربار معتضدالدوله عباسی در یک روز ۶۱۹۷۴ دینار بود. (۱)ماوردی نیز به گوشه ای از حقوق و عطای کارمندان دولت پرداخته است. (۲)دیوان سالاری گسترده مسلمانان،همواره محل مصرف حجم زیادی از سرمایه دولت ها بود.مشاهره دبیران دیوان رسالت در آغاز پادشاهی مسعود غزنوی،به ۷۰/۰۰۰ درهم می رسید. (۳)

طبیعی و قانونی ترین مجرای پرداخت حقوق کارمندان،قاضیان،عاملان،مشرفان و صاحب خبران،از بیت المال است؛زیرا باید در رفاه باشند تا طمع به مال مردم نکنند.خواجه نظام الملک در مورد حقوق مشرفان و کفاف ایشان تأکید بسیار دارد و می نویسد:«...که ایشان را آنچ به کار آید،از مشاهره از بیت المال بدهند تا ایشان به خیانت کردن و به رشوت ستدن محتاج نباشند...». (۴)

در عصر صفوی مشاغل و مناصب اداری و دیوانی درآمدهای بالایی داشتند که مواجب،تیول،انعام،برات و تنخواه،از جمله درآمدهای صاحب منصبان بود.مداخل سپه سالاری و نقد اجناس،به ترتیب،۱۷۴۶۴ تومان و ۷۲۹۸ دینار مشخص شده که از محال آذربایجان و عراق برداشته شده است. (۵)انواع حقوق کارمندان دولت را ضابطه نویس به جهت دیوان ضبط می کرد (۶)و این کار بخشی از وظایف او بود.

۱- (۱) .زیدان،ص ۲۸۱.

۲- (۲) .ماوردی،ص ۲۵۷.

۳- (۳) .بیهقی،ج ۱،ص ۱۶۲.

۴- (۴) .نظام الملک،ص ۷۲.

۵- (۵) .میرزا رفیعا،ص ۱۹۲.

۶- (۶) .همان،ص ۲۶۹.

ج)هزینه های فرهنگی و عمرانی

انجام کارهای فرهنگی و تبلیغی مانند نشر اسلام و زبان عربی،آموزش قرآن،بنای مساجد و تعمیر آنها،ساخت رباط و مکتب خانه ها،زکات و صدقات به فقراء،خدمات عمومی،لایروبی رودها،ساخت بیمارستان،ضرب سکه جدید و محو سکه های قدیمی،تأمین امنیت داخلی،ساخت و تعمیر و استحکام دیوار شهرها،ساخت کارخانه های نساجی و کاغذسازی،هزینه جنگ های دائمی با بیزانس و سرکوب آشوب های داخلی،از جمله هزینه ها در فهرست نفقات تشکیلات اسلامی است.در عصر عباسی نیز بخش عمده ای از هزینه ها صرف ساختن اماکن عمومی،بیمارستان و لایروبی رودها می شد.گاهی اوقات دولت هزینه امور عمرانی را به طور مستقیم از مردم تأمین می کرد؛برای مثال خلیفه عباسی برای تعمیر و بنای باروی بغداد،مبلغ پانزده هزار دینار هزینه آن را بر مردم تقسیط کرد،ولی ابونصر(وزیر وی)همه آن مبلغ را به عهده گرفت و از مال خویش از طرف مردم ادا کرد. (۱)در زمینه هزینه های خلافت و سلطنت در دولت های اسلامی،دیوان های مختلفی ایجاد شد که ذکر آنها به درازا می کشد؛از جمله آنها«دیوان نفقات خاصه»بود که در اختیار رجال عالی رتبه بود (۲)که وظیفه آن تأمین و نظارت بر هزینه های ویژه دربار بود.اداره«نفقات العارضه و النفقات الحادثه» (۳)نیز از جمله اداراتی بود که به خرج های پیش بینی نشده می پرداخت. (۴)

۱- (۱) .ابن طقطقی،ص۴۱۲.

۲- (۲) .طبری،ج۵،ص۲۱۴.

۳- (۳) .ابن مسکویه،ج۵،ص۳۲۶.

۴- (۴) .خوارزمی،ص۶۳.

هزینه های بیت المال به اجتهاد شخصی خلیفه را-چنان که ذکر شد-به عصر عثمان نسبت داده اند.بخشش این هدایا توسط او از بیت المال،موجب آغاز فتنه گری شد که منجر به قتل عثمان گردید.ابی ذر غفاری نخستین صحابی است که این رفتار معاویه و عثمان را مورد انتقاد شدید قرار داد و تبعید شد؛ازاین رو می توان گفت عدم دقت در هزینه های دیوان بیت المال که رکن اصلی تشکیلات اسلامی است،نقطه آغاز تنش های سیاسی است.

د)هزینه های شخصی خلفا

هزینه های شخصی خلفا از بیت المال و اعطای بیت المال به اقوام و نزدیکان،از عصر خلیفه سوم آغاز شد.در دوره امویان تبذیر بیت المال و استفاده شخصی از آن روند فزاینده ای یافت و در عصر عباسی برخی از خلفا در هزینه کردن بیت المال به شهرت رسیدند آمارهای بسیاری از سوی مورخان درباره هزینه های خلفا ثبت شده است که به چند مورد از آنها اشاره می کنیم:

هزینه روزانه کاخ مأمون(م۲۲۰ه)شش هزار دینار بود. (۱)مقتدر عباسی(م۳۲۰ه)در تبذیر بیت المال مثال زدنی است؛ابن مسکویه در کتاب خود بابی را با عنوان«تبذیرالمقتدر»آورده است.به گزارش او مقتدر حدود هفتاد میلیون دینار تلف کرد. (۲)

خلاصه فصل،نتایج و منابع بیشتر برای مطالعه

اولین بحرانی که مسلمانان در صدر اسلام با آن برخورد کردند،چگونگی

۱- (۱) .ابن طقطقی،ص۲۰۷.

۲- (۲) .ابن مسکویه،ج۵،ص۳۲۲.

مصرف بیت المال بود.مسلمانان پس از فتوحات،صاحب اموال منقول و غیرمنقول دو امپراتوری بزرگ جهانی شدند و بیت المالی بسیار غنی تأسیس کردند.نقطه آغاز تشکیلات اقتصادی در جوامع اسلامی به تأسیس سازمان هایی باز می گردد که مسئولیت تنظیم و هزینه مالیات ها و درآمدهای شرعی دولت اسلامی را بر عهده داشتند.از زمان تأسیس دیوان عطا و دیوان خراج در صدر اسلام تا تشکیل دیوان استیفاء در عصر سلجوقی تحولات سیاسی،نظامی و اقتصادی بسیاری صورت گرفت.

بسیاری از خاورشناسان به پیشرفت و توسعه اقتصادی جوامع اسلامی پس از ظهور اسلام به دلیل تأسیس ادارات و توسعه و پیشرفت سازمان های مالیات تأکید کرده اند.در طی دوره اسلامی نیز دولت های اسلامی با چالش های بزرگی در عرصه مالیات روبه رو شدند که نخستین توفان در عصر خلیفه اول پدید آمد و همچنان در دولت های اسلامی این بحران مالیاتی حفظ شد.بحران مالیات ها همواره از عوامل اساسی انحطاط و سقوط دولت های اسلامی بوده است؛اما با این وجود،سیاست مالی امویان و عباسیان و به ویژه سلاجقه با ایجاد انواع جدیدی از مالیات ها استمرار پیدا کرد؛به طوری که دولت های اسلامی مجموعه های بسیار بزرگی از تجارت اقتصادی در عرصه اداره امور مالی جوامع اسلامی در تاریخ تمدن و تاریخ اقتصاد بشری به جا گذاشته اند.

توسعه تجارت و رفاه اقتصادی مردم و ابزارهای اقتصاد اسلامی در قرن چهارم هجری،از پدیده های تاریخ اقتصاد جهانی است که اسناد بسیاری از فهرست فعالیت های اقتصادی مسلمانان در قرون وسطا وجود دارد.اقتصاد اسلامی پیشرفتی در نظام اقتصادی ایران و روم و مرحله ای اساسی در توسعه اقتصاد در جوامع انسانی است.سازمان اداری مسلمانان،سازمانی یکپارچه و

دقیق بود که به وسیله خلیفه کنترل می شد و بدین جهت دولت نوظهور اسلامی،چهره مالی جهان را تغییر داد.مالیات های شرعی اسلامی به وسیله خاورشناسان بسیاری مورد تحقیق قرار گرفته است.بخش عمده ای از منابع تاریخ تشکیلات اسلامی به امور مالی و مالیات ها پرداخته است؛از جمله تحقیقات مستقل و گسترده راجع به مالیات های شرعی اسلامی از صدر اسلام تا قرن سوم هجری،کتاب الخراج ونظم المالیه السلامیه،نوشته«ضیاءالدین رئیس»است که گزارش های مالی سه قرن فعالیت های اقتصادی دولت های اسلامی را بررسی کرده است؛متز (Metz) فعالیت های اقتصادی این دولت ها را تا قرن چهارم بررسی کرده و آن را نقطه عطفی در فعالیت های اقتصادی در تاریخ اقتصاد جهانی دانسته است.اشپولر نیز شکوفایی اقتصادی قرن چهارم هجری را به طور مفصل بررسی کرده است تحقیقات خاورشناسان در امور مالی مسلمانان به قدری گسترده و دقیق و قابل توجه است که از منابع اصلی تاریخ تشکیلات اسلامی در امور مالی به حساب می آید؛به طوری که چندین مدخل از EI (۱)به موضوعات مالی تاریخ تشکیلات اسلامی پرداخته است.

ص:۲۴۲

۱- (۱) .ر.ک: EI مجلدات مختلف.

سازمان نظامی مسلمانان یا«دیوان جُند»

مقدمه

تحقیق در مورد تشکیلات نظامی عربی-اسلامی از صدر اسلام تا اواخر عصر عباسی،از مهم ترین مظاهر تمدن در قرون وسطا است.از این تشکیلات با نام های دیوان جُند،دیوان جِیش و دیوان سپاه در متون اسلامی یاد شده است.مسلمانان،ضمن استفاده از سازمان های نظامی پیش از اسلام،با نیروی ایمان و نیز عملیات گسترده و طولانی نظامی،در کم تر از یک قرن سرزمین های بسیاری را با ساده ترین وسایل نظامی یعنی اسب و شمشیر فتح کردند.ازاین رو برخی خاورشناسان مغرض،ظهور اسلام و گسترش آن را پدیده ای نظامی جلوه داده اند و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را چهره ای نظامی معرفی کرده اند.امّا عظمت پیام قرآن و فرهنگ اسلام که مبارزان صدر اسلام تنها هدف خود را ترویج آن اعلام می کردند،به اندازه ای بزرگ است که این دستاوردهای نظامی در کنار آن،بسیار کوچک است.

دیوان جُند از شکل ساده آن که در مدینه معروف به«دیوان المدینه»بود به سازمان نظامی گسترده ای تبدیل شد که ده ها دفتر و اداره مختلف و هزاران

صنعت گر و مهندس و صاحبان حرفه در آن مشغول به کار شدند.آنها کارگاه های بزرگ ساخت اسلحه و مهمات ایجاد کردند و موفق به تولید سلاح های جدیدی شدند.شکل ساده دیوان جُند در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و تحولات دیوان جُند از عصر پیامبر صلی الله علیه و آله تا خلافت عثمانی و سلطنت صفوی در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-سیره نظامی پیامبر صلی الله علیه و آله

اولین رئیس دیوان جند

اشاره

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در رأس دیوان جند،خطوط کلی جنگ در اسلام را ترسیم کرده اند و در عین حال به عنوان یکی از نیروهای نظامی حضور مستقیم در جنگ ها دانسته اند و در عمل نیز برخی از فنون نظامی را به کار گرفته اند.وجه اهمیت دیوان جند در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله تعلیم این خطوط کلی است که کیفیت جنگ های اسلامی را برای همیشه تعیین کرده است.

در فرهنگ اسلامی،خطوط اصلی جنگ و دفاع و مشروعیت جنگ،در تقسیم جوامع به جوامع اسلامی و غیراسلامی[دارالسلام و دارالکفر]است.بر این اساس مقصود از دفاع و جنگ اسلامی،فراهم ساختن زمینه امنیت جامعه اسلامی(دارالاسلام)در برابر تجاوزات و فتنه های دارالکفر است و این جهاد و جنگ باید با کم ترین خونریزی باشد: وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَها وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . (۱)اهداف نوزده مورد از ۲۷ جنگی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هدایت آن را بر عهده داشت،بدون خون ریزی حاصل شد و این غیر از ۴۷ سریه ای است

۱- (۱) .انفال،آیه ۶۱.

که با فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله انجام گرفت. (۱)تعداد غزوات پیامبر را ۲۶ و شمار سرایا را ۴۸،۴۷،۳۶،۳۵ و ۵۳ هم نوشته اند. (۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله مجاهدان مسلمان را پیش از حرکت به سوی جنگ با توصیه های سازنده ارشاد می نمود.مجموعه ای عظیم از توصیه ها و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در فنون و حقوق جنگ و صلح و هدنه،(نه صلح نه جنگ)در منابع روایی و آیات الاحکام قرآنی وجود دارد که بسیاری از آنها از سوی محققان بررسی شده است؛برخی از آنها عبارت است از:

۱-اصول ثابت جنگ و صلح؛

قوانین مسالمت و معاهدات و پیمان ها،که با عنوان«السیر»از آنها یاد شده است.مهم ترین این اصول عبارتند از:

الف)جلوگیری از جنگ و خونریزی؛

ب)احترام به معاهدات و پیمان ها؛

ج)دادن امان به پناهندگان؛

د)اهمیت در جنگ به اسرا و مجروحان.

۲-آمادگی دایم؛

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله توجه خاصی به بسیج همگانی و آمادگی دایم مسلمانان برای جنگ نشان می داد و آنها را تشویق می کرد که استعداد جنگی خود را پرورش دهند و همواره برای حوادث آماده باشند.این توصیه در حقیقت مطابق با منطق قرآن است که می فرماید: وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَیْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللّهِ وَ عَدُوَّکُمْ (۳)بر این اساس پیامبر صلی الله علیه و آله سلسله دستوراتی در

۱- (۱) .طبری،ج۲،ص۲۰۷؛واقدی،ج۱و۲،صفحات متعدد.

۲- (۲) .کتانی،ص۱۵۳؛الاستیعاب،ج۱،ص۱۴۵.

۳- (۳) .انفال،آیه ۶۰.

مورد آموزش های نظامی همچون تیراندازی و تمرین مداوم آن صادر فرمودند؛چنان که مسلمانان را به سوارکاری و تربیت اسب به عنوان یکی از بسترها و هنرهای رزمی تشویق می کردند.تدارک بیش از شصت عملیات نظامی در عصر نبوی باعث شد که مسلمانان در زمینه فنون نظامی تجارب گسترده ای به دست آورند.آنان در تیراندازی،کسب اطلاعات،هجوم،دفاع و محاصره دشمن بسیار رشد کردند.مهارت برخی از جنگجویان مسلمان در تیراندازی به حدّی رسید که آنها را«رماه الحدق»(هدف گیران چشم!)می نامیدند که به هدف چشم دشمن تیر می انداختند.

نام عرب پیش از اسلام با جنگ و شمشیر مقرون بوده است؛پیامبر صلی الله علیه و آله نیز با بیان جملاتی چون«الجنه تحت ظلال السیوف؛بهشت زیر سایه شمشیرها است». (۱)نیروی جنگاوری عرب را در مسیر پیشبرد اهداف اسلام به کار گرفت و به شمشیرهای آنها انگیزه و توان دینی بخشید.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مسلمانان را در مناسبت های مختلف به تمرین تیراندازی و پرتاب نیزه تشویق می کرد.آنان از درختان سخت،چون«النّبعْ»و«الشَوْحط»نیزه های کارآمدی می ساختند.نیزه در جنگ های عرب کاربرد گسترده ای داشت و پیامبر رزم آورانش را به کاربرد آن تشویق می کرد.ایشان در تشویق استفاده از نیزه می فرمایند:«جُعل رزقی تحت ظل رمحی»و«بهذه وبرماح القناه تفتحون البلاد».روزی من در سایه نیزه من است به این کمان و با نیزه ها سرزمین ها فتح می گردد. (۲)

۱- (۱) .الصالح،ص۵۰۵.

۲- (۲) .صبحی صالح،ص۵۰۵؛صحیح بخاری،ج۱۴،ص۱۹۲.

پیامبر صلی الله علیه و آله در این احادیث،آینده شکوهمند نظامی قوم خود را پیش گویی فرمودند (۱)همچنین درباره کمان می فرمود:«سلاحی بهتر از آن هرگز نیامده است!»

بیشترین هشدارهای پیامبر صلی الله علیه و آله راجع به قطع تمرین و آمادگی در تیراندازی بود؛زیرا همواره بیم آن می رفت که سطح قدرت نظامی نیروها کاهش بیابد.ایشان در مناسبتی فرمود:«هرکس تیراندازی را پس از فراگیری ترک کند،نعمتی را انکار نموده است»و در تفسیر آیه ۶۰ سوره انفال می فرمود:مراد از«قوه»همان تیراندازی است. (۲)

۳-رازداری؛

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر اهمیت کسب آگاهی از وضعیت پیش از انجام عملیات جنگی تأکید داشت.ایشان عبدالله بن جحش را در سال دوم هجرت،پیش از جنگ بدر همراه با هشت تن فرستاد و به او نامه ای نوشت و دستور داد تا پیش از رسیدن به مقصد نامه را باز نکند و پس از دو روز حرکت نامه را بخواند؛وقتی عبدالله نامه را گشود در آن چنین آمده بود:«هرگاه در نامه من نگاه کردی حرکت کن تا در نخله(جایی بین مکه و مدینه)فرود آیی و مراقب قریش باش و از تحرکات آنها مرا آگاه کن». (۳)توصیه پیامبر در این داستان،آموزش نهایت رازداری است.

۴-نظم و آرایش نظامی؛

از دیگر پیشرفت های نظامی در عصر رسول صلی الله علیه و آله،نظم نیروها و آرایش های نظامی است که پیامبر صلی الله علیه و آله در فتح مکه به کار برد.سان دیدن پیامبر از سپاه در روز فتح مکه،مقاومت دشمن را در هم شکست،و گام نخست در تأسیس دیوان عرض تلقی شد.در روایت مشهور عرض سپاه

۱- (۱) .صبحی صالح،ص۵۰۵.

۲- (۲) .صبحی صالح،ص۵۰۷؛الفروسیه،ابن قیم،جوزیه،ص۱۵.

۳- (۳) .ابن هشام،ج۴،ص ۱۸۴ بعد.

پیامبر صلی الله علیه و آله از مقابل رئیس مکه،تصریح شده است که به واسطه نظام و قدرت این سپاه،ترس بر دشمن مستولی شد.همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله در جمع کتیبه خضراء-که رژه سپاه پیامبر صلی الله علیه و آله در آرایش کتایب سبز و سفید بود و سپاه ایشان به صورت یگان هایی از کتایب تنظیم شده بود-پوشیده در آهن بود و میان سپاه حرکت می کرد؛ (۱)از این حدیث با عنوان«پیامبر صلی الله علیه و آله رایه سپاه را در کجا مستقر کرد.»یاد شده است که اهمیت آرایش در جنگ را نشان می دهد.

حادثه فتح مکه،نمونه ای از راهبردی از آموزش عملی شیوه جنگی در سیره پیامبر است که به مبانی و اصول کلی جنگ و صلح که فرماندهان باید طبق آنها رفتار کنند،اشاره نموده است:«و بر حذر باش که در جنگ،زمینه صلح واقعی و پایدار را پس از جنگ فراهم کنی و شیوه های پیروزی با سرکوب و تجاوز را به کار نگیر،چه در طی جنگ و چه پس از جنگ که منجر به آلوده شدن دامن صلح گردد و زمینه های جنگ بعدی فراهم شود».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فرامینی به فرماندهان اصلی،فتح بدون خونریزی را طلب کرد (۲)و بر این اساس عزم قریش بر جنگ را خنثی نمود و قریش را مجبور کرد بدون مقاومت صلح کند.

۵-اصل غافل گیری؛

مهم ترین راهبرد نظامی پیامبر صلی الله علیه و آله در فتح مکه،اصل غافلگیری سریع دشمن بود که بارها آن را در جزیره العرب به کار بست.حرص شدید بر غافل گیری قریش،زمینه اصلی فتح مکه بود؛هدف اصلی پیامبر صلی الله علیه و آله از لشکرکشی به مکه،تا آخرین لحظات،از سپاه پیامبر صلی الله علیه و آله نیز مخفی بود.ایشان با

۱- (۱) .ابن بادیس،ص۲۴۳.

۲- (۲) .طبری،ج۲،ص۱۵۸.

فرستادن جاسوس ها و نیروهای مخفی،فرمان حرکت خود را از قریش کاملاً پنهان نگه داشت و طلایع و مقدمه سپاه پیامبر صلی الله علیه و آله با هوشیاری کامل تمام تحرکات دشمن را کنترل می کردند.از جمله دستگیری زنی بود که از جاسوسان مشرکان مکه بود و قصد داشت خبر تحرکات پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان را به قریش برساند.آرایش ورود نیروها به مکه،هماهنگ با اصل غافل گیری بود.

۶.شورا؛اصل کلی در کاربرد شورا در تصمیمات نظامی عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و عصر راشدین،نمونه روشن این مطلب است؛چنان که در قرآن نیز به آن اشاره شده است؛آن جا که خدای تعالی به پیامبر صلی الله علیه و آله امر به شورا با اصحاب خویش نمود؛ فَبِما رَحْمَهٍ مِنَ اللّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ کُنْتَ فَظًّا غَلِیظَ الْقَلْبِ لاَنْفَضُّوا مِنْ حَوْلِکَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَکَّلْ عَلَی اللّهِ إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الْمُتَوَکِّلِینَ . (۱)سیره پیامبر صلی الله علیه و آله بر مشورت بود و فرمود:«ما نَدَمَ مَن استشار؛پشیمان نشد کسی که استشاره کرد».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک فرمانده نظامی بود که بنیان های سازمان نظامی اسلامی را استحکام بخشید و زمینه های توسعه دیوان جیش را فراهم کرد و مبانی نظری آن را در مقام اجرا مشخص نمود.ایشان توانست ماشین(سازمان)نظامی عرب را در مسیری قرار دهد که بزرگ ترین حرکت جهانی نظامی موفقیت آمیز در قرون وسطا را انجام داده و چهره جهان را تغییر دهد و رژیم قدرت را به نفع مسلمانان تنظیم نماید.همین سازمان نظامی،نیرومندترین نیروهای نظامی جهان،یعنی ایران و روم را به زانو در آورد و در زمانی اندک شهرهای بسیاری را فتح کرد و نخستین امپراتوری بزرگ دینی در جهان را تأسیس نمود.

ص:۲۴۹

۱- (۱) .آل عمران،آیه۱۵۹.

۲-تأسیس دیوان و سازمان نظامی مالی«عطاء»

اشاره

گردآوری و تربیت نیرو برای جنگ با دشمن،سابقه ای طولانی در بین اعراب،به ویژه در شبه جزیره داشته است که با ظهور اسلام برای دفاع از اسلام و انتشار آن-اهمیت بیشتری یافت.به طوری که همه جزیره العرب سازمان واحد نظامی پیامبر شدند.فتوحات نخستین،غنایم بسیاری به همراه داشت؛ازاین رو مسلمانان دیوانی تأسیس کردند که کار آن تقسیم غنایم و پرداخت حقوق و توشه مبارزان بود و از آن به نام«دیوان عطا»یاد کرده اند.این دیوان،هسته اولیه دیوان جُند و دیوان جیش بوده (۱)و نخستین اداره و دیوانی است که مسلمانان تأسیس کردند. (۲)در کنار عطا،چند واژه اقتصادی-نظامی در سازمان نظامی مسلمانان رواج داشت که به مفهوم نوعی عطا بود.واژه های«طوی»،«جعائل»و«بدائل»راهی برای فرار از بسیج عام نیروها بود؛ (۳)بدین معنا که افراد اجازه داشتند اشخاصی را اجیر کرده و خود از شرکت در جنگ خودداری کنند.بسیاری از بُدلا،از مُوالی شخصی یا از بندگان و بردگان بودند.جمعیت بدلا در عصر اموی افزایش یافت.این اصطلاحات به مفهوم«تجاعل»و نوعی جُعاله بود و معنای آن خروج مرد برای جنگ به جای مردی دیگر بود؛به این شرط که برای او جُعل(عطا)بپردازد.

الف)دیوان جیش و ترکیب نیروها در عصر اموی

بنابر دیدگاه برخی محققان،تشکیلات نظامی امویان،توسعه طبیعی تشکیلات پیش از اسلام است و آمادگی جنگ و شیوه های جنگ نزد عرب،سیر طبیعی

۱- (۱) .ابن مسکویه،ج۳،ص۳۹۱.

۲- (۲) .قلقشندی،صبح الاعشی،ج۱،ص۲۷،۹۱،۱۰۲؛ابویوسف،ص۲۴،۴۳؛ابوعبید،ص۵۴۹،۵۲۳.

۳- (۳) .العلی،ص۳۳۳؛طبری،ج۹،ص۱۰۴؛ج۳،ص۱۰۳؛ابن منظور،ابن سعد،ج۲،ص۱۲.

تکامل خود را از دوره جاهلیت تا دوره اموی پشت سر گذاشت. (۱)

دیوان عطا،دفاتر و ادارات مختلفی داشت:مجلس«خزانه السلاح فی بیت المال»،مجلس«الجاری فی دیوان النفقات»و مجلس«الانزال فی دیوان النفقات»از زیر مجموعه های دیوان عطا یا جند بود. (۲)دیوان جیش با دیوان نفقات و دیوان عرض ارتباط تنگاتنگ داشت.ترکیب نیروها در عصر اموی به عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و راشدین نزدیک بود.

ب)دیوان جیش و عناصر سپاه در عصر عباسیان

در دوره عباسی تغییرات گسترده ای در سازمان نظامی صورت گرفت و دیوان جیش مجهز به اداراتی ویژه شد.مهم ترین تحول در سازمان نظامی عصر عباسی،شکل گیری ارتشی ثابت از نیروهای دائمی است.دیوان سپاه دارای چندین کاتب مخصوص امور نظامی بود.برخی از مهم ترین اصطلاحات دیوان جیش که در دیوان های عصر عباسی به کار می رفت عبارت بود از:

«اثبات»به معنای ثبت نام مرد سپاهی در«جریده السوداء»است،و آن،دفتر یا دفاتر بسیار بزرگی بود،که اسامی همه نیروهای ثابت نظامی،نسب،ملیت،درجه،میزان حقوق و نفقات آنها ثبت می شد.این دفتر اساس دیوان سپاه یا جیش بود؛ (۳)

«زیاده»«تحویل»،«نَقْل»،«وَضْع»،«فَک»،«ساقط»،«مُخَلّ»نیز از اصطلاحات بسیار مهم و رایج دیوان جند در بیشتر سرزمین های اسلامی عصر خلافت،به ویژه در شرق بود. (۴)

ص:۲۵۱

۱- (۱) .المعاضیدی،ص۱۳۲.

۲- (۲) .صابی،ص۲۳.

۳- (۳) .خوارزمی،ص۵۹.

۴- (۴) .خوارزمی،ص۶۶.

سازمان سپاه متشکل از سه دسته بود:۱.نیروهـای ثابت مرتزقه که نام آنها در دفاتر دیوان جیش ثبت بود و حقوق می گرفتنـد؛ ۲. مُطوّعه، (۱)یعنی داوطلبـان؛ (۲)۳.نیروهـای اعزامی که در مواقع بحرانی آنهـا را فرا می خواندنـد.در عناصـر تشـکیل دهنـده سازمـان نظـامی خلافت عباسـی از عرب،خراسانی،مُوالی،ترک و ابناء یاد کرده انـد.جاحظ که در پایان عصر عباسـی اول(قرن سوم هجری/نهم میلادی)می زیسـته،این ترکیب را در آثار ادبی خود آورده است. (۳)سایر مورخان نیز موافق تقسیمات جاحظ هسـتند و سازمان و یگان های نظامی جدیـدی را به تقسـیم او اضافه کرده انـد؛ماننـد الشاکریه،المغاربه، (۴)صعالیک،زنج؛البته این یگان های جدید،نیروهای ثابت و اصلی نبوده اند.

در اواخر عصـر عباسـی اول،سازمان نظامی عباسی بازسازی شد و ترک ها یگان ویژه مستقلی را جدا از مَوالی تشکیل دادند.به طور کلی نیروهـای نظامی ترک و موالی یا غلمان را به نام یک سـردار معروف می نامیدنـد؛ماننـد:موالی ساجیه منسوب به«ابن ابی الساج» (۵)-که با این سـپاه به جنگ بابک خرم دین رفت-و نازوکیه و حجریه (۶)منسوب به معتضد. (۷)همچنین به علت کثرت نیروهای ترک در عصر عباسی،در زیرمجموعه دیوان جیش،دیوان نظامیان ترک تأسیس شد؛ (۸)

ص:۲۵۲

۱- (۱) .طبری،ج۵،ص۲۲۲.

۲- (۲) .ابن مسکویه،ج۴،ص۱۲۸.

۳- (۳) .جاحظ،ص۴۷۵.

۴- (۴) .طبری،ج۵،ص۳۰۰.

۵- (۵) .ابن مسکویه،ج۵،ص۳۷۷.

۶- (۶) .ابن مسکویه،ج۵،ص۲۰۳.

۷- (۷) .الصابی،ص۱۷.

۸- (۸) .ابن مسکویه،ج۵،ص۶۷،۴۰۵؛ج۶،ص۲۱۵؛ج۷،ص۲۰۰،۲۲۰.

بویهیان نیز از موالی و غلامان در انجام عملیات نظامی استفاده می کردند.آنها یگان هایی از موالی ترتیب دادند؛از جمله غلمان داربختیار؛ (۱)غلمان المعزّیه. (۲)

ج)نیروهای مشرقی ارتش عباسی در عصر معتصم و متوکل

زمانی که معتصم عباسی به خلافت رسید،تغییرات ریشه ای در اساس ارتش عباسی و عناصر آن رخ داد.معتصم فردی نظامی و متبحر در کار نظامی بود.و بیش از آن که مرد سیاست باشد مرد جنگ بود؛چراکه بیشتر اوقات خود را در جنگ به سر برده بود.استخدام نیروهای نظامی مشرق از نشانه های نبوغ نظامی معتصم بود؛به طوری که پس از او قدرت آنها بیش از حد افزایش پیدا کرد. (۳)

متوکل اصلاحاتی در تضعیف نیروهای مشرقی و ترک انجام داد و آنها را در سامراء به سه فرقه تقسیم کرد.او فرماندهی هر گروه را به یکی از فرزندان خود داد و برای تشویق آنها جهت استقرار در مناطق جدید،اقطاعاتی به آنها اختصاص داد.این کار آغاز اقطاع نظامی در دولت عباسی است،که راه برای تشکیل نیروی جدید وابسته به خلیفه و دور از نفوذ فرماندهان نظامی آماده کرد.در این نیروهای جدید دسته های بزرگی از شام،جزیره،ارمنستان،آذربایجان و قفقاز حضور داشتند؛این سپاه جدید ترکیبی گسترده از نژادهای مختلف بیگانه و عرب و برخی از گروه ها مانند«ابناء»بود.به دستور متوکل این نیرو برای استقرار در دمشق آماده می شد،اما با شکست این طرح،خلیفه آنها را در شهری جدید در نزدیک سامرا به نام«جعفریه»سامان داد. (۴)متوکل در راستای افزایش قدرت خود

ص:۲۵۳

۱- (۱) .ابن مسکویه،ج۶،ص۳۷۴.

۲- (۲) .ابن مسکویه،ج۶،ص۲۷۷،۴۳۵.

۳- (۳) .ابن مسکویه،ج۴،ص۲۳۵.

۴- (۴) .ابن مسکویه،ج۴،ص۴۶۲.

بر نیروهای مسلح،از قدرت فرماندهان نظامی مستقر در سامرا کم کرد؛ (۱)ازاین رو املاک«وصیف»و چند تن از فرماندهان نظامی سامرا را مصادره نمود.برخی از این فرماندهان،غلامان ترک مانند«ایتاخ»و«وصیف»بودند که به مراتب بالای قدرت رسیدند؛معتصم،ایتاخ را به ۱۹۹ دینار خرید و این دو به مقام حجابت متوکل رسیدند. (۲)

۳-مراحل انحطاط و سقوط و فروپاشی ارتش خلافت عباسی

بررسی تاریخ خلافت عباسی در دوره دوم بیانگر انحطاط و سقوط خلافت به دلیل دخالت نیروهای نظامی در امور سیاسی است.نشانه های اولیه این دخالت-چنان که ملاحظه شد-در آغاز عصر عباسی دوم هنگامی که خلفا از نیروهای نظامی جهت تثبیت ولی عهد خود کمک گرفتند،آشکار گردید.عباسیان هرگز نتوانستند از سلطه امرای نظامی ترک آزاد شوند و مجبور شدند از نیروهای خارجی کمک گیرند که این سیاست باعث فروپاشی بیشتر تشکیلات ارتش مستقل خلافت گردید.با ورود نیروهای ایرانی بویهی در سال ۳۳۴ هجری به بغداد،خلافت بعد از مدتی از سلطه فرماندهان نظامی ترک آزاد شد؛زمانی که بویهیان قدرت را در بغداد به دست گرفتند،دور جدیدی از تشنج در اثر رقابت ترک و دیلمی شکل گرفت.بویهیان با وجود آن که دیلمی بودند بارها از نیروی ترک کمک گرفتند.در حقیقت سپاه بویهی نیز از دو قسمت اصلی نیروهای دیلمی و ترک تشکیل شده بود و بخشی از نیروهای دیلمی از فراغنه و مغاربه و عرب ها و کردها و تعدادی قابل توجه از مزدوران بودند.در گزارش ابن مسکویه،

۱- (۱) .ابن مسکویه،ج۲،ص۲۲۸؛ج۳،ص۴۵۳.

۲- (۲) .طبری،ج۵،ص۳۰۰.

سپاه بویهی به دو رکن اصلی ترک و دیلمی و سایر نیروها تقسیم شده است. (۱)

عباسیان در مرحله بعدی سیاست خود مجبور شدند با کمک نیروی سلجوقی از سلطه بویهی آزاد شوند.نیروهای نظامی ترک به فرماندهی طغرل بیک،در سال ۴۴۷ هجری بویهیان را از بغداد بیرون راندند.بنابراین می توان گفت خلافت در هر صد سال بازیچه نیروهای نظامی جدیدی بوده که از آنها برای اهداف خود استفاده کرده است.تفرقه و پراکندگی قدرت خلافت در عصر سلجوقی به نهایت خود رسید؛به طوری که در هر اقلیم و منطقه،امیری با نیروهای مزدور خود حکومت می کرد و جمعی از نیروهای مزدور نیز از سرزمین او حمایت می کردند.این روند نظامی گری خلافت عباسی باعث شکل گیری ارتش های نژادی و مذهبی و سیاسی در محدود امپراتوری اسلامی شد؛بدین ترتیب ارتش غزنوی،ارتش سلجوقی،ارتش زنگی،ارتش ایوبی،ارتش فاطمی،ارتش خوارزمی و سایر ارتش و نیروهای نظامی به طور جداگانه ای تشکیل شدند.برخی از این نیروها در حدی از قدرت و آمادگی و تشکیلات منسجم نظامی قرار داشتند که خود را بسیار بالاتر از سپاه ویژه خلافت در پایتخت عباسی(بغداد)می دانستند.این وضعیت باعث شد خلفای عباسی در اواخر دوران این خلافت،ارتش یکپارچه و ثابتی در اختیار نداشته باشند و هنگام بحران مجبور به فراخوان عمومی بودند؛اما نیروی نظامی که برای مقابله با بحران شکل می گرفت بعد از رفع خطر منحل می شد.این امر موجب انحطاط خلافت عباسی شد؛زیرا نیروهای داوطلب به فرماندهی می پیوستند که حقوق و ارزاق او را تأمین و حمایت کند.

مسترشد بالله در اواخر دولت عباسی سپاهی جدید تأسیس کرد.او شیوه نیروی

۱- (۱) .ابن مسکویه،ج۴۵،ص۳۳۸؛ج۶،ص۱۳؛ج۵،ص۳۶۹.

داوطلب را رها کرد و سیاست نظامی خود را بر تأمین نیروی نظامی ثابت قرار داد و با اختصاص حقوق کافی پس از یک سال،۱۲ هزار نیرو تهیه نمود؛اما این سیاست نظامی مسترشد و خلفای پس از او با شکست روبه رو شد؛زیرا از جهت مالی ناتوان بودند و سلجوقیان آنها را از قدرت محروم ساخته بودند.بنابراین خلافت عباسی به ناچار در اواخر عمر خود فقط به نیروهای داوطلب تکیه کرد.خلفای عباسی سعی کردند از شعاری که در صدر اسلام برای ایجاد روحیه جهاد و تهیه نیروی نظامی مفید بوده است،استفاده کنند؛ازاین رو از شعار«هر کس اراده جهاد دارد سلاح بربگیرد»،که در صدر اسلام موفقیت آمیز بود،استفاده می کردند.فروپاشی تشکیلات نظامی خلافت عباسی به حدی بود که عمق آن در عصر جنگ های صلیبی روشن شد؛ (۱)به طوری که خلافت عباسی نتوانست حتی یک بار شتر تدارکات برای صلاح الدین ایوبی که در حال جنگ با صلیبی ها بود بفرستد.اندکی بعد این خلافت در برابر مغول زمین گیر شد و نتوانست نیرو و سلاح لازم برای مقابله با مهاجمان مغول که به بغداد نزدیک می شدند را فراهم کند؛زیرا ارتش و تشکیلات نظامی نداشت و قادر به انجام هیچ عملیات نظامی برون مرزی نبود و نمی توانست به وظایف نظامی خلافت در دفاع از حریم اسلام عمل کند.هنگام حمله مغول،نیروهای نظامی خلافت به دلیل تعویق در پرداخت حقوق ماهیانه در حال شورش بودند و خلیفه نام آنها را از فهرست حقوق بگیران ارتش حذف نمود و سبب شد که آنها به امرای محلی بپیوندند.از حوادث شگفت انگیز این که بسیاری از نیروهای خلافت در شمار سپاهیان انبوه مغول قرار گرفتند. (۲)

ص:۲۵۶

۱- (۱) .ابن جوزی،ص۱۸،۴۳،۴۷.

۲- (۲) .جوینی،ج۳،ص۳۹۰؛اقبال،ص۱۷۹،۱۸۲.

۴-گروه های ویژه نظامی در تشکیلات ارتش های اسلامی

اشاره

سپاه دولت های مستقل و نیمه مستقل اسلامی،در تقسیم بندی کلاسیک نیروهای نظامی به دو گروه عمده سواره نظام«خیاله»و پیاده نظام«المشاه»یا پیاده یا راجل (۱)تقسیم می شد.در منابع کلاسیک،نیروهای نظامی عباسی و دولت های مقارن آنها را به حسب وظیفه خاصی که به عهده داشتند به نه گروه تقسیم کرده اند:

-یگان دَبّابات

این یگان در صفوف مقدم به دشمن هجوم می برند (۲)و صفوف آنها را درهم می شکستند.دبابه از چوب سخت صاف و با نمد و چرم[در سرکه خوابانده]مستور می شد و گاهی آن را به شکل برج می ساختند.این تانک چوبی قدیمی تر از منجنیق بود. (۳)

-یگان نفت انداز

آنها لباس های مخصوصی می پوشیدند که محافظ آنها در برابر آتش بود. (۴)در عصر ایلخانی از این یگان و ابزارهای آن در فتح بغداد و پس از آن با عنوان آلات نفط (۵)یاد شده است.در متون اسلامی از این یگان ویژه با عناوین«نفاطین»و النفاطات نام برده شده است. (۶)از یگان نفت انداز در سراسر دوره اسلامی یاد

۱- (۱) .طبری،ج۵،ص۲۲۲.

۲- (۲) .صبحی صالح،ص۵۱۰.

۳- (۳) .زیدان،ص۱۴۸.

۴- (۴) .ابن مسکویه،ج۴،ص۲۰۷،۳۴۶،ج۵،ص۱۸۴.

۵- (۵) .جوینی،ص۳۸۵.

۶- (۶) .طبری،ج۵،ص۲۲۷.

شده است؛کشتی های که نفت پرتاب می کردند(القوارير المحرقه)و(النفاطات المزرقه)،در محاصره بغداد به وسیله سلطان سلجوقی نقش اساسی ایفا کردند. (۱)

–یگان منجنیق(عرّاده)

منجنیق بزرگ و کوچک با قلاب یا کمان بود و برخی روی چرخ هایی حرکت می کرد و برای پرتاب سنگ،نفط و عقرب به کار می رفت.منجنیق حجاج بن یوسف،«عروس»نام داشت که پانصد مرد آن را می کشید.در دروازه بیرونی بغداد پنج منجنیق بزرگ و شش عراده با کارمندان و خدمه آن همواره آماده و نگه داری می شد و در سایر دروازه های بغداد نیز وجود داشت. (۲)منجنیق تا پایان دوره اسلامی در عصر سامانی،غزنوی،سلجوقی و ایلخانان همچنان کاربرد نظامی داشته و بهترین وسیله در تصرف شهرها و قلاع در جنگ ها حصارگیری بوده است.با برخی منجنیق های عصر غزنوی،سنگ های پنج و شش منی و یا کیسه های پر از مار پرتاب می کردند.در استمرار این وسیله جنگی،در عصر ممالیک،امیر یلبغا در جنگ قبرس،ظروفی سفالین تهیه کرد که پر از مار و عقرب بود و به سمت دشمن پرتاب می شد و مدتی آنها را سرگرم و زمین گیر می کرد. (۳)سلطان محمد سلجوقی در جریان محاصره بغداد در سال ۵۵۵ هجری،از منجنیق کوچک بر روی کشتی[المنجنيق الخفاف]استفاده می کرده است. (۴)

ص:۲۵۸

۱- (۱) .ابی نصر کاشانی،ص۲۲۹.

۲- (۲) .قلقشندی،صبح الاعشی،ج۲،ص۱۴۴،ج۳،ص۴۷۵.

۳- (۳) .العبادی،ص۳۲۱؛نویری،الالمام ص۱۳۷.

۴- (۴) .ابی نصر کاشانی،ص۲۲۷.

–یگان ویژه تیرانداز

تیراندازان ماهری بودند که با پوشیدن زره،فقط تیراندازی می کردند.این گروه از نیروهای نظامی مسلح به شمشیر و کمان و تیر بودند.«ناشبه»یا«رامیه»با پوشیدن خود و سپر و زره در جنگ شرکت می جستند. (1)در جریان محاصره بغداد به وسیله سلاجقه،از تیراندازان ماهری که در عرشه کشتی بوده اند استفاده شده است؛این نیروها در دجله با لشکر بغداد مواجه شده اند. (2)

–یگان زرافین

گروهی نظامی ویژه رزم دریایی بودند که از عرشه کشتی،موانع و دژهای ساحلی را آتش باران می کردند و یا کشتی های دشمن را زیر آتش یونانی می گرفتند؛آتش یونانی را رومی ها در برابر اعراب به کار می بردند.این آتش را کانیکوس شامی برای جنگ های دریایی اختراع کرده بود و بعدها اعراب اسرار آن را آموختند.در سال ۶۴ هجری،حصین بن نمیر در حمله به کعبه از آن استفاده کرد. (3)

–یگان عیاران

نیروهای ویژه ای بودند که وظیفه اصلی آنها نفوذ به دیوار شهرها و قلعه ها و خراب کردن برج ها و پیدا کردن راه نفوذی به دژها بود؛آنها با انداختن سنگ های بسیار بزرگ دیوارها و دژها را تخریب می کردند. (4)

۱- (۱) .طبری،ص۵،۲۲۵.

۲- (۲) .ابی نصر کاشانی،ص۲۲۷.

۳- (۳) .طبری،ج۲،ص۳۰۱،۳۸۴؛ج۳،ص۳۵۳،۴۸۱.

۴- (۴) .مسعودی،مروج الذهب،ج۲،ص۴۰۵،۴۶۶؛حمزه اصفهانی،ص۱۵۸.

-یگان فدایی ها

افراد این یگـان نیروهـای ویژه ای بودنـد که به صورت ناشـناخته به داخـل صـفوف دشـمن و شـهرهای آنها نفوذ می کردنـد و اقـدامات تخریبی انجام می دادنـد.یگان های فـدایی،لباس های مخصوص می پوشـیدند. (۱)برخی از آنهـا برای عبـور از موانع خطرناک از جمله رودها،خندق ها و برکه ها و...داوطلب می شدند.

-عیون و نیروهای تدارکاتی

در کنار یگان های نظامی،نیروهای خدماتی،بهداشتی و پزشـکان و مهندسـین و دامپزشکان حضور داشتند.از نیروهای خدماتی که کارهـای فنی و مهندسـی در جنـگ ارائه می کردنـد بـا عنوان«الفعله»یـاد شـده است و رئیس آنهـا را«صـاحب الکلغریه»می گفتند. (۲)گروهی نَقّابْ و گروهی کـارگران معمـولی نیز برای صـاف کردن جـاده و عبـور و مرور نیروهـا همـواره در کنـار نیروهـای نظـامی کـار می کردنـد.گروهی از نیروهـای جاسوسـی و اطلاعاتی و عیون-از مرد و زن-حضور داشـتند که با لباس مبـدل تجـار و بازرگانـان،برای جمع اطلاعـات و اخبـار وارد شـهرها و قلاع و دژهـا و صـفوف نیروهـای دشـمن می شدنـد. (۳)گروهی نیز نیروهای قدرتمند طلایه دار لشکر بودند که پیشاپیش نیروهای نظامی،عملیات شناسایی وضعیت دشمن را انجام می دادند.افرادی از اصحاب اخیار و سازمان برید برای مخابره و بردن اخبار بین نیروها و بخش های مختلف فعالیت می کردند که به آنها«کوهبانیه»می گفتند. (۴)

۱- (۱) .صبحی صالح،ص۴۹۹.

۲- (۲) .طبری،ج۵،ص۲۲۱.

۳- (۳) .طبری،ج۵،ص۲۱۱.

۴- (۴) .طبری،ج۵،ص۲۲۰.

۵-حقوق نیروهای نظامی در تشکیلات نظامی مسلمانان

چنان که گذشت،دیوان جیش در ابتدا برای پرداخت مواجب و تقسیم غنایم میان نظامیان تأسیس شد و دیوان عطا نام داشت.به تدریج این دیوان با افزایش نیروهای نظامی دارای دفاتر اجرایی بسیاری شد؛که کار اصلی آنها تأمین مالی ارتش بود.آنها در دیوان جیش در بخش اداره کار،حقوق سپاهیان را تنظیم می کردند و در اداره دسته بندی و پرداخت،نیروها را مرتب نموده و به آنها حقوق پرداخت می کردند؛از این گروه با عنوان«مجلس المقابله»و«مجلس التقریر»نیز یاد شده است. (۱)

حقوق نیروهای نظامی از صدر اسلام تا عصر عباسی تغییرات بسیار زیادی داشته است؛از جمله در عصر خلیفه دوم و سوم حقوق سالیانه هر نیروی نظامی دویست درهم بود.این مقدار در عصر امویان افزایش چشمگیری یافت و حقوق های متفاوت و زیادی پرداخت می شد.حقوق نظامیان در ابتدای عصر اموی به سیصد درهم رسید که همراه با حقوق خانواده نظامیان و هدایا و موارد خاص برای تشویق و حمایت خاص نظامیان به رقم بسیار بالایی رسید؛به طوری که حقوق نظامیان بخش عمده ای از بودجه خلافت را به خود اختصاص می داد.نرخ حقوق ها بین هفت هزار تا ده هزار در سال رسید و علاوه بر این حقوق،کمک هزینه هایی مانند علوفه چهارپایان و کمک های جنسی و غنایم نیز عاید نیروهای نظامی می شد. (۲)حقوق سالیانه نظامیان همراه با خرج زندگی خانواده آنها به شصت میلیون درهم در سال می رسید.در این نوشته امکان گزارش و ذکر رواتب و حقوق این دولت ها وجود ندارد،اما فهرست های بسیاری مربوط به حقوق ارتش های اسلامی وجود دارد که از جمله آنها فهرستی است

۱- (۱) .ماوردی،ص۴۴؛قدامه،ج۱،ص۱۶۵.

۲- (۲) .ابن اثیر،ج۳،ص۳۰۷؛طبری،ج۳،ص۲۳۸.

که به وسیله مقریزی تنظیم شده است.او در فصلی از کتاب خود،فهرستی کامل از میزان حقوق پیشرفته ترین ارتش اسلامی،یعنی نظامیان ممالیک مصر ارائه کرده است. (۱)

۶-ساز و برگ نظامی و اسلحه در تشکیلات نظامی دولت های اسلامی

اشاره

در متون اسلامی از عناوین«الاسلحه الخفیفه»و از«الاسلحه الثقیله»در تقسیم ادوات نظامی یاد کرده اند. (۲)

الف)سلاح های سبک

سلاح های کلاسیک قرون وسطا که در جنگ ها به کار می رفت در اختیار مسلمانان بود و از انواع حیوانات مانند اسب،شتر و قاطر برای جنگ و حمل تدارکات ارتش مسلمانان استفاده می شد.شمشیر به عنوان اسلحه عمومی ارتش اسلامی در کارخانه های شمشیرسازی شهرهای مختلف اسلامی در حد انبوه تولید می شد.ساخت نخستین شمشیرهای ویژه مخصوص جنگ در مدینه،برای جنگ احد و به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده شده است.انواع و اقسامی از شمشیر تا صدر اسلام شناخته شده بود،مانند شمشیرهای یمنی(محفوره)،شمشیر دمشقی،عراقی و....شمشیر آهنی را«انیث»و شمشیر فولادی را«سیف فولاد»می نامیدند.شمشیر حضرت علی علیه السلام تیغه نقره داشت و ذوالفقار نامیده شد. (۳)اعراب انواعی از نیزه و سپر در اختیار داشتند و زره کتانی و آهنی و فولادی به کار می بردند؛زره کتانی«التّرْس»نام داشت؛زره دکمه دار را«ذات الازمه»می گفتند و زره سر را«خوزه یا

ص:۲۶۲

۱- (۱) .مقریزی،ج۳،ص ۷۱و ۷۰.

۲- (۲) .قلقشندی،ج۵،ص ۴۸۰.

۳- (۳) .زیدان،ص ۱۴۴.

بیضه یا مغفر»می نامیدنـد.در گزارش های تاریخی،از انواع سپر،مغفر،خوذه،درع(لباس هایی که از نـخ آهن تهیه می شد) (۱)و نیزه و نیز لباس های نظامی و سـلاح هایی که در جنگ های کلاسیک قرون وسطا به کار رفته،نام برده شده است.مسعودی در گزارشـی،به برخی از سلاح های به کار رفته در جنگ مأمون و امین اشاره کرده است. (۲)استفاده از اسلحه آتشین و سمومات و آتش زدن مزارع و خـانه ها در روایات اسـلامی منع شـده است.در نخستین گزارش ها از نیروهای نظامی فاطمیان،اسـتفاده از نارنجک های اولیه دستی ذکر شـده است. (۳)این که ریشه های اسـتفاده مسـلمانان از سـلاح های آتشین،استمرار فعالیت ها و دستاوردهای نظامی یونانی است و یا ریشه های چینی و ایرانی دارد،هنوز محتاج بررسی است.

ویژگی سربازان بویهی همراه داشتن«چوبین»و«زره»و«ناوک»بود. (۴)به چوبین،مزراق نیز اطلاق شده است. (۵)جنگ افزارهای عصـر غزنوی تـا ایلخانی،در منابع معاصـرشان به خوبی منعکس شـده است.پیاده نظام آنها در جنگ اسـلحه های سـبک،شامل گرز،نیزه و زوبین به کار می بردند و سواره نظام،کمان،تبرزین،گرز،نیزه،شمشـیر و قلاجور(شمشـیر بلند خمیده)داشتند.محمود غزنوی گرزی دو سر به وزن نود من داشت و مسعود در جنگیدن با گرز و چماق سرآمد بود.گرز معروف عصر غزنوی عمود گاوسر بود.قلاجور بهترین سلاح ترکان بود (۶)

۱- (۱) .لسان العرب،ماده ترس،درع،غفر،بیض؛بلاذری،ص۴۲۵.

۲- (۲) .مسعودی،مروج الذهب،ج۲،ص۴۰۶.

۳- (۳) .شهیدی پاک،تاریخ تحلیلی مغرب،ص۲۶۴.

۴- (۴) .ابن مسکویه،ج۴،ص۴۶۴.

۵- (۵) .ابن مسکویه،ج۶،ص۹۳،۱۵،۴۱۶؛ج۷،ص۲۵۹.

۶- (۶) .باسورث،ص۱۱۹؛فخر مدبر،ص۸۵و۸۶.

سلاح های انفرادی عصر غزنوی به قلم«فخر مدبر»در آداب الملوک معرفی شده است.شمشیر هندی در این عصر آبدارترین شمشیر بود.هنگام برشمردن نیروهای نظامی اطراف سلطان در زمان جلوس،اسلحه های سبک ذکر شده است.به این گروه«قورچیان یراق»می گفتند که هریک به مناسبت،یکی از اسلحه ها و یراق عصر کلاسیک اسلامی-از غزنوی تا ایلخانی- را همراه داشتند.این افراد در مجالس و سواری ها و اسفار سانحه،همگی می بایست حاضر بوده و اسلحه را همراه می داشتند؛از جمله در مجلس بهشت آیین که به این ترتیب می ایستادند:اول قورچی شمشیر،دوم قورچی صدق،سوم قورچی تیر و کمان،چهارم قورچی شمشیر،پنجم قورچی خنجر،ششم قورچی زره،هفتم قورچی سپر،هشتم قورچی تفنگ،نهم قورچی مزراق،دهم قورچی نجق. (۱)

ب)سلاح های سنگین

اشاره

منظور از سلاح های سنگین در سازمان نیروهای نظامی اسلامی،وسایل غول پیکر برای محاصره شهرها و دژها و پادگان ها بوده است؛ازاین رو،از آنها با عنوان«آلات الثقیله»یا«آلات الحصار»یاد شده است. (۲)

-منجنیق

در شمار سلاح های سنگین در صدر اسلام،منجنیق برای درهم کوبیدن قلعه ها ذکر شده است.در«طائف»و محاصره«آطام»و قلعه های یهود مدینه،از منجنیق استفاده شده است.منجنیق در دوره امرای عباسی و فاطمی و به ویژه

ص:۲۶۴

۱- (۱) .میرزا رفیعا،ص۲۵۷.

۲- (۲) .قلقشندی،صبح الاعشی،ج۵،ص ۴۸۰.

موحدین،بنی مرین و حفصیان(۶۲۵-۹۸۳ه)در مغرب و ممالیکِ مصر توسعه فوق العاده ای پیدا کرد.حفصیان نوع خاصی از منجنیق ساختند و ساخت آن را در روز خاصی جشن گرفتند.در مصر نیز ساخت منجنیق پیشرفت زیادی کرد و مهم ترین منابع نظری منجنیق سازی از سوی مهندسان مصری تدوین شد.برخی از این منابع به صورت مخطوط هنوز موجود است و بخشی از آن،مانند کارهای مهندس نظامی مصری زرکشی منتشر شده است.

-دبابه

یکی از سلاح های سنگین با کاربرد فراوان در عصر اسلامی«دبابه»است.این وسیله-که تا حدودی شبیه نفربرهای کنونی بود-با چوب و پوست تازه گاو یا پوست شتر ساخته می شد و افراد در داخل آن جا می گرفتند.دبابه روی چهار چرخ قرار داشت و به سرعت به دیوار قلعه های دشمن نزدیک می شد و در برابر تیرهای آتشین،آب جوش و قیری که آنها از فراز دژها می ریختند مقاوم بود. (۱)داخل دبابه نردبان هایی بود که هنگام نزدیک شدن به دیوار قلعه ها آنها را بیرون می آوردند و نیروها به سرعت از آنها بالا رفته،وارد دژ دشمن می شدند.«درّاجه»نیز نوعی دبابه در عصر غزنوی و سلجوقی و از وسایل مهم فتح قلعه بود که آن را از چوب و کاه پر می کردند و به صورت دیواری متحرک حرکت می کرد. (۲)

-قوچ جنگی

«رأس الکبش»یا قوچ جنگی،سلاحی سنگین و آهنی بود که همانند یک

۱- (۱) .صبحی صالح،ص ۵۱۰.

۲- (۲) .بیهقی،ص ۶۳۲.

پتک بسیار سنگین عمل می کرد.این سلاح مانند قوچی بزرگ در درون برجی چوبی حرکت می کرد و سربازان به قصد تخریب دیوار دژها با حرکت دادن آن به دیوار دژها نزدیک می شدند و آن را به دیوار می کوبیدند. (۱)

-توپ

در عصر عثمانی سلاح های گرم و توپ به کار گرفته شد که تحولی عظیم در اسلحه ارتش های اسلامی بود.در عصر صفوی یگان ویژه ای در ارتش وجود داشت که تفنگ بزرگی را حمل می کردند؛این درجه نظامی به وسیله شاه عباس به وجود آمد و«غلامان جزایری»نام داشت که مجهز به سلاح های سنگین بودند. (۲)مهم ترین تحول عصر حفصی و مرینی،استفاده از توپ است. (۳)

۷-آرایش نظامی در تشکیلات اسلامی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ ها از نظام صف استفاده می کرد.گزارش هایی وجود دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام سان دیدن از نیروهای خود صفوف آنها را مرتب کرد.در عصر اموی جای نظام صف را نظام«تعبئه»گرفت که نیروها در آن به صورت کرادیس و کتیبه ها،نظم و سازمان می یافتند.

مسلمانان ضمن حفظ و استمرار آرایش کلاسیک قرون وسطا،آن را توسعه دادند.به گفته برخی از منابع تشکیلاتی،پیامبر صلی الله علیه و آله شکل خاصی از آرایش نظامی را در مورد نیروهای نظامی خود به کار بسته است و آرایش نظامی کلاسیک را

۱- (۱) .صبحی صالح،ص۵۱۱.

۲- (۲) .میرزا رفیعا،ص۵۶۸.

۳- (۳) .شهیدی پاک،حفصیان،ص۲۰۰.

توسعه داده است.در آرایش نظامی سنتی در قرون وسطا،نیروهای نظامی به سبب آرایش خاصی که آنها را به صورت پنج گروه در کنار هم قرار می داد،«خمیس»نامیده می شدند؛ (۱)در این آرایش،جایگاه فرمانده عالی نظامی را«قلب»یا میانه سپاه می گفتند؛ (۲)نیروهای سمت راست فرمانده«جناح الایمن»و نیروهای سمت چپ«جناح الایسر»و در پیشاپیش او«مقدمه سپاه»و«ساقه سپاه»قرار داشتند؛«مؤخره»نیز جایگاه فرمانده عالی نظامی بود.در عصر غزنوی،در کنار نیروهای منظم،سپاه حرفه ای،نامنظم و چریکی وجود داشت که به آن سپاه«حشر»اطلاق شده است. (۳)این افراد به صورت کلی و با گروه های پانصد نفری به دشمن حمله می کردند.

استفاده از پادگان(معسکر)و اردوگاه و استقرار به شکل منظم،از ویژگی های سازمان نظامی ثابت است.مسلمانان علاوه بر تأسیس چندین پادگان شهر جدید،اردوگاه ها و پادگان هایی جهت استقرار نیروها بنا کردند. (۴)اردوگاه ها در ابتدا با آرایش خاصی که تابع آرایش چادرها در دوره جاهلیت بود،برپا شدند، (۵)اما به تقلید از تمدن ایران،روم،مصر و مغرب،اردوگاه ها به شکل بومی بنا شد؛از جمله در مغرب و افریقیه،صدها«رباط»،پادگان و اردوگاه نظامیان مسلمانان شد.

حرکت سپاه از اردوگاه به میدان جنگ و حرکت ارتش،در دوران بعدی با آرایش و تشریفات و موکب های خاصی همراه بود و هر حرکت ارتش طبق

۱- (۱) .مقدمه ابن خلدون،ص ۴۸۰.

۲- (۲) .طبری،ج۵،ص۲۲۲.

۳- (۳) .دیوان فرخی،ص۱۲۵.

۴- (۴) .طبری،ج۵،ص۲۱۹.

۵- (۵) .طبری،ج۵،ص۲۱۸.

فرامین خاصی صورت می گرفت؛میل،انقلاب،انفتال،تسویه انفتال،استداراه صغری،استدراه کبری،تقاطر،اقران،رجوع إلی الاستقبال،استداره مطلق،اضعاف،اتباع میمنه،اتباع میسره،جیش منحرف،جیش مستقیم،جیش مورب،رض،تقدم،حشور،رادفه و ترتیب،برخی از فرامینی است که فرماندهان ارتش به نیروها ابلاغ می کردند. (۱)

در منابع ادبیات و لغت و مصادر تاریخی،گزارش های بسیاری از نوع آرایش جنگی(تعبیه یعنی آمادگی برای جنگ)بیان شده است؛ (۲)از جمله میدانی در السامی فی الاسامی (۳)تصویری از این آرایش کلاسیک ارتش های اسلامی آورده است:

مقدمه الجیش:پیش آهنگ،

ساقه:واپسینان

میمنه:راست لشکر

میسره:چپ لشکر

قلب:میان لشکر

خمیس:لشکری که این پنج رکن را دارد.

در این آرایش،همواره سپه سالار با یراق ها و رایت ها و ملازمان،در وسط که آن را قلب گویند،قرار می گرفته است.جلو این دسته،گروهی از سواران بودند که آن را مقدمه یا مقدمه الجیش یا طلایه داران یا یزک (۴)می نامیدند و به بخشی از

۱- (۱) .زیدان،ص۱۵۴،۱۵۵.

۲- (۲) .مقدمه ابن خلدون،ص۴۸۱.

۳- (۳) .میدانی،ص۱۰۰.

۴- (۴) .جوینی،ص۳۸۴.

لشکر که به عنوان ذخیره و احتیاط باقی می ماند،«مایه دار»اطلاق می شد. (۱)

مجموعه بزرگی از نیروهای پیاده اعم از موالی و بردگان و نیروهای خدماتی و کارگرانی حرکت می کردند که به آنها«شاکریه»می گفتند و زیر نظر دیوان جیش الشاکریه بودند. (۲)این آرایش صف با فتوحات و برخورد با نیروهای نظامی جدید دگرگون شد و بدین ترتیب نظام سنتی خمیس در زمان مروان بن محمد اموی کنار گذاشته شد (۳)و به جای آن مسلمانان هفت نقشه جنگی طرح کردند(نقشه هلال،نقشه دو ماه نو،نقشه مربع مستطیل،نقشه مربع منحرف،نقشه مثلث،نقشه هلال وارونه،نقشه دو دایره).

یگان های دیوان جیش براساس تعداد نفرات،اسامی خاصی داشتند؛این تقسیم بندی یگان ها در دولت های مختلف تا حدودی از جهت اصطلاحات و آرایش متفاوت است.یک تقسیم بندی معمول که در بسیاری از دولت ها به کار رفته چنین می باشد: (۴)

۱.امیرالجیش،فرمانده ده هزار نفر؛

۲.امیرالتعبئه،فرمانده پنج هزار نفر؛

۳.امیرالکردوس،فرمانده هزار سرباز؛

۴.القائد،فرمانده صد سرباز؛

۵.الخلیفه،فرمانده پنج نفر سرباز؛

۶.العریف،فرمانده ده سرباز.

۱- (۱) .بیهقی،ص ۴۸۵.

۲- (۲) .مسعودی،مروج الذهب،ج ۲،ص ۵۳۷.

۳- (۳) .زیدان،ص ۱۵۳.

۴- (۴) .طبری،ج ۵،ص ۲۲۲.

رتبه های نظامی در عصر بویهی را به نقیب،حاجب،سپه سالار و اصفهبد تقسیم کرده اند که در رأس آنها سپه سالار قرار داشت.در عصر صفوی نیز از القاب یوزباشی،مین باشی و مین باشیان برای نامیدن رسته ها و یگان های نظامی استفاده می کردند.

۸-توسعه دیوان جیش سامانیان غزنویان و سلجوقیان

سیر تاریخی تشکیلات نظامی نشان می دهد که تشکیلات نظامی ابتدا در مسیر فتوحات و در قالب مصالح بومی دولت های نیمه مستقل وابسته به خلافت در شرق و غرب جهان اسلام شکل گرفته است؛از جمله در شرق،سامانیان،سرزمین ماوراء النهر را به تدریج با سامان دادن توسعه تشکیلات نظامی ایرانی و به نام اسلام فتح کردند.سامانیان و غزنویان از نشانه سپه سالاری قبا،کلاه و کمر استفاده می کردند. (۱)در دوره اسلامی پادگان های ثابت بسیاری بنا شد رباطها از جمله پادگان های اسلامی بود که راه های ارتباطی بخارا به آمل را از هجوم کافران حفظ می کرد. (۲)در همین رباطها هزاران غازی فراهم شد که در ماوراءالنهر،بدنه اصلی لشکر محمود غزنوی را تشکیل دادند.شکل گیری این لشکر،نخستین گام بزرگ کلاسیک در تشکیلات نظامی مسلمانان است که ثمره آن فتح سنگرهای کلیدی هند بود.به گفته باسورث،تشکیلات گسترده نظامی سامانیان بخارا دقیقاً الگوبرداری از نمونه خلافت بغداد بود. (۳)

در عصر سامانی سپه سالاران،امور نظامی را مستقل از دستگاه دیوانی و

ص:۲۷۰

۱- (۱) .باسورث،ص۱۳۷.

۲- (۲) .باسورث،ص۳۰.

۳- (۳) .باسورث،ص۳۱.

وزارت به عهـده داشـتند.آنها از قدرت بالایی برخوردار بودند و در مواردی فرماندهی سـپاه و ولایت شـهرها را با هم به عهده داشـتند؛امیرحسین مرورودی در سال ۲۹۷ هجری،والی و سـپه سالار در سیسـتان و سـپس در هرات و مرورود بود. (۱)سامانیان پایگــاه هــای ثــابت نظــامی ماننــد غزنـه(نقطـه جهش برای حرکـت زمسـتانی بـه هنـد)و کابـل برای دوره غزنـوی ایجـاد کردند.غزنه،نوع،خمار،لغمان و شاه بهار و...،نقاط ثابت نظامیان دوره سامانی و غزنوی است که ارتش در این نقاط مسـتقر می شـد و براسـاس نظـام اقطـاع داری[از نوع اقطاع التمليك]اداره می شـد. (۲)اوج اهمیـت غزنه در عصـر غزنـوی بـود که بر همه فعالیت های اداری و سیاسی غزنویان حاکم بود؛ازاین رو دولت غزنوی دولتی نظامی بود که تشکیلات نظامی آن رنگ اداری و سیاسی داشت.

دیـوان جیش و دیـوان عرض،مهم ترین دیـوان مـالی مرکزی عصـر غزنـوی بـود.در حقیقت هـدف ارتش غزنـوی،جمـع آوری انبوهی از مالیات به نام اسـلام بود.بر پایه این منبع مهم و اصـلی درآمـد-از جلگه شـمالی هند و ایران غربی-بود که امپراتوری نظامی غزنوی که پویاترین قـدرت بعـد از فتوحات اعراب در شـرق ایران بود،پدیـد آمـد.این امپراتوری حاصل کار تشـکیلات نظامی ده ها قـدرت مسـتقل و نیمه مسـتقل محلی و میراث نظامی گری ایرانی بود.از ارتش غزنوی با عنوان«ارتش حرفه ای»یاد کرده انـد.این ارتش حرفه ای ارتشـی مزدور بود که بایـد پیوسـته حاضـر می بود و نمی توانست در ایـام فراغت میان سـفرهای جنگی اسلحه خود را زمین بگذارد.دولت غزنوی دولت متکی بر مالیات بود؛چراکه در

۱- (۱) .ثعالبی،ج۴،ص۹۶.

۲- (۲) .باسورث،ص۴۰.

پرداخت مستمری و سیورسات سپاهیان،درآمد منظم مالیات بیشترین اهمیت را داشت.ماهیت نظامی امپراتوری غزنوی که حاکی از اوج تکامل سازمان ها و ادارات نظامی تحت فرمان خلافت اسلامی است،مورد توجه محققان قرار گرفته است؛از جمله باسورث،ارتش سالاری غزنوی را به ارتش سالاری دولت پروس در قرن هجدهم میلادی تشبیه کرده است که دولت سراپا یک ارتش بود و یک کشور. (۱)ارتش غزنوی شکل تکامل یافته ارتش های اسلامی در شرق است و در مقایسه با سابقه نظامی شرق اسلامی،ارتشی پیشرفته بود.

سازمان سپاه غزنوی با الگوبرداری از روی نمونه ارتش سامانی و بویهی شکل گرفته بود.هسته اصلی ارتش غزنوی را بردگان(غلامان و ممالیک)تشکیل می دادند. (۲)توسعه این ارتش،هم زمان با توسعه تشکیلات بردگان در دستگاه خلافت عباسی بود که خلفای عباسی در ابتدا مواجب اعراب آزاد مقاتله را که در خدمت ارتش بودند کاهش دادند و پس از انقضای خدمت آنان پولی را که اندوخته بودند صرف خرید غلامان مشرقی و ترک کردند.بدین ترتیب در قرن چهارم هجری ارتش های اسلامی در اطراف هسته ای از بردگان بنا شده بود. (۳)

در تشکیلات نظامی غزنوی و سلجوقی،همواره مجموعه ای از بردگان سلطنتی و غلامان شاهی،حضور داشتند که سلاح دار و چتردار-چترهای غزنوی سیاه رنگ و با علامت شاهین بود-بودند و برای خدمات در سفرهای جنگی در کنار شاه و امرا سازمان یافته بودند.غلامان شاهی در دسته ای جدا از سایر اصناف لشکر می جنگیدند و در قلب لشکر بودند و به عنوان نیروی ضربتی آنها را به

۱- (۱) .باسورث،ص۷۵.

۲- (۲) .گردیزی،ص۹۵.

۳- (۳) .باسورث،ص۹۷.

مقابله دشمن می فرستادند.آنها مستقیماً از فرمانده سپاه دستور نمی گرفتند،بلکه از طریق یک رابط،از حاجبان دستور می گرفتند.غلامان شاهی پرچم هایی مخصوص که علامت شیر بر آن نقش بسته بود در دست داشتند (۱)و سلاحی ویژه که نیزه کوتاه(طراد،مطرد)و کمان و کوپال(گرز یا عمود)بود،حمل می کردند. (۲)

برخی محققان،چند ملیتی بودن ارتش غزنوی را دلیل بر ضعف آن شمرده اند، (۳)اما نظام الملک در فصلی با عنوان«اندر لشکر داشتن از هر جنس»تنوع ملیت ها در ارتش غزنوی را ستوده است:«...چون لشکر همه از یک جنس باشند از آن خطرها خیزد و سخت کوش نباشند و تخلیط کنند...».اکراد،اعراب،هندیان،ترکان خرلیق،قبچاق،چگل،ختن،قنقلی،خراسانیان،دیلمیان،مردم ماوراءالنهر،که هر کدام با نام خاصی نامیده می شدند،از جمله این افراد بودند.به اعراب سواره نظام سپاه غزنوی«دیو سواران»می گفتند. (۴)

سپاه غزنوی علاوه بر نیروی مزدور چند ملیتی،نیروهای داوطلب هم داشت که«غازی»و«مطوعه»نام داشتند؛نام غازیان سپاه غزنوی در دیوان عرض ثبت نمی شد،زیرا بیستگانی(مواجب)و مستمری نمی گرفتند.در لشکرکشی محمود در سال ۱۰۲۵/۴۱۶میلادی به سومنات،سی هزار مطوعه در سپاه او حضور داشت. (۵)در دوره غزنوی و سلجوقی از نیروهای داوطلب با عنوان«الجار»یاد شده است؛ (۶)یعنی کسانی که بیستگانی خوار نباشند.

۱- (۱) .باسورث،ص۱۰۲.

۲- (۲) .بیهقی،ص۳۷،۲۷۱،۶۰۳ و....

۳- (۳) .باسورث،ص۱۰۵؛مقاله م.لانگورث در دایره المعارف اسلامی در مورد غزنویان.

۴- (۴) .باسورث،ص ۱۱۰؛بیهقی،ص۳۹.

۵- (۵) .ابن اثیر،ج۸،ص ۱۴۹،۱۵۱.

۶- (۶) .انوری،ص۱۲۶.

از ویژگی های سپاه حرفه ای غزنوی،استمرار سنت های ملیت های مختلف در این ارتش بود که عمده ترین آنها ایرانی بودن است؛به همین جهت جنگ افزارهـای انفرادی سپاه غزنوی از نوع جنگ افزارهـایی بود که پیوسته در عالم ایرانی به کار می رفت؛ (۱)آنهـا در هنگـام جنـگ،گرز،نیزه،زوبیـن به کـار می برنـد و نیم تنه زرهی به تن می کردنـد و سپرهـایی که روکش پوستی یا فلزی داشت به دست می گرفتند و به تعبیر فخر مدبر می توانستند مانند یک حصار،تشکیل خطی استوار دهند.سواره نظام نیز مسلح به کمان،تبرزین،گرز،نیزه،شمشیر و قلاجور(شمشیر بلند خمیده)بودند.

۹-دیوان عرض،دیوان عارض

عرض العین به معنای گذرانـدن سپاهیان از پیش چشم است.رژه و سان دیدن سنتی قدیمی در نیروهای نظامی است؛به طوری که پیامبر صلی الله علیه و آله در غزوه بدر از نیروهای خود سان دید.این سنت در عصر راشدین و اموی استمرار پیدا کرد و در عصر عباسی تشریفات ایرانی سان دیدن به کار گرفته شد.این گونه مراقبت کامل و همه جانبه از نیروها منجر به تأسیس«دیوان عرض»گردید که مسئولیت اصلی آن تنظیمات داخلی ارتش و پرداخت مستمری و آذوقه ارتشیان بود.جایگاه مهم عارض پس از وزارت قرار داشت.دیوان عارض بزرگ در مرکز و پایتخت مستقر بود و شعباتی در ولایات داشت و بیشتر ایرانیان مشغول در دیـوان سالاـری بـه ایـن مشاغـل گماشـته می شدنـد. (۲)ایـن دیـوان دارای دفـاتر و تعـدادی کـاتب بـود و صـاحب دیـوان عرض(صدریه دیوان العرض)آن را اداره

ص:۲۷۴

۱- (۱) .باسورث،ص۱۱۸.

۲- (۲) .بیهقی،ج۳،ص۱۲۹،۴۸۱،۴۹۸،۵۲۴.

می کرد. (۱)در عصر بویهی،دیوان عرض رکن اصلی تشکیلات نظامی بوده و در رأس دیوان جیش،عارض قرار داشته است که همراه امیر بویهی از لشکر سان می دید (۲)وظیفه عارض تهیه آذوقه،تجهیزات،سان دیدن ثبت کردن آمار نیروها و نگه داری ارتش بود.

عمده ترین وظایف دیوان عرض عبارت است از:سان دیدن از سپاه و پرداخت مستمری.دیوان عرض از ارکان اصلی سازمان نظامی است که تسلسل و پیوستگی میان ارتش غزنوی و ارتش های ایران باستان را نشان می دهد.نام سپاهیان و وضعیت جسمانی انساب و القاب و دیگر مسائل آنها در دیوان عرض،در دفاتری به نام«جرید عرض»ثبت می شد که در عصر سامانی به آن«جریده السوداء»می گفتند.عرض از شیوه های پادشاهان اسلام است.هنگام عرض سپاه،«عارض بر بلندی می ایستاد،ابتدا جناح چپ رژه می رفت و سپس به ترتیب قلب و میمنه سپاه.نسخه ای از جریده عرض در نزد نقیب لشکر بود که براساس آن لشکریان را سامان می داد.مراسم عرض،برگزاری اعیاد و جشن های عمومی به هزینه سلطان بود و در هنگام عرض،به لشکریان بیستگانی(العشرینیه)می پرداختند[شیوه ای از پرداخت حقوق که طبق آن در هر سال چهار نوبت جیره پرداخت می شود] (۳)و همچنین برات های ویژه ای مانند سفته می دادند که سربازان با آنها جیره خود را تهیه کنند.در دوره بویهی منبع حقوق سربازان از محل تیول بود و با هر بیعت جدید مالی به عنوان حق الضیعه یا مال البیعه بین سپاهیان تقسیم می شد. (۴)پرداخت حقوق سربازان به شکل جیره بود که به آن مستمری

۱- (۱) .ابن فوطی،ص۵۹۹، ۱۳۶،۳۵۰.

۲- (۲) .صابی،وزرا،ص۱۸.

۳- (۳) .خوارزمی،ص۶۶.

۴- (۴) .طبری،ج۸،ص۱۲۸.

یـا رزقـات مـی گفتنـد. (۱)غزنویـان نیز ماننـد سامانیـان مسـتمری سـربازان را هر سـه مـاه یـک بـار مـی دادنـد.علاوه بر مواجب،فرماندهان عالی رتبه از مستقلات بهره می گرفتند و ازاین رو نظام اقطاع،ایغار،و تلجئه را برای منبع قوت لشکر برقرار نمودند.سلطان در روز عرض،«صلاتی»به برخی از سربازان می داد و حقوق وسیع سلطان از غنایم جنگی،به ویژه«حق صفیه»به او اجازه اعطای این صلات ویژه را می داد. (۲)

تعداد سپاهیان سلطان محمود غزنوی هنگام صلح-به جز داوطلبان هنگام جنگ به صد هزار نفر می رسید که رقمی مبالغه آمیز است.سپاه غزنوی در مراسم رژه و عرض سال ۴۱۴هجری/۱۰۲۳میلادی،دارای ۵۴ هزار سوار و ۱۳۰۰ فیل بوده است. (۳)دیوان عرض در عصر سلجوقی یکی از پنج وزارت خانه و دیوان دولت بود،اما اهمیت خود را نسبت به دوره غزنوی از دست داد.عارض لشکر متقلد و مسئول دیوان«عرض الجیوش»بود. (۴)بوسهل زوزنی و رازی،از جمله عارضان لشکر در عهد غزنوی هستند؛اصطلاحات اثبات،استقرار،تحویل،زیاده و...از اصطلاحات رایج در اداره عرض عصر غزنوی و سلجوقی است.سپاهیان از برابر محل عرض گاه،به صورت باشکوهی رژه می رفتند.

این چو روز بار لشکر پیش میر میرزاد

وان چو روز عرض پیلان پیش شاه شد یار

سپهبد بشد تا عرضگاه شاه بفرمود تا پیش او شد سپاه (۵)

ص:۲۷۶

۱- (۱) .خوارزمی،ص۶۵.

۲- (۲) .باسورث،ص۱۲۵.

۳- (۳) .گردیزی،ص۹۰،۸۰.

۴- (۴) .انوری،ص۱۱۷.

۵- (۵) .شاهنامه،ج۶،ص۲۹۲.

۱۰-دیوان جیش در مصر فاطمی و ممالیک

اشاره

ارتش مصر یکی از پیشرفته ترین نیروهای نظامی در تشکیلات اسلامی عصر فاطمی است.در رژه ارتش فاطمی در سال ۳۸۴ هجری از برابر خلیفه فاطمی«العزیر»،رژه صد لشکر گزارش شده است.وظیفه دیوان جیش و الرواتب فاطمیان،ثبت اسامی نیروها و پرداخت مواجب و مستمری آنها و تهیه تجهیزات و اداره خزانه های اسلحه و...بود.بسیاری از نیروها در ارتش مصر فاطمی،براساس«لواء»دسته بندی می شدند.مهم ترین لواء،مربوط به لواء الاتراک و الدیلم،لواء الوزیریه،لواء الافضلیه،لواء الریحانیه و لواء الارمن است که دسته تیراندازان ویژه ارمنی هستند. (۱)

ممالیک مصر با بهره گیری از سنن فاطمی و ایوبی،بزرگ ترین ارتش در سطح جهانی را ایجاد کردند.این ارتش،تنها نیروی نظامی اسلامی بود که هجوم مغول را متوقف ساخت و اجازه ورود به مرزهای مصر را به آنها نداد.این دولت مصر فاطمی اساساً دولتی نظامی بود و سلطان مملوک خود از نیروهای ماهر حاضر در میادین جنگ بود.ساختار نظام تشکیلاتی اداری سیاسی ممالیک،نظام سلطان و امیر بود،تشکیلات دولتی از سلطان تا پایین ترین سطوح را طبقات مختلف«اتابکان»،«امیران»و فرماندهان عالی رتبه نظامی تشکیل می داد.در این نظام،فرماندهان هزارتایی و امیران صدتایی (۲)بودند.تعداد این امرا که در جنگ همراه سلطان بودند به ۲۴ نفر می رسید و مقامات مهم کشوری و لشکری نیابت سلطنت را به عهد داشتند؛امرای طبل خانه نیز از امرای فاطمی بودند که حق حمل عصای نقره ای(قُضُب)را داشتند.امیران بیست تایی و ده تایی و امیران پنج تایی نیز از این جمله هستند.

۱- (۱) .صالح،ج۴،ص۴۰۵.

۲- (۲) .قلقشندی،ج۴،ص۱۲؛مقریزی،ج۳،ص۳۵۱؛ماجد،ص۱۴۳.

هزینه سپاه مملوک از طریق نظام اقطاع تأمین می شد.در دوره سلجوقی اقطاع نظامی به وسیله وابستگان نظامی آنها توسعه پیدا کرد و در ممالک اسلامی تقلید شد؛از جمله در عصر ایوبیان در مصر.صلاح الدین ایوبی نیز مانند دوره ایوبی مصر دیوان اقطاع نظامی تأسیس نمود که در عصر مملوک بخش اصلی دیوان ارتش بود. (۱)لشکریان در ازای اقطاع،کار نظامی انجام می دادند.سپاه ایوبی و ممالیک به نوعی توسعه نیروی نظامی سلجوقی و قوانین ایرانی آن است.فاطمیان و سلجوقیان نخستین کسانی بودند که آداب و رسوم تربیت غلام و برده را تدوین کرده و اداره تشکیلات خاص این کار را تأسیس کردند.به برده های سلجوقی و ایوبیان«مملوک»و به بردهای فاطمی«ترابی»می گفتند. (۲)

برخی از یگان های مهم ارتش ممالیک عبارت است از:۱.نیروهای ویژه سلطان با عنوان ممالیک سلطانی(خاصکیه،قرانصه،اجلاب،سیفیه)؛۲.اجناد امیران؛۳.اجناد حلقه؛سپاه حلقه در عصر ایوبی از اصناف تأسیس شد؛ (۳)۴.نیروی دریایی ممالیک با ناوگانی متشکل از پنج قطعه ناو جنگی؛۵.سواره نظام مملوکی که از بردگان ترک،چرکس و سایر بردگان تشکیل شده بود که در اردوگاه هایی زیر نظر افرادی به نام«طوانتی»تربیت می شدند.وجه اهمیت نیروی نظامی مملوک استفاده وسیع از توپ در جنگ ها است.در تقدم اروپایی ها یا مسلمانان در کاربرد توپ اختلاف وجود دارد.بنابر یک دیدگاه ضعیف،ممالیک هفده سال پس از کاربرد گسترده آن در اروپا از توپ استفاده کردند؛ (۴)این منابع

۱- (۱) .ماجد،ص ۱۳۹.

۲- (۲) .مقریزی،ج ۲،ص ۱۹۴.

۳- (۳) .مقریزی،ج ۳،ص ۶۹-۸۰.

۴- (۴) .شهیدی پاک،حفصیان،ص ۲۰۰؛شباور،ص ۱۴۵.

چگونگی ترکیب باروت را به راهب بریتانیایی«روجیه باکون»نسبت داده است.

در عهد ممالیک وزارت خاصی ارتش را اداره می کرد.سپاه ممالیک قدیمی ترین سپاه اسلامی از حیث عدد و کیفیت بوده است. (۱)ناظر جیش،متولی امر دیوان بود؛این دیوان کار سنتی خود یعنی ثبت نام سپاهیان،تعداد و نفقات آنها را به عهده داشت.از ویژگی های تشکیلات نظامی دولت ممالیک،تأسیس پادگان های ثابت برای نیروهای نظامی است؛ (۲)این پادگان ها در نقاط معینی از جمله در جزیره روضه قرار گرفته بود و نیروها در آن اسکان یافته بودند.گروهی انبوهی از غیر نظامیان،لشکر بزرگ جداگانه ای را در کنار بدنه اصلی لشکر ممالیک شکل داده بودند؛این نیروها از اعراب مصر و شام و عموم مردم مصر بودند که هنگام«نفیر عام»-نوعی بسیج عمومی برای جهاد فی سبیل الله-خود را به قاهره می رساندند.در سایه قدرت و تشکیلات نظامی ممالیک بود که خلافت عباسی موفق شد پس از سقوط خلافت بغداد،تشریفات رسمی دارالخلافه را در قاهره تا چند قرن به جا آورد.

طبق رسوم کلاسیک ممالیک،خروج سپاهیان طبق تشریفات خاصی انجام می گرفت و ابتدا نیروها در برابر سلطان رژه می رفتند.گروهی از فرماندهان که متخصص و ویژه کار مانور سپاه بودند«نقیب الجیوش»نام داشتند (۳)در پیشاپیش گروه مانور،نزدیک سلطان،پرچم شالیش برافراشته می شد.مراسم عرض گاهی تا چهار روز طول می کشید. (۴)

۱- (۱) .ماجد،ص۱۳۸.

۲- (۲) .ماجد،ص۱۵۲.

۳- (۳) .ماجد،ص۱۵۸.

۴- (۴) .ماجد،ص۱۶۱.

الف)دیوان جیش و نیروی نظامی در مغرب و اندلس

توسعه اقدامات و مدیریت نظامی دولت های اسلامی حاکم در مغرب و اندلس در آغاز ورود مسلمانان و در دوره وُلات از مدینه و دمشق و بغداد بود که به وسیله نخستین و الیانی که از سرداران و تابعان به نام بودند،در غرب جهان اسلام اجرا می شد که با موفقیت نظامی روبه رو شد.آنها بعد از ورود به افریقیه چند پادگان-شهر بزرگ تأسیس کردند که بعد تا چندین قرن پایتخت دولت های اسلامی بود.قیروان در سال ۴۰هبه عنوان پادگان بنا شد و در عصر اغلبی و فاطمی پایتخت آنها بود.دولت های مغربی و اندلسی دولت های جنگی بودند که به وسیله فرماندهان نظامی اداره می شدند و از تجارب جنگی خود در شرق اسلامی استفاده می کردند؛اغالبه در طول خط ساحلی افریقیه برج های نگهبانی و رباطهای متعددی ساختند که محور عملیات نظامی و دفاع آنها بود.نظام اداری اغلبی در زمینه جُند و عطا مانند دوره عباسی است و بدنه اصلی سپاه آنها بر نظام استخدام نیروهای اجباری بود و قبایل نقش مهمی در نیروی نظامی اغلبی داشت.در عصر بنی زیری،قائدالجیش و مقدم و قائد الأعنه فرماندهان عالی سپاه بودند و دسته های کوچک نظامی«عرّافه»نام داشت که یک عریف آن را اداره می کرد و نظام سپاهیان در مجموع زیر نظر نایب الامیر بود.بخشی از سپاه بنی زیری از بردگان سپاه بود که به سرداران و فرماندهان آن«عنبر»می گفتند.معز بن بادیس سه هزار برده سیاه خرید و اعراب هِلالی را در سازمان نظامی خود سامان داد و تمیم در صدد استخدام ترک ها در سپاه بر آمد و اعراب هِلالی را در سازمان نظامی خود سامان داد و تمیم در صدد استخدام ترک ها در سپاه خود بود.رواتب جُند به طور منظم پرداخت می شد و در قبه السلام یا فازه السلام،از سپاهیان خود سان می دیدند.

ص:۲۸۰

دولت بنی زیری ناوگان فاطمی در مهدیه و بجایه را توسعه داد و از کشتی های نفت انداز استفاده می کرد.نظام جند مرابطین،مرکب از حشم که سپاه اصلی و ویژه آنها بود و رومی ها و سیاهان و عرب و غُز بود.در عهد موحدین نیز قوات مسلحه از مرتزقه و حشود و نیروهای داوطلب(متطوعه)تشکیل شد.مرابطین و موحدین نظام پرداخت اقطاع به سپاهیان را وارد غرب اسلامی کردند؛قبایل موحدین بدنه اصلی سپاه موحدین را تشکیل می دادند.بنی مرین دارای سپاه و نیروی زمینی متشکل از غُز و نیروهای اندلسی و قبایل عربی و گارد ویژه ای متشکل از الوصفان،غلامان نظامی ویژه مستقر در کاخ سلطان و اعلاج،مرکب از پانصد برده تیرانداز و العدویون و رومی های اهل قشتاله که تعداد آنها در عهد ابوالحسن مرینی به چهار هزار نفر می رسید،بودند،نظام لشکرکشی و جنگ مانند متعارف نظام عربی بود و موسیقی مخصوصی به زبان بربری در پیشاپیش نیروها می خواندند و زنانی برفراز شتر در هودج هایی در کنار هر دسته نظامی حرکت می کرد؛در حالی که در پیشاپیش ارتش موحدان مؤذنان،قاریان و اهل حدیث حرکت می کردند.در دوره حفصیان،دیوان جُند با وجود حفظ تشکیلات کلاسیک،به علل وجود بحران همیشگی در سواحل افریقیه گسترش خاصی یافت،این منطقه با تهاجم پیوسته ناوگان اروپایی و دزدان دریایی روبه رو بود.در سابقه نظامی دولت حفصیان چندین نبرد دریایی بزرگ وجود دارد.وزیر جُند در عصر حفصی،به منزله حاجب و رئیس الوزراء بود. (۱)

حرکت سپاه براساس دو نظام فصلی از«محله جیش»تنظیم می شد(محله الشتاء و محله الصیف).از دیوان جیش در عصر حفصی با عنوان«دیوان عطاء»و

۱- (۱) .مسالک الابصار،السفر الرابع،ص ۱۵۰.

«دیوان رجال»نیز یاد شده است،ترکیب سپاه حفصی،همان سازمان نظامی موحدین است که از شیوخ بلندپایه موحدین و آندلسی های مهاجر و قبایل عرب و فراری های مصر و مزدوران شرقی و نیروی فرنگی(علوج)بود.

سپاه اولین امیر حفصی را هفتادهزار تن برآورد کرده اند. (۱)عالی ترین فرماندهان این سپاه را«قائد الکتائب»می نامیدند.نفقات این سپاه شامل برکات،مواسات و احسان و اقطاعات سلطانی بود.«دیوان البحر»زیر نظر وزیر جُند بود و به او ملند می گفتند،مهم ترین پیشرفت عصر حفصی در زمینه سلاح،ساخت نوع جدیدی منجنیق در صفر سال ۷۰۹ هجری که نُه سنگ پرتاب می کرد و ساخت نخستین توپ است. (۲)

ب)دیوان جیش و سازمان نظامی عصر عثمانی

تشکیلات دوره عثمانی نتیجه چند قرن نظامی گری ارتش های اسلامی در سرزمین های اسلامی است،که به وسیله سلجوقیان به آناطولی منتقل شد.اما با این وجود،محققان،تشکیلات نظامی عثمانی را توسعه و ترکیبی از سلجوقیان روم،ایلخانان و مملوکان مصر و تجارب نیروهای شاهزاده نشین ها و و الی نشین های بالکان و امیرنشین های آناطولی دانسته اند. (۳)سازمان نظامی عثمانی،طبق سازمان ارتش های قرون وسطا؛متشکل از دو دسته پیاده نظام(ینی چری جبه جی و توپچی)و سواره نظام(آتلی بولوك لر)بود.عثمانی ها روحیه نظامی گری و خشونت را مانند سلجوقیان از سرزمین اصلی خود(دشت های

۱- (۱) .الادله،ص۴۶.

۲- (۲) .شهیدی پاك،رساله دکترا.

۳- (۳) .چارشلی،ج۱،ص۶۰۵.

آسیا)به آناطولی بردند. (۱)امپراتوری عثمانی به طور طبیعی در موضع جنگ قرار گرفت؛زیرا میان دارالحرب و دارالاسلام به وجود آمد که نوعی سیاست جنگی بر این دولت تحمیل کرد؛ازاین رو این دوره،یکی از دوران مهم از توسعه تشکیلات نظامی در اسلام است که به طور کامل از نظام عشیره ای به نظام ارتش ثابت عبور کرد.«یایا»و«مُسَلِّم»نیروی ثابت مرکب از جوانان ترک و نیروی مسلح بالفعل بودند که به جای سواره نظام عشیره ای بود.دولت عثمانی یگان های مختلفی از نیروهای بالفعل از جوانان ترک که از اسرای جنگ بودند،تشکیل داد.ارتش عثمانی وجه تمایز این دولت است و ابزاری برای حکومت و جنگ بوده است؛این دولت،ارتشی بزرگ بود و عالی ترین کارمندان آن فرماندهان ارتش بودند. (۲)پایه ارتش عثمانی،نیروی سواره نظام بود که زیر رایت یا سنجق ویژه ای بودند.

بودجه سواره نظام از اقطاع نظامی تأمین می شد و متولی اقطاعات«سنجق بیک»نام داشت.سواره نظام خاص عثمانی(ینی چری)،در خط مقدم جنگ بودند.پس از آنان آغاوات،سپس قاضی عسکرها و حسابرسان و در نهایت موکب سلطان همراه محافظان خاص همراه با حاجب امپراتوری بود که پرچم امپراتوری را حمل می کرد و سپس پرچم های شش گانه-که هر یک متعلق به سپاهیان مختلف بود-به علاوه نیروهای برجسته سواره حقوق بگیر،حرکت می کردند.صدراعظم و وزرا در قلب،و پشت سر او پاشای روم ایلی و شمار زیادی از سوارکاران اقطاعی قرار داشتند. (۳)

۱- (۱) .احمد یاقی،ص۱۷.

۲- (۲) .احمد یاقی،ص۷۹.

۳- (۳) .احمد یاغی،ص۸۱.

هریک از جناح چپ و راست با توپ خانه و دسته ای از پیشتازان اسب سوار حمایت می شدند.در وقت جنگ،ینی چریان در انتهای قلب لشکر قرار داشتند و سلطان پشت سر آنها قرار می گرفت.«آغا انکشاریه»،رهبر گروه بچه مسیحی های آموزش دیده در سپاه عثمانی بود؛این افراد در اجاق عجمی و اجاق ینی چری،تربیت شده (۱)و در قلب سپاه در اطراف سلطان مستقر می شدند.این نیروها نظامیان ثابت و اصلی حکومت بودند، (۲)سیطره تفکر نظامی بر دولت عثمانی موجب شد که جنگ های بزرگی با اتریش،ایران،ممالیک مصر،روسیه،پرتغال،اسپانیا و فرانسه انجام دهد.سیاست جنگی این دولت ابتدا متوجه شرق و مرکز اروپا بود،ولی ناگهان به طرف شرق تغییر کرد و از اوایل قرن هجدهم،عثمانی در جانب شرقی دچار مشکل نظامی شد؛ (۳)ازاین رو به اصلاح ارتش با افزایش تعداد ینی چریان روی آورد که در عصر طلایی عثمانی تأسیس شده بود؛اما آنها آموزش های نظامی جدید را نپذیرفتند و اصلاح ارتش به سبک اروپایی در زمان مصطفای سوم(۱۱۷۱-۱۱۸۷ه)شکست خورد؛او به تقویت ناوگان و توپ خانه پرداخت. (۴)و یک سپاه جدید پیاده نظام خارج از قاعده ینی چری درست کرد.روشن فکران عثمانی،نجات خلافت عثمانی را در گرو اصلاحات نظامی،اصلاح ارتش،نظام قضایی و ساختار مالی و آموزش می دانستند، (۵)بدین ترتیب اصلاحات نظامی شکست خورد؛زیرا اساس ارتش

ص:۲۸۴

۱- (۱) .چارشلی،ج۱،ص۶۰۶.

۲- (۲) .احمد یاغی،ص۸۴.

۳- (۳) .احمد یاغی،ص۱۲۲.

۴- (۴) .احمد یاغی،ص۱۲۶.

۵- (۵) .احمد یاغی،ص۱۳۸.

عثمانی بر نیروهای آموزش دیده مسیحی بود؛ازاین رو،دولت عثمانی را مرد مریض اروپا می خواندند. (۱)

۱۱-تشکیلات نظامی و دیوان سپاه صفویه

اندکی پیش از صفویان،در عهد آق قویونلو،نیروی نظامی از لحاظ کمی و افراد توسعه فوق العاده ای یافته بود.پادشاه،فرمانده کل قوا بود و امور نظامی ایالات در دست داروغگان قرار داشت.اوزون حسن(م۸۷۳ه)سازمان نظامی بومی بزرگی ایجاد کرد که از همین اردوی یکپارچه و فعّال سیاسی-نظامی،آق قویونلو(نیروی نظامی صفویه)سر برآورد.«حیدر پدر اسماعیل،بنیان گذار صفویه،اسلحه سازی ماهر بود و یکی از محققان از این موقعیت او در اردبیل به این شکل یاد کرده است که در اردبیل به جای قلم نی،شمشیر یافت می شود». (۲)

نظام،ارتش و نیروهای مسلح در عصر صفوی همچون گذشته براساس نظام ایالات شکل گرفت.از جمله اختیارات و الی اختیارات نظامی او بود.خان ها همه قدرت ایالت را در اختیار داشتند،حکم آنها حکم شاه بود و فرمانده قوای نظامی ایالت خود بودند.لشکر مرکب از نیروهای عشایر و ایلات بود.سازمان نظامی صفوی بر دو رکن اصلی:نظامیان بلندپایه(خواص دربار شاه)و نیروهای تحت امر حکام ولایت استوار بود.در رأس نیروهای نظامی دربار،قورچیان(سواره نظام قبیله ترکمان)قرار داشتند.شمار قورچیان در سال ۹۳۶هجری(۱۵۳۰م)پنج هزار نفر بود، (۳)قورچی از طوایف متعصب شاه صفوی(قزلباش)انتخاب

ص:۲۸۵

۱- (۱) .احمد یاغی،ص ۱۴۰.

۲- (۲) .هینتس،ص ۹۰؛امینی،ص ۱۴۰.

۳- (۳) .بُرن،ص ۷۴.

می شد.آنان ملازمان خاص شاه صفوی در پایتخت بودند.شاردن،قورچیان را قوای ویژه دولتی دانسته است.گاهی نیز قورچیان در ایالات مستقر می شدند؛مانند قورچیان نجف.ساخلوی نجف در دوره شاه صفی(۹۵۲-۱۰۳۸ه)پانصد قورچی داشت که تحت فرمان یک قورچی باشی بودند. (۱)

پس از قورچیان،بردگان جنگی بودند،از آنان با عنوان«غلامان قلّر»یاد شده است.الله وردی خان از فرماندهان غلامان سلطنتی«قلّر آقاسی»بود.تفنگچیان هم شعبه ای از غلامان سلطنتی بودند.قورچیان مدافع منافع شاه در ایالات بودند.در کتاب دستورالملوک میرزا رفیعا توضیحات مبسوطی راجع به قورچی آمده و او از وزیرِ سرکار قورچی یاد کرده است (۲)که امور مالی قورچیان را نظارت و اجرا می کرد.و همچنین از وزیرِ سرکار تفنگچی و وزیر توپچی،لشکرنویس دیوان اعلی،مستوفی قورچی،مستوفی سرکار غلام و تفنگچی بعنوان سایر مشاغل نظامی دربار صفوی یاد کرده است.به نوشته او قورچی باشی از معتمدترین امرای دربار است که رئیس قبایل قزلباش ایران تلقی می شد. (۳)اصطلاح«قورچی»دارای ریشه مغولی است.قورچیان تا زمان شاه عباس اول ستون فقرات پادشاهی صفوی بودند.مین باشی(فرمانده دسته هزار نفری)و یوز باشی(فرمانده دسته صد نفری)تحت فرمان قورچی باشی فعالیت می کردند.کلاه این جنگ جویان ترکمن سرخ بود و بدین جهت«قزلباش»نامیده می شدند.(قزل در زبان ترکی به معنای«قرمز»و باش به معنای«سر»است.

از مشخصه های قورچیان،سبیل بلند آنها بود.سپه سالار،عالی ترین منصب

۱- (۱) .برن،ص۷۷؛عالم آرای عباسی،ص۱۰۱۲.

۲- (۲) .رفیعا،ص۲۳۵.

۳- (۳) .رفیعا،ص ۳۸۰.

اداری-نظامی عصر صفوی،منصبی موقت در هنگام جنگ بود که پس از جنگ منقضی می شد. (۱)توپچی باشی رئیس دیوان توپخانه صفوی،مسئول مین باشی و یوزباشی و توپچیان و نیز مسئول نیروی دریایی ایران بود. (۲)

۱۲-دیوان و تشکیلات نظامی نیروی دریایی در دوره اسلامی

نیروی دریایی بخشی قابل توجه و کارآمد از تشکیلات نظامی مسلمانان بود که باعث پیشروی اسلام در مدیترانه شرقی و غربی و اقیانوس هند و آرام گردید.این نیرو بازوی اصلی قدرت مسلمانان در سراسر قرون وسطا بود؛به طوری که یکی از دلایل مهم انحطاط و سقوط تمدن اسلامی،انحطاط و نابودی نیروی دریایی و عدم پیشرفت آن بود.خلافت فاطمی مؤسس رسمی نیروی دریایی در مدیترانه غربی است که با سلطه بر مصر،این ناوگان در دریای سرخ و مدیترانه شرقی حضور پیدا کرد.وجود این نخستین ناوگان دریایی مسلمانان،بیانگر توسعه و استمرار حضور دریایی ایرانی و رومی است.ناوگان ایرانی یگان قدرتمند اقیانوس هند،دریای عمان و خلیج فارس بود و راه دریایی ابریشم به وسیله این ناوگان قرن ها برقرار بود.

برخی منابع عربی فقط به تأثیر رومی بر نیروی دریایی عربی اشاره کرده اند (۳)اما نفوذ نیروی دریایی ایرانی در روند طبیعی توسعه ناوگان و تشکیلات دریایی عربی با دلایل متعدد،کاملاً واضح است و یک محقق عرب به طور مفصل به این موضوع پرداخته است. (۴)با ظهور اسلام اعراب که در متن این ناوگان ایرانی

ص:۲۸۷

۱- (۱) .رفیعا،ص۳۲۸.

۲- (۲) .میرزا رفیعا،۳۹۱.

۳- (۳) .ابراهیم حسن،ص۴۶۳.

۴- (۴) .هادی حسن،صفحات متعدد.

حضور داشتند با نیروی اسلامی آن را توسعه بخشیدند.بسیاری از بندرهای آباد و پر رونق دوره اسلامی،همان بنادر کلاسک ایرانی است که به وسیله نیروهای دریایی ایرانی تأسیس شده است؛مانند بندرهای دجله،خلیج فارس،عمان،بصره،سیراف،ابله و کیش جده،قشم و....این بنادر در مسیر ارتباطی بین شرق و غرب جهان قرار داشت و خطوط اقتصادی و بازرگانی مسلمانان بین چین،هند و اروپا را به یکدیگر متصل می نمود.بندر سیراف در خط کشتیرانی به چین،سیلان،هند و بندرهای آفریقای شرقی(تانزانیا و زنگبار)لنگرگاه کشتی ها در این مسیر بود. (۱)نیروی نظامی دریایی اسلامی به علت حجم بالای کالا-و مسافری که در این مسیرهای دریایی منتقل می شد،تأسیس گردید.رقابت بین دولت اسلامی و دولت بیزانس در مدیترانه شرقی و دولت های اروپایی در مدیترانه غربی و نیز رقابت برای حفظ خط بازرگانی در اقیانوس هند و آسیای دور،از دیگر علّت های تأسیس این نیرو بود.

مسئله فتوحات نظامی پیش از موارد مذکور،نقش اساسی در شکل گیری نخستین هسته های نیروی دریایی مسلمانان داشت؛در حقیقت نیروی دریایی اسلامی همان توسعه نیروی دریایی فعّال امپراتوری ایران است.تأسیس نیروی دریایی اسلامی را باید به چند و الی بحرین-«عثمان بن عاصی ثقفی»که تا مصب رود سند در محل«تانه»پیش رفت و«علاء حضرمی»در سال ۱۷هجری که تا شهر اصطخر پیش رفت و«علقمه بن مجزر»که تا سواحل حبشه پیش رفت-نسبت داد. (۲)همچنین از طریق مسیر دریایی،فتح جزیره قبرس در سال ۲۸

۱- (۱)) .اصطخری،ص۱۲۶؛مقدسی.

۲- (۲)) .زیدان،ص۱۵۹.

هجری و جنگ دریایی ذات الصواری به وسیله و الی مصر عبدالله بن سعد بن ابی سرح در سال ۳۱ هجری با بیزانس در عصر اموی رخ داد. (۱)در عصر امویان اندلس(۱۳۸-۴۲۲ه)سواحل انـدلس در مـدیترانه غربی شاهد حضور ناوگان دریایی بود که چندین جنگ دریایی را با ناوگان انجام داد. (۲)

۱۳-دیوان اسطول

در سال ۲۳ هجری،مسلمانان از شـناورها و کشتی های تندور و کوچک که هر کدام ظرفیت ۴۵ نفر نظامی را داشت به عنوان کشتی های پشتیبانی در کنار کشتی بزرگ جنگی حرکت استفاده کرده انـد. (۳)در عصـر عباسی،نیروی دریایی نهادی اداری در تشـکیلات نظـامی شـد و«دیـوان الاسـطول»در ایـن زمینـه تأسیس گردیـد؛این دیـوان فعـالیت هـای بسیاری را در اقیـانوس هند،مدیترانه غربی و شرقی انجام داد.دوره عباسی با ساخت کارخانه های کشتی سازی در عهد منصور(خلیفه دوم)آغاز شد.او ناوگـان دریایی بزرگی را به فرمانـدهی«علاء بن مغیره حضـرمی»در سال ۱۴۶هجری به مـدیترانه غربی فرسـتاد؛آنها در سواحل باجه لنگر گرفتنـد و خود را برای تصـرف اندلس با حمایت از شورش داخلی یمنی ها در اندلس آماده می کردند (۴)حملات ناوگان دریایی منصور در مـدیترانه غربی به تونس،قبرس(۱۵۶ه)و سـیسل بود و در اقیانوس هنـد به حبشه(م۱۵۳ه)برای دفاع از بندر جده استقرار یافت.او در سال ۱۵۷ هجری حمله مشترک دریایی و زمینی به

۱- ((۱)) .طبری،ج۲،ص۶۰۲،۶۱۹.

۲- ((۲)) .مقریزی،ج۱،ص۳۸۴.

۳- ((۳)) .کندرمان،ص۲۱۰.

۴- ((۴)) .طبری،ج۱،ص۱۳۴؛ج۲،ص۱۲۸،۱۴۵،۴۴۲.

بیزانس را تدارک دید.وی همچنین تا سال ۱۶۰ هجری،با حملات دریایی متعدد به ناحیه سند،امنیت راه های دریایی ابریشم به هند و چین را برقرار ساخت و راهزنان را سرکوب کرد.در عصر مهدی و هارون و امین و مأمون و معتصم،توسعه نیروی دریایی استمرار یافت؛از جمله در سال ۱۶۰ هجری،ناوگان دریایی عباسیان شهر«باربد»را برای سلطه بر اقیانوس هند تصرف کردند.

عرب ها نخستین کارخانه های کشتی سازی را در بنادر مهم جهان که سابقه قرن ها کشتی سازی داشت،ساختند و با قدرت عربی-اسلامی آن را استمرار بخشیدند؛ازاین رو آنان در چند قرن بعد به ویژه در عصر فاطمیان،سهم اول در توسعه صنعت کشتی سازی و تأسیس نیروی دریایی را داشتند.همچنین در عصر«اغالبه»که از نخستین سلسله های وابسته به خلافت عباسی بودند،توسعه گسترده نیروی دریایی در مدیترانه عربی استمرار پیدا کرد؛به طوری که غالبه در سال های ۱۹۰ و ۱۹۱هجری،سواحل یونان را تحت کنترل نیروی دریایی خود گرفتند و بعد از گذشت دو قرن در عصر دوم عباسی،ناوگان دریایی مسلمانان سراسر دریاهای بزرگ جهان را تا پایان قرون وسطا زیر سیطره خود گرفت.در جنگ امین و مأمون(۵۵۵ه)در جریان محاصره بغداد،از کشتی های جنگی که در دجله حرکت می کردند استفاده شد.

نیروی دریایی از جهت تجهیزات و امکانات فنی و مواد اولیه و نیروی متخصص به حدی رسید که همه امکانات لازم جهت ساخت انواع کشتی باری و جنگی را فراهم ساخت؛ساخت اسطرلاب و قطب نما و تهیه نقشه های دریای،نیروی دریایی اسلامی را به اوج تکامل صنعت دریانوردی و ناوگان نظامی رساند.غرب مسیحی در آغاز رنسانس با دست یابی به رموز کشتی سازی مسلمانان و پی بردن به نقشه های دریایی آنان موفق به تأسیس ناوگانی عظیم شد؛

ص:۲۹۰

ازاین رو می توان گفت یکی از زمینه های اصلی رنسانس نظامی،سیاسی و اقتصادی اروپا،دست یابی به رموز دریایی مسلمانان بوده است.

تحقیقاتی گسترده پیرامون واژه های عربی در حوزه نیروی دریایی وجود دارد؛از جمله این واژه ها،کلمه دارالصناعه[Arsenal] است.سیر تاریخی واژه«دارالصناعه»نشان می دهد که این مؤسسه کشتی سازی ابتدا بر فراز میراث ملت های غیر عرب،تأسیس شد.«حَسّان بن نعمان و الی افریقیه،اولین کارخانه های بزرگ کشتی سازی را در سال هشتاد هجری جهت عملیات در مدیترانه غربی بنا کرد که توسعه فتوحات نتیجه طبیعی این اقدامات بود.نخستین دارالصناعه مصر در پایان قرن اول هجری و در جزیره روضه بنا شد،واژه دارالصناعه از همین حوزه مدیترانه غربی-که نخستین اقدامات کشتی سازی دولت های اسلامی در آن جا صورت گرفت-وارد زبان های لاتین شد و به شکل«دارسینال»و«آرسنال»درآمد. (۱)نیروی دریایی فاطمیان دارای دو ناوگان«الاسطول الاول»و«الاسطول الثانی»بود که در عصر خلیفه«العزیز»فاطمی،تعداد ناوگان به ۱۲۰۰ قطعه رسید.از جمله جشن های سنواتی فاطمیان سان دیدن از نیروی دریایی بود. (۲)

۱۴-اسامی برخی کشتی های جنگی و یگان های دریایی

در گزارش های تاریخی،اسامی انواع کشتی هایی که در ناوگان اسلامی فعالیت می کردند آمده است.برخی از محققان مقالات و تحقیقات مستقلی راجع به این اسامی و تجهیزات ناوگان و نیروی دریایی اسلامی انجام داده اند که از مهم ترین آنها کتاب مصطلح السفینه عندالعرب است.به گفته مؤلف این کتاب

۱- (۱) .زیدان،ص ۱۶۴.

۲- (۲) .مقریزی،ج ۱،ص ۴۸۰.

تحقیقـات بسـیاری به وسـیله خاورشـناسان در مـورد کشـتی و وسایـل حمـل و نقـل آبی مسـلمانان صورت گرفته است که وی فهرستی از این اقـدامات را در مقـدمه کتاب خود آورده است.نام تعـدادی از این مستشـرقان ترتیب زیر است:« Piri Reis »و« J.J.Hess »و« Zimmern »و وسـتنفلد و دوزی(Dozy) و دوگـوجه(Degoeje) و«گُلـد مایستر، J.Gldemeister »این افراد در نوشـته ها و تحقیقات خود،عظمت کشتی های نیروی دریایی مسلمانان را ذکر کرده اند و به وصف آنها از جهت شکل ظاهر،عملکرد،حجم انتقال بار و نیرو و قدرت عملیات نظامی،کیفیت ساخت کشتی اشاره نموده اند.

هدف از ساخت دارالصـناعه،علاوه بر ساخت کشتی های جنگی و باری،پذیرش نیروهای جدید و اسـتخدام در اداره دریایی و سازمـان دادن آنهـا برای امور جنگی و خـدمات دریایی بود که این افراد پس از آمادگی به جنگ اعزام می شدند.دارالصـناعه عکا(۴۹ه)،دارالصـناعه تونس،مهـدیه،پالرمو و طرطوشه،از مهم ترین کارخانه های کشتی سازی مسـلمانان در سواحل مـدیترانه است.کلمه«اسـطول»[صـطول]،لفظی عربی می باشـد که به معنـای کشتی جنگی برای مبـارزه بـا دشـمن همراه بـا آتش افکن و منجنیق است.امروزه این واژه به معنـای ناوگـان است که جمعی از کشـتی هـای جنگی[المراکب الحربیه المجتمه]را شامـل می شود.این واژه در متون اسـلامی که از جمله مسعودی در التنبیه والاشـراف آن را آورده است؛زیـدان هم آن را واژه ای یونانی دانسـته است. (۱)در افریقیه واژگـان خاصـی برای نیروی دریـایی وجود دارد؛از جمله به جـای اسـطول،واژه«رمـاده»به کار رفته است.به کشتی های تدارکاتی نیز که همراه ناوگان[واژه یونانی اسطول]برای

۱- (۱)) .زیدان،ص ۱۶۰.

حمل بار و آذوقه و آب حرکت می کرده اند،«اعراری» گویند. (۱)«بطاش»یا«بُطْسَه»کشتی های جنگی مخصوص و بسیار بزرگ بودند که در عصر جنگ های صلیبی نام آنها زیاد به کار رفته است؛این کشتی ها حدود پانصد تا ۶۰۰ نفر نیروی نظامی همراه به سلاح و مهمات حمل می کرده است.«بحریه»نیز کشتی جنگی مخصوص جنگ دریایی بوده است، (۲)«شطی»[شطیه]نیز نوعی کشتی بزرگ جنگی بادبانی منجنیق دار و دارای آتش انداز[قرّاقه] (۳)است که در منابع اسلامی به نام«الشیطیان»و«بطاشان»هم از آن یاد شده است.«شونی»،«شینیف»،«شینیه»،«شانی»از کشتی های بسیار بزرگ جنگی و بلند بودند که در جنگ های صلیبی نام آن آمده است؛به طوری که ناوگان پادشاه صقلیه در جنگ صلیبی،۱۵۰ شینی داشته است.مقریزی در این باره می نویسد:«ناوگان فاطمی در اوایل عهد فاطمی،ده شوانی در اختیار داشت که ده هزار نیروی نظامی حمل می کرد. (۴)«طریده»[طرّاد]نیز کشتی جنگی بزرگ و تندرو جهت حمل اسب های جنگی و سلاح و مهمات نظامی مانند نفت و نیروهای مخصوص آتش انداز بوده است. (۵)در متون عربی کشتی های جنگی همراه با کادر تخصصی جنگی و قیود آنها آمده است؛مانند مراکب مقاتله،مراکب بالمقاذیف،و مرکب النار. (۶)مقر فرماندهی نیروی دریایی و در کشورهای اسلامی در ساحل اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه و سواحل اندلس-که نیروی دریایی

ص:۲۹۳

۱- ((۱)) .کندرمان،ص۲۷.

۲- ((۲)) .همان،ص۳۸.

۳- ((۳)) .همان،ص۱۴۷.

۴- ((۴)) .همان،ص۱۵۷،مقریزی،خطط،ج۱،ص۹۴.

۵- ((۵)) .همان،ص۱۶۸؛الروضتین،ج۴،ص۱۶۴.

۶- ((۶)) .همان،ص۲۵۹.

بخش اصلی نیروی نظامی آنها بود-از فعال ترین ارگان های نظامی بوده است.

در عصر فاطمی که نقش اساسی در تأسیس بزرگ ترین ناوگان و تشکیلات نیروی دریایی در مدیترانه داشت.«دیوان جهاد»یا«دیوان عمائر»که مرکز آن در«فسطاط»بود،سازمان دریایی را اداره می کرد. (۱)منصب«قیاده الاساطیل»عالی ترین مقام نظامی در تشکیلات نظامی بود. (۲)به فرمانده نیروی دریایی در مغرب بزرگ عربی در قرون وسطا دوره،«مَلَنْد»« Maland »-که ریشه اسپانیایی دارد-اطلاق می شد. (۳)او مسئول ساخت و تهیه کشتی جنگی نیروی نظامی دریایی بود و به عنوان معاون وزیر فعالیت می کرد.ناوگان دولت بنی مرین متشکل از شش نوع کشتی جنگی با نام های قرقوره[کشتی عظیم جنگی برای حمل نیرو و سلاح و...]،یشنی[کشتی بلند که صد تیرانداز ماهر حمل می کرد]،غراب[کشتی سیاه که ۱۸۰ تیرانداز ماهر حمل می کرد]،شیطی[کشتی اطلاعاتی که هشتاد تیرانداز حمل می کرد و برای شناسایی پراکندگی دشمن در دریا حرکت می کرد]،قارب[کشتی کوچک ارتباطی بین کشتی های جنگی ناوگان]. (۴)

تشکیلات نیروی دریایی اسلامی در سواحل مدیترانه شرقی و غربی از نیمه قرن اول شروع به شکل گیری نمود.در تشکیلات دولت های اسلامی از فرمانده نیروی دریایی با عناوین مختلفی مانند،رئیس الاسطول،مقدم الاسطول،صاحب البحر،متولی البحر در عصر فاطمی،قائدالاسطول در عصر زیریان (۵)زمام الاسطول،

۱- (۱) .سالم،ج۱،ص۳۹؛قلقشندی،ج۳،ص۴۹۳.

۲- (۲) .مقدمه ابن خلدون،ص۴۴۷.

۳- (۳) .المنونی،ص۸۵۰.

۴- (۴) .همان،ص۱۱۰.

۵- (۵) .مقریزی،ج۲،ص۴۲۳.

قائـد القواد،در دوره طولانی (۱)خادم البحر،مقدم العماره در عصـر اغلبی،امیرالبحر،امیرالماء،قائدالبحر در عصـر امویان اندلس، (۲)قائـدالقواد و صاحب الاسـطول و رأس الماء در عصـر ایوبی یاد کرده انـد. (۳)در عصـر موحدان و مرابطین،صاحب البحر و قائدالاسـطول (۴)و طلبـه ناوگـان،مسـئول اداره و نظـارت بر ناوگـان بودنـد؛در عصــر ممالیـک از(۱۲۵۰-۱۳۹۰م)و در دوره عثمانی(۱۲۸۸-۱۹۰۸م)با عنوان صاحب الاسـطول یاد کرده اند.گروهی ملوان،رجال البحریین،اسـطولیه،نواتیه،قَذّاف،ذوالصناعه و المهن،نفـاطون،غزاه البحر و...در کارهـای جنگی،خـدماتی و دیگر امور در هر کشـتی جنگی حضور داشت. (۵)به رئیس هر کشتی که این افراد زیر نظر او بودند«قائدالنواتیه»اطلاق می شد. (۶)

تشـریفات خـاص جنـگ و سان از نیروی دریایی،در منابع عصـر اغلبی عصـر فاطمی و اموی انـدلس و مرابطی و موحـدین بیان گردیده است.ناوگان به ویژه در عصـر حفصـی و مرینی اهمیت خاصی پیدا کرد و باعث حفظ مغرب اسلامی شد.بنی مرین ده هـا جنـگ دریـایی را بـا ناوگـان جهادی[اساطیل جهادیه]جهت بازپس گیری شـهرهای انـدلس برپا کردنـد. (۷)فعالیت نیروی دریایی مسـلمانان در مدیترانه غربی و شرقی،با شکست دولت ممالیک مصر و سقوط دولت حفصی در تونس و تصرف تونس به وسیله خلافت عثمانی در سال ۹۸۳ هجری،وضعیت جدیدی پیدا کرد و

ص:۲۹۵

۱- (۱) .ابن تغری بردی،ج۳،ص ۵۰.

۲- (۲) .ابن عذاری،ج۲،ص۲۱۸،۲۲۲؛مقریزی،ج۲،ص۳۸۳.

۳- (۳) .مقریزی،السلوک،ج۱،ص۲۰۷.

۴- (۴) .ابن عذاری،ج۴،ص۸۳؛سلاوی،ج۲،ص۶۴،۹۵.

۵- (۵) .سالم،ج۱،ص۸۰و۸۱.

۶- (۶) .مقدمه ابن خلدون.

۷- (۷) .سلاوی،ج۲،ص۱۶۳.

کار آن منحصر به تحرکات نیروی دریایی عثمانی شد. (۱)ناوگان عثمانی تحرکات ناوگان پرتغال و اسپانیا را در مدیترانه غربی محدود ساخت و سواحل الجزایر را از چنگ آنها بیرون آورد.آنها ناوگان نظامی عظیمی را در استانبول مستقر کردند و قدرت دریایی مدیترانه را برای همیشه منهدم ساختند و سیاست های جدیدی را در عرصه حقوق بین الملل دریاها با انگلیس،پرتغال و اسپانیا برقرار ساختند.

در اهمیت نیروی دریایی اسلامی همین بس که میراث ایرانی مسلمانان در این نیرو،مدیترانه را به صورت یک دریای اسلامی نگه داشت و فرهنگ اسلام را در مغرب با ارتباطات دریایی خود رواج داد،استمرار بخشید و پایدار نمود.همین ارتباطات دریایی،فرهنگ اسلامی را در جنوب شرق چین،هند،مالزی رواج داد. (۲)

سقوط نیروی دریایی اسلامی در مدیترانه غربی باعث سقوط اندلس و تغییر جغرافیای سیاسی مسلمانان در غرب اسلامی گردید جزیره سیسیل که کلید سلطه بر مدیترانه غربی بود،با تدابیر خلافت عباسی و امویان اندلس که همه تلاش خود را برای مهار تشیع در غرب اسلامی انجام می دادند،از زیر سلطه مسلمانان و دولت شیعی فاطمیان خارج شد و با استقرار نیروهای غرب مسیحی در سیسیل آغاز ناامنی مدیترانه غربی برای مسلمانان فراهم شد و تنها با استقرار دولت شیعی موحدین تا حدودی امنیت آن تأمین شد،اما با سقوط موحدین و از بین رفتن ناوگان دریایی یکپارچه آن،بار دیگر قدرت اسلامی در مدیترانه غربی رو به انحطاط گذاشت و تا مرحله سقوط پیش رفت و ناوگان متفرق دول مغربی و عثمانی نتوانستند از سقوط آن جلوگیری کنند.

۱- (۱) .شهیدی پاک،رساله،ص۲۰۰.

۲- (۲) .شهیدی پاک،فرهنگ اسلامی در راه دریایی ابریشم،ص۲.

خلاصه فصل،نتایج و منابع بیشتر برای مطالعه

صورت ظاهری هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه،جدا شدن پیامبر صلی الله علیه و آله از یوغ سلطه نظامی قریش و تجهیز ارتشی قدرتمند از مردم مدینه بود که نخستین مأموریت آن با فتح مکه پایان یافت.مجموعه غزوه ها و سرایا که دولت پیامبر صلی الله علیه و آله در طی ده سال در جزیره العرب به فرماندهی ایشان انجام داد،مسلمانان را برای فتح نظامی جهان آماده کرد.سابقه توانایی های نظامی عرب از جمله در تیراندازی،اسب سواری،رعایت نظم،استقامت،ضوابط در مدیریت سپاه،دلیری،هوشمندی،ایمان،صداقت،شهادت طلبی سربازان اسلام،تسامح اسلامی در مناطق مفتوحه،شخصیت کاریزماتیک نخبگان نظامی و قهرمانان عرب از جمله حضرت علی علیه السلام،از جمله علل پیروزی و پیشرفت نظامی مسلمانان محسوب می شوند.دیوان ارتش از نخستین دیوان هایی بود که مسلمانان تشکیل دادند؛زیرا همه مسلمانان خود را سرباز قرآن و اسلام دانسته و خود را در برابر پیام آسمانی اسلام متعهد می دانستند.تعداد زیادی از اعراب مسلمانان زیر پرچم اسلام فقط در کار جنگ بودند و نیروی اصلی محرکه آنها انجام فریضه جهاد اسلامی بود.

مهم ترین نقطه عطف در تشکیلات نظامی مسلمانان،تأسیس یک ارتش ثابت بود؛زیرا عملیات نظامی با وجود طیف گسترده ای از نیروهای نظامی که از موالی با نژادهای مختلف بودند،انجام می شد؛این اختلاط خود از نقاط ضعف ارتش های اسلامی بود.

امویان با تأسیس گروه های متعصب نظامی،نمونه کاملی از دولت مقتدر نظامی را به وجود آوردند که بسیاری از اهداف خود را با لشکرکشی های بزرگ نظامی انجام داد.هزینه عمده خلافت اموی و خلافت عباسی،مربوط به هزینه های نظامی است.خلافت اسلامی به طور منظم نبردهای تابستانی و

زمستانی را در ثغور سامان می داد و سرانجام؛شکل سازمان یافته ای از نیروی نظامی که هنوز به وظیفه جهاد می اندیشید،در تشکیلات اسلامی تثبیت شد.در دولت های اسلامی،توسعه ارتش در رأس امور قرار داشت؛به طوری که در نیمه قرن چهارم،شمار سپاهیان،حتی در برخی از دولت های نیمه مستقل وابسته به خلافت اسلامی از مرز چهارصد هزار تن می گذشت.

جهت حفظ نظام و بالا رفتن کارآمدی ارتش،در کنار دیوان جند،دیوان عرض نیز فعالیت وسیعی را به عهده داشت؛توسعه این ارتش ها به حدّی بود که سان دیدن از برخی از آنها چند روز طول می کشید.توسعه طبیعی ارتش اسلامی در عصر ممالیک،علت اصلی توقف نیروهای نظامی مغول در برابر ارتش اسلامی ممالیک مصر بود که سراسر جهان را با نظامی گری خود تهدید کرده بود؛خلافت عثمانی و صفوی نیز با استفاده از این موج توسعه نظامی شکل گرفتند.

تشکیل ناوگان دریایی و بنای ده ها کارخانه کشتی سازی در سواحل مدیترانه غربی و شرقی،از نشانه های توسعه نیروی دریایی اسلامی است؛این نیرو بر مدیترانه و راه های اقیانوس هند سلطه داشت.روند توسعه در ساخت اسلحه،نیز سرانجام منجر به ساخت نخستین توپ ها به وسیله مسلمانان شد.فتح مغرب و اندلس و ماوراءالنهر و شبه قاره هند،حاصل قدرت بی بدیل سازمان های اداری و نظامی مسلمانان است؛این نظامی گری مسلمانان و تشکیلات نظامی که تأسیس کردند،در منابع مستقلی جمع آوری شده است و محققان و خاورشناسان معاصر نیز آثار بسیاری در خصوص آن تدوین کرده اند.

ص:۲۹۸

دیوان قضا و تشکیلات قضایی

مقدمه

از عمده ترین مظاهر تمدن اسلامی تشکیلات قضایی در جوامع اسلامی است.«قضا»در لغت به مفهوم حکم بین متخاصمین است؛قضا از مهم ترین ارکان قدرت در تشکیلات اسلامی است و با عنوان«ولایت قضا»از آن یاد شده است.در منابع فقه اسلامی بحث های مبسوطی در خصوص قضا،شرایط قاضی و راه ها و قوانین شرعی قضاوت آمده است؛از جمله ماوردی و ابن الفراء بحثی را با عنوان ولایت قضا مطرح نموده و شرایط قاضی در اسلام را با بیان اداری ذکر کرده اند. (1)بیشترین اصطلاحات تشکیلات اسلامی،به اصطلاحات نظام قضایی و نوآوری و ابتکارات اسلامی امر قضا اختصاص یافته است.نظام قضایی اسلامی نظامی تأسیسی است؛زیرا از یک سو عدالت،روح قضا بوده و اقامه عدالت انگیزه وجودی دین اسلام است و از سوی دیگر،قوانین اسلامی در خصوص قصاص،دیات و حدود در منابع فقهی به شکل مبسوط تدوین شده و موارد امضایی آن نسبت به موارد

۱- (۱) .ابن الفراء،ص۶۲؛ماوردی،ص۸۳و۸۴.

تأسیسی،انـدک است.قضا از جمله تشـکیلاتی است که ریشه های عربی طولانی دارد؛ (۱)در نظام قبیله ای هر قبیله چنـد داور داشت و برخی از ارزش ها و عرف قبیله ای مرجع اصلی قضا و ترک مخاصمه و بیان احکام قضایی بین اعراب بود.شیوخ قبایل و کاهنـان و اشـخاص معروف بـه حـاکمیت و صـاحب تجربـه،براسـاس مصالـح قبایـل و ارزش هـایی که قرن هـا میراث قبـایل بود،اجرا می شـد؛از معروف ترین مسائـل قضـایی،مسـئله مجازات در عرف قبیله ای است که همه افراد قبیله مسـئولیت مجازات فرد را به عهـده داشـتند.در این مسـئله،ملاـک یـاری و مجـازات،قبیله بود و شـیخ قبیله مجری عرف حاکم بر قبیله بود.هاشم بن عبـدبن منـاف و قیس بن ساعـده و امیه بن ابی لهب،از جمله بزرگان قریش بودنـد که مواردی از رفع خصومات به آنها نسـبت داده اند.حاکم پیش از اسلام عصای مخصوصی به دست می گرفت که نشان قدرت داوری و قضایی او بود.نخستین تشکیلات سـاده قضـایی برای عـدالت خـواهی و رفع ظلـم،انـدکی پیش از ظهـور اسـلام گزارش شـده اسـت؛از جمله می تـوان به«حلف الفضول»و«حلف المطیبین»اشاره کرد که پیامبر صـلی الله علیه و آله در حلف الفضول شـرکت داشت.چنان که گـذشت،قدرت قضایی این پیمان قضایی دوره جاهلی،با شرکت پیامبر صلی الله علیه و آله در آن تأیید شد.

۱-نظام قضا در عصر پیامبر

پیـامبر صـلی الله علیه و آله پس از ظهور اسـلام،مبـانی قضـایی دوره جـاهلی را نفی کرد و مبـانی قضـایی اسـلام را به جای آن معرفی نمـود.از مهـم ترین این مبـانی،بیـان مسـئولیت فردی به وسـیله قرآن و آزادی مسـئولیت شخصـی از قیـد حـاکمیت قـبیله بود.براین اساس،فرد،شخصیت متمایز و منحصری در برابر قبیله پیدا کرد و

۱- (۱) .یعقوبی،ج ۱،ص۲۵۸؛علی،ص ۱۰۰.

مسئول اعمال خود معرفی شد.نکته مهم تر این که بر پایه این مبنا،خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله به جای شیخ قبیله مرجع قضاوت قرار گرفت.

منصب قضاوت در عهد پیامبر به وسیله شخص پیامبر صلی الله علیه و آله اداره می شد.ایشان با پیمانی که میان مهاجر و انصار و مسیحیان و یهود منعقد نمود،خود را تنها قاضی این اقوام قرار داد. (۱)قضا نزد پیامبر اهمیت فوق العاده ای داشت و این مطلب در احادیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله در قداست شغل قضا نقل شده،نمایان است.از جهت تشکیلات سیاسی و اداری،قاضی در شمار یکی از قدرت های عالی در اسلام بوده و جزو وظایف دارالخلافه است که به وسیله خلیفه تعیین می شود. (۲)قاضی در کنار قدرت امرای ولایات و در رأس تشکیلات اداری بوده و در قدرت،شریک و الی است.پیامبر صلی الله علیه و آله مرجع همه قوای اداری،قضایی،نظامی،سیاسی و اقتصادی بود،اما ولایت قضا را مستقل از و الی و شهرها واگذار می کرد که این امر حاکی از اندیشه تفکیک وظایف و الی و قاضی است.نخستین متون سنتی تشکیلات اسلامی،این جدایی را در فهرست اموری که مخصوص قاضی و و الی است متذکر شده اند.استقلال شغل قاضی از و الی،موجب ایجاد نهاد مستقلی در تشکیلات اسلامی گردید.حجم فعالیت ها و تأثیرات سیاسی،اداری و نظامی قضات در تمدن اسلامی به حدی است که نخستین کتاب های خاص رجالی به«تاریخ قضاه»اختصاص یافته است.چندین کتاب تاریخ عام و تاریخ محلی مربوط به قضات صدر اسلام به وسیله افرادی چون کندی و مالقی تدوین شد.کندی تاریخ قضات مصر،و مالقی نباهی تاریخ قضات مالقه در اندلس را به نگارش درآورد؛این دو منبع رجالی حاوی اطلاعاتی وسیع در خصوص عملکرد

ص:۳۰۱

۱- (۱) .صبحی صالح،ص۳۱۸.

۲- (۲) .مقدمه ابن خلدون،ص ۴۹۰.

قاضیان در تشکیلات اسلامی قرن های نخستین هجری است.همچنین چندین کتاب در خصوص«ادب قاضی»تدوین شد و بخشی از ادبیات عرب به این امر اختصاص یافت.نظر به اهمیت علم و تقوا و قداست در قضاوت،نام حضرت علی علیه السلام نزد فریقین،هم سنگ و مساوی با الگوی خاص و تنها نمونه عالی قضاوت در تمدن اسلامی است؛به طوری که عبارات بسیاری از طریق مورخان و رجالیون اسلامی در خصوص مقام قضاوت حضرت علی علیه السلام نقل شده است.پیامبر صلی الله علیه و آله در نخستین تعیین قاضی،حضرت علی علیه السلام را به یمن فرستاد.ایشان بسیاری از احکام و ادب قضا را خود تعیین و تبیین فرمود. (۱)پیامبر بسیاری از شیوه ها و قوانین عام و کاربردی قضا را به صحابه آموزش داد و ازاین رو موارد متعددی از فتوای پیامبر صلی الله علیه و آله در امور قضایی بیان شده است.در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و خلفای راشدین قاضی مقامی بالاتر از و الی یا مساوی با او داشت.

مهم ترین اصل ثابت در نظام قضایی اسلام که در کتاب های فقهی نیز به آن اشاره شده،استقلال قاضی است و برای آن تمهیدات خاصی اندیشیده شده است؛ماوردی وابن الفراء مواردی از این تمهیدات را بر شمرده اند.از مهم ترین این تمهیدات،وضع مواجب و حقوق مناسب برای او و اهمیت به جایگاه بلند وی در زندگی اجتماعی است.هرچند حقوق ماهیانه،قاضی را در ردیف اشراف جامعه قرار می داد،اما در عمل،قضات به دو شیوه متفاوت نسبت به مبانی نظری اسلام در خصوص حقوق قاضی عمل می کردند.بسیاری از قضات به جهت حفظ قداست و بهره معنوی و حکمت خدایی جایگاه قضاوت از پذیرش حقوق خودداری می کردند که این به معنای بی نظمی در شغل قضاوت نبود.

۱- (۱) .مادوردی،ص۸۶.

به نظر می رسد که تشکیلات قضا در صدر اسلام،از نخستین تشکیلات اسلامی است که با عنایت پیامبر صلی الله علیه و آله و براساس میزان شخصیت معنوی و عدالت افراد تعیین شده از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله،شکل گرفت.از آن جا که حضرت علی علیه السلام در عدالت بی نظیر بود،از ایشان به عنوان نمونه عالی قضاوت در بین صحابه یاد کرده اند.این امر حاکی از جایگاه مستقل قضاوت در تشکیلات اسلامی از آغاز شکل گیری این تشکیلات است.

علم و عدالت،ویژگی زیربنایی و اصلی قاضی است؛ازاین رو در کتاب های«ادب قاضی»بحث های مفصلی راجع به عدالت قاضی مطرح شده و نکات بسیار جزئی که موجب خدشه در عدالت قاضی می شود،ذکر گردیده است.پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آغاز شکل گیری تمدن اسلامی،خطوط کلی و قواعد زیربنایی قضاوت را برای قاضیانی که گسیل می داشت،تبیین کرده اند-که در کتب فقهی به آن اشاره شده است.بخشی از ادبیات قضا اسلامی همین سیره و توصیه های قضایی پیامبر است. (۱)

۲-دیوان قضا در عصر راشدین

در عهد راشدین منصب قضا بنا به دیدگاهی فقط در مدینه برقرار بود و در سایر شهرها نامی از قاضی نیامده است.بنا بر دیدگاه مخالف،شکل گیری قضا را می توان نخستین گام تشکیلاتی اسلامی دانست که در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله به وجود آمده است؛رئوس،شرایط قاضی و کیفیت و کمیت مسائل مربوط به قضاوت،از سوی پیامبر در ضمن احادیث و به ویژه در سیره ایشان در منازعات و دعاوی

۱- (۱) .ماوردی،ص۸۶.

مدینه بود،تبیین شد؛ازاین رو می توان اقدامات قضایی پیامبر صلی الله علیه و آله را نقطه آغاز نظام اداری و شروع تاریخ تشکیلات اسلامی دانست.این پدیده تاریخی قضاوت پیامبر صلی الله علیه و آله،از لحاظ کلامی ریشه در نبوت ایشان دارد؛چراکه یکی از وجوه ثابت شخصیت پیامبران الهی قضاوت و رفع منازعات بین مردم بوده است؛چنان که در خصوص حضرت موسی علیه السلام و سایر پیامبران،شاخص ترین داستان زندگی آنها قضاوت است؛پس شاید بتوان گفت که قضاوت به نوعی پله پیش از نبوت در زندگی انبیا بوده است.نوشته های بسیاری در مورد قضاوت های پیامبر صلی الله علیه و آله در مسائل دینی و دنیوی وجود دارد؛از جمله ابن الطلاع اندلسی(م۴۷۹ه)پس از تحقیق در ۴۳۰ اثر،تحقیق مستقلی با عنوان«اقضیه الرسول الله»تدوین کرده است. (۱)ظهیرالدین علی مرغنانی(م۵۰۶ه)در اقضیه الرسول و الفتاوی النبویه فی المسائل الدینیه و الدنیویه(م۷۵۱ه)نیز در این باره مطالبی نوشته اند.در السیره الشامیه،عناوین احکام و قضاوت های پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است؛کتانی نیز فهرستی از قاضیانی که پیامبر صلی الله علیه و آله تعیین کرده،آورده است؛پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان نخستین کسی که قاضی تعیین کرده است،روایتی نقل می کند که حضرت علی علیه السلام و داستان قضاوت او به هدایت پیامبر صلی الله علیه و آله«اللهم اهده للقضاء»را معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله در قضاوت دانسته است.حضرت علی علیه السلام نقش اصلی در استمرار قضا در عصر راشدین داشت؛چرا در زمان خلفای سه گانه در مدینه،قاضی وجود نداشت و آنان خود به مسائل قضایی رسیدگی می کردند و حکم می دادند.براساس تاریخ و گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله،نخستین قاضی در عهد راشدین حضرت علی علیه السلام بوده است،اما با این حال،منابع در وجود قاضی در عهد راشدین،اختلافات بسیاری

۱- (۱) .کتانی،ص۱۲۴و۱۲۵؛ابن فرحون،الدیباج،ص۲۷۵.

کرده اند؛به طوری گروهی معتقد بر عدم وجود قاضی از زمان خلیفه اول تا زمان فتنه هستند که پس از فتنه خلیفه اموی قاضی تعیین کرد؛ (۱)اما بنا به رأی گروهی دیگر از راویان،در عصر راشدین در مدینه قاضی تعیین شد؛شریح کندی قاضی القضاه کوفه،عثمان بن قیس قاضی مصر (۲)و ابوموسی اشعری قاضی بصره در عصر راشدین بود. (۳)

۳-دیوان قضا در عصر اموی

قضا در عصر اموی شکل ساده ای داشت و دیوان قضا و بخشی از دارالاماره بود.در عصر اموی نخستین قاضی مدینه«عبدالله بن حارث بن نوفل»بود که مروان او را به قضاوت نصب کرد.در این عصر سلطه قاضی پایین تر از قدرت امیر و والی بود جایگاه قاضی همواره سست بود؛ازاین رو نخستین کاری که امیر و والی جدید می کرد،عزل قاضی بود.نخستین قاضی که در عصر اموی،ولایت شُرطه را علاوه بر قضا بر عهده گرفت،مصعب بن عبدالرحمن بود.شیوه انتخاب قاضی در عهد اموی خلاف شیوه رسول الله صلی الله علیه و آله در تعیین قاضی است.شریح قاضی و قاضیان اموی،به دلیل پایین بودن درجه آنها-در سازمان اداری-از والی،بازیچه دست والیان اموی بودند و شریح قاضی در همین راستا از مسببان حادثه کربلا بود.

قضات شهر کوفه در عصر حضرت علی علیه السلام،ابن مریم حنفی و کعب بن سور بودند؛ابن عباس در این عهد هم امیر و هم قاضی بود.در عصر اموی،«زراره ابن اوفی جرشی»قاضی کوفه بود؛قاضیان بصره نیز در عهد اموی ملزم به

۱- (۱) .الانباری،ص۷۴؛اخبار القضاه،ج۱،ص۱۱۲،۱۰۶،۱۰۵،۱۰۸.

۲- (۲) .کندی،ص۳۰۳.

۳- (۳) .صبحی صالح،ص۳۲۲.

مشورت با قاضی کوفه بودند.در این دوران،صاحب مجلس قضا،مجلس قضا را اداره می کرد؛دو سرباز شمشیر به دست همراه با دو شرطه با تازیانه در دو سوی قاضی بودند. (۱)در اوایل حکومت اموی همان کسی که به حکومت مدینه منصوب می شد به کار قضا هم می پرداخت (۲)حقوق شریح صد درهم و مقداری گندم بود؛به طور کلی حقوق قاضی در عصر اموی افزایش پیدا کرد.

۴-دیوان قضا در خلافت عباسی و فاطمی

تحول عمده دیوان قضا در عصر عباسی،در ابتدا مربوط به تحول در مذاهب فقهی می شود؛به طوری که با پیدایش چهار مذهب،روح اجتهاد سستی گرفت و قاضی حکم خویش را طبق یکی از چهار مذهب می داد. (۳)در این عصر خلفای عباسی در صدد نزدیک کردن خود به علما و فقها بودند و قضاوت را رکن حکومت می دانستند؛ازاین رو به منصب قضاوت سازمان جدیدی دادند و بهترین راه های استفاده از قدرت مقام قضاوت-برای این که به حکومت خود مشروعیت فقهی و شرعی بدهند-در این سازمان پیش بینی شد.عالی ترین مقام قضایی با عنوان قاضی القضاه،در بغداد تأسیس و مستقر شد و تعدادی از رجال دینی و علما را در شهرهای مختلف به عنوان نایب خود و قاضی تعیین و آنها را اداره می کرد.به گفته برخی محققان،تأسیس مقام قاضی القضاه از پدیده های خاص عصر عباسی اول است. (۴)قاضیان در هر ولایت به مذاهب چهارگانه بودند؛نصب

۱- (۱) .الانباری،ص۸۸؛اخبارالقضاه،ج۲،ص۲۶۶،۹۶،۳۰۳،۲۲۲؛طبقات ابن سعد،ج۶،ص۹۶.

۲- (۲) .العلی،ص ۲۵۰؛وکیع،ج۱،ص۱۴۱؛ابن سعد،ج۵،ص۱۱۷.

۳- (۳) .حسن ابراهیم حسن،ج۲،ص۲۵۲،۲۵۳،۲۵۴.

۴- (۴) .ابراهیم حسن،ج۲،ص۲۵۳.

قاضیان و ولاه و اداره اوقاف از وظایف قاضی القضاه عصر عباسی بود.

تغییر و تثبیت حقوق قاضیان از حوادث مهم قضایی عصر عباسی است؛در این عصر عباسی حقوق قاضی به سی دینار رسید و تثبیت شد، (۱)اما این در عصر مأمون به ۲۷۰ دینار رسید و حقوق قاضی مصر به هزار دینار رسید؛از جمله قاضی مصر«عبدالرحمن بن حجیره»(۶۹ تا ۸۳ه) (۲)دویست دینار بابت قصص،دویست دینار بابت بیت المال،دویست دینار بابت جیره،دویست دینار به عنوان جایزه،و دویست دینار بابت قضاوت دریافت می نمود. (۳)حقوق قاضی در عصر فاطمی به دوازده هزار دینار رسید.

«مفضل بن فضاله»که از سال ۱۶۸ تا ۱۷۷هقاضی دربار مصر شد (۴)در وضع قضا،تغییرات عمده ای داد.او سجلات مجلس قضا را-که در این زمان به آن«پرونده»می گویند-نظم و ترتیب داد و جزئیات دعوی و وصیت و دین و هر چه را در دعوی اثر داشت در آن ثبت کرد و«مأمور تحقیق»برای کشف احوال شاهدان گماشت. (۵)

در عصر عباسی،مقام قضاوت دارای دفتر و وزارت خانه و دیوان مستقلی شد که در رأس دیوان قضاوت قاضی القضاه قرار داشت؛ (۶)گروهی کارمند از جمله چند کاتب و چند حاجب و عریضه خوان و خازن دیوان قضا که کار بایگانی را انجام می داد و

۱- (۱) .زیدان،ص ۱۹۰.

۲- (۲) .کندی،ص ۳۳۳.

۳- (۳) .ابراهیم حسن،ج ۱،ص ۴۵۵.

۴- (۴) .کندی،ص ۳۷۷.

۵- (۵) .ابراهیم حسن،ج ۲،ص ۲۵۵.

۶- (۶) .ابن فوطی،ص ۳۲،۳۶۸.

گروهی عدول (۱)و شهود موقت و دائمی که کار وکلا را انجام می دادند،و گروهی از کارمندان دیوان قضا،مسئول بررسی اظهارات گواهان و شهود بودند؛از جمله مقام«صاحب المسائل»مسئول این بررسی بود.کندی و نباهی و...ضمن نقل گزارش هایی در مورد قضات معروف،به مقامات و مشاغل دیوان قضا نیز اشاره نموده اند.

معروف ترین قاضی عصر عباسی(از ۱۷۷ تا ۱۸۴ه)قاضی منصوب از سوی هارون الرشید در مصر است. (۲)«ابن مسروق کندی»مقام قضا را بالا برد و به قدرت ولایتدار سر فرود نیاورد و چنان که از پیش رسم بود،به مجلس او حضور نیافت و نتیجه آن شد که از پس وی قاضیان از حضور مجلس ولایتدار سر باز زدند،و هم او دیوان قضا را به نظم آورد و ملفه ها آماده کرد که اوراق قضا در آن می نهادند و مهر می زد و چون به قضا می نشست مهر را می شکست. (۳)رفتار کندی نشانه دخالت قاضی در اموال بیت المال است.

از دیدگاه خلفای عباسی،قضاوت یکی از ارکان چهارگانه خلافت و تشکیلات اداری بود.به گفته منصور،«ملک»فقط به چهار چیز اصلاح می شود:۱.قاضی که در راه خدا از هیچ چیز نترسد؛۲.صاحب شرطه که حق ضعیف را از قوی بگیرد؛۳.صاحب خراج؛۴.صاحب برید که گزارش درستی از اخبار قاضی،صاحب خراج و صاحب شرطه ارائه کند. (۴)قاضی در دیدگاه خلفای عباسی،عمودالدین و قوام الادیان معرفی شده است (۵)در متون تشکیلاتی از منصور به عنوان کسی که

۱- (۱) .مقدمه ابن خلدون،ص۳۹۷.

۲- (۲) .کندی،ص۳۹۰.

۳- (۳) .ابراهیم حسن،ج۲،ص۲۵۶.

۴- (۴) .ابن اثیر،ج۵،ص۴۲؛طبری،ج۱،ص۲۹۸.

۵- (۵) .الانباری،ص۱۰۰.

دایره قدرت قاضی را از محدوده قدرت و الی و امیر،جدا و مستقل کرد،یاد نموده اند.در این دوران،قضا از کارهای ضروری و خصوصی خلیفه شد و خلیفه به طور مستقیم قاضیان را عزل و نصب می کرد و تقلید قاضی در طول خلافت عباسی فقط از مسئولیت های خاص خلیفه بود؛ (۱)حتی در عصر بویهی که خلافت تحت سلطه دولت بویهی بود،حق دینی خلیفه در عزل و نصب قاضیان حفظ شد.از جمله وظایف صاحب برید در عصر منصور،این بود که به دستور او اخبار قاضیان در سراسر محدوده خلافت عباسی را برای او می نوشتند.

بررسی اجمالی عملیات قضایی در عصر عباسی نشان می دهد که دولت عباسی به وسیله زنجیره ای از قاضیان،در سراسر امپراتوری عباسی اداره شده است؛به ویژه پایتخت(شهر مدور بغداد)دارای مناطقی بود (۲)که هر منطقه یک«واحد قضایی»به حساب می آمد که به وسیله برخی قضات و نایبان و نمایندگان قاضی القضاه-که مقر اصلی او در اطراف کاخ خلافت منصور بود-هدایت می شدند.از قاضی شرق بغداد،قاضی غرب بغداد،قاضی الرصافه،قاضی کرخ،قاضی باب النوبی،قاضی حریم دارالخلافه،قاضی باب الدرج،قاضی نهرالمعلی و قاضی باب الطاق به عنوان نواحی عمده قضایی شهر بغداد یاد کرده اند؛ (۳)حومه های بغداد نیز قاضی مستقل داشت.

از پدیده های عصر عباسی اول که بلافاصله پس از اختلافات منصور-با میدان دادن به انبوهی از قضات-شروع شد،رواج احکام متناقض قاضیان بود؛از آن جایی که قاضی پیرو فقیه بود،منصور اداره«تقنین و التشریع»را در مجموعه

۱- (۱) .ماوردی،ادب القاضی،ج ۱،ص ۱۳۷.

۲- (۲) .ابن فوطی،ص ۴۱۳،۲۳۳.

۳- (۳) .ابن مسکویه،ج ۶،ص ۲۲۵؛ابن فوطی،ص ۳۲،۳۱۹،۵۶،۴۷۸،۵۰۰.

تشکیلات اداری قضا در دولت عباسی تأسیس کرد.این کار با اشاره ابن مقفع به منصور انجام شد؛زیرا او با نوشتن نامه ای به منصور،از شدت گرفتن احکام متناقض قاضیان در دو شهر بصره و کوفه خبر داد.به پیشنهاد ابن مقفع،دولت عباسی باید کتابی جامع در قانون حدود شریعت اسلامی تدوین می کرد که همه قاضیان دولت عباسی آن را اجرا کنند. (۱)

دولت عباسی کوشید تا خود،بنیان تشکیلات به ویژه در امور مالی و قضا را براساس فقه حنفی تدوین و تنظیم کند.این کار در عهد هارون الرشید و طی برنامه ای بلند مدت به وسیله فقیه حنفی،و قاضی القضاه بغداد،قاضی«ابویوسف»اجرا شد؛این قاضی با نوشتن کتاب خراج،اقدام به این کار کرد.

از نکات جالب توجه در اهداف عالی و عام تشکیلات اداری عصر عباسی،انگیزه آنها در مهار جریان علویان و مبارزه زیربنایی با مذهب فقهی شیعه است.وجه تاریخی این نکته از دیدگاه مورخان متقدم عرب از جمله خطیب بغدادی در تاریخ بغداد،دور نمانده است. (۲)

در عصر فاطمیان نیز در رأس دیوان قضا قاضی القضاه قرار داشت که در قاهره مستقر بود.قاضی،عالی ترین رتبه میان ارباب العمائم در عصر فاطمی است.مهم ترین شرط برای قاضی در عهد فاطمی،توانایی وجاهت علمی او بود.پنج نفر کارمند و حاجب و ده ها مأمور،قاضی را در تحقیق امور قضایی یاری می کردند.قاضی دارای مقام بلندی در درگاه خلافت فاطمی بود و از وظایف او نظارت بر امور دارالضرب بود.حقوق قاضی فاطمی صد دینار در ماه بود.در

۱- (۱) .ابن المقفع،ص۶۷و۶۸.

۲- (۲) .الانباری،ص۱۲۷؛ابن خطیب،ج۱۲،ص۳۲۹.

عصر برخی خلفای فاطمی،چهار قاضی عالی رتبه در دربار خلافت با مذهب شافعی،شیعه اسماعیلی و مذهب مالکی و شیعه امامی وجود داشت. (۱)

۵-دایره وظایف قاضی در تشکیلات اسلامی

اشاره

عباسیان نیز مانند امویان،امر قضاوت و صلات و احداث هر شهر و منطقه را به قاضی تفویض می کردند؛در این عصر گاهی قاضی به فرماندهی جنگ هم منصوب می شد.مهدی عباسی در محدوده این تفویض قدرت تغییری انجام داد؛او دو قاضی هم زمان برای مجلس قضا قرار داد؛به طوری که در مسجد جامع مدینه منصور«عافیه بن بزد الاودی»در یک سمت مسجد و«محمد بن عبدالله بن حلاثه»به عنوان قاضی عسکر در سمت دیگر جامع قضاوت می کرد.هادی عباسی نیز قضاوت در پایتخت را که به عهده یک قاضی بود در اختیار دو قاضی قرار داد؛قاضی«ابا یوسف»(م۱۸۲ه)در سمت غرب بغداد و قاضی«سعید بن عبدالرحمن حجمی»در سمت شرق بغداد قضاوت می کرد. (۲)اما در سال ۲۵۸هجری،معتمد عباسی،قضاوت کل بغداد را به یک قاضی سپرد و او را«مقدم القضاه»نامید که لقبی جدید در اداره قضا در عصر عباسی است.

تقلید منصب قضاوت،عام و خاص بود؛در تقلید عام،قاضی بر سراسر یک شهر و برای همه مردم در تمام ایام گماشته می شد.اما در تقلید خاص،قاضی در اموری خاص و برای برخی از مردم در روز خاصی منصوب می شد. (۳)از دیگر ویژگی های عصر عباسی،توسعه مبانی نظری قضا است و متونی بسیار در این

۱- (۱) .مقریزی،ج۱،ص۱۵۲.

۲- (۲) .الانباری،ص۱۴۰.

۳- (۳) .الانباری،ص۲۵۰.

زمینه تدوین شد.جزئیات و رئوس وظایف قاضی با تقلید عام،در منابع بسیاری همچون ادب القاضی ماوردی و صبح الاعشی قلقشندی آمده است؛ (۱)در ادب القاضی الفاظ خاصی در تقلید قاضی[ولتیک و...]وجود دارد که در عهدنامه در دیوان رسائل تنظیم شده است.ابن جوزی در کتاب خود،عهد یکی از قاضیان بغداد به نام«ام الحسین محمد بن صالح بن ام الشیبان»در سال ۳۶۴ هجری را آورده است. (۲)در نسخه عهد،رئوس وظایفی که قاضی باید انجام دهد بیان شده است. (۳)در متون سنتی تشکیلات اسلامی مانند الاحکام السطانیه ماوردی،بابی با عنوان«فی ولایه القضا»به قضا و شرایط قاضی اختصاص یافته است؛ماوردی از متولی امر قضا با احراز هفت شرط یاد کرده است.براساس سخن ماوردی،قاضی باید مرد عاقل،آزاد،مسلمان،عادل،سالم و عالم به احکام شرع باشد. (۴)در متون اسلامی از قاضی عسکر، (۵)قاضی الانکحه و انواع دیگری از قاضی نام برده اند که وظایف تخصصی به عهده داشته اند. (۶)

ماوردی همچنین،الفاظ رسمی در مکاتبات مربوط به نصب و تعیین قاضی در تشکیلات اسلامی که موجب انعقاد منصب و ولایت قضا برای شخص قاضی می شد را بیان کرده است.او از هفت لفظ با کنایه و از چهار لفظ به طور صریح یاد کرده است. (۷)ولایت قضا در تقسیمات کلاسیک آن به ولایت عام مطلقه-که

۱- (۱) .قلقشندی،صبح الاعشی،ج۱،ص۲۶۴.

۲- (۲) .الانباری،ص ۲۶۰؛المنتظم،ج۷،ص۶۴.

۳- (۳) .الانباری،ص۲۶۳،۲۶۲،۲۶۱.

۴- (۴) .ماوردی،ص۸۴.

۵- (۵) .میرزا رفیعا،ص۷۷، ۱۶۰.

۶- (۶) .میرزا رفیعا،ص۴۷۸؛قلقشندی،صبح الاعشی،ج۴،ص۶۳؛ج۵،ص ۱۴۰.

۷- (۷) .ماوردی،ص۸۴.

قاضی در همه امور مجاز به تصرف است (۱)-تقسیم می شود.ماوردی این امور را در ده قسم با ذکر موارد جزئی بیان کرده است. (۲)او وضعیت قضا و قاضیان عصر خود را مورد انتقاد قرار داده است.

الف)مکان قاضی و کارمندان او در تشکیلات اسلامی

در متون تاریخی،از اصطلاح«مجلس القضا»به عنوان مکانی که قاضی برای قضاوت می نشیند یاد شده است.به طور معمول مسجد جامع شهرها محل صدور رأی و انعقاد مجلس قضا بود.شافعی و اصحاب او در مکانی خارج از مسجد عادت داشتند.شافعی می گفت:دوست دارم در جایی که بر مردم آشکار است قضاوت کنم. (۳)مجلس قضا گاهی در خانه قاضی برگزار می شد.ماوردی در شرایط و احکام خانه قاضی مطالبی بیان کرده است؛از جمله این که اگر قضاوت در خانه قاضی انجام می گرفت باید خانه او در وسط شهر باشد تا رسیدن به آن برای گروهی مشقت نداشته باشد. (۴)از خیابان و کوچه نیز به عنوان محل قضاوت یاد شده است.

افرادی که در مجلس قضا حضور داشتند،عبارتند از:

۱.مجموع مشاوران قاضی که آشنا به کتابت و آشنا با علم فقه و کلام رجال،حدیث و مذاهب و گزارش های فقهی بودند؛

۲.کاتب احکام قضایی که آگاه از نگارش سجلات و فقیه در احکام کتابت باشد؛

۳.وکلا،که موظف بودند همواره و مستمر در مجالس قضا شرکت کنند؛ (۵)

۱- (۱) .ابن الفراء،ص۶۵.

۲- (۲) .ماوردی،ص ۹۱، ۹۰،۸۹.

۳- (۳) .الانباری،ص۲۷۸؛معین الحکام،ص ۲۰۰.

۴- (۴) .الانباری،ص ۲۸۰؛ادب القاضی،ج ۱،ص ۷۱.

۵- (۵) .الانباری،ص ۳۰۱.

۴.حاجب،که وظیفه حفظ آرامش جلسه قضا با او بود و ورود و خروج افراد به مجلس قضا را نظارت و مدیریت می کرد؛

۵.فارض،در مورد مواریث و تقسیم آن،امر قاضی را اجرا می کرد؛

۶.خازن دیوان الحکم،که وظیفه او حفظ سجلات،احکام و پرونده های قضایی بوده است؛

۷.مدیر؛دفاتری که قاضی احکام خود را در آنها صادر نموده و آن را بین شهود می برد تا شهادات خود را در آنها بنویسند؛ (۱)

۸.الاعوان؛کسانی که در احضار شهود و نظر در امر آنها به قاضی کمک می کرده اند؛آنها باید آگاه از شرع و دین دار باشند.از اعوان به«بطانه»و صاحب سر قاضی هم یاد شده است.

اعوان گاهی فقط نقش«جِلواز»را داشته اند و با تازیانه و سلاح در مجلس قضا حاضر می شده اند و وظیفه حفظ نظم و جلوگیری از تهاجم خصوم و ساکت کردن آنها را به عهده داشته اند.در عصر عباسی پوشش رسمی و لباس قاضی معمولاً عمامه و عبا و ردای سیاه بوده است. (۲)

همواره در خارج از نظام قضا،مجموعه ای از صاحبان فتوا بوده اند که در خارج از مجلس قضا،در مساجد جامع بغداد می نشسته اند و با صدور فتاوایی به صورت غیررسمی به تحکیم بین مردم مشغول بوده اند.شهود و عدول و صاحب المسائل(الهداهد) (۳)تحت اشراف قاضی،به تسریع و کیفیت امر قضا کمک می کرده اند؛در این افراد عدالت،تقوا،عفاف و دین داری شرط بود.

۱- (۱) .الانباری،ص۳۰۹.

۲- (۲) .الانباری،ص۳۱۸؛ادب القاضی،ج۱،ص۲۴۳.

۳- (۳) .الانباری،ص۴۰۰،۴۱۸.

عدول معمولاً از اوساط فقها،اهل حدیث،بازرگانان مشهور،قراء،اهل فتوا و...انتخاب می شدند.از این گروه به عنوان مساعدین قضات نیز یاد شده است. (۱)دایره وظایف قاضیان در صدر اسلام به فصل خصومات و حل و فصل دعاوی محدود می شد،اما به تدریج دایره وظایف قاضی وسعت بسیار پیدا کرد؛به طوری که بسیاری از امور مانند نظارت بر دارالضرب و کنترل عیار مسکوکات،سرپرستی دارایی های محجوران و یتیمان و مفلسان و رسیدگی به موقوفات،به حیطه وظایف قاضی وارد شد.

ب)قضاوت در دولت های وابسته به خلافت عباسی

در عصر سامانی،طاهری،غزنوی و سلجوقی و پس از آن،ولایت قضا در چارچوب تشکیلات قضایی خلافت عباسی با تفاوت های اندکی در نقاط مختلف امپراتوری اسلامی معمول بود.در عصر سامانی به روزگار«نصربن احمد»در بخارا،دیوان قضا در ردیف دیوان هایی بوده است که در اطراف سرای شاهی بنا کرده بودند؛ (۲)اما در روزگار غزنویان و سلجوقیان چنین محلی در کنار دیوان های دیگر نبوده و تشکیلات قضایی در خارج از عمارات درگاهی و دیوانی بوده است و کار قضا نیز به وسیله قاضیان که از طرف سلطان یا حکام تعیین می گردیده اند،انجام می شد.در رأس قضات کشور،«اقضی القضاه»یا«قاضی القضاه»بود که منصب قاضی القضاه بالاتر از اقضی القضاه بود.

جلال الدین علی بن هبه البخاری،در سال ۵۸۲ هجری،متولی امر قضا شد و لقب اقضی القضاه گرفت و بعد از آن منصبش ترقی کرد.اقضی القضاه به

۱- (۱) .الانباری،ص۴۵۸.

۲- (۲) .نرشخی،ص۳۱.

قاضـی القضـاه مبـدل گشت و نیـابت وزارت را به او تفویض کردنـد و او هر دو منصب را رعـایت می کرد. (۱)منشور وظایف اقضی القضاه در خوارزم در کتاب التوسل إلی الترسل تألیف رشیدالدین وطواط بیان شده است.

از مهـم تریـن اصـطلاحات قضـایی عصـر سـلجوقی،«امنـاء قاضـی»است که امـوال ایتـام و غائبـان را حفـظ می کردنـد.در دوره غزنوی،واژه حاکم،معادل قاضی بود.مقصود از حاکم لشکر،قاضی عسگر و قاضی لشکر بود که به امور شرعی لشکر رسیدگی می نمود و در متن بیهقی آمـده است که قاضـی حتی به تشـریفات سـلطنتی در مرگ سـلطان می پرداخت:«وقـتی خوارزمشـاه مجروح شد و به مرگ پیوست،حاکم و طبیب لشـکر را امر می کنند که به مراسم مذهبی مرگ قیام کنند». (۲)«سجل»،مجلسی است که قاضـی تشکیل می داد تا در آن جا به اختلاف و نزاع افراد خاتمه دهد. (۳)«محضر»گواهی و شهادت نامه و نوشته ای اسـت کـه حـاکی از اثبـات حق اسـت و همـان«استشـهادنامه»یـا«صـورت مجلس»امروزی اسـت و بـه صـورت مرکـب«محضـر کردن»،«محضر نوشتن»به کار رفته است. (۴)«مزکی»و«معدل»،از دیگر اصطلاحات قضایی عدول است؛مقدسی در ضمن رسوم خراسانی درباره آن می نویسـد:«هر کسـی درباره هر چیزی که شـهادت می دهد ولی در هر شـهری عده ای مزکی وجود دارد که اگر خصم دعوی شاهد را طعن کرد حال او از مزکی پرسیده می شود» (۵)مزکی به کسی گویند که به تزکیه شهود

۱- (۱) .انوری،ص۱۹۴؛رشیدالدین وطواط،التوسل إلی الترسل،ص۳۲۹.

۲- (۲) .بیهقی،ص۱۸۳،۳۵۲.

۳- (۳) .خوارزمی،ص۵۷.

۴- (۴) .قابوسنامه،ص۴۳.

۵- (۵) .مقدسی،ص۳۲۷.

می پردازد و از حال آنها گفت وگو می دارد و قاضی را از درجه و اعتبار آنان آگاه می سازد؛در اشعار ناصر خسرو،واژه مزکی در کنار داور آمده است:

این ها که دست خویش چو نشپیل کرده اند

اندر میان خلق،مزکی و داورند

۶-دیوان مظالم و آیین دادرسی

دیوان مظالم از سازمان های مهم وابسته به خلافت و سلطنت و امارت در تشکیلات اسلامی است که در متون تشکیلات اسلامی از آن با عنوان«ولایه مظالم»یاد شده است. (۱)وظیفه اصلی این سازمان عالی رتبه قضایی که معمولاً به وسیله خلیفه،سلطان یا امرای بلندپایه او مانند صاحب شرطه تشکیل و اجراء می شد،رسیدگی به شکایاتی بود که مردم از عناصر عالی رتبه دولت مانند قضات و نیروهای نظامی و کارمندان دولت داشتند؛این کار دیوان مخصوصی داشت و ناظر و کاتب در آن انجام وظیفه می کردند.

نخستین نظر و دادرسی در مظالم به وسیله رسول خدا صلی الله علیه و آله صورت گرفت که پیامبر صلی الله علیه و آله بین زبیربن عوام و مردی انصاری در مورد نزاع بر سر آبیاری حکم کرد. (۲)در نامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر نیز به دادرسی و رسیدگی به تخلفات عمّال و بررسی شکایات مردم توصیه شده است،آن حضرت علیه السلام خودش برای رسیدگی به مظالم می نشست.در عصر اموی تأسیس محلی مخصوص برای این کار و تأسیس دیوان مظالم را به عهد عمربن عبدالعزیز رسانده اند که به اصلاحات گسترده در سیاست های مالی و قضایی امویان اقدام

۱- (۱) .ماوردی،ص۹۷.

۲- (۲) .ماوردی،ص۹۷.

کرد.این دیوان در پی بازگرداندن حقوق مردم و رد مظالم و ستم های بسیار امویان بود.

۷-دیوان مظالم در عصر عباسی و دولت های معاصر آن

با گسترش قضا در عصر عباسی،دیوان مظالم اهمیت بیشتری پیدا کرد و خلفای عباسی خودشان برای رسیدگی مظالم در روزهای خاصی حضور پیدا می کردند.آنها برای این کار قاضی مظالم تعیین کردند و برای نگه داری و محافظت از اموال مصادره شده،بیت المال مخصوص اموال مظالم درست کردند.وظایف قاضی مظالم با عنوان«وظایف کلاسیک ده گانه»در بیشتر متون تشکیلاتی و حقوقی بیان گردیده است. (۱)صاحب المظالم،مسئول دیوان مظالم بود که به سرعت به کار شکایات-در کم تر از سه روز-رسیدگی می کرد.

در متون تشکیلاتی،مظالم به دو قسم«مظالم عامه»و«مظالم خاص»تقسیم شد.خلیفه مهتدی(۲۵۶-۲۵۵ه)برای رسیدگی به مظالم عامه در دارالعامه می نشست؛گاهی اوقات نیز وزرا به جای خلفا برای مظالم عامه اقدام می کردند.علی بن عیسی(وزیر)در هفته سه روز برای مظالم می نشست؛ابن الزیات(وزیر)هم در موقع لازم و ضروری برای مظالم می نشست.امرای بویهی مانند عضدالدوله نیز برای مظالم می نشستند.وظیفه رسیدگی به مظالم گاهی به نقیب طالبیان در بغداد سپرده می شد. (۲)مأمور مظالم در عصر عباسی،در محکمه مظالم که معمولاً در مسجد تشکیل می شد،حضور پیدا می کرد؛در این محکمه،صاحبان،نگهبانان نیرومند و فقها و دبیران حضور داشتند،مأمور مظالم به دعوی افراد علیه و الیان و

۱- (۱) .ابن الفراء،ص ۶۴-۶۱.

۲- (۲) .المنتظم،ج۷،ص ۲۲۶.

مأموران خراج و دبیران دیوان ها و شکایت جیره خواران دولت در حقوق خود و احکام دشواری که قاضی در آن فرومانده بودند رسیدگی می کرد و به انجام عبادات حج و نماز عید و جمعه و جهاد نیز نظارت می کرد. (۱)اجرای احکامی که قضات ناتوان از اجرای آن بودند نیز به عهده مأمور مظالم بود. (۲)

در عصر سلجوقی،نظام الملک طوسی به ستایش از پادشاه پرداخته که در هفته ای دو روز به مظالم بنشیند و داد از بیدادگران بستاند و انصاف در همه فرق مظالم کند. (۳)مظالم معمولاً در مساجد منعقد می شد:«اندر خراسان عدل گستر رسم های نیکو نهاد و هر روز اندر مسجد جامع آمدی و مظالم کردی و علمای فقها بنشاندی و سخن متظلمان بشنیدی و داد ایشان بدادی».

سلاطین غزنوی نیز معمولاً در دربار برای رسیدگی مظالم می نشستند.از محل مظالم به مظالم گاه یاد شده است؛در اندلس به این گونه رسیدگی ها«خطبه رد»یا«خطبه ردالمظالم»می گفتند.

در دوره خلافت فاطمی«مجلس النظر فی المظالم»برای دادرسی تشکیل می شد.این مجلس مرکب از صاحب الباب در باب الذهب در کاخ سلطان بود و نقباء و حجاب در برابر او می ایستادند و منادی فریاد می زد:«یا ارباب الظلامات»و آنها در مجلس حاضر می شدند. (۴)مقریزی در گزارش تاریخی ولایت مظالم در جهان اسلام می نویسد:نخستین کسی که نظر در مظالم کرد،حضرت علی علیه السلام بود؛سپس به طور اجمالی وضعیت ولایت مظالم در دوره اموی و عباسی را ذکر

۱- (۱) .ابراهیم حسن،ج۲،ص۲۵۸.

۲- (۲) .ماوردی،ص۱۰۴.

۳- (۳) .نظام الملک،ص۱۹.

۴- (۴) .مقریزی،ج۱،ص۱۵۰.

نموده است؛آن گاه ولایت مظالم در مصر از عصر اخشیدی تا ممالیک را ذکر نموده است.دادرسی به مظالم در مصر در«دارالعدل»صورت می گرفت و سلطان مملوک دوشنبه و پنج شنبه با تشریفات ویژه ای در آن جا حاضر می شد. (۱)

۸-تشکیلات قضا در عصر ایلخانی،صفوی و عثمانی

در رأس سازمان قضایی صفوی«دیوان بیگی»که بالاترین مقام جزایی کشور بود و یا قاضی ارشد قرار داشت (۲)که از عصر سلجوقی در ایران استمرار یافته بود.در عصر سلجوقی این جایگاه«دادبیگ»یا«امیرداد»نام داشت.در عصر حکومت ایلخانی و تیموری (۳)و آق قویونلو نیز وضع بر همین منوال بود.قاضی القضاه محاکم اصفهان،قاضی عسکر اصفهان و همه محاکم کشور،دیوان بیگی بود که بالاترین مرجع استیناف در حکومت بود.او به اجرای احکام دادگاه های مذهبی نیز رسیدگی می کرد.حقوق او به هزار تومان در سال می رسید. (۴)در دوره صفوی،از قاضی،قاضی اصفهان،قاضی عسکر،قاضی احداث،قاضی اردو،قاضی اعظم و قاضی شرع نیز یاد کرده اند. (۵)نایب و مأموران اجرایی او را یاری می کردند و حکم او در سراسر ایران مطاع بود. (۶)در کنار او دیوان بیگی یا امیردیوان قرار داشت که به امور دنیوی رسیدگی می کرد و در رأس مملکت به امور شرعی می پرداخت.«دیوان الصداره»در شهر به وسیله نایب صدر

۱- (۱) .مقریزی،خطط،ج۳،ص۴۹-۵۴.

۲- (۲) .میرزا رفیعا،ص۳۸۹.

۳- (۳) .میرزا رفیعا،ص۳۹۱.

۴- (۴) .میرزا رفیعا،ص۳۸۹.

۵- (۵) .میرزا رفیعا،صفحات متعدد.

۶- (۶) .فلور،ص۳۲؛برن،ص۹۹.

اداره می شـد و احکـام قضـایی هـم صـادر می کرد. (۱)دیـوان بیگی بر«قضـات عرف»نیز ریـاست داشـت و«محکمه عرف»در جایگاه دیوان مظالم و دادرسی به جرایم ضد دولت رسیدگی می کرد.این دیوان بر محکمه سلطنتی نیز نظارت داشت (۲)و در احکـام قضـایی که به وسـیله حاکمـان محلی ایالات،صادر شـده بود نیز امکان دادرسـی به وسـیله او وجود داشت. (۳)اقدامات کلانتر،شـهریار یـا وکیـل الرعایا-که وظیفه وی اصـلاح حال مردم در شـهرها و روسـتاها بود-نیز بخشـی از نظام قضایی عرفی صفوی است.قاضـی پلیس(یارغو)نیز بخشـی از این نظام بود (۴)که او برخی جرایم قضـایی در شـهر را تحقیق و بـازجویی می کرد.مقام صدر که در رأس نهاد مذهبی بود (۵)بر نهاد قضا اشراف داشت. (۶)

در دولت عثمانی،«شـیخ الاسـلام»در رأس نهاد مـذهبی بود و جایگاهش پس از سـلطان بود.او کار قانون و محکمه را به عهده داشت و قاضـیان شرع،قاضی عسگرها و مفتیان تابع وی بودند. (۷)قضا در عصـر عثمانی از جهت کمّی پیشرفت فوق العاده ای داشت و بر پایه یک گزارش،در اواخر این عصـر ۵۹۶۰ قاضـی القضاه در نقاط مختلف مملکت فعالیت داشـتند.این آمار بدون احتساب کارمندان قاضی(یعنی موالی و ملازمان و دشمانیه)است. (۸)سیستم قضایی عصر ایلخانی نیز مانند

۱- (۱) .برن،ص۱۰۵.

۲- (۲) .فلور،ص۱۷.

۳- (۳) .فلور،ص۷۲.

۴- (۴) .فلور،ص۸۷.

۵- (۵) .میرزا رفیعا،ص۳۴۷و۳۹۰.

۶- (۶) .فلور،ص۹۵.

۷- (۷) .احمد یاغی،ص۷۸.

۸- (۸) .المنوفی،ص۳۰۸.

سلجوقیان بر محور قاضی القضاه بود و به محل کار قاضی،«دارالقضا»و«دیوان قضا الممالک»می گفتند.او قاضی شهرها و ولایات را تعیین می کرد و چند کارمند،مورخ اسناد و قباله ها،کاتب و امین دارالقضا او را یاری می دادند. (۱)مغولان با ورود به ایران حقوق عرفی خود را نیز حاکم ساختند؛آنها«مجلس استنطاق»به نام«یارغو»را در سراسر ایران عصر ایلخانی،برقرار ساختند. (۲)«یارغوچی»که خواجه نصیرالدین او را از اصحاب قلم شمرده است،اسناد این مجالس را ضبط و نگه داری می کرد؛تشکیل یارغو(محکمه)به دست رئیس آن«امیر یارغو»بود.در عصر ایلخانی سه نوع امارت یارغو وجود داشت. (۳)با اسلامی شدن دولت ایلخانی،دیوان قضا تقویت شد؛قاضی القضاه،امیر یارغو و سپس حَکَمی دیوان بزرگ(دیوان حکمیت)،سه قدرت قضایی در عصر ایلخانی است. (۴)در این دوران،حکیم یا حَکَم دار باید براساس شریعت و عدالت،امور قضایی مردم را حل و فصل کند.پیشرفت سازمان اداری در عصر ایلخانی،به دلیل برخورد رسوم و قوانین اداری مغولی و استمرار و توسعه نظام اداری و قضایی و مالی عصر سلجوقی و اراده دانشمندان و فقهای ایرانی چون خواجه نصیرالدین طوسی،است.حاصل این پیشرفت تدوین چند اثر بزرگ در امور اداری عصر ایلخانی است که از جمله آنها کتاب دستورالکاتب است که سیمای عام نظام اداری ایلخانی در آن ترسیم شده است. (۵)طوسی نیز رساله ای در امور اداری دربار ایلخانی دارد.

۱- (۱) .نخجوانی،ص۵۲.

۲- (۲) .لمبتون،ص۹۳.

۳- (۳) .ابن فوطی،ص۳۸۳.

۴- (۴) .لمبتون،ص۱۰۶.

۵- (۵) .نخجوانی،صفحات متعدد.

۹-نظام قضایی در غرب اسلامی

در رأس دیوان قضـا،در عصـر اغلبی،قاضـی افریقیه بود که مقـام«قاضـی الجمـاعه»داشت و به وسـیله امرای اغلبی از بین فقهـای مـالکی و حنفی انتخـاب می شـد،او ریـاست مظـالم و حسـبه را در کنار گروهی از کارگزارانش ماننـد صاحب المظالم،قاضـی الانکحه،دبیر قضـات،صـاحب السوق،امناء و ناظر السوق انجام می داد.اسـد بن فرات(م۲۱۳ه)فاتح سیسـیل بزرگ ترین قاضی القضـاه اغلـبی و مسـلط به فقه مـالکی و حنفی بـود. (۱)تشـکیلات قضـایی زیریـان بر عهـده صـاحب المظالم یا حاکم بود که مسـئولیت صـاحب السـوق و محتسـب را هـم داشـت.از او بـا عنـوان صـاحب السـیف هـم یـاد کرده انـد.او را صـاحب سوط(تازیانه)سلطان هم لقب دادند.در سال ۴۳۲هخلیفه فاطمی،قاضی قیروان را قاضی القضاه نامید و یک قاضی سنی در کنار یک قاضـی شیعی در محل دارالاماره شـهر منصوره مستقر کرد.معمولاً قضات بین شغل امامت جامع اعظم و قضاوت جمع می کردند. (۲)در عهـد مرابطین دسـتگاه قضا در اختیار فقها بود و دو قاضـی الجماعه،یکی در قرطبه و دیگری در مراکش مسـتقر بودند.

قاضـی چند کاتب و حاجب داشت و پس از مشورت با چهار فقیه حکم صادر می کرد. (۳)قضات در امور روزمره دخالت می کردنـد و تعین محتسب در اختیار او بود و نیابت ولایت مظالم را در اختیار داشت.در عهد موحدین قضات مغربی اهمیت یافتند و قاضـی الجماعه قضات شـهرها را انتخاب می کرد.در عهد مرینی«قاضی القضاه بالحضره»همه امور قضایی را در اختیار داشت و تا حدودی

۱- (۱) .مالکی،ج۱،ص۲۶۷؛سراج،ج۱،ص ۲۷۱.

۲- (۲) .ابن عذاری،ج۱،ص ۲۸۰.

۳- (۳) .عبدالواحد مراکشی،المعجب،ص ۱۷۱.

از استقلال رأی برخوردار بود و مانند دوره موحدین،مسائل مربوط به نکاح در اختیار قاضی مستقلی بود.در ایام یوسف مرینی تعداد عدول در امور قضایی از ۹۴ تن به ۱۵ تن کاهش یافت. (۱)قاضی،نظارت بر احباس و مارستان(بیمارستان)و مبانی(عمارت ها)و صاحب الصلاه را تعیین می کرد.در عهد حفصیان نظام قضایی تشکیلات ثابتی یافت و قضا از وظایف مقام خلافت بود و سلطان حفصی در مراسم خاصی با مشورت علما قاضی الجماعه را انتخاب می کرد.او متولی قصاص،وصایا،احباس و سکه و مواریث بود و عدول و قاضی شهرها را تعیین می کرد.دیوان عالی رسیدگی به مسائل قضایی در جامع زیتونه تونس در دوره حفصی تأسیس شد و قاضی الجماعه در امور سیاسی مانند سفارت استفاده می کردند و رابطه قاضی با دولت،مانند رابطه وزیر بود و قاضی در مواردی به عنوان و الی شهر انتخاب می شد،قضات تونس هر شنبه در جلسه خاصی با جماعتی از فقها در حضور سلطان جلسه داشتند،قاضی المحله،قاضی الاهله،قاضی الانکحه،قاضی المعاملات،قاضی الفریضه از فروع قضاوت در این دوره بود.قاضی در دارالقضا یا خانه خود کار می کرد.عُدول،واسطه مردم و دستگاه قضایی بودند و در هر صنف عُدول ویژه آن وجود داشت.قضاوت برای اعراب بیابانگرد در دوره حفصی،به سبک خیمه قاضی بود.ده ها کتاب در مورد قضا در این عهد نوشته شد.

خلاصه فصل،نتایج و منابع بیشتر برای مطالعه

اصلی ترین بخش تشکیلات اسلامی به تأسیس نهاد قضاوت توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و تربیت اسوه مطلق قضاوت حضرت علی علیه السلام باز می گردد.دامنه فعالیت قاضی در دستگاه اداری مسلمانان،بنا به مقتضیات زمان و مکان،به سرعت

۱- (۱) .ابن ابی زرع،ص۲۹۸.

توسعه پیدا کرد و قاضی مسئولیت های اقتصادی،نظامی،اجتماعی،انتظامی،نظارت بر حسبه و شرطه و وظایف سیاسی را به عهده گرفت و مقام بسیار بالایی در نظام اداری مسلمانان به دست آورد.رسیدگی به عملکرد قاضیان عصر پیامبر علیه السلام منجر به تأسیس و توسعه دیوان مظالم در عصر خلفا شد؛شبکه ای از قاضیان بلاد به وسیله قاضی القضاه که در پایتخت مستقر بود،هدایت می شد.

از حیث مواد قانونی،قرآن منبع معتبر و غنی قوانین قضایی است که قانون جنایی و قوانین قصاص و قوانین مربوط به ازدواج،طلاق را در مجموعه آیات الاحکام آن بیان شده است.

در بین منابع تاریخی اسلام بخش اعظمی از آنها به گزارش و معرفی قضات اختصاص یافته است و کتاب های خاص طبقات قضاه و ادب قضا تدوین شده است و نوعی ادبیات خاص پیرامون مسائل قضایی وجود دارد؛از جمله در آثار بیهقی و جاحظ-به ویژه در البیان و التبیین و رسائل جاحظ-داستان ها و گزارش های ویژه ای مربوط به قضاوت آمده است.دایره قاضیان بغداد،موضوع ویژه ای است که در برخی از آثار رجالی مانند تاریخ بغداد،تألیف ابن خطیب بغدادی(م۴۶۳ه)ده ها گزارش از آن آمده است.

در دوران معاصر،«لویی ماسینیون»،اثری با عنوان«قاضیان بغداد در دوره خلافت عباسی»به سال ۱۹۴۸میلادی منتشر کرده است.«شاخت»نیز در مجموعه EI مداخل مربوط به قضای اسلامی را آورده است.

نظام حسبه در تشکیلات اسلامی

دایره وظایف محتسب و شرایط آن

اشاره

واژه«حسبه»اسم مصدر از«حسب»به مفهوم شمارش است. (۱)حسبه بخشی از تشکیلات دینی و قضایی در مجموعه تشکیلات اسلامی است و جایگاه اداری آن بین دیوان مظالم و دیوان قضا است. (۲)در تعریف تشکیلاتی،حسبه،شکل اجرایی امر به معروف و نهی از منکر است.ماوردی در تعریف حسبه می گوید:«الحسبه:هی الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر إذا ظهر فعله».وی وظایف نه گانه حسبه و شرایط اختصاصی محتسب را نیز آورده است که برخی از مهم ترین شروط آن چنین است:محتسب باید دارای حکم خاص از سوی خلیفه یا سلطان باشد؛عادل و آزاد و مسلمان و با تقوا و مجتهد و آگاه از شریعت اسلام باشد و بتواند علاوه بر اجتهاد در شریعت در امور روزمره و عرفی مردم صاحب نظر باشد.

حسبه در متون اسلامی،از وظایف دینی و جزو امر به معروف و نهی از منکر

۱- (۱) .ابن منظور،لسان العرب.

۲- (۲) .ماوردی،ص ۳۰۰.

است که بر همه مسلمانان واجب است؛«محتسب»متصدی این امر است و با حکم ولایی خلیفه و یا امام در این مقام منصوب شده است. (۱)ولایت حسبه نوعی سیاست دینی و شرعی است (۲)که دارای سازمان مشخص و ارکان مخصوص به خود است و جایگاه تشکیلاتی ویژه دارد.احتساب،محتسب،محتسب علیه و محتسب فیه،از ارکان ولایت حسبه است. (۳)دایره امور حسبه را به حقوق خداوند و حقوق بندگان و حقوق مشترک این دو تقسیم کرده اند؛ (۴)از جمله حقوق خاص بندگان،رسیدگی محتسب به قیمت ها و قیمت گذاری کالاها است(تسعیر).ابن قیم جوزیه در باب تسعیر حرام،تسعیر عادلانه و جایز روایتی از پیامبر آورده است:«غلا السعر علی عهد النبی صلی الله علیه و آله،فقالوا:یا رسول الله!لوسعرت لنا،فقال:ان الله هو القابض الباسط المسعر وانی لارجو ان القی الله ولایطالبنی احد بمظلمه ظلمتها ایاه فی دم ولا مال»؛او سرانجام فتوا به تسعیر می دهد،البته در صورتی که مصالح مردم اقتضا کند. (۵)در جواز تسعیر به وسیله محتسب،اختلاف است.بیشتر فقهای شیعه و سنی،فتوا به منع اسعار و نرخ گذاری مگر در هنگام شدت داده اند. (۶)در نامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر،به نرخ گذاری جهت حفظ حقوق خریدار و فروشنده توصیه شده است. (۷)ماوردی در فصل مستقلی به حسبه پرداخته و آن را از دیدگاه مذهب شافعی بیان نموده و وجوه شباهت و تفاوت بین حسبه و مظالم

۱- (۱) .مقدمه ابن خلدون،ص۳۹۸.

۲- (۲) .رضوان،ص۲۹،۲۲،۹.

۳- (۳) .رضوان،ص ۷۰-۷۴.

۴- (۴) .رضوان،ص۸۸-۸۰.

۵- (۵) .رضوان،ص۱۰۶.

۶- (۶) .مشایخی،ص ۱۶۰-۱۷۰.

۷- (۷) .نهج البلاغه.

را ذکر کرده است. (۱)در بیان ماوردی،شأن و وظایف حسبه نظارت بر امور اجتماعیه و تنظیم و نظارت بر امر بازار و کنترل اوزان و مقادیر،کنترل حرف و مشاغل و وظایف شهرداری ها در مورد معابر و زباله و...است؛محتسب با کمک گروهی کارمند و کاتب از جمله عریف-که در هر صنف در سازمان حسبه با محتسب همکاری می کنند-به این امر اقدام می کند.با این وصف معنای لغوی واژه«حسبه»از احتساب،به معنای اجر و مزد و به مفهوم حسن تدبیر در امور در برابر اجر است.حسبه اگر اسم از احتساب باشد،به مفهوم سبقت گرفتن در اعمال صالحه و اگر اسم از محاسبه باشد،به معنای مراقبت کردن از دیگران است.احتساب،کاوش در امور جاری بین مردم شهر است تا معاملات آنها عادلانه و قانونی باشد؛ازاین رو کار محتسب را به کار طبیب تشبیه کرده اند. (۲)از این کار با عنوان«علم الاحتساب»یاد کرده اند.

از دیگر شرایط محتسب،قدرت بر انجام امر حسبه است؛چون با امور مربوط به امنیت عموم مردم و جنایات ارتباط دارد،باید دارای شدت و خشونت و همت و شتاب در کار باشد و مستلزم استقامت و سخت کوشی و از سویی حُسن تدبیر شخص محتسب است. (۳)

۱-حسبه در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و راشدین

در چگونگی و آغاز تأسیس این وظیفه اداری در تشکیلات اداری دولت های اسلامی،اختلاف بسیاری وجود دارد،اما بنابر متون تحقیقی در تاریخ اداری

۱- (۱) .ماوردی،ص۳۱۴.

۲- (۲) .خنجی،ص ۱۸۰.

۳- (۳) .ابن اخوه،ص۴۹.

عرب،حسبه دارای ریشه های عربی عمیق و طولانی در جزیره العرب است.با طلوع اسلام،پیامبر صلی الله علیه و آله که خود در آغاز جوانی به شغل تجارت مشغول بود و با اقشار مختلف مردم ارتباطات وسیعی داشت،این ارتباطات را در مقام نخستین حاکم اسلامی پس از ظهور اسلام ادامه داد.ایشان در بازارها می گشت و با صاحبان حرف و اصناف مختلف ملاقات می کرد و در مورد مشاغل آنها گفت و گو می کرد.کتانی فهرستی از این ملاقات ها را با ذکر منابع اصلی آنها آورده است.از جمله در مورد معابر و خانه ها و سنت خانه ها به یکدیگر و نظم در خانه سازی،روایاتی در خصوص عنایت پیامبر صلی الله علیه و آله به این امور و توصیه های ایشان به مسلمانان هنگامی که خانه های مدینه را به اقطاع می داد،نقل شده است (۱)پیامبر صلی الله علیه و آله پس از فتح مکه،«سعید بن سعید بن عاص»را بر بازار مکه گماشت.از«سمراء بن نهیک اسدی»نقل است که می گفت:«حضرت را دیدم که هنگام عبور از بازار،امر به معروف و نهی از منکر می کرد و تازیانه در دست داشت».

پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز ورود به مدینه،افرادی را برای حراست و بازرسی در مدینه گماشت و کسانی که برای حراست از ایشان آمده بودند را دعا فرمود.برای حبس مجرمان نیز پیامبر نیز دستوراتی صادر کرده است.احادیث بسیاری در خصوص دستورات و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در دخالت در امور اجتماعی و وظایف محتسب وجود دارد که برخی محققان آنها را دسته بندی کرده اند. (۲)

حسبه در عصر خلفای راشدین،توسعه و تکامل نهایی یافت که این اقدامات حاکی از استمرار جریان حسبه از عصر پیامبر صلی الله علیه و آله است. (۳)در روایتی از حضرت

۱- (۱) .کتانی،ص۱۳۸؛طبقات ابن سعد،ج۵،۴۰۳.

۲- (۲) .رضوان،ص۳۵-۴۱.

۳- (۳) .کتانی،ص۱۴۵.

علی علیه السلام آمده است که آن حضرت صلی الله علیه و آله به بازرگان خطاب فرمود:از سوگند در تجارت بپرهیزید. (۱)

بنابراین قول صحیح آن است که اول المحتسبین،پیامبر صلی الله علیه و آله است. (۲)این موضوع از دیگر موارد نقض ادعای مورخانی است که کوشیده اند خلیفه دوم را پرچمدار اداره اسلامی معرفی کنند.روایات متعددی از حضور اداری پیامبر صلی الله علیه و آله در امور شهری نقل شد.که در کتاب های حدیثی در ابواب تجارت،معاملات،صید،ذباحه و...آمده است؛برای نمونه به یک حدیث اشاره می کنیم:«مر رسول الله بالمحتکرین فأمه بحکرتهم ان اتحزنه إلی بطون الاسواق و حیث تنظر الابصار إلیه». (۳)

۲-حسبه در عصر اموی و عباسی

حسبه در عهد اموی توسعه پیدا کرد؛زیرا شهرهای جدید تأسیس شد و حوایج روزمره مردم گسترش یافت.در این زمان از منصب«عامل سوق»به عنوان زیرمجموعه حسبه نام برده اند؛البته همچنان گزارش هایی از حضور خلیفه اموی در بازارها و مناقشه با مردم بر سر قیمت وجود دارد که ولیدبن عبدالملک به بازار می رفت و با بقال ها مورد نرخ اجناس بحث می کرد. (۴)در عصر عباسی حسبه توسعه فوق العاده ای یافت.در عهد منصور،از«عاصم بن سلیمان بن احول»به عنوان نخستین محتسب در امر پیمانه ها و اوزان کوفه یاد کرده اند.ابن اخوه

۱- (۱) .رضوان،ص۳۹.

۲- (۲) .صبحی صالح،ص۳۲۹.

۳- (۳) .وسائل الشیعه،ج۱۱،ص۳۱۷؛باب ۳۰ از ابواب التجاره،حدیث ۱.

۴- (۴) .رضوان،ص۴۰.

گزارش مفصلی از اصناف و آیین نظارت بر آنها آورده است و نمونه ای از عملکرد حسبه را تصویر کرده است.در روزگار مهدی،افزایش تنش در مسائل فرقه ای باعث ایجاد منصبی در زیر مجموعه حسبه به نام«صاحب زنادقه»شد. (۱)

یکی از دلایل پیشرفت حسبه در عصر عباسی و توسعه اداری آن،تهیه«سجل»یعنی متن رسمی حکم حسبه است که شرح وظایف محتسب در آن قید شده بود.در عصر هارون،رؤسای اصناف که گویا عریف در هر صنف بودند،مورد آزمایش قرار گرفتند.مقتدر نیز که اصلاحات گسترده ای در ادارات مرکزی انجام داد،در سال ۳۱۹ هجری،ثابت بن سنان را مأمور آزمایش پزشکان کرد.با این دستور،۸۶۰ پزشک به بغداد فرا خوانده شدند و ثابت با آزمایش هایی شایستگی آنها را ارزیابی می کرد و محتسب بنا به رأی سنان بن ثابت در مورد آنها دستور ابقاء و یا عزل صادر می نمود؛سنان،چشم پزشک ها را با کتاب ده مقاله حسین بن اسحاق امتحان کرد. (۲)

۳-حسبه در عصر دولت های وابسته به خلافت عباسی

حسبه در عصر سامانی و غزنوی و سلجوقی،قدرت فوق العاده ای یافت و تبدیل به یک سازمان گسترده انتظامی شد.در دولت سامانی و غزنوی و سلجوقی نیز مانند عصر عباسی،به متولی حسبه«محتسب»می گفتند که در کوی و برزن و بازارها می گشت و کاسبان را از امور غیر شرعی و تقلب منع می کرد.به گفته خواجه نظام الملک:«در هر شهری باید محتسب گماشت تا ترازها و نرخ ها راست می دارد و در همه چیزها که از اطراف آرند و در بازارها فروشند احتیاط تمام کند تا غشی و خیانتی نکنند و سنگ ها راست دارند.و پادشاه و گماشتگان

۱- (۱) .ابن طقطقی،ص۲۴۹.

۲- (۲) .ابن اخوه،ص۴۹.

پادشاه بایـد که دست او قوی دارند که یکی از قاعده مملك و نسـخه عدل این است و اگر جز این کند درویشان در رنج افتند و مردم بازارهـا چنـان که خواهنـد خرنـد و چنان که خواهنـد فروشـند،و فضـله خورد مسـتولی شود و فسق آشـکار شود و کار شریعت بی رونق گردد و همیشه این کار را به یکی از خواص فرمودنـدی یا خادمی را یا ترکی که هیچ محابا نکردی و خاص و عام از او بترسیدندی همه کارها بر انصاف بودی و قواعـد اسـلام محکم بودی (۱)کاتبان در اغلب اوقات،قدرت زیاد داشـته اند؛از جمله«علی نوشـتگین»سـپاه سالار محمود غزنوی که در شـراب افراط کرده بود به وسـیله محتسب در بازار گرفتند و خلع کردند،هیچ کس زهره نداشت که زبان بجنباند و آن محتسب،خادمی ترک بود پیرو محتشم خدمت داشت». (۲)

اداره حسبه در تشکیلات اسـلامی از نخستین اداراتی است که در صدر اسلام کتاب های متعدد درباره آن به وسیله مسلمانان تـدوین شـد،از قرن دوم تـا هفتم هجری،ده هـا کتـاب به ویژه در انـدلس و غرب جهـان اسـلام و نیز در شـرق جهان اسـلام در خصوص حسبه و آیین شهرداری تدوین شد.

ولایت حسـبه در اندلس همواره به عهده قاضـی بود؛علمای اندلس به صورت تخصصـی به همه امور جزئی حسـبه پرداختند؛تا آن جـا که کتابی در مورد نرخ گـذاری گوشت تـدوین کردنـد. (۳)مهم ترین این کتـاب هـا احکـام السوق است که در غرب اسـلامی به وسـیله«یحیی بن عمر»نوشـته شـد.در قیروان عصـر اغلبی-زیری،محتسب برای اداره امور از دستیاران و همکارانی به نام«أمناء و ناظر سوق»برای هر بازار استفاده می کرد.از جمله عملکردهای حسبه در مغرب،

۱- (۱) .نظام الملک،ص۵۶.

۲- (۲) .نظام الملک،ص۵۶و۵۷.

۳- (۳) .رضوان،ص۴۳.

حسبه پزشکان است؛در عصر حفصی،فعالیت اطباء به وسیله حسبه کنترل می شد؛از جمله در عصر المستنصربالله او مجلس خاصی به سرپرستی طبیب«ابوبکر بن الفالس»دایر کرد که در حضور خلیفه حفصی تشکیل می شد و اطباء را امتحان می کردند.در این راستا در عصر حفصی،شغل«امین الاطباء»در نظام حسبه ایجاد شد که به امور بیمارستان ها و اوقاف آنها و فعالیت پزشکان نظارت می کرد. (۱)در عصر فاطمی در مصر،حسبه تا حد زیادی امور جزئی زندگی مردم را مراقبت می کرد؛از جمله عدم شرکت در نماز جمعه و جماعات که مستوجب تعزیر بود. (۲)محتسب قاهره با شبکه ای از محتسبین و عمال و نواب آنها در شهرها در ارتباط بود (۳)و امور سیاسی و مذهبی از جمله جلوگیری از تحرکات تسنن را به عهده داشت. (۴)با پیشرفت امر حسبه در مصر،منابع تخصصی در این دیار در امر حسبه تدوین شد،که معروف ترین کتاب در این زمینه معالم القربه فی معالم الحسبه،از ابن اخوه است که در قرن هفتم هجری تدوین شد؛این کتاب به جزئیات وظایف محتسب به طور مفصل پرداخته است.حسبه در مصر عهد ایوبی و ممالیک،ولایتی مستقل گردید و تبدیل به قدرتمندترین منصب حکومتی شد؛به ویژه در عصر ممالیک،محتسب وارد مبارزه گسترده ای در موارد اخلاقی و ظواهر دینی از جمله خصوص حجاب و شراب خواری شد.گزارش های متعددی در خصوص مجازات شرابخواری عصر مملوکی وجود دارد. (۵)

۱- (۱) .شهیدی پاک،طب تونسی،ص۱۰۱.

۲- (۲) .رضوان،ص۴۳.

۳- (۳) .مقریزی،اتعاظ،ص۳۴۷.

۴- (۴) .رضوان،ص۶۰.

۵- (۵) .ماجد،ص۱۲۰و۱۲۱؛رضوان،ص۴۴.

۴-حسبه در عصر ایلخانی،صفوی و عثمانی

در عصر ایلخانی،غازان خان(۶۹۴-۷۰۳ه)سنگ و پیمانه کشور را یکپارچه کرد و این کار را با نصب محتسب در هر استان انجام داد. (۱)در ایران عصر صفوی،حسبه اهمیت یافت و قدرت محتسب الممالک مقداری افزایش پیدا کرد،اما مستقل نشد و از ارکان ولایت قضا و زیر نظر قاضی بود که به او«صاحب نسق»هم می گفتند. (۲)در هر شهر ایران عهد صفوی،یک محتسب با همکارانش مستقر بودند و وظایف سنتی احتساب را انجام می دادند.در فرمان نامه سازمان محتسب تبریز(۱۰۷۲ه)آمده است که این مأمور رسمی مسئول نگهبانی از اخلاق عمومی در جلوگیری از میگساری،قماربازی و دیگر جرم های ضد شرع است.(۳)او همچنین بازرسی سنگ ها را به عهده دارد و در خیابان هر گونه سد معبر را بردارد و بر اصناف مانند ملایان،اذان گویان و مرده شویان نظارت دارد.کلانتران،داروغگان و کدخدایان،از دخالت در امور محتسب ممنوع شده اند. (۴)

حسبه در عصر عثمانی ولایتی مستقل از قاضی بود.از ویژگی های این عصر تغییرات اساسی در امر حسبه است؛از جمله این که مجلسی مرکب از امین التجار و ده تن از معاونین او تشکیل شد که وظیفه آن صدور حکم در اعمال محتسب بر اساس دیدگاه اهل خبره بود.انبوهی از اسناد و فرامین و مدارک و سجلات حسبه از عصر عثمانی و صفوی در آرشیوها وجود دارد. (۵)

ص:۳۳۵

۱- (۱) .اقبال،ص۴و۲،۲۹۶.

۲- (۲) .میرزا رفیعا،ص۴۱۷،۳۰۳،۱۶۳.

۳- (۳) .میرزا رفیعا،ص۲۸۴،۲۳۷.

۴- (۴) .مشایخی،ص۶۵.

۵- (۵) .قلقشندی،صبح الاعشی،ج۱۱،ص۱۱۹؛ج۴،ص۱۹۳؛ج۱۲،ص۲۱۹؛میرزا رفیعا،ص۳۳۳.

نظام شرطه در تشکیلات اسلامی

تعریف شرطه در سازمان اداری مسلمانان و محدوده وظایف آن

اشاره

«شُرطه»،عالی ترین مقام دستگاه خلافت بود که ترکیبی از قدرت نظامی و قضایی و اداری داشت،این منصب همواره به عالی ترین فرماندهان و سرداران نظامی تعلق می گرفت که علاوه بر سابقه نظامی گری و سطوت و هیئت،دارای شخصیت و شأن اداری نیز بودند.نمونه برجسته رئیس شرطه در اوج شکوه خلافت عباسی،«طاهربن حسین»است که مسئولیت شُرطه بغداد را بر عهده گرفت و همین مقام،گام اول برای تشکیل دولت نیمه مستقل در خراسان شد.از شرطه در شرق و غرب با نام های مختلف یاد شده است:در افریقیه«حاکم»،در اندلس«صاحب المدینه»،«صاحب شب»یا«میر شب»و در دولت عثمانی«والی»نام داشت. (۱)این منصب ریشه در مقامات عهد راشدین داشت که در عهد اموی توسعه یافت،در عهد عباسیان شکل نهایی گرفت و در اندلس عهد امویان به اوج توسعه و پیچیدگی و کارآیی رسید؛ازاین رو این منصب حاصل توسعه و پیشرفت

۱- (۱) .ابن خلدون،ص۴۴۵.

تشکیلات اسلامی است.ابن خلدون تعریف دقیقی از وظیفه خاص صاحب شرطه ارائه کرده است:«کسی را شرطه می نامیدند که جنایات را در مرحله ابتدایی رسیدگی می کرد؛آن گاه کیفرهای شرعی را وقتی قاضی دخالتی در آن نداشت،به اجرا می گذاشت». (۱)صاحب این منصب رابطه تنگاتنگ با قاضی،محتسب و شَحنه داشت؛اما در اصل جایگاه صاحب شرطه،زیردست وزیر جنگ(صاحب السیف)بود؛ (۲)بنابراین وظیفه اصلی شرطه،اجرای احکام قضات بود.

زیدان به رسته شرطه،عنوان«شهربانی»داده است؛ (۳)شرطه به یک معنا نگهبانی عالی از حریم قانون را بر عهده داشت و عالی ترین نیروی تأمین امنیت شهرها و پایتخت بود.محل استقرار او در دربار و کاخ خلافت بود و به طور مستقیم از خلیفه و سلطان و و الیان و عاملان شهرها دستور می گرفت.

در دوره اسلامی در کنار حَسَبه،گروهی نگهبان به فرماندهی سالار نگهبانی،مراقب نظم و امنیت شهر بودند و حکم قاضی و محتسب را اجرا می کردند.مقام سالارنگهبان در حد قدرت و الی بود.سالارنگهبان ابتدا زیر نظر قاضی بود،ولی به تدریج مستقل شد و به وسیله خلیفه تعیین می شد.این نظام را«شرطه»نامیدند؛زیرا مأموران آن علامت خاص(اشرطه)داشتند. (۴)

۱-شرطه در صدر اسلام

نگهبانی و تجسس و تأمین امنیت راه ها و قبایل در نقاط تجمع،در منابع عربی

ص:۳۳۸

۱- (۱) .ابن خلدون،ص۴۴۵.

۲- (۲) .ابن خلدون،ص۴۴۵.

۳- (۳) .زیدان،ص۱۹۴.

۴- (۴) .ابن منظور،لسان العرب،شرط.

پیش از اسلام آمده است.در صدر اسلام-چنان که گذشت-پیامبر صلی الله علیه و آله از استخدام افرادی به عنوان نگهبان و حارس،استقبال نمود؛ازاین رو تأسیس این سازمان به صدر اسلام و عصر پیامبر صلی الله علیه و آله باز می گردد که در عصر راشدین توسعه یافت.به گفته برخی محققان،سازمان نگهبانی پاسداران شب و شرطه به دوران خلافت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام منظم شد و متصدی آن صاحب شرطه بود. (۱)و از«معقل بن قیس ریاحی»و«مالك بن حبیب یربوعی»به عنوان صاحب شرطه(شرطه الخمیس)حضرت علی علیه السلام نام برده اند؛ (۲)اما مهم ترین وظیفه شرطه که مقابله با کج روی سران و ولات و قضات و کارگزاران دولت بود را حضرت علی علیه السلام خود انجام می داد و در مقام خلیفه وظایف شرطه را نیز اجراء می کرد.از مهم ترین اقدامات اجرایی شرطه،اجرای حد در مورد«ولیدبن عقبه»حاکم کوفه بود. (۳)گویا سنت شرطه و قوانین آن به شکلی که در زمان حضرت علی علیه السلام بوده است در عصر کوتاه مختار نیز اجرا شده است؛مختار در امان نامه ای برای عمر بن سعد،به نگهبانان و مأموران تأمین امنیت شهر دستور داده است که او در امان است.مختار مأمورین حفظ امنیت شهر را«شرطه الله»و«شیعه آل محمد»نامیده است،ذکر این دو واژه در کنار یکدیگر می تواند حاکی از استمرار سنت شیعی در تأمین امنیت شهر باشد؛مختار نیروهای نظامی ویژه خود را در موارد متعدد«شرطه الله»نامیده و لشکر نیروهای دشمن را«جنود شیطان»خوانده است. (۴)

صاحب شرطه در ابتدا تابع قضاوت بود و احکام قضایی و حدود را اجرا

۱- (۱) .صبحی صالح،ص۳۳۳؛حسن ابراهیم حسن،ج۱،ص۴۵۷.

۲- (۲) .ابن عبدربه،ج۵،ص۵۸.

۳- (۳) .یعقوبی،ج۲،ص۱۴۲؛سیوطی،ص۲۶.

۴- (۴) .ابن مسکویه،ج۲،ص۱۶۵،۱۸۱،۱۸۶،۱۹۱،۱۹۷.

می کرد و در عصر اموی این سازمان اداری تا حدودی استقلال پیدا کرد و وظایفی جدید به حوزه مسئولیت او اضافه شد.او حوزه عقوبات،برخی از جرایم را تعیین می کرد و فوراً حکم را اجرا می کرد تا از وقوع جرم جلوگیری شود. (۱)صاحب شرطه در انجام مأموریت های سیاسی شهری،نقش به سزایی در تاریخ اسلام داشته است؛از جمله آنها عبیدالله بن زیاد است که در برقراری حکومت نظامی در کوفه و پراکنده ساختن مردم از اطراف مسلم بن عقیل نقش اساسی ایفا نمود. (۲)همچنین برای کمک به شرطه،افرادی از بندگان و موالی خاص را انتخاب می کردند.سلیمان بن عبدالملك از ابهت و خشونت شرطه و سلطه او بر عام و خاص یاد کرده است؛او به هنگام حادتر شدن بیماری اش،جهت گرفتن بیعت برای پسرش از صاحب شرطه کمک گرفت و به او گفت:«همه عموها،عموزاده ها،برادران و اهل بیت من،بزرگان سپاه شام و هر که در این ورقه نام او آمده است را جمع کن و از آنها بیعت بگیر و اگر بیعت نکردند،آنها را گردن بزن».

چندین اداره تحت پوشش سازمان شرطه کار می کردند که مسئول تأمین امنیت شهر و امنیت امیر و خلیفه و و الی و کارگزاران و حفظ سلامت جان آنها بودند؛از جمله آنها«عسس»است که مسئول تأمین امنیت شبانه شهر بود.«صاحب العذاب»از دیگر اداره های شرطه بود که در کار بازرسی متهمان و اعتراف گرفتن از آنها پیش از رفتن به محاکم قضایی فعالیت می کرد؛ (۳)از دیگر اداره های تحت پوشش سازمان شرطه،منصب«صاحب الاستخراج»بود. (۴)از دیگر

۱- (۱) .عیون الاخبار،ج۱،ص۱۶؛ابن عبدربه،ج۵،ص۱۹.

۲- (۲) .ابن مسکویه،ج۲،ص۱۸.

۳- (۳) .المعاضیدی،ص۹۹.

۴- (۴) .جاحظ البیان و التبیین،ج۲،ص۳۸و۳۹.

ادارات این سازمان«صاحب السجن»است که مسئول اداره زندان بود و در عصر اموی گسترش فوق العاده ای یافت.مخارج این اداره از هزینه های هنگفت بیت المال اموی تأمین می شد.دوران هشام بن عبدالملک(۱۰۵-۱۲۵ه)نقطه عطفی در گسترش شرطه و استفاده از قدرت آن در سرکوب مخالفان اموی است.او سازمانی انتظامی از شرطه درست کرد که واسطه قدرت میان شرطه امنیت و شرطه سپاه بود و آن را«نظام الاحداث»نام نهاد. (۱)عمربن عبدالعزیز هم دیوانی تأسیس کرد که بر زندان ها نظارت کند و خود شخصاً به امر نظارت بر زندان ها پرداخت.او دستور داد زندانیان دینی را از زندانیان مربوط به جرم و جنایات مختلف جدا کنند.نظام شرطه،اساس نظام اداری امویان شرق و نیز امویان اندلس بود.امویان اندلس سازمان شرطه را بیش از امویان شرق توسعه دادند.شرطه در اندلس ملقب به«صاحب اللیل»یا«صاحب المدینه»بود و به سه گروه«شرطه کبری»،«شرطه وسطی»و«شرطه صغری»تقسیم می شد. (۲)

۱.شرطه صغری(کوچک و خاص)مخصوص رجال دولت و کارگزاران عالی رتبه آن بود؛ (۳)

۲.شرطه وسطی،مخصوص رسیدگی به طبقه متوسط،بازرگانان،صنعت گران،پیشه وران و مشاغل معتبری چون پزشکان و اطبا بود؛

۳.شرطه کبری به امور عموم مردم رسیدگی می کرد.

در بغداد عصر عباسی،سازمان شرطه-که افراد آن به نه هزار نیروی نظامی در اواخر قرن چهارم هجری رسید-فعال ترین و کارآمدترین اداره سیاسی،

۱- (۱) .صبحی صالح،ص۳۳۳.

۲- (۲) .ابن خلدون،ص۴۴۶.

۳- (۳) .ابن خلدون،ص۴۴۶.

نظامی و امنیتی در تشکیلات اسلامی گردید.«عبد الجباربن عبدالرحمن ازدی»نخستین فرد عرب بود که رئیس شرطه بغداد-هم زمان با تأسیس شهر بغداد در سال ۱۴۶ قمری شد، (۱)افراد عالی رتبه سازمان شرطه و خانواده های ایشان،در محله خاصی از بغداد به نام«سِکّه الشُرطه»نزدیک دروازه بصره (۲)اسکان داده شد.شرطه بغداد با چند هزار نیرو،برای عملیات برون مرزی نیز مورد استفاده قرار می گرفت؛از جمله در سرکوب شورش بابک خرم دین (۳)بود که با موفقیت عمل کرد. (۴)رؤسای شرطه همواره سرداران نظامی چون طاهریان و صفاریان و از معروف ترین خانواده های ایرانی بودند که ریاست شرطه بغداد را به مدتی طولانی-از ۲۰۵ تا ۲۷۹هجری-به عهده داشتند. (۵)صاحب شرطه از نزدیکان خلیفه بود و در امور مختلفی از مسائل سیاسی و نظامی دخالت می کرد.حق انتخاب شرطه در پایتخت با خلیفه و در ولایات با حاکمان بود.منصور-چنان که گذشت-شرطه را یکی از مهم ترین ارکان چهارگانه حکومت می دانست؛این سیاست را دیگر خلفای عباسی نیز ادامه دادند؛به طوری که مأمون در اجرای این سیاست،سرانجام ولایت خراسان را به صاحب شرطه بغداد«طاهر بن حسین»مؤسس سلسله طاهریان داد. (۶)طاهر قبل از دریافت این منصب،والی جزیره و حومه های آن بود.عبیدالله بن عبدالله بن طاهر،در سال ۲۷۶ هجری،به دستور معتضد

۱- (۱) .ابن مسکویه،ج۵،ص۷۲.

۲- (۲) .یعقوبی،ص۵۶.

۳- (۳) .ابن اثیر،ج۶،ص۱۸، ۳۰،۳۹.

۴- (۴) .ابن مسکویه،ج۴،ص۴۵۴؛ج۵،ص۷۴؛ج۵،ص۱۳۸.

۵- (۵) .طبری،ج۵،ص۱۵۲،۵۹۷.

۶- (۶) .طبری،ج۵،ص۱۵۲؛ابن مسکویه،ج۴،ص۱۵۲.

صاحب شرطه بغداد شد؛ (۱)اما خلیفه دو معاون او را از فرماندهان ترک قرار داد تا این ایرانی را کنترل کنند.جانشین صاحب شرطه را خلیفه شرطه (۲)می گفتند.دیوان شرطه بغداد دارای مجالس متعدد از جمله«المجلس الشرقی»و«المجلس الغربی»بود.«توزون ترک»نیز در سال ۲۳۳ هجری،امیرالامرا و صاحب شرطه بغداد بود.

۲-شرطه در عصر غزنوی،بویهی،فاطمی و سلجوقی

شرطه در دولت های معاصر عباسیان،با همان وظایف و گستردگی دوره اموی و عباسی بود؛امّا از آن با عنوان،شحنه،خلیفه،حرس و امیرحرس یاد شده است که مانند سازمان انتظامی کنونی به حفظ نظام داخلی شهرها می پرداخته اند.«امیر حرس»،رئیس سازمان شرطه یا رئیس زندان بوده است؛این شغل پس از حاجب بزرگ،بالاترین شغل بود امیرحرس نزدیک تر از هر کس دیگری به شاه و امیر بود؛«خیمه حرس»،خیمه و چادری بود که زندانیان را به طور موقت در آن نگه داری می کردند؛«شحنه»گروهی از سواران که از یاران سلطان بودند و برای حفظ شهر می کوشیدند،در عهد فاطمی وزیریان،از این منصب با عنوان«صاحب المحرس»یاد شده است. (۳)صاحب المحرس با گروهی نگهبان و گشت شبانه و سگ امنیت شهر را تأمین می کردند. (۴)یکی از ابتکارات عصر فاطمی،تأسیس شرطه تأمین امنیت سواحل است که از آن با عنوان شرطه«خفرالسواحل»یاد شده است که بخشی از ناوگان نظامی فاطمی بود و در سواحل از کشتی های تجاری

۱- (۱) .ابن مسکویه،ج۴،ص۳۴۴،۳۶۸،۴۵۲.

۲- (۲) .طبری،ج۵،ص۵۹۶.

۳- (۳) .اخشنی،ص۲۳۱.

۴- (۴) .عبدالوهاب،بساط العقیق،ص۲۸.

حمایت و محافظت می کرد. (۱)در حوزه مغرب و انـدلس،در دولت مرابطین،از شـرطه با عنوان«حرس اللیل»و عریف یاد شده است عریف معاون حاکم بود. (۲)در دولت موحـدان نیز شـرطه از بین فرزنـدان خانواده موحدین انتخاب می شد و موقعیت و نفوذ بسیاری داشت؛اما در دولت بنی مرین،شـرطه از میان موالی سرسپرده انتخاب می شد.در عصر موحدین،صاحب شرطه هم زمـان شـغل وزارت را نیز به عهـده داشت و ابن خلـدون به این مطلب اشـاره کرده است که مقـام شـرطه در حقیقت نامزد مقام وزارت و حاجب بود. (۳)

مقام شـرطه در مصـر متفاوت از مقام شـرطه در سایر نقاط بود؛و از آن با عنوان الولایه یاد شده است. (۴)این مقام شکل نهایی خود را در عصر فاطمی به دست آورد و به«شرطه علیا»فقط در قاهره و«شرطه سفلی»در فسطاط و سایر نقاط تقسیم شد؛ممالیک نیز همین شکل فاطمی دستگاه شرطه را توسعه و استمرار بخشیدند.آنها در نقاط دیگر مصر نیز دستگاه شرطه را برقرار ساختند. (۵)گروهی از کارمندان،شرطه مصر در اختیار و الی شرطه قرار داشت؛از جمله:اعوان،خفراء،عسس،سجانون و مشاعیلیه که کار آنها حفظ امنیت در شب و روز بود.مجموعه ای از شـحنه مانند شـحنه بغداد،شـحنه واسط،شـحنه العراق،شـحنکیه بغداد،شـحنه موصل و شحنه نیل (۶)در اختیار شرطه بغداد بود.

ص:۳۴۴

۱- (۱) .محمد صالح،ج۲،ص۴۰۵.

۲- (۲) .التادلی،ص۹۷.

۳- (۳) .ابن خلدون،ص۴۴۶.

۴- (۴) .مقریزی،خطط،ج۳،ص۸۹.

۵- (۵) .ماجد،ص۱۳۲و ۱۳۱.

۶- (۶) .ابن فوطی،ص۷۸،۱۱۱،۲۱۷،۳۰۷،۳۴۵،۳۷۸.

۳-شرطه در عصر ایلخانی و صفوی و عثمانی

در عصر ایلخانی و قراقویونلو،شرطه با عنوان«داروغه»و«کوتووال»آمده است. (۱)در دوره صفوی نیز از صاحب این شغل با عنوان داروغه یاد شده است؛ (۲)داروغه،مسئول و فرمانده انتظامی شهربانی بود و در همه شهرهای ایران این منصب وجود داشت.جزئیات وظایف این مقام در ادوار مختلف یکسان است.در عصر صفوی از مناصبی با عنوان احداث،عسس،میرشب،و نایب پادشاه شب نیز یاد شده است (۳)که در خدمت داروغه یا وزیر شهر بودند. (۴)در دولت عثمانی شرطه از استقلال برخوردار بود و از او با عنوان و الی یاد شده است.

ص:۳۴۵

۱- (۱) .اقبال،ص ۲۸۹.

۲- (۲) .میرزا رفیعا،ص ۳۹،۶۶،۴۵۵.

۳- (۳) .میرزا رفیعا،ص ۱۶۷،۲۵۰.

۴- (۴) .فلور،ص ۸۲.

وظایف دینی(نماز،حج،اوقاف،فُتیا و...)

۱-ولایت نماز

از همان عصر پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام اعزام و الی،تفکیک وظایف بین مأموران حکومتی عامل خراج و عامل صلات و عامل زکات برقرار بود که در متون اسلامی دوره ولایت اموی و عباسی به آنها اشاره شده است؛حضرت علی علیه السلام«قیس بن سعد»را به مصر فرستاد و ولایت صلاه و خراج را به او داد؛ (۱)صاحب الصلاه،صاحب حج و زکات از جمله وظایف دینی است،ماوردی براساس مذهب شافعی از«الولایه علی الحج»و«الولایه علی امامه الصلوات»و«الولایه علی الجهاد»سخن گفته است.امامت صلوات بر سه قسم است:امامت در نمازهای روزانه پنجگانه،امامت در نماز جمعه و امامت در نمازهای مستحبی. (۲)امامت در مساجد سلطانی و مساجد عمومی نیز از تقسیمات ماوردی در امامت نماز است که مسئول این ولایت را«صاحب الصلاه»می گفتند.صاحب الصلاه به زودی به عنوان منصبی اداری،جایگاه ثابتی در تشکیلات اسلامی پیدا کرد. (۳)

۱- (۱) .کندی،ص۲۳.

۲- (۲) .ماوردی،ص۱۲۷.

۳- (۳) .ابن الفراء،ص۹۴.

۲-اوقاف،احباس

«وقـف»از جمله وظـایف دینی است که ریشه در تمـدن عربی دارد.اصـطلاح فقهی وقـف که به مفهوم حبس عین و اسـتفاده از منفعت است،در غرب اسـلامی،نـام«احباس»به خود گرفت.مورخان از پیامبر خـدا صـلی الله علیه و آله به عنوان اولین واقف یاد کرده اند. (۱)پس از پیامبر صـلی الله علیه و آله،امام علی علیه السلام چهره شاخص واقفین در صدر اسلام است و قدیمی ترین نسخه وقف نامه منسوب به ایشان است. (۲)در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله،وقف وظیفه ای دینی و فردی بود و اداره خاصی برای آن وجود نداشت.نخستین اداره برای انجام اوقاف را«توبه بن نصـر»قاضی.مصـر در عهد هشام بن عبدالملک نوشـته اسـت که بر اوقـاف مصـر نظارت می کرد؛ (۳)بنـابراین از همـان ابتـدا نظـارت بر اوقاف از جمله وظایف دینی قضات بود،از وظایف قاضی القضاه بغداد در عصر عباسی،تعیین ناظر بر اوقاف بود. (۴)در عصر عباسی متأخر،از متصدی و ناظر و مشرف بر اوقاف با عنوان«صدرالوقوف»یاد کرده اند. (۵)«دیوان البر»از جمله دیوان های عصـر دوم عباسی است که اوقاف و صدقات را نظارت و اداره می کرد و درآمـد آن را صـرف مرابطین در ثغور و موقوفات در مکه و مدینه می کرد. (۶)سامانیان نیز دیوان مستقلی در اوقاف داشتند. (۷)در عصر غزنوی و سلجوقی،وقف گسترش فوق العاده ای پیدا کرد.

ص:۳۴۸

۱- (۱) .برهاوی،ص۱۵.

۲- (۲) .المبرد،الکامل،ج۳،ص۲۰۸؛معجم البلدان،ج۴،ص۱۷۶و۱۷۵.

۳- (۳) .برهاوی،ص۳۰.

۴- (۴) .قلقشندی،ص۲۵۹،۱۹۲،۱۱.

۵- (۵) .ابن فوطی،ص۴۷۸،۴۰۶،۳۹۹،۳۶۲.

۶- (۶) .ابن مسکویه،ج۵،ص۲۲۰.

۷- (۷) .نرشخی،ص۷۰.

در عصر غزنوی اوقاف رونق بسیار بالایی یافت و شغل و منصب اشراف بر اوقاف بخشی از دیوان اشراف بود و منصب اشراف بر اوقاف غزنین عالی ترین مقام در آن دیوان بود.«در سنه تسع و اربعین و اربعمائه درپیچیدندش تا اشراف اوقاف غزنین بستاند». (۱)

در عصر فاطمی مصر(۲۹۷-۵۶۶ه)اوقاف،دیوان خاصی(دیوان الاحباس)داشت که در عصر ایوبی استمرار پیدا کرد. (۲)در عصر ممالیک،اوقاف مصر به سه قسمت«اوقاف اراضی»،«اوقاف مساجد»و«اوقاف اهلیه»تقسیم شد و ناظر خاصی بر اوقاف نظارت می کرد.در دولت اموی اندلس،ناظر بر اوقاف را«صاحب الاوقاف»،می گفتند. (۳)در مورد خطراتی که اوقاف را تهدید می کرد و فساد دیوان های اداره اوقاف گزارش های مفصلی در منابع آمده است. (۴)برای اوقاف،انواع مختلفی در جهان اسلام قابل ذکر است،مانند:وقف تعبدی،وقف اجتماعی،وقف آموزشی،و وقف نظامی.در دوره سلجوقی و ایلخانی و صفوی،وقف آموزشی در ایران رشد فزاینده ای یافت و از ناحیه این اوقاف،مدارس نظامیه در عصر سلجوقی و مؤسسه آموزشی ربع رشیدی در عصر ایلخانی و رصدخانه مراغه بنا شد. (۵)در غرب اسلامی در عصر حفصیان،وقف تعبدی و آموزشی و به ویژه وقف نظامی توسعه پیدا کرد که نمونه آن وقف کردن اموال برای ساخت توپ بود.در عصر صفوی در رأس اوقاف،وزیر اوقاف یا وزیر سرکار فیض یا وزیر موقوفات قرار داشت. (۶)همه محاسبات و

۱- (۱) .بیهقی،ج۱،ص۳۰۲.

۲- (۲) .قلقشندی،ج۳،ص۴۹۰.

۳- (۳) .برهاوی،ص۳۱-۳۳.

۴- (۴) .مقریزی،سلوک،ج۱،ص۵۵۶؛برهاوی،ص۴۵.

۵- (۵) .شهیدی پاک،آموزش و پرورش عصر سلجوقی،ص۷۰.

۶- (۶) .میرزا رفیعا،ص۴۱۳.

عملیات مربوط به اوقاف ممالک محروسه صفوی،به دفتر مستوفی موقوفات می رسید و ثبت می شد؛ (۱)اوقاف در عصر صفوی،نقش مهمی در ابعاد گوناگون این حکومت داشت؛یکی از مهم ترین کارکردهای اوقاف توسعه مکان های مذهبی شیعه به ویژه حرم امام رضا علیه السلام است که فهرست موقوفات و املاک و ضیاع وقف آن (۲)آمده است؛همچنین مشاغلی که در حرم امام رضا علیه السلام زیر نظر وزیر اوقاف و متولی وقف حرم بودند و نظم و نسق آنها با متولی بود. (۳)

۳-ولایت حج،امیرالحاج

ولایت در حج به دو بخش تقسیم می شد:

الف)ولایت انتقال حاجیان که ولایتی سیاسی و جایگاه اداری خاصی در تشکیلات اسلامی دارد؛

ب)ولایت در اجرای فریضه حج؛ماوردی جزئیات وظایف اداری امیرالحاج را بر شمرده است. (۴)در منابع تاریخی،به امیرالحاج هر خلیفه اشاره شده است.

۴-ولایت در فتوا(صاحب الفتوا)

منابع تشکیلات از جمله ابن خلدون از مقام دینی صاحب فتوا در دربار خلافت یاد کرده اند.اهل فتیا(فتوا)،معمولاً در مساجد بزرگ و جامع،در روزهای خاص و در مکانی خاص،مجالس عمومی داشته اند؛اما در سال

۱- (۱) .همان،ص ۲۳۶.

۲- (۲) .همان،ص ۱۷۵.

۳- (۳) .همان،ص ۱۷۶.

۴- (۴) .ماوردی،ص ۱۳۷.

۲۴۴هجری،معتضد عباسی،اهل فتیا را از حضور در جوامع منع کرد. (۱)این مقام با نام های دیگر،در عصر غزنوی و سلجوقی استمرار یافت. (۲)

به تدریج وظایف دینی دیگری نیز در سازمان اداری مسلمانان ایجاد شد؛از جمله در عصر ایلخانی،از مؤذن،امامت صلاه،عامل زکاه، (۳)تولیت اوقاف و نقیب السادات،فقاهت و خطابت،مدرسی و معیدی،به عنوان برخی مناصب شرعی یاد شده است.از ولایت بر صوفیان در عصر ایوبی با عنوان«شیخ المشایخ»که منصبی دولتی و دینی بود یاد شده است.صلاح الدین ایوبی خانقاه ها را متحد کرد و زیر نظر دولت درآورد و رؤسای آنها را از مقامات دولتی قرار داد. (۴)در عصر صفوی از تأسیس منصب«توحیدخانه»که محل تجمع صوفیان در محوطه قصر در اصفهان بود،زیر نظر امرای دولتی یاد شده است. (۵)

۵-وظایف دینی عصر عثمانی و صفوی

علاوه بر استمرار وظایف دینی سنتی مانند نماز و حج و زکات،وظایف دینی در عصر صفوی و عثمانی-که هر دو دولت های برخاسته از نیروی دینی بودند-اهمیت فوق العاده ای یافت و مناصب دینی جدیدی در دربار این دو دولت تأسیس شد؛رکن مناصب دینی صفوی،نماز جمعه بود.نماز جمعه از عصر صفوی در ایران اهمیت فراوانی یافت.این منصب ابتدا در عصر شاه صفی دایر شد و سپس در عهد

ص:۳۵۱

۱- (۱) .ابن مسکویه،ج۵،ص۲.

۲- (۲) .مقدمه ابن خلدون،ص۳۹۸.

۳- (۳) .نخجوانی،ص۵۲.

۴- (۴) .زیدان،ص۲۰۶.

۵- (۵) .میرزا رفیعا،ص۵۵۹.

طهماسب(۹۳۰-۹۸۴ه)جدی تر شد؛علامه مجلسی،آماری از ائمه جمعه سراسر ایران ارائه نموده است.در عصر صفوی نهضتی از رساله نویسی در خصوص نماز جمعه به راه افتاد.در این عصر،وظایف دینی جدیدی برای روحانیت تأسیس شد که در رأس آنها مقام ملاباشی،صدر،شیخ الاسلام،قاضی و قاضی عسگر قرار داشت.مهم ترین شیخ الاسلام عصر صفوی،«شیخ بهایی»است؛نگارنده در مقاله مقام صدر و شیخ الاسلام،اهمیت شیخ بهایی در مقام شیخ الاسلام را بررسی نموده است؛شیخ الاسلام محل رجوع دعاوی حقوقی و فقهی بود.متولی آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام و آستان مقدس امام رضا علیه السلام،از دیگر مشاغل مهم عصر صفوی است؛ (۱)صدر خراسان و شیخ الاسلام هرات،اصفهان،قاضی القضاه در شهرها یک شیخ الاسلام مناصب دینی را بر عهده داشتند. (۲)بزرگ ترین مرجع روحانی بغداد در عصر طهماسب اول صفوی،«قاضی القضاه»نامیده می شد؛صدر،نمونه ای از مقامات عالی رتبه ایرانی است.

دولت عثمانی نظام دینی پیشرفته ای احداث کرد که«نظام ملل»نام داشت،معنای این نظام این بود که هر گروه دینی تابع ضوابط خاص میان خود بود؛عثمانی ها تقسیم بندی دینی را مبنای نوعی تقسیم بندی اداری کرده بودند و هر گروه دینی را«ملت»می نامیدند؛عثمانی ها«طرق صوفیه»را نیز سامان دادند و«اشراف»و«نقیب الاشراف»در جایگاه یک منصب دینی،موقعیت بالایی در دربار عثمانی داشتند. (۳)در رأس نظام ملل،شیخ الاسلام قرار داشت که تالی تِلو سلطان بود

۱- (۱) .میرزا رفیعا،ص۱۷۲،۱۷۵،۱۷۷.

۲- (۲) .برن،ص۱۰۹.

۳- (۳) .احمد یاغی،ص۷۹.

و کار قانون و محکمه،مدارس پیوسته به مساجد و موقوفات گسترده همه در دست او بود (۱)و پس از او،مفتی رئیس علما و فقها تعیین شد؛اهمیت این منصب به قدری بود که دولت بدون فتوای شیخ الاسلام جنگی را آغاز نمی کرد.

۶-سازمان نقابت،نقیب الاشراف

سازمان نقابت از جمله سازمان های دینی تشکیلات اسلامی است که از مناصب خاص حوزه خلافتی بوده و اداره آن نزدیک دارالاماره خلیفه و سلطان قرار داشت.«نقیب»به طور مستقیم از سوی سلطان انتخاب می شد و نقابت بر مردم دارای نسب شریف بود.به گفته ماوردی،این ولایت از سه راه تفویض می شد:۱.به طور مستقیم؛۲.از راه خلیفه،یا از سوی وزیر تفویض و امیر اقلیم؛۳.از سوی نقیب عام که نقیب خاص تعیین می کرد. (۲)در هر شهر نقیبی بود که مجموعه آنها زیر نقیب النقباء الاشراف کار می کردند. (۳)نقابت به دو قسم عام و خاص تقسیم می شد؛که کار نقابت خاص فقط محدود به مسئله«نسب»است،اما نقیب عام دوازده مسئولیت بر عهده او است که علاوه بر حفظ نسب،مأمور تفحص از احوال آنها و نصیحت و هدایت و جلوگیری از گمراهی و سوء رفتار آنها نیز می باشد. (۴)خلفای عصر عباسی گاهی فرمان دیوان مظالم و آبیاری را به نقیب الاشراف می دادند.نقیب و منصب نقابه الاشراف الطالبیین (۵)و نقابه الزیدین،

۱- (۱) .احمد یاغی،ص۷۸.

۲- (۲) .ماوردی،ص ۱۲۱.

۳- (۳) .قلقشندی،ج۶،ص ۱۴۴.

۴- (۴) .ماوردی،ص ۱۲۱و ۱۲۲.

۵- (۵) .اتعاظ،ج ۱،ص۱۴۷.

در عصر فاطمی و پس از آن تا دوره ممالیک و عثمانی در مصر برقرار بود.حاکم بامرالله در سال ۴۰۱ هجری،«علی ابن القاسم علی بن احمد زیدی»را به نقابت زیدیین و طالبیین برگزید؛در سال ۴۱۴ هجری،خلیفه ظاهر،امام رسمی را به عنوان نقیب نقبا طالبیین برگزید.نقیب الاشراف عصر فاطمی،دوازده نقیب در اختیار داشت و مقام او مانند امراء دربار بود و دیوان خاص همراه با عامل و مشارف داشت و در هر ماه بیست دینار حقوق می گرفت و مشارف دیوان او در ماه ده دینار و نایب او هشت دینار و عامل او پنج دینار می گرفت. (۱)

نقیب عام در حکم قیم وکیل عام افراد خاندان بود که علاوه بر موارد دوازده گانه-که ماوردی ذکر کرده است-مسئول پنج چیز در بین صاحبان نسب شریف بود:اجرای حکم و قضاوت در نزاع آنها،ولایت بر ایتام آنها،اقامه حدود بر مجرمین آنها،تزویج زنان بیوه آنها و اجرای حجر در مورد سفیهان و محجوران آنها،که قوام نقابت عامه بر این پنج چیز است. (۲)ابن فوطی از چند اصطلاح اداری پیرامون نقابت یاد کرده است که حاکی از مشاغل و مناصب زیرمجموعه سازمان نقابت در حوزه خلافت بغداد تا قرن هفتم هجری است؛او از مناصبی همچون نقیب النقباء،نقیب موصل،نقیب العباسیین،نقیب الفتوه،نقابه الطالبیین،نقابه مشهد موسی بن جعفر علیه السلام (۳)گزارش هایی آورده است.شغل نقیب در ایران از قرن دوم هجری وارد تشکیلات اسلامی شد و در ایران میانه استمرار یافت.نقیب به عنوان منصب رسمی وابسته به ادارات حوزه خلافت،در نیمه دوم خلافت عباسی از جایگاه مشخصی برخوردار بود.

۱- (۱) .مقریزی،اتعاظ،ص۳۴۷.

۲- (۲) .ماوردی،ص۱۲۳.

۳- (۳) .ابن فوطی،ص۴۲۸،۱۳۲،۱۲۴.

در کنار منصب نقیب،منابع از منصب«وکیل»نیز یاد کرده اند.در نیمه قرن دوم هجری در کنار منصب نقابت،سازمانی شیعی در درون تشکیلات اداری خلافت عباسی شکل گرفت.ائمه شیعه سازمانی را ایجاد کردند که تا حد زیادی به صورت سری عملیات مالی و اعتقادی و سیاسی و فرهنگی ائمه شیعه را در عصر ظهور آنها انجام می داد.این سازمان ویژه شیعی،بنابر مقتضیات نظامی خلافت عباسی تأسیس شد.موسی بن جعفر علیه السلام نخستین بار شبکه ای از وکلای خود را در نقاط مختلف جهان اسلام به ویژه در ایران و شهرهای شیعی اعزام کرد و با آنها در ارتباط بود؛این کار به وسیله ائمه شیعه علیهما السلام تا عصر غیبت کبری استمرار پیدا کرد و وکالت،سازمان ارتباطی شیعیان با ائمه علیهما السلام بود.در منابع رجالی از«بابا مسافر»به عنوان وکیل مالی امام رضا علیه السلام در قم نام برده اند. (۱)

نقیب الاشراف که از ارباب اقلام است،در عصر ایوبی و مملوک با عنوان«النقابه علی ذوی الانساب»نامیده شده و عهده دار مشاغل از باب سیوف است و از القاب امیران بر او اطلاق می شده است. (۲)او مسئول نسب خاندان عباسی و علوی و طالبین و خاندان های صاحب نسب مانند آنها بود.

در عصر صفوی واژه نقیب و نقیب الاشراف با رئیس سادات هر شهر همراه بود.در عصر صفوی،مقام«نقیب الممالک»را همچون گذشته،شاه انتخاب می کرد. (۳)در این عصر حوزه کارهای اجرایی نقیب گسترده تر شد. (۴)وظیفه اصلی

۱- (۱) .شهیدی پاک،فرهنگ و تمدن قم در قرن سوم هجری،ص۸۴،۸۵،۸۶؛۸۹،۹۰،۹۱،۹۲.

۲- (۲) .قلقشندی،ج۳،ص۲۷۳و۲۷۴.

۳- (۳) .میرزا رفیعا،ص۱۶۷.

۴- (۴) .فلور،ص۸۰.

نقیب در دوره صفوی بررسی ادعای سیادت بود و بنابه دیدگاهی در اواخر دولت صفوی،وظیفه اداری تعیین عوارض مالیاتی[بنیچه و محصّل]هر صنف را به عهده گرفت؛ (۱)وجه اهمیت منصب نقیب الاشراف در عصر صفوی از آن جهت است که شاهان صفوی خود ادعای سیادت کردند و برای مشروعیت بخشیدن به آن تلاش وافر داشتند (۲)به گزارش ابن خلدون،نقابت از وظایف حوزه خلافت است و در عصر او رسوم آن از بین رفته است. (۳)

خلاصه فصل و نتایج و منابع بیشتر برای مطالعه

دولت های اسلامی برای اداره بهتر مناسک و عبادات جمعی و امور دینی مناصب دینی ویژه ای ایجاد کردند که بسیاری از آنها تأسیسی بود.این مناصب،دفاتر و اداراتی به وجود آوردند که امور دینی،مانند حج،نماز،اذان،مساجد،نماز جمعه و جماعت را اداره می کردند.امر فتوا و استمرار و توسعه آموزش های دینی در مدارس را نیز همین کاگزاران دینی دولت ها به عهده داشتند.صاحب الصلاه از مهم ترین مناصب دینی است.

در عصر خلافت عثمانی و صفوی،ولایت های دینی اهمیت فوق العاده ای یافت و تشکیلات دینی در کنار تشکیلات نظامی و اقتصادی جایگاه اداری خاص پیدا کرد.منصب،صدر و شیخ الاسلام از مهم ترین وظایف عالی اداری در عصر صفوی است.مهم ترین اصلاحات جامع در عصر صفوی از سوی شیخ الاسلام صفوی،شیخ بهایی صورت گرفت.

۱- (۱) .میرزا رفیعا،ص ۴۵۰.

۲- (۲) .میرزا رفیعا،ص ۴۵۱.

۳- (۳) .مقدمه ابن خلدون،ص ۴۰۰.

دیوان های آب،دیوان آب قم و مرو

اشاره

جهان اسلام در مناطقی از جهان قرار دارد که نیاز به آبیاری مصنوعی و اداره در تقسیم آب و عدالت در اجرای آن،همواره مسئله ساز بوده است.این مطلب از جهت تاریخی و جغرافیایی به حدی گسترده است که موضوع پژوهش بسیاری قرار گرفته است.از ابعاد مختلفی،از جمله رابطه بین ادارات آب و تأسیس حکومت و شیوه استبدادی و قانونی آن بحث کرده اند.برخی محققان ادارات آب را وسیله اعمال حاکمیت استبداد معرفی کرده اند و دولت های شرقی را دولت های آبی و دولت های استبدادی نامیده اند و رابطه ای میان دیوان های آب و سیاست و دولت در شرق جهان،از جمله در بین دول و ملل مسلمان برقرار کرده اند.

دولت های اسلامی به این جهت در فهرست اقدامات عمرانی و اجتماعی و خدمات خود،کارهای تأسیسات آبی،از جمله قنات و انواع سدها و مخازن،صهریج(آبگیر)،فسقیه و...را دارند،و برای اداره و تقسیم آب،شیوه های خاص و اداراتی تأسیس کرده اند.مهم ترین ادارات آب که از قرون نخستین در جوامع اسلامی از آنها یاد شده،دیوان آب قم و مرو است.

ص:۳۵۷

۱–دیوان آب قم

دیوان آب قم قدیمی ترین اداره در تشکیلات اسلامی است که تأسیس آن به دوره ساسانی در قم می رسد.این اداره تا اواسط ایام غلبه عرب بر قم دایر بوده است.

بسیاری از اصطلاحات که در این اداره به عنوان واژه های دیوانی و اداری به کار می رفته را خوارزمی در کتاب اداری خود آورده است.برخی از واژه های مربوط به این دیوان که مربوط به مکان هایی در شهر قم عصر ساسانی است،از این قرار است: (۱)مستقه،ناوقه،کسریشت،گوشیه،اَکره،اوغرات،سروَز،وَزْ،قومش،قورج،کاست افزود،هفته روش.

به نوشته تاریخ قم که گزارش مفصلی از وضعیت آب قم پیش و پس از اسلام و اقدامات آبی دولت آل بویه را آورده است،آب قم دارای دیوان های متعدد آب بوده است.این دیوان از عملیات آبی و نظارت بر آن،مالیاتی از صاحبان املاک دریافت می کرده است.

به گزارش تاریخ قم با غلبه جیل و دیلم،دیوان آب قم باطل شد. (۲)گزارش تاریخ قم حاکی از نزاع طولانی آب،بین قم و اصفهان بر سر آب تیمره و جریان این آب در کُب رود(قم رود)است،که با توطئه های بسیاری همواره سعی در تخریب کشاورزی قم و از بین بردن رودخانه قم(رودخانه انار)بوده اند.قمی به چند شیوه تقسیم آب و خاتمه آن در خصوص تیمره اشاره کرده است.اعمال تقسیمات در مورد آب رودخانه به وسیله تشکیلات دولتی و نهادهای اداری در ادوار مختلف گزارش هایی وجود دارد که آخرین آنها مربوط به تقسیم و اداره آب قم در عصر قاجار است،که اصل اسناد و مدارک آن موجود است.

ص:۳۵۸

۱– (۱) .در تاریخ قم،از دیوان قم در مجموعه دیوان های عصر عباسی یاد شده است.قمی،ص۱۳۵.

۲– (۲) .قمی،ص۵۳.

۲-دیوان آب مرو

از دیوان آب مرو در منابع قرن چهارم گزارش هایی در دست است،از جمله مَقدسی گزارش مفصلی از این دیوان الماء دارد و خوارزمی نیز اشاره مختصری کرده است. (۱)به گفته خوارزمی در شهر مرو رسم بود که در این دفتر،مقدار آب هر مالکی ثبت شود و قیمت خرید و فروش هر آب تعیین گردد.در کتاب تاریخ قم نیز در تعریف دیوان الماء و نیز در کتاب تاریخ تقسیم آب هرات چنین آمده است.مقدسی به برخی عملیات اداری این دیوان در مرو اشاره کرده است.در رأس دیوان آب مرو،امیری قوی با ده هزار کارمند قرار دارد. (۲)گروهی نگهبان در خدمت او هستند و بر شعب مختلف رود مرو نگهبانان و برید خاصی وجود دارد که در ساعات مختلف،اخبار آب را برای او می آورند.چهارصد غواص با وسایل مخصوصی عملیات تقسیم آب را در انهار انجام می دهند؛آنها بدن خود را با موم نوعی شمع می پوشانند.اصطلاحات دیوان الماء در جهان اسلام بنا به گزارش خوارزمی،عبارت بود از:أنقله،دیوان گستبزود از کاست افزود،دیوانی که خراج همه مالکان آب در آن ضبط می شد،دیوان الماء،بَست،فنکال،کوالجه،مُفرِغه،ملاّح،مَرار،طِراز،دَرَقات و مَزرَقات،مَسَنّاه،بَزَند،شادروان،مَاصِر،اَزَلَه،سَیح،سَقی،بخسی بخس،غَیل،کظائم،عِذْی،سوانِی،غَرْب تواضح. (۳)

دیوان ها و ادارات آب در غرب جهان اسلام،به ویژه در اندلس بخشی مهم از تنظیم در جامعه اسلامی را بر عهده داشت؛از جمله از دادگاه آب بَلنسیه(Valensia) که گزارش هایی از مدیریت و قضاوت در مورد خصومات آب از آن

ص:۳۵۹

۱- (۱) .خوارزمی،ص۶۹.

۲- (۲) .مقدسی،ص ۳۳۰،۳۳۱،۳۳۲.

۳- (۳) .خوارزمی،ص ۷۰و ۷۱.

در دست است که عملکردی مانند دیوان های آب داشته است؛به طوری که تا دوره معاصر همچنان شیوه آن در جامعه مسیحی این شهر معمول بوده است.

تشکیلات اصناف و تجارت در دوره اسلامی

اصناف در جوامع اسلامی،به صورت تشکیلات اداری اقتصادی در نظام اجتماعی،در کنار دولت مرکزی از عملکرد ممتازی برخوردار بوده اند.در نخستین گزارش ها در تاریخ اجتماعی مدینه،از ملاقات پیامبر صلی الله علیه و آله با اصناف مدینه سخن رفت.در تاریخ سیاسی-اجتماعی اسلام،اصناف همواره مبدء تحولات بوده اند.تنظیم اصناف و حِرَف و بازرگانی داخلی و خارجی در جوامع اسلامی از پدیده هایی است که حاکی از پیشرفت تشکیلات در این جوامع است.کوهِن شرق شناس فرانسوی(۱۹۹۱)این نکته را مد نظر قرار داده و می نویسد:اسلام پیش از اروپا،تعاونی هایی را برای سازمان دادن به اصناف و مشاغل و بازرگانی تأسیس کرده است. (۱)تنظیم اصناف اگرچه ریشه در تمدن ساسانی و بیزانسی دارد،اما در گزارش جغرافی دانان مسلمان از شهرهای اسلامی می بینیم که سازمان دهی و اداره بازارها و بازرگانی و اصناف و حِرَف به وسیله دولت و نیروهای محلی آمده است.کامل ترین این گزارش ها از لیون افریقی در مورد شهر فاس و تونس است و بازرگانی و بازار و اداره آن کاملاً تحت سلطه سازمان دهی دولت بوده است.برخی خاورشناسان تلاش کرده اند ارتباطی بین تشکیلات مستقل تجارت و اصناف و حرف،با فرقه های سیاسی برقرار کنند و به نمونه عیاران و فتوه اشاره کرده اند. (۲)کوهن با کتاب آیا اصنافی در جهان اسلام وجود

ص:۳۶۰

۱- (۱) .کوهن،ص۲۴۴.

۲- (۲) .کوهن،ص۲۴۷.

داشته است به تشکیلات رسمی حسبه به عنوان سازمانی برای نظم اصناف اشاره کرده است.او مدخل بازاریان و اصناف و فتوت از هالم و پیمان شرافت صنعتگران و انجمن غیر صنفی فتوه را ذکر کرده است (۱)و کار باسورث با عنوان سازمان های مخفی و سری در جامعه اسلامی در این راستا پرداخته است.دوره بویهی و فاطمی و ممالیک،از ادوار فعال ارتباط دولت و اصناف و تجارت است که در عصر ممالیک به اوج خود رسید و سیاست اقتصادی ممالیک،از اداره فعال اصناف و تجارت داخلی و خارجی،تبدیل به ورود مستقیم به عرصه اقتصاد شد و دولت ممالیک مؤسسه سیاسی-اقتصادی شد که به وسیله خانات و قیصاریه ها و بازارهای مخصوص با نظام گذرنامه،اقدام به تنظیم امور مالی نمود؛حتی در هر مهمانخانه،ناظری از سوی دولت با عنوان«فندقی» (۲)حضور داشت. (۳)در عصر عثمانی همین سیاست ممالیک در تجارت به شکل گسترده تری استمرار یافت.سیاست سلطنت صفوی در سامان دهی اصناف،منجر به انحصار دولتی بازرگانی شد.او این کار را برای متمرکز ساختن تشکیلات دولتی انجام داد.

تجارت بین المللی تحت نظارت شاه عباس بود و با سقوط پول رایج ایران و نابسامانی وضع پول در ۱۶۸۴م پول اصفهان به قدری کم ارزش شد که چیزی با آن خرید و فروش نمی شد و بازارها هم بسته بودند و اقتصاد ایران به هم ریخت.این امر در نتیجه فقدان ابزار تشکیلاتی در کنترل و مهار اقدامات نامطلوب در اقتصاد بود. (۴)با این وصف،ارتباط تشکیلاتی و اداری دولت های اسلامی،در

۱- (۱) .کوهن،ص۱۲۲و۱۲۳.

۲- (۲) - کondaci.

۳- (۳) .شب رو،ص۱۵۶.

۴- (۴) .کمبریج،ص۲۷۵.

عصر ممالیک و عثمانی و صفوی،با توجه به رشد تجارت و سیاست جهانی اروپا در امر بازرگانی،از دایره نظم سنتی و کلاسیک گذشته خود که امر سکه و پول و بازار و تجارت به واسطه قاضی القضاه و محتسب و امضای سوق کنترل می شد،خارج شد و تشکیلات اسلامی در امر اداره و تنظیم اصناف و بازرگانی داخلی و خارجی شکست خورد و از توسعه در این زمینه عقب ماند.

تشکیلات اسلامی در شبه قاره هند

در هندوستان،در عصر دولت های وابسته به ایران،به ویژه در عصر صفوی اصطلاحات تشکیلاتی و دیوانی متأثر از نظام تشکیلات صفوی در عصر سلاطین بهمنیان دکن،عادلشاهیان،قطب شاهیان،بابرشاهیان وجود دارد.تواچیان،سیاولان،بارداران،چاشنی گیر و مطبخیان،پاتر،پاتران،پانصدی،پرده داران،تمغاچی،تنبول دار،ایلچی،ایشیک آقا،امیر جملگی،امیرالامراء،افتخار الملک،اسلحه دار،اعظم السلاطین،باورچی،بیل دار،جاگیردار،جاندار،حاکم،حاجب،حواله دار،خان اعظم،خبرگیر،خزانچی،خوانسالار،خواجه،داروغه،دبیران،دروازه بان،دستور الملک،درصدی،دو هزاری،ذوالقدر،دیگ شوی،دلال،راجه،رانا،سپهسالار،سرتیز،سرلشکر،سرنوبت،سلاحدار،سنگ تراش،سیصدی شاطران،شحنه بازار،صاحبقران،صدر،صدرالشریعت،صدر جهان،صرّافی،صیادان،طبقچی،طرفدار،خاصه خیل،ظریف الملک،ظهیرالملک،عالم الملک،فراش قاضی،قراول،کوتوال،کوتوالان،منجم،مطبخی،مهردار،میرآخور،مخدومه جهان،ملک التجار،والی،نایب مناب وکیل،وکیل سلطنت،هزار دو صدی،هزار پانصدی،صرافی،صرافان،ترکیبی از واژه های بومی و اداری هندوستان و ایران عصر غزنوی و سلجوقی و صفوی است.درباره آغاز سلطنت،

محمدشاه بهمنی که اصلاحاتی جدید در تشکیلات دولت انجام داد و مناصب جدید از بین تواچیان خود برگزید،می نویسد:

...در کثرت تواچیان و یساولان سعی نمود و جهت منصب داران چهار نوبت قرار داد و به هر کدام خدمتی رجوع کرده،نام ها داد؛چنان که تواچیان را چون احضار لشکر و باردادن خلایق به ایشان رجوع بود را بارداران گفتند.چون سپر و شمشیر و انواع سلاح ها و علم حواله یکه جوانان خاصه بود،ایشان را اسلحه داران خواندند و عدد آنها که چهارهزار بود را خاصه خیل خواندند و...و سپهسالار جمیع ممالک محروسه را امیرالامراء قرار داد. (۱)

تاریخ فرشته در بخش های ویژه ای از کتاب به ذکر تشکیلات و اصلاحات در آنها پرداخته و منبع غنی اصطلاحات تشکیلات دولت های اسلامی هندوستان است.

تشکیلات و اداره امور علمی و آموزشی در جهان اسلام

تاریخ تشکیلات آموزش در جهان اسلام،بخشی از تاریخ نهادهاست؛از جمله مهم ترین این نهادها که در واقع کارکرد سیاسی-اجتماعی داشت و مسیر تاریخ اجتماعی ایران را دچار تغییرات بنیادی ساخت،نهاد آموزش در عصر سلجوقی،یعنی نهاد«نظامیه»است.نظامیه سازمان آموزشی عصر سلجوقی است که شعباتی در سراسر ایران داشت.

۱- (۱) .تاریخ فرشته،ج۱،ص۲۸۳.

پایان تشکیلات اسلامی

تغییرات و برخورد سنت و مدرنیته در تشکیلات اسلامی

پس از سقوط صفویان،دولت های سلاطین بیکاره روی کار آمدند و دوره ای از فروپاشی قدرت در عصر ملوک الطوایف شکل گرفت و ادارات و سازمان های این دولت ها که حکومت های نظامی بودند،نمونه کوچکی از سازمان اداری صفوی است که با اصلاحات و تغییرات جزئی استمرار یافته است.با فروپاشی قدرت،توسعه تشکیلات اسلامی پس از سلطنت صفوی متوقف شد.این سازمان در زمان شاه عباس اول با اصلاحات او،باعث توسعه تشکیلات اسلامی شده بود.مقارن با دولت صفوی،انقلاب فرانسه در قرن ۱۷م،زمینه تشکیل نهادهای جدید اداری در چارچوب جمهوری را فراهم ساخت که در تاریخ نهادها،مهم ترین نقطه عطف است.

دولت صفوی و دولت عثمانی که دو قطب اصلی تشکیلات در جهان اسلام بودند و سازمان ها و ادارات را در چارچوب رقابت سیاسی-اقتصادی و مذهبی با یکدیگر تعیین می کردند،از تحولات اروپا در تشکیلات به دور ماندند؛زیرا این تحولات اساس و ارکان تشکیلات این دو دولت،یعنی نظام خلافت و

سلطنت را منهدم می ساخت و تشکیلاتی در قالب جمهوری عرضه می کرد؛تشکیلات دول پس از صفوی که از پیشرفت اجتماعی نهادها و ادارات به دور بودند،در عصر افشار(۱۱۴۸-۱۲۱۰ق)با اصلاحاتی،ادارات به همان شکل عصر صفوی است.در فهرست مناصب این حکومت نظامی،ملاباشی،صدارت خاصه و عامه،شیخ الاسلام و طبقه قاضیان،قاضی عسگر و الیان،خوانین سلطان ها،ایشیک آغاسی،یساولان و جماعتی از مقرب الحضرت ها و مستوفی الممالک و وکیل مالیات و داروغه و...به چشم می خورد.پس از مرگ نادر،ملوک الطوایفی در ایران توسعه یافت و در هر نقطه از ایران پرچم تأسیس دولت مستقل برافراشته شد.کریم خان زند نیز در دولت کوچک خود،با وجود آن که تا حدودی ملوک الطوایفی را از بین برد،اما به گفته محققان تغییراتی نیز در سیستم حکومتی ایران ایجاد کرد.دولت او را«حکومت وکالتی متمرکز»نامیده اند. (۱)در رأس تشکیلات او که اقتباسی بسیار کوچک از ادارات صفوی است،هفت عنصر عالی اداری،مانند نمونه پایتخت،در شهرها مستقر شدند.وزیر مستوفی،وکیل الرعایا،محصص،کلانتر،نقیب و محتسب،در فهرست کارگزاران پایین دست و حشم همان مناصب عصر صفوی،به حد نیاز کریم خان وجود داشت.

در زمینه قدرت مرکزی و سلطنت و خلافت که رکن تشکیلات صفوی است،موضع کریم خان که خود را وکیل الرعایا و نایب سلطنت نامید،جزو نخستین گام ها در فروپاشی بنیان تشکیلات و توقف توسعه آن است؛زیرا پس از فروپاشی دولت زند،دولت قاجار با ادعای اصلاح اساس تشکیلات،یعنی قدرت سلطنت روی کار آمد و نخستین بنیان گذار دولت قاجار،خود را شاهنشاه واقعی

۱- (۱) .نوذری،ص۳۳۵.

ایران و جانشین صفویه دانست.تشکیلات دولت قاجار که خود را جانشین صفویه در نهاد حکومت می دانست،استمرار سازمان اداری آنهاست؛اما دولت قاجار نتوانست تشکیلات اسلامی را به طور طبیعی در جهت استمرار و توسعه آن متناسب با تحولات جهانی روی کار بیاورد.

دولت قاجار با هجوم مدرنیته غرب در عرصه نظام اداری مواجه شد،که از عوامل اصلی انقلاب مشروطه است.نخستین بار،به فرمان ناصرالدین شاه،اقدامات تشکیلاتی مؤثری با الگوی اروپا در سازمان اداری ایران از جمله گمرک صورت گرفت.میرزا حسن خان سپهسالار کوشید وزارت خانه و درباری با آیین اروپایی تأسیس کند و وزارت داخله،وزارت خارجه،وزارت جنگ،وزارت مالیات،وزارت عدلیه،وزارت علوم،وزارت فواید،وزارت تجارت و زراعت و وزارت دربار با اداره صدر اعظم و کارهای بزرگ در مجلس وزراء با حضور او انجام می شد.سلاطین و امرای قاجار که خود در عصر صفوی بیشتر در مقام قورچی و سایر مشاغل نظامی بودند، (۱)تا پایان کار تشکیلات صفوی را با اصلاحات ظاهری پیش بردند و نزاع سنت و مدرنیته در تشکیلات که حوادث جهان اسلام را تحت نفوذ خود داشت،تا عصر پهلوی نیز نتوانست اساس تشکیلات اداری را منهدم سازد و سرانجام با تأسیس نخستین جمهوری در ایران،اولین تجربه نهادها و تشکیلات که ریشه در نظام جمهوری دارند،انجام گرفت.

۱- (۱) .نفیسی،ص۴۳،۴۵.

ABSTRACT

ن وَ الْقَلَمِ وَ ما يَسْطُرُونَ

" N n.By the Pen and what they write "

«اوصيكم بتقوى الله و نظم امركم»

" I advise you to fear God, to be pious and to arrange your affairs in a right order "

The history of organizations and administration is the main part of the social and political history and the most important sign ofsocial changes and social and political life and progress of human beings.The advent of Islam, besides establishing a new religion in the world, caused substantial and fundamental changes in the administrative systems and governmental institutes and organizations throughout the world.Bureaucracy and government in Islamic countries have domestic originality and Islamic foundation.Recommendations for governmental organization of the affairs and the importance of central government arose from the formation of the first nation-state in Arabian Peninsula, so that subsequently until nine century AC, about ۱۵۰۰ cities were created with the attributes and model of such nation-state which was the core of Islamic government.The classic form of Islamic bureaucracy has been experienced for about more than thousand years in several points of Islamic world.Such successful experience, which had basis in the Caliphate, Imamate and sultanate and in one case in republic state, originates in the bureaucracy experiences of the world in middle age and caused surprise among the European researchers, such as Fransis beyken(۱۶۳۶).

ص:۳۶۹

To establish about three hundred independent or semi-independent states with some branches and different categories by the Muslims in Arabian Peninsula, Iran, India, Anatoly, Transoxiana, Islamic West in Islamic era from the state formed by the Prophet(s)(۱۱ ۱ AH)to the latest period of classic Islamic Caliphate states formed by the Turkish Ottomans(۶۸۰ ۱۳۴۲ AH)produced a huge amount of administrative knowledge.This knowledge suggests the Muslims capability in managing the economic, military, political, social and religious events and was applied in dozen organizations, offices and foundations, that such foundations are called

Islamic formations " .In this respect, about the organizations that the Muslims " established for administering the societies, there are many evidences and documents which have high cultural and civilizational importance; this heritage includes wise ordinances and guidelines on the way to arrange the affairs, that expresses the way of statesmanship in brief; the head of these ordinances is the decree issued by the Forth Caliph of Muslims, the administer of the first Islamic governments, who wrote it lik al-Ashtar, his ruler; in which the basic guidelines applicable in administration ع to M of every society are surprisingly stated in a way that observing them implies(۱)welfare,(۲)justice,(۳)feeling of responsibility and(۴)obligation for all rulers and their agents in all societies; these four issues have been the final political and moral end for all the states from the time of Aristotle to now.Therefore to study the history of Islamic formations has been designed among the main syllabuses in the course of the Islamic nations history and civilization.A large number of cultural foundations and international researchers marked this phenomenon in Islamic civilization and analyzed it, as Max.Weber ۱۸۶۴-۱۹۲۰, German researcher, and CLaude Cahen ۱۹۰۶-۱۹۹۱, the French researcher in Sorbonne University in Paris made some remarks on Islamic formation and its originality, also Cahen directs attention to the importance of corporative organizations. Islamic culture and civilization has a great capacity to change Islamic institutions though history and has provided a great research atmosphere in this respect.The present work as a syllabus book is compiled to be taught for four semesters in postgraduate levelaccording to the topics authorized by the Ministry of Science, research and technology.In this book, the most important state foundations and government offices, the Caliphate and Sultanates

,bureaus in their sovereign territory and bureaus in economy

ص: ٣٧٠

military, religion, registry, post, ministry and secretary sectors are introduced to the extent possible and their mechanisms are suggested according to the available .original documents in the cases of powerful states

The present research starts with studying the formation of the first Islamic state(i.e.the state of the Prophet(s)and follows by explaining the continuation of Islamic power and formation of the basic foundations of the administrative bureaus and foundations in the period of the Rashidun Caliphs and the development of these bureaus in the Umayyad Caliphs period according chronological order.The most significant Islamic institutions are developed in the great Caliphates of the Umayyad in Andalusia, the Fatimid in Cairo and the Abbasids in Baghdad.In this book, the essential parts of governemnt(Dar al-Khilapha)in the most extended Islamic Caliphate i.e.the Abbasids and their dependent states such as the Samanids, the Buyyids, the Ghaznavids, and the saljuqs has been studied, thereafter some administrative institutions in the great states following to the Abbasids such as the Ilkhanates, the Rulers of Egypt, the Ottoman Caliphate and the Safavid Sultanate which competitively organized traditional administrative institutions in a new and revolved form are introduced.Also, the formation of some contemporary minor .governments of the great states is referred too

After the Ottoman Caliphate extinction when the central government in Iran lost its power by the overthrow of Safavid state, the administrative system of the Safavids with some differences was followed up by the local governments and the Afsharid, the Zand and the Qajar states and the western administrative achievements established on republic regime did not find opportunity to be applied in practice in Iran and other Islamic countries, which had had Sultanate regimes until the era of second Pahlavi when this system still was organized in the framework of Sultanate power.Whereas this formation of new administrative system has been applied in many governments in international area through the power of sovereign republic that .is one of the achievements of the Great French Revolution

Dr.MohammadReza Shahidi paak

٠5/١٢/٢٠١٠

ص:٣٧١

منابع

قرآن.

نهج البلاغه.

۱.ابراهیم حسن،ابراهیم،تاریخ سیاسی اسلام،انتشارات جاویدان،تهران.

۲.ابن ابّار،ابوعبدالله،الدولتین،تونس،۱۹۸۴.

۳.ابن اثیر،علی،اُسد الغابه،دارالفکر،بیروت،۲۰۰۵.

۴.ابن اثیر،محمد،الکامل فی التاریخ،دارالکتب العلمیه،بیروت،۱۹۹۸.

۵.ابن الاخوه،محمد،معالم القربه فی احکام الحسبه(آیین شهرداری)،ترجمه جعفر شعار،تهران،۱۳۴۷ش.

۶.ابن الفراء،محمد،الاحکام السلطانیه؛دارالکتب العلمیه،بیروت،۲۰۰۶.

۷.ابن المبرد،جمال الدین،الشجره النبویه فی نسب خیرالبریه،دارالکتب العلمیه،بیروت،۲۰۰۵.

۸.ابن بادیس،عبدالمجید،تفسیر،المکتبه الصریه،بیروت،۲۰۰۶.

۹.ابن جوزی،عبد الرحمن،المنتظم،دارالکتب العلمیه،بیروت.

۱۰.ابن حجر عسقلانی،احمد،الاصابه،دارالفکر،بیروت،۲۰۰۱.

۱۱.ابن خطیب،لسان الدین،اللمحه البدریه فی الدوله النصیریه،دارالافاق الجدیده،بیروت،۱۹۸۰.

۱۲.-،الاعمال الاعلام،دارالکتب العلمیه،بیروت،۲۰۰۲.

۱۳.ابن خلدون،عبدالرحمن،مقدمه،دارالکتب المصری،بیروت،۱۹۹۹.

ص:۳۷۳

۱۴.-،التعریف بابن خلدون ورحلته،دارالسویدی،ابوظبی،۲۰۰۳.

۱۵.-،العبر،دارالکتب اللبنانی،دارالکتب المصری،بیروت،۱۹۹۹.

۱۶.ابن رسته،احمد،الاعلاق النفیسه،دار صادر،بیروت،بریل،۱۸۹۲.

۱۷.ابن سعد،محمد،الطبقات الکبری،دار احیاء التراث العربی،بیروت.

۱۸.-،طبقات،دار صادر،بیروت،۱۹۸۵.

۱۹.ابن سینا،ابوعلی،شفاء،ناشر ذوی القربی،قم،۱۴۲۸ق.

۲۰.ابن صیرفی،قانون دیوان الرسائل،مصر،۱۹۰۵.

۲۱.ابن طقطقی،محمد،تاریخ فخری،بنگاه ترجمه و نشر کتاب،تهران،۱۳۶۰ش.

۲۲.ابن عبدالبر،یوسف،الاستیعاب،دارالکتب العلمیه،بیروت،۱۹۹۵.

۲۳.ابن عذاری مراکشی،البیان المغرب،دارالثقافه،بیروت.

۲۴.ابن عساکر،علی،ترجمه الامام زین العابدین،ارشاد،تهران،۱۹۹۳.

۲۵.ابن فوطی،عبدالرزاق،کتاب الحوادث الجامعه و التجارب النافعه،منشورات الرشید،قم،۱۳۸۴.

۲۶.ابن قتیبه دینوری،ابی محمد،ادب الکاتب،مکتبه العصریه،بیروت،۲۰۰۴.

۲۷.ابن قطان،حسن،نظم الجمان،دارالغرب الاسلامی،بیروت،۱۹۹۰.

۲۸.ابن مسکویه،ابوعلی،تجارب الامم،سروش،تهران،ش.

۲۹.ابن مقفع،عبدالله،آثار ابن مقفع،دارالکتب العلمیه،بیروت،۱۹۸۱.

۳۰.ابن مماتی،قوانین الدواوین،عزیز سوریان عطیه،قاهره،۱۹۹۱.

۳۱.ابن منظور،لسان العرب،نشر ادب حوزه،قم،۱۳۶۳ ش.

۳۲.ابن ندیم،محمد،الفهرست،ابن سینا،تهران،۱۳۴۳ش.

۳۳.ابو الرجاء،نجم الدین،آثار الوزراء،مطالعات فرهنگی،تهران،۱۳۶۳ش.

۳۴.ابو الفداء،اسماعیل،المختصر فی أخبار البشر،دارالکتب العلمیه،بیروت،۱۹۹۷.

۳۵.ابو یوسف،یعقوب،کتاب الخراج،سلفیه،قاهره،۱۳۵۲.

۳۶.ابی نصر کاشانی،انوشروان،تاریخ دول آل سلجوق،دارالرائه،قاهره،۱۹۷۴.

۳۷.اجتهادی،ابوالقاسم،بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین،سروش،تهران،۱۳۶۳ش.

۳۸.احمد یاغی،اسماعیل،دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال،ترجمه رسول جعفریان،حوزه و دانشگاه،قم،۱۳۸۳ش.

۳۹.الاستبصار فی عجائب الامصار،عراق،۱۹۸۶.

۴۰.اشپولر،برتولد،تاریخ ایران در قرن نخستین اسلامی،انتشارات علمی و فرهنگی،ترجمه مریم احمدی،تهران ۱۳۷۹ش.

۴۱.اصطخری،ابراهیم،مسالک و ممالک،علمی و فرهنگی،تهران،۱۳۶۸ش.

۴۲.اقبال،عباس،تاریخ مغول،امیرکبیر،تهران،۱۳۷۹ش.

۴۳.-،وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی،دانش پژوه،تهران،۱۳۳۸ش.

۴۴.الانباری،عبدالرزاق،النظام القضائی فی بغداد،مطبعه نعمان،نجف،۱۹۷۷.

۴۵.انوری،حسن،اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی،طهوری،تهران،۱۳۵۵ش.

۴۶.آ.بویل.جی،تاریخ ایران کمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی ایلخانیان،ترجمه انوشه امیرکبیر،تهران،۱۳۷۹ش.

۴۷.باسورث،ادموند،سلسله های اسلامی،ترجمه بدره ای،انتشارات باز،تهران،۱۳۸۱ش.

۴۸.باسورث،کلیفورد،تاریخ غزنویان،امیرکبیر،تهران،۱۳۷۲.

۴۹.بورن،رُهر،نظام ایالات در دوره صفویه،ترجمه جهانداری،بنگاه ترجمه و نشر،تهران،۱۳۵۷ش.

۵۰.بروکلمان،کارل،تاریخ ملل و دول اسلامی،ترجمه جزایری،انتشارات علمی و فرهنگی،تهران،۱۳۸۳.

۵۱.برهاوی،محمود،خدمات الاوقاف،مطبعه المجمع العلمی،بغداد،۲۰۰۲.

۵۲.بغدادی،محمد،التوسل إلی الترسل،تهران،شرکت سهامی چاپ،۱۳۱۵ش.

۵۳.البغوی،ابن الفراء،حسین،رسل الملوک،ترجمه پروین اتابکی،انتشارات انقلاب اسلامی،تهران،۱۳۶۳ش.

۵۴.بلاذری،ابن الحسن،فتوح البلدان،انتشارات ارومیه،قم،۱۴۰۴ه.

۵۵.بلک،آنتونی،تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام،اطلاعات،تهران،۱۳۸۵ش.

۵۶.بنداری،فتح،مختصر تواریخ آل سلجوق،لیدن،۱۸۸۹.

۵۷.بیهقی،ابوالفضل،تاریخ بیهقی،چوگان،تهران،۱۳۷۸ش.

۵۸.-،تاریخ بیهقی،ناشر مهتاب،چاپ هشتم،تهران،۱۳۸۱ش.

۵۹.-،تصحیح نفیسی،انتشارات کتابخانه سنایی،تهران،۱۳۱۹ش.

۶۰.پژوهش کمبریج،تاریخ اسلام،ترجمه احمد آرام،امیرکبیر،تهران،۱۳۷۸ش.

ص:۳۷۵

۶۱.–،تاریخ ایران در دوره صفویان،ترجمه آژند،نشر جامی،چاپ سوم،تهران،۱۳۸۷ش.

۶۲.التادلی،یوسف،التشوف،مطبوعات افریقیه الشمالیه،رباط،۱۹۵۸.

۶۳.تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی،انتشارات علمی و فرهنگی،تهران،۱۳۷۹ش.

۶۴.تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی،ترجمه میراحمدی،شرکت انتشارات علمی و فرهنگی،۱۳۷۹ش.

۶۵.ثعالبی،یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر،دارالکتب العلمیه،بیروت،۲۰۰۰.

۶۶.جابری،محمد عابد،العصبیه و الدوله؛دارالشؤون الثقافیه عراق،بغداد،دارالنشر المغربیه.

۶۷.–،تکوین العقل العربی،مرکز الدراسات،بیروت،۱۹۹۴.

۶۸.جاحظ،ابی عثمان،التاج،توس،تهران،۱۹۹۵.

۶۹.–،الرسائل الجاحظ،دارالمکتبه الهلال،بیروت.

۷۰.–،عمروبن بحر،الرسائل السیاسیه،دارالمکتبه الهلال،بیروت.

۷۱.جعفریان،رسول،صفویه در عرصه دین و فرهنگ و سیاست،پژوهشکده حوزه و دانشگاه،قم،۱۳۷۹ش.

۷۲.جوینی،محمد،تاریخ جهان گشای جوینی،دنیای کتاب،تهران،۱۳۸۲ش.

۷۳.جهشیاری،محمد،کتاب الوزراء و الکتاب،مطبعه حنفی،مصر،۱۹۳۸.

۷۴.چارشلی،اسماعیل،تاریخ عثمانی،پژوهشگاه علوم انسانی،تهران،۱۳۸۰ش.

۷۵.حدیدی،جواد،اسلام از دیدگاه ولتر،نشر دانشگاهی،تهران،۱۳۷۴.

۷۶.حسن قمی،عبدالملک،تاریخ قم،تحقیق تهرانی،تهران،۱۳۱۳ ش.

۷۷.حسن،هادی،دریانوردی ایرانیان.

۷۸.حلّاق،حسّان،تعریب النقود و الدواوین فی الفقه الاموی،دارالنهضه الوبیه،بیروت،۱۹۸۸.

۷۹.حلبی،احمد،عمده الحفاظ،دارالکتب العلمیه،بیروت،۱۹۹۶.

۸۰.حمیدالله،محمد،سلوک بین المللی دولت اسلامی،ترجمه محقق،تهران،نشر علوم اسلامی،۱۳۸۰ش.

۸۱.-،نامه ها و پیمان های سیاسی حضرت محمد صلی الله علیه و آله،ترجمه حسینی،سروش،تهران،۱۳۷۴ش.

۸۲.خشنی،محمد،طبقات علماء افریقیه،درالغرب الاسلامی، ۱۹۹۰.

۸۳.خطیب بغدادی،احمد،تاریخ بغداد،دارالغرب الإسلامی،بیروت،۲۰۰۱.

۸۴.الخطیب،عبدالله مهدی،ایران در روزگار امویان،ترجمه افتخارزاده،رسالت قلم،تهران،۱۳۷۸ش.

۸۵.خلیفه بن خیاط،ابی عمرو،تاریخ خلیفه بن الخیاط،دارالکتب العلمیه،بیروت،۱۹۹۵.

۸۶.-،کتاب الطبقات،دارالکتب العلمیه،بیروت،۱۹۹۳.

۸۷.خنجی،فضل بن روزبهان،سلوک الملوک،ترجمه محمد علی موحد،خوارزمی،تهران،۱۳۶۲ش.

۸۸.خنجی،فضل الله،مهمان نامه بخارا،انتشارات علمی و فرهنگی،تهران،۱۳۸۴ش.

۸۹.خوارزمی،ابوبکر،رسایل،نشر آثار و مفاخر فرهنگی،تهران،۱۳۸۴.

۹۰.خوارزمی،محمدبن احمد،مفاتیح العلوم،ترجمه خدیوجم،مرکز انتشارات علمی و فرهنگی،تهران،۱۳۶۲ش.

۹۱.خویی،ابوالقاسم،معجم رجال الحدیث،بیروت،۱۹۸۳.

۹۲.دهخدا،لغت نامه،مؤسسه دهخدا،تهران،مجلدات مختلف.

۹۳.راوندی،محمد،راحه الصدور،اقبال،تهران،۱۹۲۱.

۹۴.رزنتال،فرانتز،میراث کلاسیک اسلام،ترجمه پلاسید،طهوری،تهران،۱۳۸۵.

۹۵.رضوان،عبدالحسیب،دراسات فی الحسبه من الناحیتین التاریخیه و الفقهیه،طبعه الاولی،۱۹۹۰.

۹۶.زرین کوب،عبدالحسین،کارنامه اسلام،امیر کبیر،تهران،۱۳۸۲.

۹۷.زیدان،جرجی،تاریخ تمدن اسلامی،امیرکبیر،تهران،۱۳۷۳.

۹۸.سالم،عبدالعزیز،تاریخ البحریه الإسلامیه،دارالنهضه العربیه،بیروت،۱۹۸۱.

۹۹.سامر،فیصل،دولت حمدانیان،ترجمه ذکاوتی،دفتر همکاری قم،۱۳۸۰.

۱۰۰.سلاوی،احمد،الاستفصاء،وزاره الثقافه،دارالبیضاء ۲۰۰۱.

۱۰۱.سیوطی،عبدالرحمن،تاریخ الخلفاء،انتشارات رضی،قم،۱۳۷۰.

۱۰۲.-،حسن المحاظره فی اخبار المصر و القاهره،دارالکتب العلمیه،بیروت،۱۹۹۷.

۱۰۳.شبارو،عصام،محمد،دولت ممالیک،ترجمه بختیاری،قم، ۱۳۸۰.

ص:۳۷۷

۱۰۴.شبارو،عصام،محمد،السلاطین فی المشرق العربی،معالم دورهم السیاسی و الحضاری،الممالیک،النهضه العربیه للطباعه،بیروت،۱۹۹۴.

۱۰۵.شهابی،علی اکبر،ادوار فقه،وزارت ارشاد،تهران،۱۳۷۲ش.

۱۰۶.شهیدی پاک،فرهنگ و تمدن قم در قرن سوم هجری،وزارت ارشاد و نشر کوثر،تهران،۱۳۸۳ش.

۱۰۷.شیبانی،محمد،کتاب السیر و الخراج و العشر،اداره القرآن و العلوم الاسلامیه،ریاض،۱۴۱۷ه.

۱۰۸.صابی،هلال،تحفه الامراء فی تاریخ الوزراء،بیروت،۱۹۹۰.

۱۰۹.صبحی صالح،النظم الاسلامیه،منشورات الرضی،قم،۱۴۱۷ه.

۱۱۰.صدرالمتألهین،محمد،رساله سه اصل،بنیاد صدرا،تهران،۱۳۸۱ش.

۱۱۱.صدوق،ابی جعفر محمدبن علی بن حسین بن بابویه،عیون اخبار الرضا،انتشارات شریف رضی،قم،۱۳۷۸ش.

۱۱۲.الصیرفی،علی،نزهه النفوس والابدان،الهیئه المصریه العامه للکتب مصر،قاهره،۱۹۹۴.

۱۱۳.طباطبایی،محمد حسین،اصول فلسفه و روش رئالیسم،صدرا،قم.

۱۱۴.عالم،عبدالرحمن،بنیادهای علم سیاست،نی،تهران،۱۳۸۹ش.

۱۱۵.العباسی،حسن،آثار الاول فی ترتیب الاول،دار جیل،بیروت،۱۴۰۹.

۱۱۶.عسقلانی،احمد،الاصابه فی تمییز الصحابه،دارالفکر،بیروت،۲۰۰۱.

۱۱۷.العلی،احمد،الدوله فی عهد الرسول،مطبعه المجمع العلمی العراقی،۱۹۸۸.

۱۱۸.علی،جواد،المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام،منشورات شریف الرضی،قم،۱۳۸۰.

۱۱۹.غزالی،محمد،نصیحه الملوک،تهران،۱۳۱۷ش.

۱۲۰.فلور،ویلم،نظام قضایی عصر صفوی،ترجمه زندیه،انتشارات حوزه و دانشگاه،قم،۱۳۸۱.

۱۲۱.فرشته،تاریخ فرشته،چاپ سنگی.

۱۲۲.قدامه بن جعفر،کتاب الخراج،لیدن،۱۸۸۹.

۱۲۳.قطب،ابراهیم محمد،السیاسه المالیه،النهضه المصریه للکتاب،قاهره،۱۹۸۸.

۱۲۴.قلقشندی،مآثر الاناقه فی معالم الخلافه،عالم الکتاب،بیروت.

۱۲۵.کتانی،عبدالحی،نظام اداری مسلمانان صدر اسلام،ترجمه قراگزلو،۱۳۸۴.

۱۲۶.کلوزنر،کارلا،دیوان سالاری در عهد سلجوقی،ترجمه آژند،امیرکبیر،تهران،۱۳۸۱ش.

۱۲۷.کندرمان،هانس،مصطلح السفینه عندالعرب،ترجمه نجم عبدالله مصطفی،المجمع الثقافی،ابوظبی،۲۰۰۲.

۱۲۸.کندی،محمد،الولاه کتاب القضاه،مطبعه الیسوعیین،بیروت،۱۹۰۸.

۱۲۹.گرجی،ابوالقاسم؛آیتی،تاریخ پیامبر اسلام،دانشگاه تهران،تهران،۱۳۶۹.

۱۳۰.گردیزی،عبدالحی،زین الأخبار،انتشارات بنیاد فرهنگ،تهران.

۱۳۱.گیبون،ادوارد،انحطاط و سقوط امپراتور روم،ترجمه شادمان،علمی و فرهنگی،تهران،۱۳۸۱ش.

۱۳۲.لسترنج،کی،بلدان الخلافه الشرقیه،مکتبه الحیدریه،قم،۱۳۸۵ش.

۱۳۳.لمبتون،آن کاترین،تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران،ترجمه آژند،نشر نی،تهران،۱۳۷۲ش.

۱۳۴.-،مالک و زارع در ایران،ترجمه امیری،تهران،۱۳۳۹ش.

۱۳۵.ماجد،عبدالمنعم،نظم دوله سلاطین ممالیک و رسومهم فی مصر،مکتبه الانجلو،قاهره،۱۹۷۹.

۱۳۶.مادلونگ،آلفرد،جانشینی محمد،ترجمه گروهی از نویسندگان آستان قدس،.

۱۳۷.ماوردی،ابوالحسن،الأحکام السلطانیه،دارالکتب العلمیه،بیروت.

۱۳۸.متز،آدام،تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری،امیرکبیر،تهران،۱۳۶۴.

۱۳۹.متی،رودلف پ،اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی،ترجمه زندیه،دفتر همکاری حوزه و دانشگاه،قم ۱۳۸۷ش.

۱۴۰.مجموعه مقالات نهمین کنگره همایش داخلی ملاصدرا،«فلسفه سیاسی در حکمت ملاصدرا»،شهیدی پاک،تهران، ۱۳۸۶ش.

۱۴۱.المحامی،نظام الحکم فی عهد الراشدین.

۱۴۲.محمدی،محمد،تاریخ و فرهنگ ایران،(پیوست ها)،طوس،تهران،۱۳۷۹ش.

۱۴۳.-،تاریخ و فرهنگ ایران،طوس،تهران،۱۳۷۹ش.

۱۴۴.-،فرهنگ ایران پیش از اسلام،طوس،تهران،۱۳۷۴ش.

۱۴۵.مراکشی،عبدالواحد،المعجب،دارالکتب العلمیه،بیروت،۱۹۸۸.

۱۴۶.مسبحی،اخبار مصر فی سنتین،۴۱۴و۴۱۵ق،به کوشش میلورد، ۱۹۸۰.

۱۴۷.مسعودی،ابوالحسن،التنبیه والاشراف،دارالعبادی للنشر،قاهره.

۱۴۸.-،مروج الذهب،انتشارات علمی و فرهنگی،ترجمه پاینده،تهران، ۱۳۷۰ش.

۱۴۹.مشایخی،قدرت الله،حسبه یا نظارت بر سلامت اجرای قانون،انتشارات انصاریان،۱۳۷۶ش.

۱۵۰.مصاحب،غلامحسین،دائره المعارف فارسی،تهران، ۱۳۸۱.

۱۵۱.المعاضیدی،الدوله العربیه الاسلامیه فی العصر الاموی،وزارء التعلیم،بغداد، ۱۹۹۲.

۱۵۲.مقدسی،محمدبن احمدبن ابوبکر،احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم،لیدن،۱۹۰۶.

۱۵۳.مقری،احمد،نفح الطیب من غصن اندلس الرطیب،دار صادر،بیروت،۱۹۶۸.

۱۵۴.مقریزی،احمدبن علی بن عبدالقادر،اتعاظ الحنفاء باخبار الائمه الفاطمیین الخلفاء،دارالکتب العلمیه،بیروت، ۲۰۰۱.

۱۵۵.-،الخطط المقریزیه،مکتبه مدبولی،قاهره،۱۹۹۸.

۱۵۶.-،السلوک لمعرفه دول الملوک،دارالکتب العلمیه،بیروت، ۱۹۹۷.

۱۵۷.-،المواعظ والاعتبار فی ذکر الخطط والاثار المعروف بالخطط المقریزیه،مکتبه مدبولی،قاهره،۱۹۸۸.

۱۵۸.-،النقود الاسلامیه،منشورات رضی،چاپ اول،قم،۱۳۸۷ش.

۱۵۹.المنوفی،محمد،کتاب لطائف اخبار الاول،مکتبه الایمان،منصورف ۲۰۰۰م.

۱۶۰.-،ورقات عن حضاره المرینیین،کلیه الآداب،مغرب،۱۹۶۶.

۱۶۱.مونس،حسین،اطلس جهان اسلام،ترجمه دکتر آذر نوش.

۱۶۲.مؤلف مجهول،الحلل الموشیه،الدرالبیضاء.

۱۶۳.-،تاریخ سیستان،تصحیح ملک الشعرا بهار،انتشارات معین،تهران،۱۳۸۵ش.

۱۶۴.میرزا رفیعا،دستورالملوک،مارچینکوفسکی،ترجمه کردآبادی،تهران،۱۳۸۵ش.

۱۶۵.میکل،آندره،اسلام و تمدن اسلامی،سمت،تهران،ش.

۱۶۶.نخجوانی،محمد هندوشاه،تجارب السلف،اقبال،تهران،۱۳۱۳ش.

۱۶۷.-،دستورالکاتب و تعیین المراتب،آکادمی علوم شوروی،انتشارات دانش،مسکو،۱۹۶۴.

۱۶۸.نخستین همایش آرمان شهر اسلامی،دانشگاه اصفهان،اصفهان،۱۳۸۷.

۱۶۹.نرشخی،محمدبن جعفر،تاریخ بخارا،تصحیح محمدتقی مدرس رضوی،نشر سنایی،تهران،۱۳۱۷ش.

۱۷۰.نسوی،محمد،سیرت جلال الدین منیرنی،ترجمه مجتبی مینویی،تهران،علمی و فرهنگی،۱۳۶۵ش.

۱۷۱.النشمی،عجیل جاسم،المستشرقون و مصادر التشریع الاسلامی،کویت،۱۹۸۴.

۱۷۲.نظام الملک،حسن،سیاست نامه،زوار،تهران،۱۳۵۷ش.

۱۷۳.نفیسی،سعید،تاریخ سیاسی اجتماعی ایران،اهورا،تهران،۱۳۸۳ش.

۱۷۴.نوذری،عزت الله،تاریخ اجتماعی ایران،نشر خجسته،۱۳۸۵.

۱۷۵.وات،مونتگمری،محمد فی المدینه،المطبعه العصریه،بیروت.

۱۷۶.واقدی،عمر،المغازی،مرکز النشر الإسلامی،۱۴۱۴ق.

۱۷۷.هازارد،هاروی،اطلس جهان اسلام،انتشارات فرانکلین آمریکا،ترجمه محمود عرفان،ابن سینا،تهران،۱۹۵۲.

۱۷۸.هروی،جواد،تاریخ سامانیان،امیرکبیر،تهران، ۱۳۸۰.

۱۷۹.هینتس،والتر،تشکیل نخستین دولت ملی در ایران،ترجمه جهانداری،انتشارات خوارزمی،تهران،۱۳۶۱.

۱۸۰.یعقوبی،احمد،البلدان،دار صادر،بیروت،افست بریل،ج۱۸۹.

۱.Dozi/; Rinhart; supple'ment aux Dictionnaires arabes, Leiden, ۱۹۷۲.

۲.EI.

۳.Lahbib,MAAMRI monnaies ine'dites des Idrissides,Editions post modernite; paris; ۲۰۰۶.

۴.Lambton; Anna; Landlord and peasant in persia; London; ۱۹۵۲.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹